



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



اعتراف

محمد علی جلالی طالب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعتكاف

نویسنده:

محمدعلی جلالی طلب

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۳	اعتکاف
۲۳	مشخصات کتاب
۲۳	اشاره
۲۴	فهرست
۵۷	راهنما
۵۸	مقدمه
۶۰	فصل اول: تعریف اعتکاف
۶۰	۱- مفهوم لغوی اعتکاف
۶۱	۲- مفهوم اصطلاحی اعتکاف
۶۱	۳- مفهوم اعتکاف از دیدگاه علما
۶۲	۴- اعتکاف در قرآن
۶۴	۵- اعتکاف در معنای لغوی در متون ادب فارسی
۶۸	فصل دوم: اعتکاف در سیره انبیاء و اولیاء الله قبل از اسلام
۶۸	اشاره
۶۹	۱- حضرت ابراهیم علیه السلام
۶۹	۲- حضرت سلیمان علیه السلام
۶۹	۳- حضرت موسی علیه السلام
۷۰	۴- حضرت الیاس علیه السلام
۷۰	۵- حضرت زکریا علیهما السلام
۷۰	۶- حضرت مریم علیه السلام
۷۰	اشاره
۷۱	۱-۶- رهبانیت
۷۳	۲-۶- تفاوت رهبانیت و اعتکاف

- ۷۳ (۱) اعتکاف خاستگاه شرعی دارد نه سلیقه ای
- ۷۴ (۲) اعتکاف متفاوت با تحریم طیبات
- ۷۵ (۳) اعتکاف متفاوت با انزوا
- ۷۵ (۴) اعتکاف و جایگاه محوری مسجد
- ۷۵ (۵) اعتکاف، عمل پسندیده اما موقت
- ۷۶ ۳-۶- مفاسد رهبانیت از دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی
- ۷۶ ۷- دوران جاهلیت و قبل از بعثت
- ۷۸ فصل سوم: اعتکاف در سیره و کلام معصومین و علما
- ۷۸ ۱- سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیه السلام
- ۷۸ اشاره
- ۷۸ ۱-۱- حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم
- ۷۸ اشاره
- ۸۱ ۱-۱-۱- روایاتی از اهل سنت
- ۸۳ ۲-۱- امیرالمومنین علی علیه السلام
- ۸۳ ۳-۱- امام حسن علیه السلام
- ۸۴ ۴-۱- امام حسین علیه السلام
- ۸۵ ۵-۱- امام سجاد علیه السلام
- ۸۵ ۶-۱- امام صادق علیه السلام
- ۸۵ ۷-۱- امام کاظم علیه السلام
- ۸۶ ۸-۱- امام رضا علیه السلام
- ۸۶ ۲- سیره عارفان و عالمان
- ۸۶ ۱-۲- سید بن طاووس رحمه الله (۵۸۹-۶۶۴ق)
- ۸۷ ۲-۲- مقدس اردبیلی رحمه الله (م ۹۹۳ق)
- ۸۸ ۳-۲- شیخ بهایی رحمه الله (۹۵۳-۱۰۳۰ق)
- ۸۹ ۴-۲- شیخ لطف الله میسی عاملی اصفهانی رحمه الله (م ۱۰۳۲ق)
- ۹۰ ۵-۲- ملا حسینی همدانی رحمه الله (۱۲۳۹-۱۳۱۱ق)

۹۰	۶-۲-آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی رحمه الله (۱۲۳۰-۱۳۲۶).....
۹۰	۷-۲-حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی رحمه الله (۱۲۷۹-۱۳۶۱ق).....
۹۱	۸-۲-آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله (۱۲۷۷-۱۳۶۵ق).....
۹۱	۹-۲-آیت الله سید علی قاضی طباطبایی رحمه الله (۱۲۸۵-۱۳۶۶ق).....
۹۱	۱۰-۲-آیت الله شیخ علی قمی رحمه الله (۱۲۸۳-۱۳۷۱ق).....
۹۱	۱۱-۲-کاشف الغطا رحمه الله (۱۲۹۴-۱۳۷۳ق).....
۹۲	۱۲-۲-آیت الله ناصرى.....
۹۲	۱۳-۲-علمای تاثیر گذار در ترویج اعتکاف در ایران معاصر.....
۹۵	۱۴-۲-آیت الله العظمی خامنه ای.....
۹۹	۱۵-۲-آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی.....
۱۰۰	۱۶-۲-آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.....
۱۰۱	۱۷-۲-آیت الله العظمی مکارم شیرازی.....
۱۰۳	۱۸-۲-آیت الله العظمی جوادی آملی.....
۱۰۶	فصل چهارم: آداب، احکام و شرایط اعتکاف.....
۱۰۶	اشاره.....
۱۰۶	و جوب به جا آوردن اعتکاف.....
۱۰۷	اقسام اعتکاف.....
۱۰۷	۱-اقسام اعتکاف از لحاظ مستحب یا واجب بودن.....
۱۰۷	۲-اقسام اعتکاف از لحاظ اصلتی یا نیابتی بودن.....
۱۰۷	اشاره.....
۱۰۷	اقسام اعتکاف نیابتی.....
۱۰۹	شرایط صحت اعتکاف.....
۱۰۹	اشاره.....
۱۰۹	۱-ایمان.....
۱۱۱	۲-عقل.....
۱۱۱	اشاره.....

- ۱۱۲-۱-۲-اعتکاف کودک ممیز
- ۱۱۲-۳-نیت و قصد قربت
- ۱۱۲-۱-۳-قصد قربت
- ۱۱۳-۲-۳-قصد وجه
- ۱۱۴-۳-۳-وقت نیت
- ۱۱۵-۴-۳-ماندن در مسجد
- ۱۱۶-۵-۳-شرط رجوع یا عدول
- ۱۱۶-اشاره
- ۱۱۹-۱-۵-۳-صیغه نذر یا نیت اعتکاف مشروط (دارای شرط رجوع)
- ۱۲۰-۶-۳-عدول از نیت اعتکاف
- ۱۲۰-۱) عدول از اعتکافی به اعتکافی دیگر
- ۱۲۰-۲) عدول از نیابت شخصی به نیابت شخص دیگر
- ۱۲۱-۳) عدول از اعتکاف اصالتی به اعتکاف نیابتی
- ۱۲۱-۴-روزه
- ۱۲۱-اشاره
- ۱۲۱-۱-۴-مبطلات روزه
- ۱۲۱-اشاره
- ۱۲۲-۱) افطار اجباری در اعتکاف
- ۱۲۲-۲) مصادف شدن اعتکاف با عید فطر یا قربان
- ۱۲۳-۲-۴-چه روزه ای را می توان در اعتکاف گرفت؟
- ۱۲۳-اشاره
- ۱۲۴-۱) روزه استیجاری در اعتکاف
- ۱۲۴-۲) روزه قضا در اعتکاف
- ۱۲۵-۳) روزه مستحبی در اعتکاف، در صورت داشتن روزه واجب
- ۱۲۶-۳-۴-اعتکاف بیمار
- ۱۲۸-۴-۴-روزه در سفر

- ۱۲۸ ۴-۵- نذر روزه در سفر
- ۱۳۱ ۴-۶- نذر روزه و اعتکاف در حین سفر
- ۱۳۲ ۴-۷- روزه قضا در سفر
- ۱۳۲ ۴-۸- اعتکاف در سفر
- ۱۳۲ اشاره
- ۱۳۵ ۴-۸-۱- احکام اعتکاف در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۳۷ ۵- مدت اعتکاف
- ۱۳۷ اشاره
- ۱۳۹ ۵-۱- اعتکاف ناپیوسته
- ۱۳۹ ۵-۲- شروع اعتکاف پس از طلوع فجر
- ۱۳۹ ۵-۳- محدوده روز در اعتکاف
- ۱۴۰ ۵-۴- اضافه نمودن بخشی از روز به اعتکاف
- ۱۴۱ ۵-۵- اعتکاف به صورت تلفیقی
- ۱۴۲ ۵-۶- اعتکاف یک ماهه
- ۱۴۳ ۶- حضور در مسجد جامع
- ۱۴۳ اشاره
- ۱۴۶ ۶-۱- تعدد مساجد جامع
- ۱۴۶ ۶-۲- غیر عادل بودن امام جماعت مسجد جامع
- ۱۴۷ ۶-۳- اعتکاف در غیر مسجد جامع
- ۱۴۹ ۶-۴- اعتکاف در غیر مسجد
- ۱۴۹ ۶-۵- تعریف مسجد جامع
- ۱۴۹ اشاره
- ۱۵۱ (۱) مساجد جامع متروک
- ۱۵۲ (۲) اعتکاف در مسجد جمکران
- ۱۵۲ (۳) تشخیص عدم داشتن شرایط مسجد، پس از اعتکاف
- ۱۵۳ (۴) احراز جامعیت مسجد

- ۱۵۴ ----- ۶-۶-اعتکاف در دو مسجد
- ۱۵۵ ----- ۶-۷-اعتکاف در محل غصبی یا مشخص شده توسط دیگری
- ۱۵۸ ----- ۶-۸-اعتکاف در مکان معینی از مسجد
- ۱۵۸ ----- ۶-۹-محدوده مسجد
- ۱۶۲ ----- ۷-اجازه از صاحب اجازه
- ۱۶۲ ----- اشاره
- ۱۶۲ ----- ۷-۱-اجازه والدین
- ۱۶۳ ----- ۷-۲-اجازه زن از شوهر
- ۱۶۵ ----- ۷-۳-اجازه صاحب کار
- ۱۶۶ ----- ۸-پیوستگی توقف
- ۱۶۶ ----- اشاره
- ۱۶۷ ----- ۸-۱-موارد مجاز خروج معتکف از مسجد
- ۱۷۰ ----- ۸-۲-حکم خروج معتکف جهت
- ۱۸۰ ----- ۸-۳-ملاک ضرورت و میزان خروج مجاز از مسجد
- ۱۸۱ ----- ۸-۴-مواردی که واجب است، معتکف از مسجد خارج شود
- ۱۸۳ ----- ۸-۵-خارج نشدن از مسجد، در صورت وجوب خروج
- ۱۸۴ ----- ۸-۶-اموری که معتکف در بیرون از مسجد باید رعایت کند
- ۱۸۶ ----- ۸-۷-طولانی شدن خروج از مسجد در موارد مجاز
- ۱۸۶ ----- ۸-۸-ایجاد مانع جهت ادامه اعتکاف
- ۱۸۷ ----- محرمات اعتکاف
- ۱۸۷ ----- اشاره
- ۱۸۷ ----- ۱-لذتهای جنسی
- ۱۸۹ ----- ۲-بویدن عطر و هر بوی خوش و گیاه معطر همراه با لذت
- ۱۸۹ ----- اشاره
- ۱۸۹ ----- ۲-۱-بویدن بوی خوش توسط فرد فاقد حس بویایی
- ۱۹۰ ----- ۲-۲-استفاده از مواد بهداشتی، آرایشی و خوراکی های معطر

۱۹۱ ۳-۲-استعمال عطر جهت نماز و مسجد
۱۹۲ ۴-۲-بطلان اعتکاف در صورت بوییدن بوی خوش
۱۹۴ ۳-مجادله و مناقشه
۱۹۴ ۴-مبطلات روزه
۱۹۵ ۵-خرید و فروش
۱۹۵ اشاره
۱۹۶ ۱-۵-موارد مجاز خرید و فروش در اعتکاف
۱۹۸ ۲-۵-گرفتن و دادن قرض در اعتکاف
۱۹۹ ۳-۵-عقود دیگر در اعتکاف
۱۹۹ حکم انجام محرمات اعتکاف به صورت عمد
۲۰۳ حکم محرمات اعتکاف در صورت انجام سهوی یا از روی جهل
۲۰۳ مبطلات اعتکاف
۲۰۴ قطع اعتکاف
۲۰۷ تکلیف معتکف پس از قطع یا باطل شدن اعتکاف
۲۰۹ قطع روزه
۲۱۰ قضای اعتکاف
۲۱۰ (۱) زمان ادای قضای اعتکاف
۲۱۰ (۲) قضای اعتکاف معتکف فوت شده
۲۱۱ نذر اعتکاف
۲۱۱ ۱-چگونگی خواندن صیغه نذر اعتکاف
۲۱۲ ۲-عدم وفا به نذر اعتکاف
۲۱۲ ۳-نذر اعتکاف در شهر خاص
۲۱۳ ۴-انجام اعتکاف نذری در ماه رمضان
۲۱۳ ۵-نذر اعتکاف جهت حاجات
۲۱۳ کفارہ اعتکاف
۲۱۶ احکام خاص بانوان

۲۱۶ اشاره
۲۱۶ (۱) خوردن قرص ضدبارداری جهت شرکت در اعتکاف
۲۱۷ (۲) آرایش نمودن
۲۱۷ (۳) طلاق
۲۱۷ (۴) وظیفه حیض در اعتکاف
۲۲۱ برخی اعمال مباح در اعتکاف
۲۲۲ برخی مستحبات و مکروهات اعتکاف
۲۲۵ متفرقه
۲۲۵ (۱) جنب شدن قبل از اعتکاف
۲۲۵ (۲) تعریف عُرف
۲۲۷ (۳) برخی احکام اعمال ام داود
۲۲۸ فصل پنجم: زمان، اعمال، آداب و ادعیه اعتکاف
۲۲۸ اشاره
۲۲۸ زمان اعتکاف
۲۲۹ فضیلت ماه رجب
۲۳۱ اعمال مشترک ماه رجب
۲۳۱ اشاره
۲۳۱ ۱- غسل
۲۳۲ ۲- نماز
۲۳۵ ۳- روزه
۲۳۷ ۴- دعا
۲۳۷ اشاره
۲۳۷ ۱- ۴- دعایی از امام سجّاد علیه السلام
۲۳۷ ۲- ۴- دعاهایی از امام صادق علیه السلام
۲۳۹ ۳- ۴- دعاهایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۴۱ ۵- استغفار

۲۴۲ ۶-تهلیل
۲۴۳ ۷-خواندن سوره توحید
۲۴۴ ۸-خواندن زیارت امام حسین علیه السلام
۲۴۴ فضیلت و اعمال اختصاصی ایام البیض ماه رجب
۲۴۴ اشاره
۲۴۵ ۱-اعمال اختصاصی شب سیزدهم
۲۴۶ ۲-اعمال اختصاصی روز سیزدهم
۲۴۶ ۳-اعمال اختصاصی شب چهاردهم
۲۴۶ ۴-فضیلت و اعمال اختصاصی شب پانزدهم
۲۴۸ ۵-فضیلت و اعمال اختصاصی روز پانزدهم رجب
۲۵۲ ۶-اعمال ام داود (دعای استفتاح)
۲۵۲ اشاره
۲۵۲ ۱-۶-ام داود کیست؟
۲۵۲ ۲-۶-تعلیم دعا به ام داود توسط امام صادق علیه السلام
۲۵۵ ۳-۶-مراحل اعمال ام داود
۲۷۵ فضیلت ماه مبارک رمضان
۲۷۵ اشاره
۲۷۵ ۱-اعتکاف در ماه مبارک رمضان
۲۷۶ فصل ششم: مسجد و اعتکاف
۲۷۶ ۱-کلیات و تعریف مفاهیم مسجد
۲۷۶ اشاره
۲۷۶ ۱-۱-تعریف لغوی مسجد
۲۷۷ ۲-۱-تعریف اصطلاحی و عرفی مسجد
۲۷۷ ۳-۱-تعریف مصطلح شرعی مسجد
۲۷۷ ۲-تاریخچه ساخت مسجد
۲۷۸ ۳-آیات قرآن در خصوص مسجد

- ۴-مسجد در کلام معصومین علیهم السلام ۲۷۸
- ۴-۱-مسجد در کلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم ۲۷۸
- ۴-۲-مسجد در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام ۲۸۵
- ۴-۳-مسجد در کلام امام حسین علیه السلام ۲۸۶
- ۴-۴-مسجد در کلام امام باقر علیه السلام ۲۸۶
- ۴-۵-مسجد در کلام امام صادق علیه السلام ۲۸۶
- ۴-۶-مسجد در کلام امام موسی کاظم علیه السلام ۲۸۷
- ۴-۷-مسجد در کلام امام رضا علیه السلام ۲۸۸
- ۵-توصیه هایی در خصوص مسجد و اعتکاف ۲۸۸
- اشاره ۲۸۸
- ۵-۱-رعایت آداب و اعمال حضور در مسجد در آیات و روایات ۲۸۸
- ۵-۱-۱-آیات قرآن کریم ۲۸۸
- ۵-۱-۲-روایاتی از معصومین ۲۸۹
- ۵-۱-۲-۱-توصیه هایی مربوط به ورود و خروج به مسجد ۲۸۹
- ۵-۱-۲-۲-برخی اعمال توصیه شده در مسجد ۲۹۳
- فصل هفتم: برخی مناسبت های ایام البیض ماه رجب ۳۰۰
- وقایع روز سیزدهم ۳۰۰
- ۱-ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام ۳۰۰
- اشاره ۳۰۰
- ۱-۱-تولّد حضرت علی علیه السلام در کعبه معظمه ۳۰۰
- ۱-۲-برخی منزلت های امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن ۳۰۱
- اشاره ۳۰۱
- ۱-۲-۱-آیه ليله المبيت (بقره: ۲۰۷) ۳۰۱
- ۱-۲-۲-آیه ولایت (مانده: ۵۵) ۳۰۲
- ۱-۲-۳-آیه تبلیغ (مانده: ۶۷) ۳۰۲
- ۱-۳-برخی منزلت های حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روایات ۳۰۳

- ۲- ولادت امام علی التّقی علیه السلام ۳۰۴
- ۳- شهادت شیخ فضل الله نوری (۱۲۵۹-۱۳۲۷ق) ۳۰۴
- وقایع روز پانزدهم ۳۰۴
- ۱- وفات حضرت زینب علیها السلام ۳۰۴
- اشاره ۳۰۴
- ۱-۱- فضایل حضرت زینب علیها السلام ۳۰۶
- (۱) علم ۳۰۶
- (۲) حلم و صبر وصف نشدنی ۳۰۶
- (۳) شجاعت ۳۰۹
- (۴) فصاحت و بلاغت ۳۱۰
- ۲- شهادت حضرت امام صادق علیه السلام ۳۱۱
- ۳- تغییر قبله ۳۱۱
- ۴- ازدواج حضرت علی با حضرت فاطمه علیهما السلام ۳۱۱
- فصل هشتم: توصیه هایی به معتکفین ۳۱۳
- مراقبت های قبل از اعتکاف ۳۱۳
- اشاره ۳۱۳
- ۱- گرفتن حلالیت از اطرافیان و رفع کدورت ها ۳۱۳
- ۲- ادای حقوق مالی ۳۱۳
- ۳- داشتن حضور قلب ۳۱۳
- ۴- آگاهی کامل از احکام اعتکاف و مطالعه دقیق آن ها ۳۱۳
- ۵- تنظیم برنامه روزانه ۳۱۳
- ۶- گذاشتن شرط رجوع ۳۱۴
- ۷- آماده کردن وسایل مورد نیاز در اعتکاف ۳۱۴
- ۸- هدیه کردن ثواب اعتکاف ۳۱۴
- ۹- گذراندن مرحله اول سیر عرفانی (سیر من الخلق الی الحق) ۳۱۴
- اشاره ۳۱۴

۳۱۵	۹-۱-منزل بیداری (یقظه یا توجه)
۳۱۵	۹-۲-منزل توبه
۳۱۵	اشاره
۳۱۷	۹-۲-۱-چگونگی توبه
۳۱۸	۹-۳-منزل تقوا
۳۱۹	۹-۴-منزل تخلیه
۳۱۹	۹-۵-منزل تحلیه
۳۱۹	۹-۶-منزل تجلیه
۳۲۰	مراقبت های هنگام اعتکاف
۳۲۰	۱-تنظیم برنامه روزانه
۳۲۰	۲-اخلاص در انجام عبادات
۳۲۷	۳-حضور قلب در اعتکاف
۳۲۹	۴-نظارت و مراقبت
۳۲۹	۵-رعایت حرمت و احکام مسجد
۳۲۹	۶-تلاش در دستیابی به هدف نهایی اعتکاف (وصول کمال)
۳۲۹	۷-به جا آوردن نماز در وقت فضیلت
۳۳۰	۸-محاسبه نفس
۳۳۰	۹-تفکر و اندیشه
۳۳۰	اشاره
۳۳۱	۹-۱-محورهای اصلی تفکر
۳۳۲	۹-۲-برخی از موارد تفکر و نتایج آن
۳۳۴	۱۰-ترک گناه و توبه از آن
۳۳۶	۱۱-انجام عاشقانه عبادات مستحبی
۳۳۶	۱۲-اقامه نماز جماعت و نمازهای مستحبی
۳۳۶	اشاره
۳۳۷	۱۲-۱-نماز جعفر طیار

- ۳۳۹ ۱۳- اقامه نماز شب
- ۳۳۹ اشاره
- ۳۴۲ ۱- ۱۳- آثار نماز شب
- ۳۴۲ اشاره
- ۳۴۳ (۱) برخی آثار دنیوی نماز شب
- ۳۴۳ (۲) برخی آثار معنوی نماز شب
- ۳۴۳ (۳) برخی آثار پس از مرگ نماز شب
- ۳۴۳ ۲- ۱۳- کیفیت نماز شب
- ۳۴۴ ۳- ۱۳- وقت نماز شب
- ۳۴۴ ۴- ۱۳- برخی روش های بیدار شدن برای نماز شب
- ۳۴۵ ۱۴- انجام تعقیبات بعد از نماز
- ۳۴۵ ۱۵- قرائت قرآن کریم
- ۳۴۶ ۱۶- دایم الوضو بودن
- ۳۴۶ ۱۷- گنجاندن برنامه های آموزشی، مطالعه و جلسات علمی
- ۳۴۶ ۱۸- رعایت حال دیگر معتکفین
- ۳۴۷ ۱۹- احسان، همکاری و کمک به عوامل اجرایی
- ۳۴۷ ۲۰- صرف افطار و سحری به صورت دسته جمعی
- ۳۴۷ ۲۱- چگونگی اطلاع از اخبار جامعه
- ۳۴۸ ۲۲- سادگی در انتخاب نوع غذا
- ۳۴۸ ۲۳- انجام نرمش صبحگاهی
- ۳۴۸ ۲۴- تمرین حضور در مسجد
- ۳۴۸ ۲۵- رعایت پاکی
- ۳۴۸ ۲۶- توصیه های بهداشتی ویژه معتکفین
- ۳۵۰ ۲۷- رعایت اصول تغذیه در اعتکاف
- ۳۵۱ ۲۸- پرهیز از امور دنیوی
- ۳۵۱ ۲۹- پرهیز از زیاده روی در شوخی

- ۳۰-عدم انجام کارهای لغو ۳۵۲
- ۳۱-پرهیز از زیاده روی در خواب ۳۵۲
- ۳۲-حتی الامکان استفاده نکردن از تلفن همراه ۳۵۲
- ۳۳-خاطره نویسی ۳۵۲
- ۳۴-مطالعه شرح حال بزرگان معنوی ۳۵۲
- ۳۵-انس با خوبان و مشورت با علما در این فرصت مناسب ۳۵۲
- ۳۶-تصمیم گیری برای مسایل کلان زندگی ۳۵۳
- ۳۷-شکرگذاری به درگاه خداوند ۳۵۳
- ۳۸-شناخت آسیب های وارده به اعتکاف ۳۵۳
- ۳۹-رعایت آداب اعتکاف مهدوی و معتکفین منتظر ۳۵۴
- ۴۰-گذراندن مرحله دوم سیر عرفانی (سیر من الحق الی الحق) ۳۵۷
- اشاره ۳۵۷
- ۴۰-۱-ضمت و دوری از پرگویی و کلام لغو ۳۵۸
- ۴۰-۲-جوع ۳۵۹
- ۴۰-۳-سحرخیزی ۳۵۹
- ۴۰-۴-عُزَلت ۳۶۰
- ۴۰-۵-ذکر و تسبیح ۳۶۲
- اشاره ۳۶۲
- (۱)مرتبه اول: ذکر لفظی ۳۶۵
- (۲)مرتبه دوم: ذکر قلبی ۳۶۵
- (۳)مرتبه سوم: ذکر عملی ۳۶۶
- ۴۰-۶-دعا ۳۶۶
- اشاره ۳۶۶
- ۴۰-۶-۱-از خدا چه بخواهیم؟ ۳۶۹
- مراقبت های بعد از اعتکاف ۳۷۰
- ۱-ارزشیابی و جمع بندی ۳۷۰

۳۷۰	۲-آوردن یادگاری و سوغاتی
۳۷۰	۳-شکرگذاری
۳۷۱	۴-حفظ آنس خود با مسجد
۳۷۱	۵-حفظ دوستان
۳۷۱	۶-گذراندن مرحله سوّم سیر عرفانی (سیر من الحق الی الخلق)
۳۷۱	۶-۱-حفظ آثار و دستاوردهای معنوی
۳۷۱	اشاره
۳۷۴	۶-۱-۱-کنترل اعضا و جوارح
۳۷۵	۶-۱-۲-برنامه اجتماعی
۳۷۵	۶-۲-خدمت به خلق
۳۷۶	۶-۳-تبلیغ عملی و گسترش فرهنگ اعتکاف
۳۷۶	۶-۴-دیگرسازی، بعد از خودسازی
۳۷۷	فصل نهم: توصیه هایی به متولیان اعتکاف
۳۷۷	۱-آموزه های بهداشتی
۳۷۸	۲-آموزه های فرهنگی و مدیریتی
۳۸۶	۳-گسترش فرهنگ اعتکاف
۳۸۸	۴-شناخت برخی آسیب های وارده بر عملکرد متولیان اعتکاف
۳۸۸	۴-۱-تبدیل اعتکاف به مراسمی مشابه سمینار
۳۸۸	۴-۲-عدم حضور بزرگان و مسوولین در اعتکاف
۳۸۹	۵-آمار معتکفین
۳۹۲	فصل دهم: فلسفه و آثار اعتکاف
۳۹۲	اشاره
۳۹۳	۱-برخی از آثار فردی اعتکاف
۳۹۳	اشاره
۳۹۳	۱-۱-گریز از غفلت و روزمرگی
۳۹۴	۱-۲-تمرین عمل گرایی

- ۳-۱- تمرین انقطاع از غیر ۳۹۵
- ۴-۱- ایجاد آرامش روانی در معتکف ۳۹۵
- ۵-۱- پیشگیری از بدی ها و دوری از آتش جهنم ۳۹۵
- ۶-۱- زمینه ساز اخلاص و انس با خدا ۳۹۵
- ۷-۱- زمینه ساز توجه قلبی به خدا ۳۹۷
- ۸-۱- زمینه ساز خودشناسی و دستیابی به توانایی و کمال ۳۹۸
- ۹-۱- زمینه ساز پاکی و عاقبت نیکو ۳۹۹
- ۱۰-۱- زمینه ساز توبه و بخشش گناهان ۳۹۹
- ۱۱-۱- زمینه ساز استقامت در عبادت و تفکر ۴۰۰
- ۱۲-۱- فراهم نمودن زمینه برای تأمل و تفکر در درون ۴۰۰
- ۱۳-۱- رسیدن به آثار خلوت گزینی و پرهیز از اجتماع زدگی ۴۰۰
- ۱۴-۱- تقویت اراده ۴۰۱
- ۱۵-۱- تحوّل درونی معتکف و فرصتی برای خدایی شدن ۴۰۲
- ۱۶-۱- رهایی از تعلقات مادی ۴۰۳
- ۱۷-۱- تنظیم کننده حقوق اجتماعی معتکف ۴۰۳
- ۱۸-۱- انس با خوبان و یافتن دوستانی اهل معنا ۴۰۳
- ۱۹-۱- بهره گیری از اندیشه ها و تجربیات معنوی و اخلاقی بزرگان ۴۰۴
- ۲۰-۱- تضعیف مادی گرایی و تعلقات مادی ۴۰۴
- ۲۱-۱- دستیابی به گنجینه هایی از رحمت خاصّ خدا ۴۰۴
- ۲۲-۱- توفیق تلاوت بیشتر قرآن و بهره مندی از برکات آن ۴۰۵
- ۲۳-۱- ذکر و یاد خدا و چشیدن شیرینی آن ۴۰۵
- ۲۴-۱- جلب محبت خدا و تحصیل بهشت الهی و تقرب به او ۴۰۵
- ۲۵-۱- انس با معنویات ۴۰۶
- ۲۶-۱- دوری از غفلت ۴۰۶
- ۲۷-۱- افزایش تواضع و فروتنی ۴۰۷
- ۲۸-۱- تجمیع ثواب اعمال عبادی و دریافت پاداش بسیار ۴۰۷

- ۴۰۷ ۲۹-۱- مهمان شدن بر خدا درخانه اش
- ۴۰۷ ۳۰-۱- برآورده شدن حاجت ها و دریافت پاداش بی پایان
- ۴۰۸ ۳۱-۱- بهره گیری از آثار نماز
- ۴۰۸ ۳۲-۱- بهره گیری از آثار روزه
- ۴۰۹ ۲- برخی آثار اجتماعی اعتکاف
- ۴۰۹ ۲-۱- نوسازی معنوی جامعه و مقاوم سازی اندیشه فرهنگی
- ۴۱۰ ۲-۲- کاهش جرم و فساد
- ۴۱۰ ۲-۳- درمان ناهنجاری ها و لغزش های فردی و اجتماعی
- ۴۱۱ ۲-۴- تاثیر اعتکاف در کاهش بلایای عمومی
- ۴۱۱ ۲-۵- مقابله با تهاجم فرهنگی و دفاع از ارزش ها
- ۴۱۲ ۲-۶- دعوت به خوبی ها
- ۴۱۲ ۲-۷- سنتی نیکو برای جامعه
- ۴۱۳ فصل یازدهم: عبادات همسان اعتکاف از جنبه ثواب
- ۴۱۳ اشاره
- ۴۱۳ ۱- حل مشکلات و برآورده کردن حاجات دیگران
- ۴۱۶ ۲- همنشینی با علما
- ۴۱۶ ۳- زیارت سید الشهداء
- ۴۱۷ فصل دوازدهم: اعتکاف پرتوی از حج و ماه مبارک رمضان
- ۴۱۷ اشاره
- ۴۱۷ ۱- مقایسه اعتکاف با حج و ماه مبارک رمضان
- ۴۱۷ ۱-۱- از جنبه محرمات
- ۴۱۸ ۱-۲- مهمان خدا بودن
- ۴۱۸ ۱-۳- از جنبه هدف
- ۴۱۸ ۱-۴- از جنبه ثواب
- ۴۱۹ ۱-۵- از جنبه خودسازی
- ۴۱۹ ۱-۶- از جنبه جامعیت

- ۴۱۹ ۲-جملات ادبی
- ۴۲۱ فصل سیزدهم: اعتکاف در آینه شعر و نثر
- ۴۲۱ ۱-اعتکاف در آینه شعر
- ۴۲۶ ۲-اعتکاف در آینه نثر
- ۴۲۶ ۲-۱-نجوای اعتکاف
- ۴۲۸ ۲-۲-جملات ادبی
- ۴۴۰ ۲-۳-قطعه های ادبی
- ۴۴۰ ۲-۳-۱-مهمانی
- ۴۴۱ ۲-۳-۲-راهی برای انس با خدا
- ۴۴۲ ۲-۳-۳-پایان اعتکاف
- ۴۴۴ ۲-۴-خاطرات
- ۴۴۴ ۲-۴-۱-خاطره ای از آیت الله نجم الدین طبری
- ۴۴۴ ۲-۴-۲-سقف آبی مسجد
- ۴۴۶ ۲-۴-۳-غریبه آشن
- ۴۴۶ ۲-۴-۴-اعتکاف در غربت
- ۴۴۸ ۲-۴-۵-چرا اعتکاف؟
- ۴۴۹ ۲-۴-۶-دنیاپی از نور و صفا
- ۴۵۰ لغت نامه
- ۴۵۶ منابع
- ۴۷۱ چکیده
- ۴۷۴ سیر مطالعاتی کتاب براساس فرصت زمانی مطالعه
- ۴۷۵ درباره مرکز

مشخصات كتاب

سرشناسه: جلالى طلب، محمدعلى، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پديد آور: اعتكاف / محمدعلى جلالى طلب.

مشخصات نشر: قم: بنياد فرهنگى حضرت مهدي موعود (عج)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهري: ۴۲۳ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵س م.

شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۰۲-۶

وضعيت فهرست نويسى: فيپا

موضوع: اعتكاف

رده بندي كنگره: BP۱۸۸/۲/ج ۸الف ۶ ۱۳۹۲

رده بندي ديويى: ۲۹۷/۳۵۴

شماره كتابشناسى ملي: ۳۲۴۱۶۰۱

ص: ۱

اشاره

اعتكاف

مؤلف: محمدعلى جلالى طلب

ناشر: انتشارات بنياد فرهنگى حضرت مهدي موعود (عج)

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۲

شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۰۲-۶

شمارگان: هزار نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

* قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶)/ ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

* تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود/۴ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

www.mahdi۳۱۳.com

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، عبدا... شریفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، عباس فریدی (طراح جلد و صفحه آرا) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

حسین احمدی

۰۹۲۷۸-۴

فهرست

راهنما

مقدمه

فصل اول-تعریف اعتکاف

۱-مفهوم لغوی اعتکاف

۲-مفهوم اصطلاحی اعتکاف

۳-مفهوم اعتکاف از دیدگاه علما

۳-اعتکاف در قرآن

۴-اعتکاف در معنای لغوی در متون ادب فارسی

فصل دوم-اعتکاف در سیره انبیاء و اولیاء الله قبل از اسلام

۱-حضرت ابراهیم علیه السلام

۲-حضرت سلیمان علیه السلام

۳-حضرت موسی علیه السلام

۴-حضرت الیاس علیه السلام

۵-حضرت زکریا علیهما السلام

۶-حضرت مریم علیها السلام

۱-۶-رهبانیت

۲-۶-تفاوت رهبانیت و اعتکاف

۱)اعتکاف خاستگاه شرعی دارد نه سلیقه ای

۲)اعتکاف متفاوت با تحریم طیبیات

۳)اعتکاف متفاوت با انزوا

۴)اعتکاف و جایگاه محوری مسجد

۵)اعتکاف، عمل پسندیده اما موقت

۳-۶-مفاسد رهبانیت از دیدگاه آیت ا... مکارم شیرازی

۷-دوران جاهلیت و قبل از بعثت

فصل سوم-اعتکاف در سیره معصومین و بزرگان اسلام و ایران معاصر

۱-سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام

۱-۱- حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

۱-۱-۱- روایاتی از اهل سنت

۱-۲- امیرالمومنین علی علیه السلام

۱-۳- امام حسن علیه السلام

۱-۴- امام حسین علیه السلام

۱-۵- امام سجاد علیه السلام

۱-۶- امام صادق علیه السلام

۱-۷- امام کاظم علیه السلام

۱-۸- امام رضا علیه السلام

۲- سیره عارفان و عالمان

۲-۱- سید بن طاووس رحمه الله

۲-۲- مقدّس اردبیلی رحمه الله

۲-۳- شیخ بهایی رحمه الله

۲-۴- شیخ لطف الله میسی عاملی اصفهانی رحمه الله

۲-۵- ملا حسینقلی همدانی رحمه الله

۲-۶- آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی رحمه الله

۲-۷- حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی رحمه الله

۲-۸- آیت ... سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله

۲-۹- آیت الله سید علی قاضی طباطبائی رحمه الله

۱۰-۲- آیت الله شیخ علی قمی رحمه الله

۱۱-۲- کاشف الغطا رحمه الله

۱۲-۲- آیت الله ناصری

۱۳-۲- علمای تاثیرگذار در ترویج اعتکاف در ایران معاصر

۱۴-۲- آیت الله العظمی خامنه ای

۱۵-۲- آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی

۱۶-۲- آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

۱۷-۲- آیت الله العظمی مکارم شیرازی

۱۸-۲- آیت الله العظمی جوادی آملی

فصل چهارم: آداب، احکام و شرایط اعتکاف

و جوب به جا آوردن اعتکاف

(۱) نذر، عهد، و قسم

(۲) شرط ضمن عقد

(۳) اجاره

(۴) سومین روز اعتکاف

اقسام اعتکاف

۱- اقسام اعتکاف از لحاظ مستحب و واجب بودن

۱-۱- واجب معین

۱-۲- واجب غیر معین (موسع)

۱-۳- مستحب

۲- اقسام اعتکاف از لحاظ اصالتی و نیابتی بودن

۱-۲- اصالتاً (برای خود)

۲-۲- نیابتاً

۱-۲-۲- به نیابت از مردگان

۲-۲-۲- به نیابت از زندگان

شرایط صحّت اعتکاف

۱- ایمان

۲- عقل

۱-۲-اعتکاف کودک ممیز

۳-نیت و قصد قربت

۱-۳-قصد قربت

۲-۳-قصد وجه

۳-۳-وقت نیت

۴-۳-ماندن در مسجد

۵-۳-شرط رجوع یا عدول

۱-۵-۳-صیغه نذر یا نیت اعتکاف مشروط (دارای شرط رجوع)

۶-۳-عدول از نیت اعتکاف

(۱) عدول از اعتکافی به اعتکاف دیگر

(۲) عدول از نیابت شخصی به نیابت شخص دیگر

(۳) عدول از اعتکاف اصالتی به اعتکاف نیابتی

۴-روزه

۴-۱-مبطلات روزه

(۱) افطار اجباری در اعتکاف

(۲) مصادف شدن اعتکاف با عید فطر یا قربان

۴-۲-چه روزه ای را میتوان در اعتکاف گرفت؟

(۱) روزه استیجاری در اعتکاف

(۲) روزه قضا در اعتکاف

(۳) روزه مستحبی در اعتکاف، در صورت داشتن روزه واجب

۴-۳-اعتکاف بیمار

۴-۴-روزه در سفر

۴-۵-نذر روزه در سفر

۴-۶-نذر روزه و اعتکاف در حین سفر

۴-۷-روزه قضا در سفر

۴-۸-اعتکاف در سفر

۴-۸-۱-احکام اعتکاف در مسجدالحرام و مسجدالنبی (ص)

۵-مدت اعتکاف

۱-۵-اعتكاف ناييسته

۲-۵-شروع اعتكاف پس از طلوع فجر

۳-۵-محدوده روز در اعتكاف

۴-۵-اضافه نمودن بخشي از روز، به اعتكاف

۵-۵-اعتكاف به صورت تلفيقي

۶-۵-اعتكاف يك ماهه

۶-حضور در مسجد جامع

۱-۶-تعدد مساجد جامع

۲-۶-غير عادل بودن امام جماعت مسجد جامع

۳-۶-اعتکاف در غیر مسجد جامع

۴-۶-اعتکاف در غیر مسجد

۵-۶- تعریف مسجد جامع

۱) مساجد جامع متروک

۲) اعتکاف در مسجد جمکران

۳) تشخیص عدم داشتن شرایط مسجد، پس از اعتکاف

۴) احراز جامعیت مسجد

۶-۶-اعتکاف در دو مسجد

۷-۶-اعتکاف در محل یا فرش غضبی

۸-۶-اعتکاف در مکان معینی از مسجد

۹-۶-محدوده مسجد

۷-اجازه از صاحب اجازه

۱-۷-اجازه والدین

۲-۷-اجازه زن از شوهر

۳-۷-اجازه صاحب کار

۸-پیوستگی توقف

۱-۸-موارد مجاز خروج معتکف از مسجد

۱) اداء شهادت و گواهی دادن در دادگاه

۲) عیادت مریض

۳) تشییع جنازه

۴) انجام سایر کارهای ضروری یا شرعی که مصلحتی در آن نهفته باشد

۵) بدرقه و استقبال مسافر

۲-۸- حکم خروج معتکف جهت :

۱) شرکت در نماز جمعه بعنوان امام یا ماموم

۲) شرکت در نماز جماعت به عنوان امام یا ماموم (غیر مسجدالحرام)

۳) رفتن سر کلاس

۴) رفتن محل کار

۵) برای وضو و غسل مستحبی و مسواک زدن

- ۶) تلفن زدن به خانواده در موارد غیر ضروری و امور متعارف
- ۷) دیدار با خانواده در بیرون و در حیاط مسجد
- ۸) استحمام در سرویس بهداشتی مسجد خارج از مسجد
- ۹) برای شستن دندانها و دستها
- ۱۰) جهت وضوی مستحبی، شستن ظرف یادست و مسواک زدن در مسجد
- ۱۱) زیارت حضرت رضا و معصومه علیهما السلام جهت معتکف نزدیک حرم
- ۱۲) صرف غذا در سالن غذاخوری محوطه مسجد
- ۱۳) خرید نیازمندیهای سایر معتکفین مثل افطاری و سحری
- ۱۴) خرید و فروش
- ۱۵) شرکت در مراسم و راهپیمائی های مهم مانند روز قدس، ۲۲ بهمن
- ۱۶) آوردن غذا و وسایل و شستن لباس و ظروف
- ۱۷) ازاله خون از بدن
- ۱۸) گرفتن وضوی واجب
- ۱۹) متفرقه
- ۳-۸-۳- ملاک ضرورت و میزان خروج مجاز از مسجد
- ۴-۸-۴- مواردی که واجب است، معتکف از مسجد خارج شود
- ۱-۴-۸-۴-۱- انجام غسل واجب مانند جنابت
- ۱-۴-۸-۴-۱-۱- محل انجام غسل واجب
- ۱) اگر غسل کردن در مسجد مانع داشته باشد

۲) اگر غسل کردن در مسجد مانع نداشته باشد

۲-۴-۸-پرداخت بدهی

۳-۴-۸-انجام کار واجب دیگری که لازم باشد از مسجد خارج شود

۵-۸-خارج نشدن از مسجد در صورت وجوب خروج

۶-۸-اموری که معتکف در بیرون از مسجد باید رعایت کند

۷-۸-طولانی شدن خروج از مسجد در موارد مجاز

محرمات اعتکاف

۱-لذت های جنسی

۲-بوئیدن عطر و هر بوی خوش و گیاه معطر

۱-۲- بوییدن بوی خوش توسط فرد فاقد حس بویایی

۲-۲- استفاده از مواد بهداشتی، آرایشی و خوراکی های معطر

۳-۲- استعمال عطر جهت نماز و مسجد

۴-۲- بطلان اعتکاف در صورت بوییدن بوی خوش

۳- مجادله و مناقشه

۴- مبطلات روزه

۵- خرید و فروش

۱-۵- موارد مجاز خرید و فروش در اعتکاف

۲-۵- گرفتن و دادن قرض در اعتکاف

۳-۵- عقود دیگر در اعتکاف

حکم محرّمات اعتکاف

۱- لذّتهای جنسی

۲- مبطلات روزه

۳- معامله

۴- شّم طیب

۵- مجادله

حکم محرّمات اعتکاف در صورت انجام سهوی یا از روی جهل مبطلات اعتکاف

۱- از بین رفتن صحّت اعتکاف

۲- محرّمات اعتکاف

قطع اعتكاف

۱) واجب معين ۱۲۲

۲) واجب موسع

۳) مستحب

تكليف معتكف پس از قطع يا باطل شدن اعتكاف

قطع روزه

قضاى اعتكاف

۱) زمان اداى قضاى اعتكاف

۲) قضاى اعتكاف معتكف فوت شده

نذر اعتکاف

(۱) چگونگی خواندن صیغه نذر اعتکاف

(۲) عدم وفا به نذر اعتکاف

(۳) نذر اعتکاف در شهر خاص

(۴) انجام اعتکاف نذری در ماه رمضان

(۵) نذر اعتکاف جهت حاجات

احکام خاص بانوان

(۱) خوردن قرص ضدبارداری جهت شرکت در اعتکاف

(۲) آرایش نمودن

(۳) طلاق

(۴) وظیفه حائض در اعتکاف

برخی اعمال مباح در اعتکاف

برخی مستحبات و مکروهات اعتکاف

متفرقه

(۱) جنب شدن قبل از اعتکاف

(۲) تعریف عرف

(۳) برخی احکام اعمال امّ داود

فصل پنجم: زمان، اعمال، آداب و ادعیه اعتکاف

زمان اعتکاف

فضیلت ماه رجب

اعمال مشترک ماه رجب

۱- غسل

۲- نماز

۱-۲- شصت رکعت نماز

۲-۲- ده رکعت نماز

۳-۲- دو رکعت نماز

۴-۲- نماز حضرت سلمان

۵-۲- چهار رکت نماز

۶-۲-سی رکعت نماز

۷-۲-نماز شب

۸-۲-نماز جعفر طیار

۳-روزه

۴-دعا

۱-۴-دعایی است از امام سجّاد علیه السلام

۲-۴-دعاهایی از امام صادق علیه السلام

۳-۴-دعاهایی از امام زمان □

۵-استغفار

۶-تهلیل

۷-خواندن سوره توحید

۸-خواندن زیارت امام حسین علیه السلام

فضیلت و اعمال اختصاصی ایام البیض ماه رجب

۱-اعمال اختصاصی شب سیزدهم

۲-اعمال اختصاصی روز سیزدهم

۳-اعمال اختصاصی شب چهاردهم

۴-فضیلت و اعمال اختصاصی شب پانزدهم

۵-فضیلت و اعمال اختصاصی روز پانزدهم

۶-اعمال ام داود (دعای استفتاح)

۱-۶-۱-ام داود کیست؟

۲-۶-تعلیم دعا به امّ داود توسط امام صادق علیه السلام

۳-۶-مراحل اعمال امّ داود

فضیلت ماه مبارک رمضان

۱-اعتکاف در ماه رمضان

فصل ششم-مسجد و اعتکاف

کلیات و تعریف مفاهیم مسجد

۱-تعریف لغوی مسجد

۲-تعریف اصطلاحی و عرفی مسجد

۳-تعریف مصطلح شرعی مسجد

تاریخچه ساخت مسجد

آیات قرآن در خصوص مسجد

مسجد در کلام معصومین علیهم السلام

۱-مسجد در کلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

۲-مسجد در کلام حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام

۳-مسجد در کلام امام حسین علیه السلام

۴-مسجد در کلام امام باقر علیه السلام

۵-مسجد در کلام امام صادق علیه السلام

۶-مسجد در کلام امام موسی کاظم علیه السلام

۷-مسجد در کلام امام رضا علیه السلام

توصیه هائی در خصوص مسجد و اعتکاف

۱-رعایت آداب و اعمال حضور در مسجد در آیات و روایات

۱-۱-آیات قرآن کریم

۱-۲-روایاتی از معصومین

۱-۲-۱-توصیه هایی مربوط به ورود و خروج به مسجد

۱-۲-۲-برخی اعمال توصیه شده در مسجد

فصل هفتم-برخی مناسبتهای ایام البیض ماه رجب

وقایع روز سیزدهم

۱- ولادت امیرالمومنین علیه السلام

۱-۱- جریان تولد حضرت علی علیه السلام در کعبه معظمه

۱-۲- برخی منزلت های امیرالمومنین علیه السلام در قرآن

۱-۲-۱- آیه ليله المبيت (بقره: ۲۰۷)

۱-۲-۲- آیه ولایت (مائده: ۵۵)

۱-۲-۳- آیه سقایه الحاج (توبه: ۱۹-۲۲)

۱-۳- برخی منزلت های امیرالمومنین علیه السلام در روایات

۲- ولادت امام علی النقی علیه السلام

۳- شهادت شیخ فضل الله نوری رحمه الله

وقایع روز پانزدهم

۱-وفات حضرت زینب علیها السلام

۱-۱-فضائل حضرت زینب علیها السلام

(۱)علم

(۲)حلم و صبر و صف ناشدنی

(۳)شجاعت

(۴)فصاحت و بلاغت

۲-شهادت حضرت امام صادق علیه السلام

۳-تغییر قبله

۴-ازدواج حضرت علی با حضرت فاطمه علیهما السلام

فصل هشتم-توصیه هایی به معتکفین

مراقبتهای قبل از اعتکاف

۱-آمادگی درونی و بیرونی معتکف

۱-۱-گرفتن حلالیت از اطرافیان و رفع کدورتها

۲-۱-اداء حقوق مالی و دینی

۲-داشتن حضور قلب

۳-آگاهی کامل از احکام اعتکاف و مطالعه دقیق آنها

۴-تنظیم برنامه

۵-گذاشتن شرط رجوع

۶-آماده کردن وسائل مورد نیاز در اعتکاف

۷-هدیه کردن ثواب اعتکاف

۸-گذراندن مرحله اول سیر عرفانی اعتکاف(سیر من الخلق الی الحق)

۱-۸-منزل بیداری(یقظه یا توجّه)

۲-۸-منزل توبه

۱-۲-۸-چگونگی توبه

۳-۸-منزل تقوا

۴-۸-منزل تخلیه

۵-۸-منزل تحلیه

۶-۸-منزل تجلیه

مراقبت‌های هنگام اعتکاف

۱-تنظیم برنامه روزانه

۲-اخلاص در انجام عبادات

۳-حضور قلب در اعتکاف

۴-نظارت و مراقبت

۵-رعایت حرمت و احکام مسجد

۶-تلاش در دستیابی به هدف نهایی اعتکاف(وصول کمال)

۷-به جا آوردن نماز در وقت فضیلت

۸-محاسبه نفس

۹-تفکر و اندیشه

۹-۱-محورهای اصلی تفکر

۹-۲-برخی از موارد تفکر و نتایج آن

۱۰-ترک گناه و توبه از آن

۱۱-انجام عاشقانه عبادات مستحبی

۱۲-اقامه نماز جماعت و نمازهای مستحبی

۱۲-۱-نماز جعفر طیار

۱۳-اقامه نماز شب

۱۳-۱-آثار نماز شب

۱) برخی آثار دنیوی نماز شب

۲) برخی آثار معنوی نماز شب

۳) برخی آثار پس از مرگ نماز شب

۲-۱۳- کیفیت نماز شب

۳-۱۳- وقت نماز شب

۴-۱۳- برخی روشهای بیدار شدن برای نماز شب

۱۴- انجام تعقیبات بعد از نماز

۱۵- قرائت قرآن کریم

۱۶- دائم الوضو بودن

۱۷- گنجاندن برنامه های آموزشی، مطالعه و جلسات علمی

۱۸- رعایت حال دیگر معتکفین

۱۹- احسان و همکاری در اعتکاف

۲۰- صرف افطار و سحری به صورت دسته جمعی

۲۱- چگونگی اطلاع از اخبار جامعه

۲۲- سادگی در انتخاب نوع غذا

۲۳- انجام نرمش صبحگاهی

۲۴- تمرین حضور در مسجد

۲۵- رعایت پاکی

۲۶- توصیه های بهداشتی ویژه معتکفین

۲۷- رعایت اصول تغذیه در اعتکاف

۲۸- پرهیز از امور دنیوی

۲۹- پرهیز از زیاده روی در شوخی

۳۰- عدم انجام کارهای لغو

۳۱- پرهیز از زیاده روی در خواب

۳۲- حتی الامکان استفاده نکردن از تلفن همراه

۳۳- خاطره نویسی

۳۴- مطالعه شرح حال بزرگان معنوی

۳۵- انس با خوبان و مشورت با علما در این فرصت مناسب

۳۶-تصمیم گیری برای مسائل کلان زندگی

۳۷-شکرگذاری به درگاه خداوند

۳۸-شناخت آسیب شناسی اعتکاف

۳۹-رعایت آداب اعتکاف مهدوی و معتکفین منتظر

۴۰-گذراندن مرحله دوّم سیر عرفانی اعتکاف(سیر من الحق الی الحق) ۴۰-۱-صُمت و دوری از پرگویی و کلام لغو

۴۰-۲-جوع

۴۰-۳-سحرخیزی

۴۰-۴-عُزلت

۵-۴۰- ذکر و تسبیح

(۱) مرتبه اول: ذکر لفظی

(۲) مرتبه دوم: ذکر قلبی

(۳) مرتبه سوم: ذکر عملی

۶-۴۰- دعا

۱-۶-۴۰- از خدا چه بخواهیم؟

مراقبت‌های بعد از اعتکاف

۱- ارزشیابی و جمع بندی

۲- آوردن یادگاری و سوغاتی

۳- شکرگذاری

۴- حفظ انس خود با مسجد

۵- حفظ دوستان

۶- گذراندن مرحله سوم سیر عرفانی اعتکاف (سیر من الحق الی الخلق)

۱-۶- حفظ آثار و دستاوردهای معنوی

۲-۶- خدمت به خلق

۳-۶- تبلیغ عملی و گسترش فرهنگ اعتکاف

۴-۶- دیگرسازی، بعد از خودسازی

فصل نهم- توصیه هائی به متولیان اعتکاف

۱- آموزه های بهداشتی

۲-آموزه های فرهنگی و مدیریتی

۳-گسترش فرهنگ اعتکاف

۴-شناخت برخی آسیب های وارده بر عملکرد متولیان اعتکاف

۴-۱-تبدیل اعتکاف به مراسمی مشابه سمینار

۴-۲-عدم حضور بزرگان و مسئولین در اعتکاف

۴-۳-آمار معتکفین

فصل دهم-فلسفه و آثار اعتکاف

۱-برخی از آثار فردی اعتکاف

۱-۱-گریز از غفلت و روزمره گی

۱-۲- تمرین عملگرایی

۱-۳- تمرین انقطاع از غیر

۱-۴- ایجاد آرامش روانی در معتکف

۱-۵- پیشگیری از بدی ها و دوری از آتش جهنم

۱-۶- زمینه ساز اخلاص و انس با خدا

۱-۷- زمینه ساز توجه قلبی به خدا

۱-۸- زمینه ساز خودشناسی و دستیابی به توانایی و کمال

۱-۹- زمینه ساز پاکی و عاقبت نیکو

۱-۱۰- زمینه ساز توبه و بخشش گناهان

۱-۱۱- زمینه ساز استقامت در عبادت و تفکر

۱-۱۲- فراهم نمودن زمینه برای تأمل و تفکر در درون

۱-۱۳- رسیدن به آثار خلوتگزینی و پرهیز از اجتماع زدگی

۱-۱۴- تقویت اراده

۱-۱۵- تحوّل درونی و فرصتی برای خدایی شدن

۱-۱۶- رهایی از تعلقات مادی

۱-۱۷- تنظیم کننده حقوق اجتماعی معتکف

۱-۱۸- انس با خوبان و یافتن دوستانی اهل معنا

۱-۱۹- بهره گیری از اندیشه ها و تجربیات معنوی و اخلاقی بزرگان

۱-۲۰- تضعیف مادی گرایی و تعلقات مادی

۱-۲۱- دستیابی به گنجینه هایی از رحمت خاصّ خدا

۱-۲۲- توفیق تلاوت بیشتر قرآن و بهره مندی از برکات آن

۱-۲۳- ذکر و یاد خدا و چشیدن شیرینی آن

۱-۲۴- جلب محبّت خدا و تحصیل بهشت الهی و تقرب به او

۱-۲۵- انس با معنویات

۱-۲۶- دوری از غفلت

۱-۲۷- افزایش تواضع و فروتنی

۱-۲۸- تجمیع ثواب اعمال عبادی و دریافت پاداش بسیار

۱-۲۹- میهمان شدن بر خدا در خانه اش

۳۰-۱- برآورده شدن حاجت ها و دریافت پاداش بی پایان

۳۱-۱- بهره گیری از آثار نماز

۳۲-۱- بهره گیری از آثار روزه

۲- برخی آثار اجتماعی اعتکاف

۱-۲- نوسازی معنوی جامعه و مقاوم سازی اندیشه فرهنگی

۲-۲- کاهش جرم و فساد

۳-۲- درمان ناهنجاری ها و لغزش های فردی و اجتماعی

۴-۲- تاثیر اعتکاف در کاهش بلایای عمومی

۵-۲- مقابله با تهاجم فرهنگی و دفاع از ارزشها

۶-۲- دعوت به خوبی ها

۷-۲- سنتی نیکو برای جامعه

فصل یازدهم- عبادات همسان اعتکاف از جنبه ثواب

۱- حل مشکلات و برآورده کردن حاجات دیگران

۲- همنشینی با علما

۳- زیارت سیدالشهدا

فصل دوازدهم- اعتکاف پرتوی از حج و ماه مبارک رمضان

۱- مقایسه اعتکاف با حج و ماه مبارک رمضان

۱-۱- از جنبه محرّمات

۲-۱- مهمان خدا بودن

۳-۱- از جنبه هدف

۴-۱- از جنبه ثواب

۵-۱- از جنبه خودسازی

۶-۱- از جنبه جامعیت

۲- جملات ادبی

فصل سیزدهم- اعتکاف در آینه شعر و نثر

۱- اعتکاف در آینه شعر

۲- اعتکاف در آینه نثر

۱-۲- نجوای اعتکاف

ص: ۱۷

۲-۲-جمالات ادبی

۳-۳-قطعه های ادبی

۱-۳-۳-مهمانی

۲-۳-۳-راهی برای انس با خدا

۳-۳-۳-پایان اعتکاف

۴-۳-خاطرات

۱-۴-۳-خاطره ای از آیت الله نجم الدین طبری

۲-۴-۳-سقف آبی مسجد

۳-۴-۳-غریبه آشن

۴-۴-۳-اعتکاف در غربت

۵-۴-۳-چرا اعتکاف؟

۶-۴-۳-دنیایی از نور و صفا

لغتنامه

منابع

چکیده

سیر مطالعاتی کتاب براساس فرصت زمانی مطالعه

ص: ۱

۱- معنی کلماتی که ذیل آن خط کشیده شده، در لغت نامه آمده است.

۲- در پایان کتاب، چکیده ای آورده شده است که توصیه می شود در صورت کمبود وقت، حتماً مطالعه شود.

۳- لوح فشرده این کتاب در اختیار خوانندگان عزیز قرار می گیرد تا در زمینه فعالیت های پژوهشی، انشاء الله بتواند راه گشا باشد.

۴- چاپ و تکثیر مطالب، با ذکر منبع بدون اشکال است.

۵- کلیه مطالبی که راجع به احکام اعتکاف از آیات عظام امام خمینی، بهجت، تبریزی، خامنه ای، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم و نوری همدانی در دسترس بوده است، در این مجموعه گردآوری شده است.

۶- متن اصلی این کتاب، براساس نظرات حضرت امام خمینی علیه السلام است و در هر موردی که نظر یکی از مراجع با نظر ایشان مغایر باشد، روی همان مورد شماره ای قرار گرفته و در پاورقی طبق همان شماره، عبارت مغایر، ذکر شده است.

۷- در این کتاب به ناچار نام مراجع به اختصار، ذکر گردیده است؛ لذا از ارواح مقدسه مراجع گذشته رضوان الله علیهم و ساحت مقدس مراجع حاضر ادام الله ظلهم عذرخواهی می شود.

۸- غالباً از ویرایش فتاوا و نقل به معنی آنها، خودداری شده است مگر در بعضی موارد که مضرّ به معنی نبوده است.

اعتکاف، دارویی شفابخش

ما در قرنی زندگی می‌کنیم که عصر شکوفایی علم و صنعت، عصر رایانه و... نامیده شده؛ اما برخلاف همه پیشرفت‌ها، بشر مضطرب و سرگردان است، حتی مسلمانان نیز آرامش را در غیر آنچه خدا قرار داده، می‌جویند. مردم به دنبال دارویی شفابخش هستند که بتواند از اضطراب نجات یابد. آرامش را تنها در دستورات الهی و سنت‌های معصومین باید جست.

هرچند در بین مسلمانان افرادی، عرفان دینی را با ریاضت‌های هندی و

توصیه‌های روح‌شناسی اروپایی، آمیخته‌اند و معجونی مسموم درست کرده و به خورد جوانان مضطرب می‌دهند. این خود، دردی است که به دردهای اجتماع ما اضافه شده و آنان را از خدا و دین‌دور کرده است. چرا به جای روی آوردن به این مسایل، گمشده خود را در قرآن و مسیر اهل بیت علیهم السلام نمی‌جوئیم؟

چند عبادت داریم که خود جامع عبادات هستند. معتکف، توفیق انجام چندین عمل صالح را توأمأً دارد. اینراه، راه میانبر در رسیدن به خداست.

از سنت‌های اسلامی که پس از پیروزی انقلاب احیا گردید، اعتکاف است. اعتکاف از سنت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه و بسیاری از پیامبران پیش از اسلام بوده است که دارای اهمیت آثار فردی - اجتماعی بسیاری است.

برخی گمان می‌کنند که اعتکاف، گوشه‌گیری از اجتماع و نوعی انزوا و فرار از مسئولیت‌های اجتماعی است و معتکف وارد عالم بیخیالی درمورد اطرافش می‌شود. در صورتی که اسلام سکونت طولانی در عبادتگاه‌ها و دوری از جوامع را نفی، و مسلمانان را به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی تشویق کرده

است. اعتکاف، سنت همان پیامبرانی است که طلایه دار

مسئولیت های اجتماعی بودند.

در اعتکاف می توان خدایی بودن در همه کارها را تمرین کرد و فرصت مناسبی است تا انسانی که در پیچ و خم مادیات گم شده، وجودش را باز یابد و دل از غیر خدا رها کند و روح بندگی را در خود زنده کند.

اعتکاف یک ضرورت است زیرا هر مسلمان باید حداقل در هر سال یک نوبت، محیطی را فراهم نماید تا در آن به فکر و محاسبه اعمال خود پردازد.

اشتغال انسان به کار و زندگی، گاه موجب غفلت و سبب فراموشی توجّه به خودسازی می شود. کسانی که پُرمشغله هستند و غرق دنیای اقتصاد و سیاست و غیره هستند، باید گاهی از کار، زندگی و دلبستگی های مادی، فاصله بگیرند و تنظیم فکر و عمل، با معیارهای الهی را تمرین کنند.

آنها که مسؤولیتهای بزرگتری دارند، بیش از دیگران، به اعتکاف و خودسازی نیاز دارند؛ لذا می بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از هجرت، همه ساله معتکف می شود و به همه رجل سیاسی-اجتماعی درس معنویت گرایی می دهد.

در ایران سالیانه صدها هزار نفر در مساجد معتکف میشوند و لازم است جهت مسائل مختلف اعتکاف، کتب و جزوات لازم در اختیار متولیان امر اعتکاف و معتکفین قرار گیرد. هرچند خوشبختانه ده ها کتب در این زمینه چاپ شده است لکن هیچکدام جامعیت لازم را نداشته است. لذا حقیر را بر آن داشت، تا به گردآوری این مجموعه اقدام نمایم.

لازم میدانم از مراجع تقلید آیات عظام خامنه ای، جوادی آملی، سیستانی، صافی، مظاهری، مکارم و نوری همدانی و دفاتر آیات عظام امام خمینی، بهجت، تبریزی، فاضل لنکرانی تقدیر به عمل آید.

فصل اول: تعریف اعتکاف

۱- مفهوم لغوی اعتکاف

اقبال به چیزی، به صورتی که چهره از آن برنگردد. اقبال به چیزی به طوری که از آن منصرف نشد. (۱)

رویاری و زندانی کردن، اقبال به چیزی به طوری که از آن منصرف نشد. (۲)

اقبال به چیزی، به صورتی که مواظبت می‌شود تا چهره از آن برنگردد. ماندگار شدن بر چیزی یا مکانی و پایبند شدن به آن مکان. حبس شدن و ماندن در اطراف چیزی و دور زدن حول آن. (۳)

روی آوردن بر چیزی و ثبات بر آن به صورت بزرگداشت و تعظیم. (۴)

نگه داشتن خود از کارهای عادی روزمره. (۵)

دور زدن حول چیزی، زندانی کردن، نگاه داشتن و توقف کردن. (۶)

اقبال به چیزی، به صورتی که چهره از آن برنگردد. ماندن اطراف چیزی. (۷)

بازداشتن از چیزی، بند نمودن کسی بر کاری، دور چیزی را گرفتن، کناره‌گیری از مردم، منزوی شدن، مشغول کاری شدن، سرگرم شدن، خود را بند کردن و بازداشتن و گوشه نشین شدن، مقیم شدن در جایی، اقبال و روی

۱- کتاب العین، ج ۱، ص ۲۰۵.

۲- معجم المقاییس اللغة، ج ۴، ص ۱۰۸.

۳- لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۵.

۴- راغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم، ج ۲، ص ۶۳۲.

۵- المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۲۴.

۶- مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۰۳.

۷- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۲۰۱.

آوردن، ملازمت نمودن به چیزی برسبیل تعظیم، ملازم مکانی شدن، اقامت در مسجد، محبوس کردن. (۱)

ماندن در جایی و گوشه گیری نمودن. (۲)

اقبال به چیزی و پایبند بودن بر آن، همراه با احترام به آن. (۳)

اقامت و ملازمت جایی، حبس و وقف خود در مکانی، در مسجد مقیم شدن برای عبادت و بازداشتن خود را از خروج به غیر ضرورت از مسجد، اقامت داشتن و احتباس، مصدر باب افتعال از عکف، پیوستگی بر چیزی داشتن و حبس کردن، درنگ کردن و ادامه دادن. پیوستگی کردن بر چیزی (زمخشری). انتظار چیزی کشیدن، خود را بازداشتن، گوشه نشین شدن (منتهی الارب، ناظم الاطبا). باز ایستادن از چیزی، گوشه نشینی در مسجد (غیاث اللغات). (۴)

۲- مفهوم اصطلاحی اعتکاف

اقامت سه روز یا بیشتر در مسجد به قصد عبادت یا قربت با شرایط مخصوص. (۵)

۳- مفهوم اعتکاف از دیدگاه علما

امام خمینی رحمه الله: ماندن در مسجد و درنگ در آن به قصد اینکه با آن، بندگی خدا نماید و تبت عبادت دیگری غیر از ماندن در مسجد لازم نیست به آن ضمیمه شود، اگرچه احتیاط مستحب است. (۶)

۱- ترجمه المنجد، ج ۲، ص ۱۳۲۷.

۲- فرهنگ ابجدی، ص ۶۲۰.

۳- قاموس قرآن، ج ۵، ص ۲۹.

۴- لغت نامه دهخدا.

۵- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۵۹/راغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم، ماده عکف/طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، ماده عکف.

۶- ترجمه تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۳۴۴.

آیت الله العظمی صافی: توقّف در مسجد با این قید که در این توقّف قصد و نیت تعبد و بندگی را داشته باشد. احوط آن است که نیت عبادت دیگری مانند نماز و روزه و... غیر از اعتکاف را نیز، ضمیمه کند.

آیت الله العظمی مکارم: توقّف و ماندن در مسجد به قصد قربت. تنها، ماندن در مسجد، بدون قصد، اعتکاف محسوب نمی شود. (۱)

شهید مطهری: نوعی عبادت که انسان سه روز یا بیشتر در مسجد مقیم می شود و پا بیرون نمی گذارد و هر سه روز، روزه می گیرد. (۲)

۴- اعتکاف در قرآن

کلمه اعتکاف از ریشه «عَكَفَ» است که با عناوینی چون: عاکفون، عاکفین، عاکف به معنای عبادت کنندگان در راه خدا و مقیمان در خانه او و کسانی که در عبادت و پرستش بت ها توقّف نموده اند، در ۹ آیه قرآن آمده است:

بقره ۱۲۵ و ۱۸۷، اعراف ۱۳۸، طه ۹۱ و ۹۷، انبیاء ۵۲، حجّ ۲۵، شعرا ۷۱، فتح ۲۵

(۱) بقره ۱۲۵: «و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم. و (برای تجدید خاطره)، از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید. و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه سازید».

(۲) بقره ۱۸۷: «...در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید، با زنان آمیزش نکنید».

۱- استفتاءات جدید، مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۱۵۷/۴۵۱/تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۵۳ (بقره: ۱۸۷).

۲- مطهری مرتضی، کتاب علوم اسلامی، ص ۹۴.

(۳) اعراف ۱۳۸: «و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم؛ (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بت هایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند [اعتکاف کرده بودند]. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: «تو هم برای ما معبودی قرار ده، همان گونه که آنها معبودان (و خدایانی) دارند. [موسی] گفت: شما جمعیتی جاهل و نادان هستید».

(۴) طه ۹۱: «ولی آنها گفتند: [بر آن معتکف می شویم] ما همچنان گرد آن

می گردیم (و به پرستش گوساله ادامه می دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد».

(۵) طه ۹۷: «(موسی) گفت: برو، که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس به تو نزدیک شود) بگویی: با من تماس نگیر! و تو میعادی (از عذاب خدا) داری، که هرگز تخلف نخواهد شد. (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آنرا پرستش می کردی [بر او اعتکاف داشتی]؛ و بین ما آن را نخست می سوزانیم؛ سپس ذرات آن را به دریا می پاشیم».

(۶) انبیاء ۵۲: «آن هنگام که به پدرش (آزر) و قومش گفت: «این مجسمه های بی روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می کنید [برای آنها، معتکف شده ید]؟!».

(۷) حج ۲۵: «...مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می کنند [عاکفین] یا از نقاط دور وارد می شوند...».

(۸) شعرا ۷۱: «[پدر و قوم حضرت ابراهیم در پاسخش] گفتند: بت هایی را

می پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنهایم [بر آنها معتکف می شویم]».

(۹) فتح ۲۵: «آنان کسانی هستند که کافر شدند و شما را از (زیارت) مسجد الحرام و رسیدن قربانی هایتان به قربانگاه، بازداشتند».

چند نکته از آیات نه گانه فوق:

۱- اعتکاف در ۲ آیه، در معنای مثبت و در ۷ آیه در معنای منفی به کار رفته است.

۲- در آیات فوق، اعتکاف به معنای عبادت و پرستش همراه با مجاورت و تداوم است و شامل پرستشی که ویژگی فوق را نداشته باشد، نمی‌شود.

۳- فقط در یک مورد از آیات فوق (آیه ۱۸۷ سوره بقره)، اعتکاف در معنای اصطلاح شرعی به کار رفته و به یکی از احکام فقهی آن اشاره شده است. (۱)

۵- اعتکاف در معنای لغوی در متون ادب فارسی

بر بالین یحیی

معتکف بودم.

(گلستان سعدی)

بتی داشت بانوی مصر از رخام

بر او معتکف بامدادان و شام

(بوستان سعدی)

زین دامگه اعتکاف بگشای

بر عجز خود اعتراف بنمای

(نظامی)

رستنی در کشیده سر به زمین

نامیه گشته اعتکاف نشین

(نظامی)

گه نعره زنان معتکف صومعه بودیم

گه رقص کنان گوشه خمار گزیدیم

(عطار)

عشق تو کاندر میان من شد معتکف
کی فراموشش کنم گر من فراموش آمدم

(عطار)

گربه در سوراخ ار آن شد معتکف
که از آن سوراخ او شد معتلف

(مولوی)

کعبه همچون شاه زنبوران میان جا معتکف
عالمی گردش چو زنبوران غریوان آمده
کعبه که قطب هدی است، معتکف است از سکون

خود نبود هیچ قطب منقلب از انقلاب

پسری کارزوی جان پدر بود، گذشت

تا ابد، معتکف خاک پسر باد، پدر

این ابر بین که معتکف اوست آفتاب وین

آفتاب کابر کرم سایبان اوست

گر ز درت غایب است جسم طبیعت پذیر

معتکف صدر تست جان طریقت گزین

۱- برخی فقها همچون صاحب جواهر رحمه الله و صاحب حدائق رحمه الله معتقدند که اعتکاف در آیه ۱۲۵ سوره بقره نیز در معنای مصطلح به کار رفته است. (جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۶۰ و نیز تفسیر شریف لاهیجی، اطیب البیان، مواهب الرحمن). برخی آن را به «مقیمین» و «ساکنین» (معنای لغوی) تفسیر کرده اند مانند: تفسیرهای مخزن العرفان، عاملی، نمونه، جوامع الجامع و التبیان. برخی، هر دو را در آیه احتمال داده اند مانند: منهاج الصادقین و الجواهر الثمین.

سالهاشد تا دل جان پاش از رق پوش من
معتکف وار اندر آن زلف سیه دارد وطن
و آن عمر خوار دریا و آن روزه دار آتش
چون معتکف بر همن، نه قوت و نه منالش
معتکفان حرم غیب را

نیست به از خامه تو، دیده بان

(خاقانی)

هر که با نرگس سرمست تو در کار آید
روز و شب، معتکف خانه خمار آید
حبل الله است معتکفان را دو زلف او
هم روز عید و هم شب قدر اندر او نهان
(خواجوی کرمانی)

تا کی به تمنای وصال تو یگانه

اشکم شود از هر مژه، چون سیل روانه
خواهد به سر آید شب هجران تو یا نه
ای تیر غمت را دل عشاق نشانه

جمعی به تو مشغول تو غایب ز میانه

رفتم به در صومعه عابد و زاهد

دیدم همه را پیش رُخت، راکع و ساجد

در میکده، رهبانم و در صومعه عابد

گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد

یعنی که ترا میطلبم خانه به خانه

(شیخ بهایی)

صبح امید که بد معتکف پرده غیب

گو برون آی که کار شب تار آخر شد

آن پریشانی شب های دراز و غم دل

همه در سایه گیسوی نگار آخر شد

باورم نیست ز بد عهدی ایام، هنوز

قصه غصه که در دولت یار آخر شد

ساقیا لطف نمودی قدحت پر می، باد

که به تدبیر تو، تشویش خمار آخر شد

در شمار ارچه نیاورد کسی حافظ را

شکرکان محنت بی حد و شمار آخر شد

(حافظ)

کسی به زیر فلک دست بر قضا دارد

که اعتکاف به سر منزل رضا دارد

مریض شوق، کی اندیشه دوا دارد

شهید عشق، کجا فکر خون بها دارد

(بسطامی)

فصل دوم: اعتکاف در سیره انبیاء و اولیاء الله قبل از اسلام

اشاره

اعتکاف در ادیان دیگر هم وجود داشته است و آیه ۱۲۵ سوره مبارکه بقره را به آن اشاره گرفته اند. (۱) مراسمی شبیه به اعتکاف در میان بعضی از مومنان به شرایع سابق بوده است و در زندگی حضرت مریم علیها السلام و زکریا علیه السلام آثاری از آن دیده می شود. (۲)

برخی از بزرگان دین، مانند علامه حلی رحمه الله به مشروعیت اعتکاف در ادیان پیشین تصریح نموده اند. (۳) مشخص نیست که این عبادت، از چه زمانی آغاز و کیفیت و شرایط آن در بدو شکل گیری چگونه بوده است.

اصل اعتکاف در مفهوم عام آن، یعنی خلوت گزینی برای عبادت خداوند، سیره انبیا و اولیاء الهی قبل از اسلام بوده است، اگرچه ممکن است در اسلام،

پاره ای از احکام و شرایط آن تغییر کرده باشد. در کتب مقدسی چون تورات و انجیل، می توان علامات و اشاراتی بر مراسم یا عباداتی ملازم با خلوت نشینی و جدایی از اجتماع، پیدا کرد. قرآن کریم نیز به رهبانیت و اعتزال انبیاء اشاره کرده است. (۴)

در ذیل این فصل، اشاره ای به اعتکاف در سیره پیامبران و مومنین قبل از اسلام می شود:

- ۱- آیت الله بهجت (استفتاءات، ج ۲ ص ۴۳۷).
- ۲- آیت الله مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۵۷).
- ۳- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۲۸۴.
- ۴- ذَلِكْ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَسِيْسِينَ وَ رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (سوره مائده، آیه ۸۲).

۱- حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهما السلام مامور شدند تا خانه خداوند را برای طواف کنندگان و نمازگزاران و معتکفین پاک کنند. (۱) این آیه بیانگر وجود عبادتی به نام اعتکاف، در شریعت ابراهیم علیه السلام و نیز اهمیت اعتکاف می‌باشد.

۲- حضرت سلیمان علیه السلام

حکومت برای حضرت سلیمان علیه السلام وسیله ای برای خدمت به خلق بوده و هیچگاه نتوانست آن بنده خالص خدا را فریب دهد.

«ایشان با وجود مُلک عظیمش، لباس پشمی می‌پوشید و شب‌ها تا صبح به عبادت و گریه می‌پرداخت. مرحوم طبرسی می‌گوید: حضرت سلیمان علیه السلام در مسجد بیت المقدس اعتکاف می‌کرد و آب و خوراک برای آن حضرت فراهم میشد و او در آنجا به عبادت می‌پرداخت. حتی مرگ سلیمان علیه السلام در همانجا و در حال اعتکاف اتفاق افتاد.» (۲)

۳- حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام با آنکه مسئولیت سنگین رهبری امت را به دوش داشت، برای مدتی آنان را ترک و برای خلوت با خدا به کوه طور شتافت. او در پاسخ به پرسش خدا که فرمود: «ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری، و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی؟ گفت: «پروردگارا! آنان در پی من هستند؛ و من به سوی تو شتاب کردم، تا از من خشنود شوی» (طه ۸۳ و ۸۴).

«و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم...» (اعراف ۱۴۲). از این آیه فهمیده می‌شود که حضرت موسی علیه السلام ۴۰

۱- سوره بقره آیه ۱۲۵.

۲- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۱۴، ص ۸۳ و ۱۴۱.

شب از قومش دوری کرده است و پس از مناجات، به سوی قوم خود برگشته است که حکایت از نوعی اعتکاف در کوه طور می‌باشد.

ابن ادريس حلی از علمای شیعه معتقد است که حضرت موسی علیه السلام در مدّت چهل روزی که برای گرفتن کتاب آسمانی به کوه طور عزیمت کرده بود، روزه گرفته و در حال اعتکاف بود. (۱) همچنین در تورات بر عباداتی همراه با خلوت نشینی و جدایی از اجتماع اشاره شده است.

۴- حضرت الیاس علیه السلام

داستانی از اعتکاف حضرت الیاس در ماه مبارک رمضان، در بیت المقدس در جلد ۱۳ بحار الانوار (ط-بیروت)، صفحه ۴۰۳ نقل شده است.

۵- حضرت زکریا علیهما السلام

حضرت زکریا علیه السلام از کسانی بود که سرپرستی معتکفین در بیت المقدس را به عهده داشت. حضرت مریم علیها السلام از جمله معتکفینی بود که تحت سرپرستی حضرت زکریا علیه السلام قرار داشت.

۶- حضرت مریم علیه السلام

اشاره

بیت المقدس از جاهایی بود که همواره عده زیادی از مردم، در آن معتکف می‌شدند. بزرگ این گروه، زکریا علیه السلام بود.

«...[خداوند] کفالت او [مریم] را به زکریا سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در آنجا می‌دید. از او پرسید: «ای مریم! این را از کجا آورده ای؟!» گفت: «این از سوی خداست. خدا به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.» (۲)

۱- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۸۶، ص ۳۸.

۲- سوره آل عمران، آیه ۳۷.

رزقی که همواره نزد مریم بوده، رزق معمولی و عادی نبوده است. چنانکه بعضی گفته اند: هر وقت زکریا به مریم سر می‌زد، میوه زمستانی را در تابستان و میوه تابستانی را در زمستان نزد او می‌دید. (۱)

«[مریم] در مکانی در طرف شرقی مسجد (بیت المقدس) از کسان خود کناره گرفت. میان خود و آنها حجابی (پرده ای) افکند [تا خلوتگاهش از هرنظر برای عبادت آماده باشد]. پس ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد.» (۲)

کلمه حجاب به معنای هر چیزی است که چیزی را از غیر پوشاند و از این کلمه چنین بر می‌آید که گویا مریم خود را از اهل خویش پوشیده داشت تا قلبش برای اعتکاف و عبادت فارغ تر باشد. (۳) طبق آیات فوق، حضرت مریم علیها السلام آن گاه که به افتخار ملاقات با فرشته الهی نایل آمد، از مردم بریده بود و در خلوت به سر می‌برد تا فارغ از هر گونه دغدغه به راز و نیاز با خدا بپردازد.

۱-۶- رهبائیت

«راهب» به کسی می‌گویند که از خدا می‌ترسد و در اصطلاح به

صومعه نشینان مسیحی گفته می‌شود. جمع عربی آن «رهبان» و «رهابین» و مصدرش «رهبائیت»، به معنای ترس است. (۴) معادل فارسی «راهب»، ترسا بوده است که بعد به عموم مسیحیان گفته می‌شده است.

۱- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۸۴ ذیل آیه ۳۷ سوره آل عمران.

۲- سوره مریم، آیات ۱۶ و ۱۷.

۳- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۴.

۴- مجمع البحرین.

«رهبانیت» در اصطلاح، به معنی خلوت نشینی، گوشه گیری و پرهیز از دنیا و به دنبال کار نرفتن، سرکوب تمایلات جسمانی مثل میل جنسی و تحریم ازدواج و تمام اوقات را صرف پرداختن به عبادت و امور اخروی، همچون خدمت به مریضان صعب‌العلاج است.

گرچه در مذاهب مختلف، رهبانیت وجود دارد؛ اما راهبان بودایی و مسیحی شناخته شده تر هستند. رهبانیت در مسیحیت، در ظاهر، شبیه به اعتکاف است. قرآن در آیه ۲۷ سوره حدید به طور ضمنی آن را تأیید می‌نماید: «در دل پیروانش (عیسی علیه السلام) رأفت و رحمت و رهبانیتی قرار دادیم که خود آنان بدعتش را نهاده بودند (ابداع کرده بودند) و ما بر آنان واجب نکرده بودیم، امّا منظور آنان هم جز رضای خدا نبود، امّا آنطور که باید، رعایت آن رهبانیت [خود ساخته] را نکردند و در نتیجه کسانی که از ایشان ایمان آورده بودند، اجرشان را دادیم و بسیاری از ایشان فاسق شدند».

در این گفتار، اشاره ای است به اینکه آن رهبانیتی که یاران مسیح از پیش خود ساختند، هر چند خداوند تشریحش نکرده بود، ولی مورد رضایت خدای تعالی بوده است، ولی آن طور که باید همان رهبانیت خود ساخته را حفظ نکردند و از حدود آن تجاوز کردند. (۱)

از جمله بدعت های مسیحیان در زمینه رهبانیت، تحریم ازدواج برای مردان و زنان تارک دنیا و منشور انزوای اجتماعی و انتخاب صومعه های دور افتاده برای عبادت و زندگی در محیط دور از اجتماع است.

روزی پیامبر به ابن مسعود فرمودند: «می‌دانی رهبانیت از کجا پیدا شد؟» عرض کرد: خدا و پیامبرش آگاه ترند. فرمودند: «بعد از عیسی علیه السلام، جمعی از

۱- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ذیل آیه ۲۷ سوره حدید.

جباران ظهور کردند و مؤمنان سه مرتبه با آنها پیکار کردند ولی شکست خوردند. پس به بیابان‌ها متواری شدند و به انتظار ظهور پیامبری که عیسی علیه السلام وعده اش را داده بود، در غارها به عبادت مشغول گشتند. بعضی از آنها بر دین خود باقی ماندند و بعضی راه کفر پیش گرفتند». سپس فرمودند: «آیا می‌دانی رهبانیت مردم من چیست؟» عرض کرد: خداوند و رسولش آگاه ترند. فرمودند: «هجرت و جهاد و نماز و روزه و حج و عمره»^(۱). باید توجه داشت که زهد اسلامی به معنای سادگی زندگی و حذف تجملات و اسارت نیافتن در چنگال مال و مقام است و هیچ ارتباطی با رهبانیت ندارد؛ زیرا رهبانیت به معنای جدایی و بیگانگی از اجتماع است و زهد به معنای آزادی و وارستگی، در عین اجتماعی زیستن است»^(۲).

۲-۶- تفاوت رهبانیت و اعتکاف

(۱) اعتکاف خاستگاه شرعی دارد نه سلیقه ای

از آیه فوق معلوم می‌شود که رهبانیت عبادتی است که پایه گذاری آن از سوی مسیحیان بوده که برای قرب به خدا به آن عمل می‌کردند و از تعالیم حضرت مسیح علیه السلام نبوده است و حال آنکه اعتکاف یک عبادت در دین می‌باشد.

در اسلام رهبانیت نهی شده است و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این رابطه فرمودند: «لا رهبانیه فی الاسلام»^(۳).

اسلام، رهبانیت را نوعی انحراف و تلقی عوامانه از خدایی شدن معرفی کرده است؛ اما اعتکاف را فرصتی برای بازگشت به خویش و خدای خویش قرار داد

۱- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۱۴، ص ۲۷۷.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲۳ ص ۳۸۴/آیت الله مکارم شیرازی، قرآن و شرح آیات منتخب، ص ۵۴۱.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۵.

تا کسانی که از جنجالهای زندگی مادی خسته می‌شوند، بتوانند چند صباحی با خدا خلوت کنند و جان خود را با خالق هستی ارتباط دهند و خود را برای صحنه های جهاد در راه خدا آماده سازند و همیشه با یاد خدا تلاش کنند و خود را در محضر پروردگار ببینند.

۲) اعتکاف متفاوت با تحریم طیبات

از طرف خداوند دستور داریم مبنی بر اینکه باید همت انسان صرف امور اخروی باشد و به اموری پردازد که در آخرت به کارش بیاید و از طرفی به مسلمانان توصیه شده است که بهره خود را از دنیا فراموش نکنند و خانه مناسب تهیه کنند و دنبال کسب حلال بروند، لباس خوب بپوشند و غذای مناسب بخورند. تحصیل مکارم اخلاق، راز نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و عبادت، اساس دین اسلام شمرده شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «از ما نیست کسی که دنیا را برای آخرت ترک کند و آخرتش را برای دنیا» (۱).

گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم گرفتند برای تقرب و نزدیک شدن به خدا، از برخی از امور حلال مانند خوابیدن در شب، خوردن گوشت، خوردن غذا در روز، زناشویی و... خودداری کنند. هنگامی که این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید، ایشان ناراحت شدند و فرمودند: «چرا برخی از مردم چیزهای حلال و پاکیزه را بر خود حرام کرده اند؟ آگاه باشید که من شب ها می‌خوابم و زناشویی می‌کنم و در روز غذا می‌خورم. پس هر کس از سنت من روی گرداند، از من نیست». خداوند نیز آیه «كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا» (۲) را نازل فرمود. بدینوسیله خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به همه اعلام فرمودند که اسلام، دین

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۶.

۲- از نعمتهای حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید. (مائده ۸۷).

رهبانیت و انزوا نیست؛ بلکه تمام امیال و خواسته های بشر بر اساس حکمت و مصلحت است و خداوند از طریق دین، این امیال و خواسته ها را تعدیل کرده و در راه درست و صحیح قرار داده است. (۱)

۳) اعتکاف متفاوت با انزوا

اعتکاف نوعی آمادگی برای تلاش و کوشش اجتماعی در مسیر رضایت الهی است، در حالی که رهبانیت، چنین اهدافی ندارد.

حضور در میان اجتماع بزرگی از مسلمانان که هدفی جز نزدیکی پروردگار و خودسازی اخلاقی ندارند، باعث ایجاد روحیه تعاون و دعوت به خودسازی همگانی دارد.

از دیگر ابعاد اجتماعی این اتفاق بزرگ، این است که سعی در افزایش قدرت رویارویی مومنین با فرهنگ های تحریف شده بیگانه دارد؛ درحالی که قوام رهبانیت به انزوا و گوشه گیری و دور بودن از مردم است.

۴) اعتکاف و جایگاه محوری مسجد

در اسلام، مسجد جایگاه خاصی دارد و از تفاوت های رهبانیت و اعتکاف حضور در مسجد جامع است؛ برخلاف رهبانیت که گاه دور از مردم انجام

می گیرد.

۵) اعتکاف، عمل پسندیده اما موقت

اسلام، اعتکاف را عملی پسندیده می شمارد، اما به طور موقت، نه دائم؛ یعنی مستحب می داند که فرد چند روز از سال را به اعتکاف پردازد و از مسجد جامع شهر بیرون نیاید؛ اما موافق آن نیست که فردی بیشتر عمر خود را در مسجد به

۱- قرآن کریم و شرح آیات منتخب، ترجمه حضرت آیت الله مکارم شیرازی ص ۱۲۲.

سر برد و از آن بیرون نیاید؛ همچنین موافق نیست فردی به جای تلاش برای تأمین معاش و حیات مادی و معنوی، شبانه روز به اعتکاف بنشیند.

از این رو در رهبانیت این شرایط حالت دائمی پیدا می کند و هدف متعالی در آن منظور نمی شود.

۳-۶- مفسد رهبانیت از دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی

۳-۶- مفسد رهبانیت از دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی (۱)

رهبانیت به حکم اینکه برخلاف اصول فطرت و طبیعت انسان است مفسد زیادی به بار می آورد؛ از جمله:

(۱) رهبانیت با روح مدنی بالطبع بودن آدمی، می جنگد و جوامع انسانی را به انحطاط و عقب گرد می کشاند.

(۲) رهبانیت نه تنها سبب کمال نفس و تهذیب روح و اخلاق نیست؛ بلکه گاه منجر به انحرافات اخلاقی، تبلی، بدبینی، غرور، عجب و خود برترینی و مانند آن می شود و به فرض که انسان بتواند در حال انزوا به فضیلت اخلاقی برسد، فضیلت محسوب نمی شود، فضیلت آن است که انسان در دل اجتماع بتواند خود را از آلودگی های اخلاقی برهاند.

(۳) ترک ازدواج که از اصول رهبانیت است، نه فقط کمالی نمی آفریند؛ بلکه موجب پیدایش عقده ها و بیماری های روانی می گردد.

۷- دوران جاهلیت و قبل از بعثت

پیش از بعثت، در میان گروهی از مردم حجاز از جمله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اجداد بزرگوارشان که معتقد به دین حنیف حضرت ابراهیم علیه السلام بودند؛ اعتکاف به عنوان یک عبادت، رایج بود و آنها گاهی در جاهای خلوت دور از

۱- سلوک (ویژه نامه اعتکاف) / احمد یوسفی صراف، آستان قدس رضوی، تیرماه ۱۳۸۸.

مردم مانند کوه ها و بیابان ها به عبادت خدا می پرداختند و جز جهت نیازهای ضروری، از آن خارج نمی شدند. (۱) محل اعتکاف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، غار حرا بود.

عمر بن خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت: «در دوران جاهلیت نذر کرده بودم شبی را در مسجد الحرام اعتکاف کنم، حضرت فرمودند: «به نذر خود وفا کن». (۲)

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هر سال مدتی را [جهت عبادت] در غار حراء (۳) می گذراند. تنها من او را مشاهده می کردم و کسی جز من او را

نمی دید». (۴)

در تاریخ آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل از تولد حضرت فاطمه علیها السلام، موظف شد، مدت چهل روز از حضرت خدیجه علیها السلام فاصله بگیرد و به اعتکاف بپردازد.

شبی در حالی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم معتکف کوی دوست بود، صدایی شنید. آری جبرئیل از آسمان ها جواب همه پرسش های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در دفتری از نور به زمین آورده بود. دفتری که نسخه شفا بخش همه بود: «ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در

سینه هاست». (۵)

۱- دکتر جواد علی، کتاب المفصل فی تاریخ العرب، ج ۶، ص ۵۰۹

۲- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۵۶/سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۱۷۹ باب الاعتکاف.

۳- کوه حراء یا جبل النور در شش کیلومتری شمال شرقی مکه است. در ارتفاع ۱۶۰ متری دامنه جنوبی آن غاری وجود دارد که محل عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده و ایشان روزهایی از سال، به ویژه ماه رمضان را در آنجا به سر می بردند و آیات آغازین قرآن در آنجا بر حضرت نازل شد.

۴- نهج البلاغه (ترجمه دشتی)، ص ۳۹۹، خطبه قاصعه.

۵- سوره یونس، آیه ۵۷.

فصل سوّم: اعتکاف در سیره و کلام معصومین و علما

۱- سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیه السلام

اشاره

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان آن حضرت، الگوی مسلمانان هستند و کردار و گفتارشان، برای پیروانشان حجت است. باید دید این بزرگواران با اعتکاف و خلوت با خداوند چگونه برخورد کرده اند. در برخی نقل های ذیل، مقصود اعتکاف مصطلح نیست؛ بلکه مراد خلوت نمودن، جهت عبادت است.

۱-۱- حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

اشاره

بعد از هجرت، پیامبر فرصتی دوباره می یابد تا به اعتکاف روی آورد.

این بار اعتکاف را در مسجد النبی پی می گیرد. محل اعتکاف ایشان نزدیک یکی از ستون ها به نام اسطوانه السیریر (ستون تخت) بود که این نقطه هنوز هم وجود دارد. در کنار این ستون، تختی برای استراحت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار می دادند. (۱)

ظاهراً اعتکاف در بدو ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه تشریح شد. از بعضی روایات استفاده می شود که این عبادت در مکه تشریح شده بود، زیرا جنگ بدر در سال دوم هجرت رخ داد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر حضور در جنگ موفق به اعتکاف نشد و در سال بعد یعنی ماه رمضان سال سوم هجرت، بیست روز معتکف شد که ده روز آن قضای سال قبل و ده روز دیگر برای همان سال بود و در حدیثی که در ذیل از حضرت علی علیه السلام نقل خواهد شد، ذکر می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو سال قبل از جنگ بدر معتکف می شده است. (۲)

۱- سمهودی، علی بن احمد و فاء الوفاء باخبار المصطفی، ج ۲، ص ۴۴.

۲- در برخی روایات اهل سنت، اعتکاف آن حضرت در دهه اول ماه شوال نیز نقل شده است. (السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۱۸، ۳۲۲، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۵۹). برخی معتقدند قضای اعتکافی بوده که در ماه رمضان موفق بر انجام آن نشده است (تفسیر القاسمی، ج ۳، ص ۴۶۳). اما در منابع شیعه، اعتکاف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تنها در ماه رمضان، نقل شده است. حتی در سال وقوع جنگ بدر که موفق بر اعتکاف نشدند، قضای آن در ماه رمضان سال بعد به جا آورده شد.

امیرالمومنین علیه السلام: «چون دهه آخر ماه رمضان فرا می‌رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای عبادت مهیا می‌شد و از خانه بیرون می‌آمد و در مسجد اعتکاف می‌نمود و شب‌ها را تا صبح بیدار بود و عبادت می‌کرد و هرشب بین نماز مغرب و عشا غسل مینمود»^(۱).

امیرالمومنین علیه السلام: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سالی در دهه اول ماه مبارک رمضان و در سال بعد در دهه دوم ماه رمضان معتکف شد و در سال سوم [اعتکاف] وقتی از جنگ بدر بازگشت، اعتکافش را قضا کرد، پس در خواب دید که شب قدر در دهه آخر ماه مبارک رمضان است و گویا حضرت در آب و گل سجده کرده است. وقتی بیدار شد، به خانه بازگشت و مردم هم با او بودند. شب بیست و سوم ماه رمضان باران آمد. وقتی صبح شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز خواند و مردم در صورت آن حضرت گل مشاهده کردند. از آن هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همیشه در دهه آخر ماه رمضان معتکف می‌شد، تا اینکه رحلت فرمود»^(۲).

امیرالمومنین علیه السلام: «در هنگام اعتکاف، از سقف مسجد باران بر سر و روی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌ریخت، به طوری که آثار گل و لای، در جایگاه سجده پیامبر

- ۱- علامه طباطبایی، سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم با ترجمه فارسی، ص ۲۳۰/اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۱، ص ۷۲.
- ۲- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۶۶/مشابه این روایت در صحیح بخاری ج ۲ ص ۷۵۶ آمده است.

آشکار می‌شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تمام شرایط سخت و علیرغم امکانات اندکی که مسلمانان داشتند، هر ساله مراسم اعتکاف را به جای می‌آوردند»^(۱).

امام صادق علیه السلام: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ماه رمضان سال اول هجرت، در دهه اول در مسجد اعتکاف کرد و سال بعد در دهه دوم اعتکاف نمود ولی پس از آن همیشه در دهه سوم ماه رمضان اعتکاف نمود»^(۲).

امام صادق علیه السلام: «وقتی دهه آخر ماه رمضان فرا می‌رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد معتکف می‌شد. در مسجد، خیمه ای مویین (پشم شتر یا بز) برای ایشان برپا می‌شد تا در آن به عبادت پردازد. حضرت کمرش را برای عبادت می‌بست. عبادتی فراتر از عبادت های روزهای قبل، و بستر خوابش را بر می‌چید [ایشان چنان مشتاق اعتکاف بود که هنگام اعتکاف با بستر خواب خداحافظی می‌کرد تا هر چه بیشتر با خدا راز و نیاز کند]. پرسیدند: از زنان نیز کناره گیری می‌کرد؟ امام علیه السلام فرمود: از زنان، عزلت (مصاحبت و همنشینی) اختیار نمی‌فرمود»^(۳).

۱- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۳۳، ص ۵۵۰ (جواب امیرالمومنین علیه السلام به محمد بن ابی بکر در زمانی که والی ایشان در مصر بود).

۲- دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۶/کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۵/من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۹/وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۳۴/کتاب الاعتکاف/مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۰/بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۱۶، ص ۲۷۴.

۳- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۵/من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴/وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۴۵/شبییه این روایت در بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۱۶، ص ۲۷۳ و الاستبصار، ج ۲، ص ۱۳۰ آمده است.

امام صادق علیه السلام: «جنگ بدر در ماه رمضان سال دوم هجرت اتفاق افتاد، لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن سال اعتکاف نمود. لذا، در سال بعد ۲۰ روز اعتکاف نمودند، ۱۰ روز برای همان سال و ۱۰ روز برای قضای سال قبل» (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «ده روز اعتکاف، در ماه رمضان، معادل دو حج و دو عمره است» (۲).

۱-۱-۱- روایاتی از اهل سنت

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «معتکفی که کلیه گناهان را ترک کند، به او همچون کسی که همه کارهای پسندیده را انجام داده، پاداش می دهند» (۳).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس از روی ایمان و حسابگری (به خاطر خدا) معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می شود» (۴).

۱- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۵/مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۰/من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴/وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۳۳ کتاب الاعتکاف/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۱۶، ص ۲۷۴.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸/عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۱۴۶/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۹۴، ص ۱۲۹/در مستدرک الوسائل جلد ۷، ص ۵۵۹ و دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۶ همان فضیلت در مورد اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است و در روایات سومی همان فضیلت برای اعتکاف یک ماه کامل ماه رمضان بیان شده است. شاید تفاوت در میزان ثواب به دلیل میزان اخلاص و آگاهی انجام دهندگان آن متفاوت است، شخصی که از اخلاص بالاتر و آگاهی و معرفت بیشتری برخوردار است، ارزش و ثواب عبادت او نیز افزونتر خواهد بود.

۳- کنز العمال، ج ۸، ص ۵۳۱، ح ۲۴۰۱۲.

۴- کنز العمال، ج ۸، ص ۵۳۰، ح ۲۴۰۰۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هر کس به نیت قرب الهی معتکف شود، خداوند بین او و آتش، سه خندق ایجاد میکند که فاصله هر یک از دیگری بیش از مسافت بین مشرق و مغرب است»^(۱).

ابی کعب: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دهه آخر ماه رمضان اعتکاف می نمود، ایشان یک سال به خاطر مقارن شدن مسافرت با اعتکاف موفق به اعتکاف نشد، لذا سال بعد ۲۰ روز معتکف شد^(۲).

ابوهریره: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هر ماه رمضان ده روز معتکف می شد و در آخرین ماه رمضان عمر شریفش ۲۰ روز معتکف بود^(۳).

زهری: از هنگام هجرت به مدینه، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگز اعتکاف را ترک نکرد تا وفات نمود^(۴).

عایشه: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همواره در دهه آخر ماه رمضان معتکف می شد تا جان به جان آفرین تسلیم کرد^(۵).

عایشه: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی می خواست معتکف شود، نماز صبح را می خواند، سپس وارد محل اعتکافش می شد و در حال اعتکاف از مریض عیادت می کرد. زمانی که دهه آخر ماه رمضان فرا می رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دامن همّت به کمر می بست [به تعبیری کنایه است از دوری گزیدن از زن ها] و شب های آنرا احیا می کرد و اهل

۱- کنز العمال، ج ۸، ص ۵۳۲، ح ۲۴۰۱۹.

۲- السنن الکبری (البیهقی)، ج ۴، ص ۳۱۴/ مشابه این روایت در کنز العمال، ج ۷، روایت ۱۸۰۹۱ آمده است.

۳- السنن الکبری (البیهقی)، ج ۴، ص ۳۱۴/ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۷۶۰.

۴- درر المنثور، ج ۱، ص ۲۰۲.

۵- السنن الکبری (البیهقی)، ج ۴، ص ۳۱۵/ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۵۵/ سنن دارالقطنی، ج ۲، ص ۱۷۹ به نقل از ابوهریره.

خانه را نیز بیدار می نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دهه آخر ماه مبارک رمضان چنان تلاشی [در عبادت] می کرد که در غیر آن چنین تلاشی نمی کرد. (۱)

انس بن مالک: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زمانی که مقیم بود، ده روز آخر رمضان را معتکف می شد و زمانی که دهه آخر رمضان را مسافر بود، سال آینده بیست روز معتکف می شد. (۲)

۲-۱- امیرالمومنین علی علیه السلام

راز و نیاز او با خدا در خلوت، حقیقتی انکارناپذیر است. صدای مناجات عاشقانه و ناله های جانسوز شبانه اش، در گوش تاریخ پیچیده است.

امیرالمومنین علیه السلام: «معتکف باید همیشه در مسجد باشد و به ذکر خدا، تلاوت قرآن و خواندن نماز مشغول باشد و در مورد دنیا به سخن نپردازد و مشغول سرودن و خواندن شعر نشود و از خرید و فروش پرهیز کند. در تشییع جنازه حاضر نشود و بیماری را عیادت نکند و با زنی خلوت نکند. از گفتار زشت و ناسزا پرهیزد و با کسی مجادله نکند و هر قدر از گفتگو با مردم دوری کند، برایش بهتر است». (۳)

۳-۱- امام حسن علیه السلام

ایشان به جدّ خویش، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تاسی می کردند و معتکف می شدند.

۱- کنز العمال، ج ۷، ص ۸۶ و ۸۷، روایت ۱۸۰۸۸ تا ۱۸۰۹۲.

۲- السنن الکبری (البیهقی)، ج ۴، ص ۳۱۴/مشابه این روایت در کنز العمال، ج ۷، ح ۱۸۰۹۱ آمده است.

۳- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۹۴، ص ۱۳۰/دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۷/مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۴ و ۵۶۷.

امام حسن علیه السلام در مسجد معتکف بودند که مردی به حضور حضرت رسید و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! فردی طلبی از من دارد که می‌خواهد به خاطر آن مرا زندانی کند، کمکم کن. حضرت فرمود: به خدا قسم، پولی که بتوانم با آن بدهی تو را پردازم در اختیار ندارم. عرض کرد: پس با او صحبت کنید [تا مهلت دهد و مرا زندانی نکند]. حضرت کفش‌های خود را پوشید که همراه او برود. عرض شد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیا فراموش کرده‌ای که در حال اعتکاف هستی؟ فرمود: فراموش نکرده‌ام؛ لکن از پدرم شنیدم که از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که ایشان فرمودند: «هر کس در راه برآورده شدن حاجت برادر دینی اش تلاش کند، گویا نه هزار سال خداوند را عبادت کرده است در حالی که روزها، روزه بوده و شب‌ها به نماز ایستاده است».(۱)

۴-۱- امام حسین علیه السلام

ایشان نیز، به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تاسی جسته و معتکف می‌شدند.(۲)

شایسته است در اینجا از فضیلت زیارت سیدالشهداء علیه السلام ذکری به میان آید. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «هر کس که [قبر مطهر] امام حسین علیه السلام را در دهه آخر ماه رمضان زیارت کند و در جوار قبر آن حضرت معتکف شود، گویا در جوار قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم معتکف شده است و کسی که در کنار قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم اعتکاف کند، این کار ارزشمندتر از حجّ و عمره ای است که بعد از حجّ واجب انجام میشود».(۳) (به صفحه جایگزین اعتکاف مراجعه شود).

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۵۰/شبیّه این روایت در مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۵ آمده است.

۲- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۱۹۸.

۳- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۱، ص ۳۵۸/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۹۵، ص ۱۵۱.

۵-۱-۱-امام سجّاد علیه السلام

ایشان الگوی کاملی برای افراد خواستار عبادت خالصانه، می‌باشند.

امام سجّاد علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هر کس ده روز آخر ماه رمضان را معتکف شود، گویا حجّ و عمره ای به جا آورده است».^(۱)

۶-۱-۱-امام صادق علیه السلام

ایشان مانند نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد النبی معتکف می‌شدند.

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «ده روز اعتکاف در ماه رمضان، برابر با دو حجّ و دو عمره است».^(۲)

امام صادق علیه السلام: «اعتکافی نیست، مگر در بیستم ماه رمضان».^(۳)

امام صادق علیه السلام: «اعتکاف جز در مسجد جامع نیست».^(۴)

امام صادق علیه السلام: «اعتکاف نیست مگر در هر مسجد جامعی که امام عادل، نماز را اقامه کند».^(۵)

امام صادق علیه السلام: «در مسجدی که نماز جمعه با امامت و خطبه اقامه می‌گردد، اعتکاف جایز است».^(۶)

۷-۱-۱-امام کاظم علیه السلام

۱- درر المنثور، ج ۱، ص ۲۰۲/تفسیر ثعلبی، ج ۲، ص ۸۲.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲ ص ۱۸۸ (۲۱۰۱) / وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ج ۱۰، ص ۵۳۴.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۳۴ (کتاب الاعتکاف).

۴- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۳۸ (کتاب الاعتکاف).

۵- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۳۸ (کتاب الاعتکاف).

۶- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۳۸ (کتاب الاعتکاف).

امام کاظم علیه السلام مشتاقانه از خدا درخواست می کرد که جایگاهی خلوت، جهت راز و نیاز به او عطا شود. در زندان عبادت های او، همه را تحت تأثیر قرار می داد و همیشه مشغول خواندن قرآن و نماز و سجده های طولانی بود. (۱)

امام کاظم علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «اعتکاف در ماه مبارک رمضان، ثوابش برابر با دو حج و دو عمره می باشد». (۲)

۸-۱- امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام: «هر شب اعتکاف در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، معادل یک حج و یک عمره است». (۳)

امام رضا علیه السلام: «هر شب اعتکاف در ماه رمضان، معادل یک حج است...». (۴)

۲- سیره عارفان و عالمان

۱-۲- سید بن طاووس رحمه الله (۵۸۹-۶۶۴ق)

۱-۲- سید بن طاووس رحمه الله (۵۸۹-۶۶۴ق) (۵)

۱- ایشان در سجده دعا می کرد: «قَبِّحِ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ وَ التَّجَاوُزُ مِنْ عِنْدِكَ» و دعای دیگر «اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ». (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۳۳/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۴۸، ص ۱۰۸).

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۹۴، ص ۱۲۹.

۳- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۹۵، ص ۱۵۱.

۴- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۱، ص ۳۵۸/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۹۵، ص ۱۵۱.

۵- ایشان از دانشمندی است که در اثر پرهیزکاری، بارها توفیق شرفیابی به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را داشته است. کتاب اقبال الاعمال از آثار ایشان است. آیت الله حسینقلی همدانی درباره ایشان، می فرماید: «در میان امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و از رهپویان معصومین علیهم السلام کسی چون او در علم مراقبه به دنیا نیامده است». آیت الله بهجت می فرماید: «طلبه ای که کتاب های سید را ندیده باشد، مثل این است که هیچ ندیده است». «هر کس اقبال سید بن طاووس را نداشت، اساتید ما او را رفیق خود نمی شمردند. هر مقدار از اقبال را که مطالعه کردنی است مطالعه و هر مقدار که عمل کردنی است، به هر اندازه حال دارید، عمل کنید». «در هر حال به نظر بنده، سید بن طاووس در معنویات و تعبدیات، اول اول است». هر گاه از آیت الله بهجت درخواست دستورالعمل می شد، می فرمودند: «اقبال، اقبال، اقبال. مطالعه و عمل به اقبال سید کافی است و انسب از کتاب اقبال سراغ ندارم».

سید بن طاووس خطاب به معتکفان می‌فرماید: «بدان که کمال اعتکاف آن است که انسان، عقل و دل و اعضایش را وقف اعمال صالح کند. معتکف باید فکر و جان و اعضای خود را با مراقبه، مهار، و کارهایی که روزه دار را به کمال روزه می‌رساند، به جا آورد؛ بلکه دقت و مراقبت معتکف، باید به مراتب بیشتر از روزه دار باشد زیرا او هم روزه دار است و هم معتکف. هر معتکفی خود را ملزم نموده است که با تمام وجود به خدا روی آورد و رویگردانی و غفلت از حق را یکسره کنار نهد. بنابراین هر گاه معتکف، نور عقل و جانش را به غیر خدا مشغول کند، یا عضوی از اعضای بدنش را در کاری که طاعت پروردگار نیست به کار گیرد، به همان میزانی که غفلت نموده یا کوتاهی کرده، از حقیقت و کمال اعتکاف خود کاسته است.» (۱)

۲-۲- مقدّس اردبیلی رحمه الله (م ۹۹۳ق)

عالم بزرگ مولی احمد بن محمد اردبیلی مشهور به مقدّس اردبیلی نیز با تأسی از معصومین علیهم السلام اعتکاف را برپا می‌داشت. (۲)

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۱، ص ۳۵۷/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۹۵، ص ۱۵۰.

۲- ایشان سخاوتی مثال زدنی داشت، حتی خوراک منزل خود را بین فقرا تقسیم می‌کرد و برای خود سهمی مثل آنها بر می‌داشت. در یکی از سال‌های قحطی و گرانی که چنین کرد، همسرش به او اعتراض کرد و با تندی به او گفت: در چنین سالی تو اولاد خود را فقیر می‌گذاری تا ناچار شوند از دیگران کمک بخواهند ولی ایشان چیزی نفرمود و برای اعتکاف به مسجد کوفه رفت و معتکف شد. روز دوّم اعتکاف بود که شخصی مقداری گندم و آرد اعلا به خانه ایشان آورد و گفت: صاحب منزل اینها را برای شما فرستاده و خودش در مسجد کوفه معتکف است. مقدس اردبیلی رحمه الله بعد از اعتکاف که به خانه آمد. همسرش گفت: آذوقه ای که به وسیله آن مرد عرب برای ما فرستاده بودی، بسیار عالی بود. مقدس اردبیلی رحمه الله که چیزی نفرستاده بود، متوجه شد که این عنایتی از جانب خداوند و از اثر اعتکاف در مسجد کوفه و اعمال آن بوده است. پس حمد و ثنای الهی را به جای آورد و خداوند را از این لطف و عنایتش سپاسگزاری کرد. خداوند با این عمل به دیگران فهماند، کسی که برای مریم علیها السلام در حال اعتکاف و برای فاطمه زهرا علیها السلام آذوقه می‌فرستد، مؤمن به درگاه خویش را هم فراموش نمی‌کند و با او نیز همان معامله را می‌کند که با این بزرگواران نموده است. (قمی، شیخ عباس، فوائد الرضویه، ص ۲۳)

ایشان می‌فرمایند: «مبادا کسی گمان کند که اعتکاف، مقدمه است برای عبادتی دیگر. کسی که با طهارت وارد مسجد می‌شود و روزه می‌گیرد و قصد می‌کند که قربۀ الی الله اعتکاف کند این خود، عبادت است؛ نه اینکه اعتکاف شرط و مقدمه برای عبادتی دیگر باشد. اعتکاف عبادت مستقل است. همان گونه که هر یک از حج، عمره، روزه و نماز عباداتی مستقل هستند» (۱).

۳-۲- شیخ بهایی رحمه الله (۹۵۳-۱۰۳۰ق)

ایشان اهتمام ویژه‌ای به امر اعتکاف، در ایران داشت. او در کنار شیخ لطف الله به ترویج این سنت همت گمارد. شیخ لطف الله، درباره شیخ بهایی

می‌گوید: «شیخ بهایی نیز در برپایی مراسم اعتکاف، نقش داشته است». شیخ لطف الله در پاسخ به شبهه‌ای که پیرامون خیمه زدن در مسجد برای اعتکاف، مطرح شده به روش شیخ بهایی، که برجسته‌ترین عالم آن زمان بوده استناد کرده و می‌گوید: «شیخ اجل اعظم اکرم، خاتمه المجتهدین، شیخ بهاء المله و

۱- مجمع الفائده و البرهان، ج ۵، باب اعتکاف، ص ۳۵۱.

الدین، در اصفهان و غیر اصفهان این کار را انجام داده است». شیخ بهایی که خود از عالمان عامل و دلداده معنویت و معرفت بود، با شور و عشق به این سنت روی آورد و از خلوت اعتکاف بهره ها جست. شعر معروف «گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد» هم از اوست. (به صفحه ۱۰ مراجعه شود).

۴-۲- شیخ لطف الله میسی عاملی اصفهانی رحمه الله (م ۱۰۳۲ق)

۴-۲- شیخ لطف الله میسی عاملی اصفهانی رحمه الله (م ۱۰۳۲ق) (۱)

این عالم سخت کوش به برپایی سنت اعتکاف، اهتمامی ویژه داشت. چنان که بر اثر تلاشهای خستگی ناپذیر او، اعتکاف سنتی رایج و زنده گردید.

کوشش های فراوان ایشان در زمینه اعتکاف با عکس العمل منفی برخی روبرو می شود. آنان شبهاتی پیرامون اقدامات شیخ مطرح کردند. شیخ به تدوین رساله ای عربی به نام «رساله ماء الحیاه و صافی الفرات فی رفع التوهّمات و دفع واهی الشبهات» دست می زنند که از آن به «رساله الاعتکافیه» یاد میشود. شیخ در این رساله آورده است: «من پیرو آثار پیامبر و عترت پاک اویم و در گفتار و کردار، دنباله رو آنها هستم. یکی از سنت های اسلامی که نزد همگان اعم از شیعه و سنی معروف و مشهور است، اعتکاف است. برپایی آن به ویژه در دهه آخر ماه مبارک رمضان، یک عبادت است. من به این سنت اسلامی در همه جا و به ویژه در قزوین و اصفهان، عمل کردم و برادران دینی را نسبت به برپا داشتن آن تشویق نمودم، تا اینکه به یاری خداوند، اعتکاف به صورت سنتی رایج و زنده در آمد و حسنه ای جاریه در میان اهل ایمان شد.» (۲)

۱- ایشان هم عصر عالم بزرگ، شیخ بهایی است. شاه عباس اول، مسجد شیخ لطف الله را در اصفهان به نام این عالم بزرگ و برای اقامه نماز توسط ایشان ساخت.

۲- مجله اشارات، تیر ۱۳۸۷، شماره ۱۱۰/میراث اسلامی ایران (دفتر اول)، رساله الاعتکافیه، ص ۳۱۶.

۵-۲-۲- ملاً حسینی همدانی رحمه الله (۱۲۳۹-۱۳۱۱ق)

۵-۲-۲- ملاً حسینی همدانی رحمه الله (۱۲۳۹-۱۳۱۱ق) (۱)

ایشان مردی زاهد و متصوف و متوجه بودند... ایشان و نیز شاگردانشان غالباً در شب های تابستان، شب های چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه در خدمت آن جناب در مسجد سهله اعتکاف می کردند و در قنوت نماز، صدای ایشان به تضرع و ابتهاج بلند می شد. (۲)

۶-۲-۲- آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی رحمه الله (۱۲۳۰-۱۳۲۶)

۶-۲-۲- آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی رحمه الله (۱۲۳۰-۱۳۲۶) (۳)

ایشان هر سال، دهه آخر ماه رمضان را در مسجد کوفه معتکف بودند. (۴)

۷-۲-۲- حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی رحمه الله (۱۲۷۹-۱۳۶۱ق)

ایشان در اصفهان متولد شد و در آنجا هر ساله چند اربعین، در کوه های زفره به ریاضت و تزکیه نفس می پرداختند.

همچنین در مساجد و بقاع متبرک مانند مسجد لبنان و مقبره علی بن سهل اصفهانی و محمد بن یوسف معدان بناء و بابا رکن الدین و مزار استاد خود، حاجی محمد صادق و همچنین کوه صفه که محل عبادت استاد ایشان بود، به اعتکاف و عبادت مشغول می شدند. (۵)

۱- میرزا جواد آقا ملکی تبریزی درباره ایشان می فرماید: «استادی بزرگ، اهل عمل و اخلاق داشتم و مانند او را در وصول به مقامات ندیده ام». (مجله خلق، مهر و آبان، سال ۱۳۸۶، شماره ۱)

۲- امین الشرع خویی، میرزا ابوالقاسم، تذکره المعاصرین.

۳- ایشان از شاگردان شیخ انصاری رحمه الله و صاحب جواهر رحمه الله و یکی از رهبران سه گانه جنبش مشروطه بود که پس از میرزای شیرازی از مراجع بزرگ به شمار می رفت. آیت الله محمد علی شاه آبادی (۱۳۶۳-۱۲۹۲ق) استاد امام خمینی، سید علی قاضی و شیخ احمد کاشف الغطاء (م ۱۳۴۴ق) از شاگردان ایشان می باشند.

۴- مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، ص ۱۶۲ و ۲۴۹.

۵- مقدادی اصفهانی، علی، نشان از بی نشانها، ص ۲۴.

۸-۲- آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله (۱۲۷۷-۱۳۶۵ق)

۸-۲- آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله (۱۲۷۷-۱۳۶۵ق) (۱)

آیت الله بهجت می‌فرماید: «سیره آیت الله العظمی اصفهانی رحمه الله بر این بود که در ایام الیض ماه رجب، به مسجد کوفه تشریف می‌بردند و عمل «ام داود» را به جا می‌آوردند». (۲)

۹-۲- آیت الله سید علی قاضی طباطبایی رحمه الله (۱۲۸۵-۱۳۶۶ق)

ایشان در مسجد کوفه و مسجد سهله حجره داشت و بعضی از شب‌ها را به تنهایی در آن بیتوته می‌کرد و به شاگردان خود نیز توصیه می‌فرمود که بعضی از شب‌ها را به عبادت در مسجد کوفه و یا مسجد سهله به سر برند. (۳)

۱۰-۲- آیت الله شیخ علی قمی رحمه الله (۱۲۸۳-۱۳۷۱ق)

۱۰-۲- آیت الله شیخ علی قمی رحمه الله (۱۲۸۳-۱۳۷۱ق) (۴)

ایشان با وجود اشتغالات علمی، در مسجد کوفه معتکف می‌شدند. (۵)

۱۱-۲- کاشف الغطاء رحمه الله (۱۲۹۴-۱۳۷۳ق)

ایشان می‌فرماید: «در اعتکاف، مستحب است بر عبادات، مانند تلاوت قرآن، دعا، نماز، تعلیم و تعلم، ذکر، تعزیه، مدح اهل الله، قضای حوائج مومنین، خدمت به معتکفین، اصلاح بنای مسجد، جارو نمودن مسجد...». (۶)

۱- از اساتید ایشان می‌توان آخوند خراسانی را نام برد. ایشان حدود ۲۵ سال مرجعیت مطلق عالم تشیع را به عهده داشت.

آیات عظام حکیم، میلانی، میرزا هاشم آملی از شاگردان ایشان بوده‌اند.

۲- اقتباس از درس معظم له، تاریخ ۲۴/۹/۸۱ به نقل از استادشان.

۳- حسینی تهرانی، سید محمد حسین، مهر تابان، ص ۱۹.

۴- ایشان پس از گذراندن مقدمات حوزوی به نجف هجرت کرد و از محضر آخوند خراسانی، میرزا حسین خلیلی، ملا

حسینقلی همدانی، آقارضا همدانی و سید مرتضی کشمیری و... بهره گرفت. از شاگردان ایشان می‌توان آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی را نام برد.

۵- امین، محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۵۳.

۶- الجناحی جعفر، معروف به کاشف الغطاء، کشف الغطاء، ص ۳۳۷.

۱۲-۲-آیت الله ناصری

ایشان از سال ۱۳۵۵ ه. ش. در ایام البیض ماه رجب از اصفهان به قم می‌آمد و در مسجد امام معتکف می‌شد. آن زمان تعداد اندکی معتکف بودند، امّا شور و حال معنوی عجیبی موج می‌زد. یکی از معتکفان، آیت الله اصفیایی، پدر آقای فاطمی نیا بود. بعد از چند سال، از طرف آیت الله گلپایگانی رحمه الله برای دیدار با معتکفان آمده بودند. وقتی افراد شمارش شدند، ۳۱۳ نفر حضور داشتند. این تفألّی به خیر بود و به معتکفان، از اینکه تعدادشان به تعداد اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود، نشاطی وصف ناشدنی دست داد.

۱۳-۲-علمای تأثیر گذار در ترویج اعتکاف در ایران معاصر

مساجد شهرهای مشهد، قم، اصفهان، شیراز و بسیاری دیگر از شهرها، خاطره حضور پر نور نیایش گران و معتکفان «ایام البیض» ماه رجب و دهه آخر ماه رمضان را در سینه دارد. سنّت اعتکاف در طول تاریخ کم و بیش در ایران اسلامی، برپا می‌شده ولی از پیشینه آن در ایران، قبل از دوران صفویه، چیز زیادی در دست نیست. آن چه به صورت مستند وجود دارد برپایی این سنّت الهی در دوران صفویه می‌باشد که به همت بلند شیخ لطف الله میسی و شیخ بهایی، در دو پایتخت صفویه، یعنی قزوین و اصفهان صورت گرفته است. پس از آمدن آیت الله عبد الکریم حائری یزدی به شهر مقدس قم و تأسیس حوزه علمیه قم توسط ایشان، سنّت الهی اعتکاف، رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. این سنّت الهی که در طی چند قرن، بعد از دوران شیخ لطف الله و شیخ بهایی، نوساناتی به خود گرفته بود، تولدی جدید یافت.

عالم ربّانی میرزا مهدی بروجردی (۱۳۰۰-۱۳۸۹ق) در سده اخیر پایه گذار این سنّت حسنه در شهر قم بود. او از ملازمان و کارپردازان و مشاوران آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی بود. وی به علت ایجاد جو خفقان رضاخانی به تنهایی در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام معتکف می شد و هیچ کس همراه او نبود. بعدها یکی دیگر از علما به او ملحق شد و پس از چندی، پای دیگران نیز به این سنّت کشیده شد؛ به حدی که آیت الله بروجردی درس هایی از حوزه علمیه را جهت شرکت طلاب در مراسم اعتکاف، تعطیل کردند. رفته رفته این سنّت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم به دیگر شهرهای ایران سرایت کرد.^(۱)

تأکید کننده به احیای اعتکاف در قم، پس از آیت الله العظمی حائری یزدی شاگردان آن بزرگوار، مثل آیت الله العظمی گلپایگانی بودند. از آن زمان همه ساله در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام قم، اعتکاف برپا می شود. اعتکاف به همین صورت بین خواصّ بر گزار می شد و بیشتر بر محور طلّاب دور می زد و مردم تقریباً از این موهبت یا بی خبر بودند یا حدّ اقل اینکه استقبال نداشتند.

در سال های قبل از انقلاب، مراسم اعتکاف، قدری رنگ و بوی سیاسی هم به خود گرفته بود؛ زیرا در اعتکاف، از آیت الله میرزا علی مشکینی که از شخصیت های انقلابی و طرفدار امام خمینی^۷ بود، دعوت می شد. در

سخنرانی ها گاه مطالبی علیه رژیم پهلوی مطرح می شد و معتکفان برای امام خمینی که در آن زمان، از سوی رژیم، به نجف اشرف تبعید شده بود، دعا می کردند که این رژیم، بسیار ناخوشایند بود.^(۲) ولی به برکت انقلاب اسلامی، اعتکاف از حالت قشری در آمد و همگانی شد. اینکه بعد از انقلاب از

۱- تبریزی، محمّد زمان، فرائد الفوائد، ص ۶۳.

۲- مجله اشارات، تیر ۱۳۸۷ شماره ۱۱۰. / www.Hawzah.com.

قم به سایر شهرهای کشور توسعه پیدا کرد، به پیشنهاد خدمتگزاران اعتکاف قم و به ابتکار مقام معظم رهبری مدظله العالی بود. (۱)

۱- ابتکار مقام معظم رهبری چه بود؟ «ستاد امکاناتی نداشت و مردم نیز از وجود آن بی اطلاع بودند یک نامه ساده نوشته شد به مقام معظم رهبری و در جیب حقیر بود. من همیشه در اندیشه بودم که امکان دارد، اعتکاف فراگیر بشود؟ نشستم این را ترسیم کردم روی کاغذ و از محضر مبارک آقا، بعد از اینکه ولایت امری مسلمین را به عهده گرفتند، خواهش کردم با توجه به اینکه اعتکاف دارای برکات متکثر است و نیاز جامعه است و شما نگران شیخون فرهنگی هستید، از موهبت اعتکاف خیلی باید بهره برد. آنجا پیشنهاد کردم که اعتکاف به سرانگشت مبارک شما توسعه پیدا کند و سه تا پیشنهاد خاص کردم: یکی اینکه صدا و سیما در این رابطه مردم را آشنا بکند، یکی اینکه ائمه جمعه از تریبون های نماز جمعه تبلیغ بفرمایند و یکی اینکه خودشان به نحوی از اعتکاف یاد کنند و دستی بر سر معتکفین بکشند. این نامه در جیبم بود. یک روز جلو حرم حضرت معصومه علیها السلام برخورد کردم با مسوول دفتر مقام معظم رهبری، ایشان مرا نمی شناخت. ولی من به ایشان عرض کردم که نامه ای برای مقام معظم رهبری در مورد گسترش اعتکاف نوشته ام. فرمودند: پیشنهادی داری؟ گفتم: «بله». فرمودند: «می شود، بنویسی» گفتم: «در جیبم حاضر است». فرمودند: «بده به من، دادم به ایشان». همانجا مطالعه کردند و شاید با ذهنیتی که از قبل داشتند، فرمودند که مطمئن باش اقدام خواهد شد. خیلی برای من جالب بود یک هفته بعد، از صدا و سیمای تهران مرا خواستند جهت راهکارهای تبیین اعتکاف. من وقتی رفتم صدا و سیما، مسوولین چهار شبکه عرایض بنده را شنیدند و همگی بر آن شدند که در رابطه با اعتکاف وظیفه شان را انجام بدهند. در همین اثنا مسوول دبیرخانه ائمه جمعه، آیت الله رسولی محلاتی، مرا خواستند و گفتند که ما از طرف آقا مأمور شدیم، که طرح اعتکاف قم را بررسی کنیم و پیشنهاد شما را کاربردی کنیم. مقاله ای آماده شد و توسط دبیرخانه به ائمه جمعه سراسر کشور ارسال شد و این کم کم نهادینه شد و همه ائمه جمعه همه ساله قبل از اعتکاف، به اشاره مقام معظم رهبری، اعتکاف را تبلیغ می کنند و خود مقام معظم رهبری در پیام نوروزی همان سال وقتی که خواستند از جبهه معنوی کشور یاد کنند، مثال خاصه شان اعتکاف بود و حتی سال بعد در بین معتکفین مسجد جمکران قم حاضر شدند و با معتکفین نماز صبح اقامه فرمودند و این سرآغاز توسعه اعتکاف و فرهنگ اعتکاف بود». (گزیده ای از مصاحبه با مسوول ستاد اعتکاف قم، خادم المعتکفین سید علیرضا تکیه ای)

این عبادت که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حالت فراگیر و عمومی نداشت، در چند ساله اخیر در میان جمع کثیری از صالحان و نیکان از اقشار گوناگون اجتماعی به ویژه دانشجویان و طلاب، متداول گردیده است و مساجد بسیاری از شهرهای ایران و جهان اسلام پذیرای مهمانان خدا در ایام البیض ماه رجب و ماه رمضان است.

۱۴-۲- آیت الله العظمی خامنه ای

«در سال گذشته دیدیم که جوانان، حتی جوانان دانشجو، اعتکاف می کنند و تعداد اعتکاف کنندگان، زیاد بود. بنابراین جوانان ما به معنویات توجه

کرده اند. (۱) در ایام اعتکاف در ماه مبارک رجب، در بسیاری از مساجد سراسر کشور، جوانان ما، زنان و مردان از قشرها و سنین مختلف، رفتند و در مسجد ماندند؛ سه روز روزه گرفتند و با خدا مانوس شدند. بعد از آن هم با گریه و اشک و آه، مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند، تا برای سال آینده آماده شوند. عزیزان من! این برای یک جامعه، علامت خوبی است. «الَّذِينَ إِذْ مَكَانًا هُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» علامت یک حکومت الهی، علامت یک حرکت صحیح و دارای جهت گیری صحیح است. این را جدی بگیرید و تقویت کنید. (۲)

بهترین جوانان، آنهایی هستند که صاحب فکر و با اندیشه باشند. همین دانشگاه تهران ما، همین مسجد دانشگاه، شاهد عبادت و راز و نیاز و نماز جماعت و اعتکاف و روزه داری برجسته ترین جوانان این مملکت است... قاعدتاً و غالباً در

۱- پیام به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۵.

۲- دیدار با طلاب و مردم قم به مناسبت ۱۹ دی ماه ۱۳۷۵/۱۰/۱۹.

میان دانشجویان، این طور کسانی به صورت وافر پیدا می‌شوند؛ البته در بین غیر دانشجویان هم اینطور جوانان خوب هستند، ولی در زمان قدیم، زمان ما که جوان بودیم، در میان دانشجویان، در دانشگاه تهران و بعضی دانشگاه‌های دیگر و در همه ایران، شاید هزار نفر اعتکاف نمی‌کردند. در قم که مرکز دین و عبادت بود، شاید چند صد نفر طلبه اعتکاف می‌کردند. معمول نبود؛ مردم دور بودند. (۱)

رجب، ماه خودسازی است. رجب، ماه صفا دادن به دل و طراوت بخشیدن به جان است؛ ماه توبه، خشوع، ذکر، توبه، خودسازی و پرداختن به زنگارهای دل و زدودن سیاهی‌ها و تلخی‌ها، از جان است. دعای ماه رجب، اعتکاف ماه رجب، نماز ماه رجب، همه، وسیله‌ای است برای اینکه ما بتوانیم دل و جان خود را صفا و طراوتی ببخشیم؛ سیاهی‌ها، تاریکی‌ها و گرفتاری‌ها را از خود دور کنیم و خودمان را روشن سازیم. این فرصت بزرگی است برای ما؛ به خصوص برای کسانی که توفیق پیدا می‌کنند در این ایام اعتکاف کنند. (۲)

خوشا به حالتان معتکفین عزیز! پدیده اعتکاف یکی از رویش‌های انقلابی است. ما اول انقلاب این چیزها را نداشتیم. اعتکاف همیشه بود. زمان جوانی ما وقتی ایام ماه رجب فرا می‌رسید، در مسجد امام قم، آن هم فقط قم؛ در مشهد من اصلاً اعتکاف ندیده بودم، شاید پنجاه نفر، صد نفر فقط طلبه، اعتکاف می‌کردند. این پدیده عمومی؛ اینکه ده‌ها هزار نفر در مراسم اعتکاف شرکت کنند، آن هم اغلب، همه جوان، جزو رویش‌های انقلاب است. من یک وقت عرض کردم که انقلاب ما ریزش دارد، اما رویش هم دارد؛ رویش‌ها بر ریزش‌ها غلبه

۱- نماز جمعه تهران ۱۳۷۶/۱۰/۱۲.

۲- نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸.

دارند. پس خوشا به حالتان معتکفین عزیز! توصیه من این است که در این سه روزی که شما در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید. حرف که می‌زنید، غذا که می‌خورید، معاشرت که می‌کنید، کتاب که می‌خوانید، فکر که می‌کنید، نقشه که برای آینده می‌کشید، در همه این چیزها مراقب باشید رضای الهی و خواست الهی را بر هوای نفسستان مقدم بدانید؛ تسلیم هوای نفس نشوید. تمرین این چیزها در این سه روز، می‌تواند درسی باشد برای خود آن عزیزان و برای ماها که اینجا نشسته ایم و با غبطه نگاه می‌کنیم به حال جوانان عزیزمان که در حال اعتکاف هستند. با عمل خودتان به ما هم یاد بدهید. (۱)

اگر یک انسان سطحی و ظاهربین، آن پسر یا آن دختر را با آن لباس، فرض بفرمایید، مشاهده کند، خیال می‌کند این اصلاً خدا را نمی‌شناسد، نه، اینطور نیست. جوانهای ما دل در گرو حقیقت دارند، دل‌هایشان نرم و نورانی است. هیچ وقت در این کشور در طول سال‌های گذشته، از دوران جوانی و نوجوانی، ما به یاد نداریم که در ماه رمضان، در مساجد کشور یا در مسجد گوهرشاد مشهد، مردم بیایند اعتکاف بکنند. در ایام البیض سه روز متعارف ماه رجب یا ماه شعبان، ما تعداد معدودی در قم دیده بودیم که اعتکاف می‌کردند؛ آن هم غالباً طلبه‌ها. در غیر آن معمول نبود. امروز در ایام اعتکاف، دانشگاه‌ها و مساجد و سرتاسر کشور و مساجد جامع، مملو از معتکفین است؛ علاوه بر آن، در دهه آخر ماه رمضان، جمعیت عظیمی مشغول اعتکاف بودند. چه کسانی؟ پیرمردها؟ پیرزن‌ها؟ نه، همین جوان‌ها، جوانترین‌ها. این دیگر در دنیا

نظیر ندارد. این نسل جوان امروز ماست. امروز گرایش به دین و ارزش های انقلابی، وجه غالب جامعه است. (۱)

ما اهل معنویتیم، اهل توسلیم، اهل توجّهیم، اهل ذکریم؛ خدا را شکر. فضای جامعه ی ما، مالا مال از توجه به خداست.... این جوان های عزیز ما در جلسات قرآن، در جلسات ذکر و دعا، در جلسات توسل، آنچنان حضور نورانی ای دارند که انسان لذّت می برد. در روزهای آینده، همین مراسم اعتکافی که جوانان ما راه می اندازند، پدیده ی شگفت آوری است. (۲)

من همین جا به مسوولین مربوط- در این امور اعتکاف ها- یک سفارشی بکنم: اگرچه که اجتماع هزاران نفر در جاهای مختلف یک فرصت خوبی است و شنیده ایم بعضی از مسوولین مساجد، در این فرصت ها برنامه های جمعی ای می گذارند که مثلاً افراد، بیشتر استفاده بکنند؛ لکن من می خواهم عرض بکنم این برنامه های جنبی مراکز اعتکاف، جوری نباشد که با خلوت هر کدام از معتکفین منافات پیدا کند. این اعتکافی که جوان ها انجام می دهند، در واقع دارند با خدا خلوت می کنند. اعتکاف بیشتر یک کار فردی است؛ ایجاد یک ارتباط با خداست. جوری نشود که برنامه های جمعی این مراکز اعتکاف، حال خلوت و حال ارتباط فردی و قلبی با خدا را در افراد ضعیف بکند یا بگیرد. مجال بدهند؛ وقت بگذارند؛ بگذارند این جوان ها قرآن بخوانند، نهج البلاغه بخوانند، صحیفه ی سجادیّه بخوانند. به خصوص من در این ایام اعتکاف، صحیفه سجادیه را توصیه می کنم. این صحیفه سجادیه واقعاً کتاب معجزنشانی است... از این معارف موجود در دعاهای حضرت علی بن حسین علیه السلام در صحیفه

۱- دیدار با مردم گرمسار ۲۱/۸/۸۵.

۲- از بیانات ایشان در بیست و دومین سالگرد امام خمینی رحمه الله ۱۴/۳/۱۳۹۰

سجاده، استفاده کنند؛ بخوانند؛ تأمل کنند. ماه رجب است، ماه عبادت است، ماه توسل به پروردگار است، ماه تضرع است؛ و در این راه، ماه تشبه به

امیرالمؤمنین است. با خدا ارتباطمان را قوی کنیم تا در میدان های زندگی بتوانیم با اراده ی محکم، با قدم استوار و با ذهن روشن، وارد هر میدانی بشویم. (۱)

[خطاب به معتکفین] شایسته است که مؤمنان بدین نکته توجه داشته باشند که دایم و در همه حالات در محضر خداوند هستند، لذا هیچیک از اوامر و نواهی الهی را عصیان نکنند. خداوند همه را به مرضات خود موفق بدارد. (۲)

۱۵-۲- آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی

ایشان در سنین جوانی هنگامی که در قم مشغول تحصیل بودند، علاوه بر شب زنده داری و توسل، با عده ای از طلاب معتکف می شدند، و شیرینی آن روزها را تا آخرین لحظات عمر خود احساس می کردند و آن روزها را بهترین دوران زندگی خود می دانستند و می فرمودند:

«قبل از رفتن به نجف، در قم ساکن بودیم، طلاب مقید به شرکت در اعتکاف بودند و بسیاری از موفقیت ها ثمره همان شب زنده داری، توسل و دعا بود. اشخاص... در این مدت برای سازندگی و غلبه بر نفس اماره خود تلاش کنند. اعتکاف، فرصتی است الهی جهت رسیدن به کمال و کسب درجات معنوی... انسان اگر خالصانه در اعتکاف و شب زنده داری، چند روزی را بگذراند و خود را از لذت های دنیوی دور کند احساس سبکی و آرامش خواهد کرد. عزیزانی که موفق به حضور در مراسم اعتکاف، شب زنده داری می شوند،

۱- دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی علیه السلام ۲۶/۴/۸۷.

۲- توصیه ایشان به معتکفین ۲۷/۳/۹۰.

زیاد توسل کنند، در این مجالس بیشتر حالت التماس و گریه داشته باشید و مجالس را با ذکر، دعا، و بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام بگذرانید».

با توجه به اینکه ایشان ایام بیض [ماه رجب جهت اعتکاف]، سه روز را تعطیل می کردند، بعضی دوستان به ایشان عرض می کردند: همه طلاب که به اعتکاف نمی روند، سه روز درس را تعطیل نکنید! معظم له می فرمودند: «این سنت حسنه اعتکاف باید ترویج و تقویت شود و ما درس را تعطیل می کنیم تا علاوه بر روشن شدن اهمیت این روزها، خود هم ثوابی برده باشیم و ان شاء الله این کار در نامه اعمال ثبت شود».^(۱)

۱۶-۲- آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

«معتکف از خط لذت حضور در درگاه پروردگار، بیشتر بهره می برد و سراسر وجودش سرشار از روحانیت و معنویت گشته و در اقیانوس های بیکران رحمت و لطف خدا شناور گردیده و در این ضیافت الهی از موائد رحمانی و خوان گسترده آسمانی بهره مند می شود.

گوارا باد برکسانی که با خلوص نیت و شعور به فقر و نیاز به خداوند متعال، این برنامه مقدس را انجام می دهند و سلام بر معتکفین که با دلی پاک برای سلامتی و تعجیل فرج موفور السرور بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه دعا می کنند و رضایت و خشنودی قلب مقدس آن عزیز دوران را بر همه دنیا و لذات آن مقدم می دارند. طوبی لهم».

۱- اعتکاف، شب زنده داری و توسل از دیدگاه فقیه مقدس آیت الله العظمی، میرزا جواد تبریزی ۱.

سلام بر ماه مبارک رجب، سلام بر رجبیون،... سلام بر شما عزیزانی که ندای «أین الرجیون» را لبیک گفته، و بر سر سفره رحمت خداوند متعال نشسته و از نعمت های بیکران آن بهره مند می شوید. بر خود ببالید و به این سعادت بزرگ افتخار نمایید، و شکر خدای مّان را به جا آورید. کدام لذّت دنیایی را می توان با این لذّات خوش معنوی، مقایسه نمود؟ کجایند آنان که به فکر عیش و نوش مادّی و تفریح های غیر سالم همراه با گناه و لذّات زودگذر دنیا هستند. اَین الملوک و این ابناء الملوک؟... آیا می توان لحظه های پرفیض و با نشاط سحر و افطار شما معتکفین را با زمان دیگران مقایسه نمود؟... «ای کسانی که به خدا و پیامبر ایمان آورده اید، به خداوند و پیامبر او پاسخ بگویید آنگاه که شما را می خوانند تا حیات و زندگی واقعی را به شما هدیه کنند».(۱)

آری، این است حیات حقیقی و این است زندگی سرشار از معنویّت و روح پاک و تهذیب نفس و تقرب به خداوند متعال، خود را برای انجام وظایف و تکالیف الهی آماده می کنیم... عزیزان! این اوقات گرانها را غنیمت داشته و برای خود و دیگران و برای نجات ممالک اسلامی از دشمنان اسلام و سربلندی مسلمانان جهان دعا کنید، و فرج حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خداوند متعال مسالت نمایید... از همه شما التماس دعا دارم».(۲)

۱۷-۲- آیت الله العظمی مکارم شیرازی

«سه روز به خانه خدا پناه بردن، از همه چیز و همه کار دل بردن و روزه داشتن و شب و روز به یاد خدا بودن، عبادت کردن و تلاوت قرآن و سرانجام در خویشتن فرو رفتن و خودسازی کردن و به اصلاح امور خود و رفع کاستی

۱- سوره انفال، آیه ۲۴.

۲- پیام آیت العظمی صافی گلپایگانی به مناسبت ایام اعتکاف در ماه مبارک رجب.

ها پرداختن، برنامه سازنده عجیبی است برای آنها که قدر آن را بشناسند و حق آن را ادا کنند.^(۱)

در دنیای پر غوغای مادی، که جاذبه ها به سوی مادیت است، بر قلب و روح انسان زنگار می‌نشیند. زنگاری از غفلت و دوری از خدا که اگر با نیایش و عبادت برطرف نگردد، ممکن است روحانیت و معنویت را از وجود انسان برچیند و اینکه در روایات اسلامی نماز تشبیه به نهر آب پاکیزه ای شده که انسان در هر شبانه روز پنج بار خود را در آن شستشو می‌دهد، اشاره به همین نکته است. در میان عبادات، «اعتکاف» ویژگی خاصی دارد و از جهاتی شبیه به مراسم حج و احرام است که انسان را به جهانی مملو از روحانیت و معنویت سوق می‌دهد. در محیط یک مسجد جامع سه روز ماندن، روزه گرفتن و به عبادت پرداختن و در خودسازی کوشیدن و به غیر خدا نیندیشیدن، تحوّل عظیمی در روح انسان پدید می‌آورد که صفا و نورانیت آن بی نظیر است. به حمدالله در سال های اخیر اعتکاف از سوی قشر جوان و مخصوصاً دانشجویان عزیز مورد استقبال واقع شده و لذت و آثار این عبادت روحانی را دریافته اند و ما این استقبال عظیم را به آنها تبریک می‌گوییم. امیدواریم جوانان عزیز ما، مخصوصاً دانشجویان، در این امر که وسیله مؤثری برای قرب پروردگار است، نیز نسبت به دیگران پیشگام باشند و از نتایج معنوی آن کاملاً بهره مند شوند.

اعتکاف یک برنامه مهم خودسازی است که انسان را در مدت چند روز به کلی از مظاهر مادی دنیا جدا می‌سازد، و در یک عالم روحانی و معنوی غرق می‌کند و او را به نگرستن مجدد به برنامه های اخلاقی و خودسازی و توبه از گناه و محاسبه و مراقبه وادار می‌دارد و در مجموع یک تولّد ثانوی محسوب

۱- سایت معظم له (بیانیه ایشان به مناسبت فرارسیدن ایام اعتکاف ۱۳۸۴).

می‌شود و شایسته است، مسلمانان از آن بهره گیرند و این سنت اسلامی را زنده نگه دارند»^(۱).

۱۸-۲- آیت الله العظمی جوادی آملی

«در فضیلت اعتکاف همین بس که معادل طواف خانه خدا قرار گرفته و همتای رکوع و سجود به شمار آمده است، همچنین در فضیلت دو تن از انبیاء آمده که آنان مأمور شدند تا کعبه و حریم آنرا از لوث و جود بت و بت پرستی تطهیر کنند تا عبادت کنندگان در کنار قبله و حرم الهی به طواف، اعتکاف، رکوع و سجود پردازند»^(۲).

شخص روزه داری که براساس آیه شریفه «و لا تباشروهن و انتم عاکفون فی المساجد» از لذایذ جنسی حلال و مانند آن پرهیز کند، یقیناً از حرام نیز

چشم پوشی می‌کند، کسی که به فکر آن نیست تا غرایز خود را از هر راهی هر چند حلال ارضاء کند، قهراً صفای ضمیر و طهارت روحی، بهره او می‌شود. این انسان با صفای ضمیر و طهارت روح، توان آن را دارد که با ذات اقدس اله، مناجات کند، چون هم نماز دارد، هم روزه دارد و هم در مسجد و در خانه کسی است که میهمانان خود را ناامید بر نمی‌گرداند. پس دعای بنده روزه دار نماز گزار و معتکف، یقیناً مستجاب است. خداوند متعال به همگان نزدیک است، اما به روزه داران، داعیان، نماز گزاران و میهمانان خود که

ضیوف الرحمان هستند، نزدیکتر است. پس انسان معتکف از چند جهت به خدا نزدیک است. روزه اش مایه قرب اوست، چون آن را قرب الهی انجام می‌دهد، نمازش مایه قرب اوست چون «الصَّلاة قربان کلِّ تقی»، حضورش در مسجد مایه

۱- استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۵۷.

۲- جوادی آملی، عبدالله، حکمت عبادات، ص ۱۸۱.

تقرّب اوست، چون در خانه کسی است که بندگان روزه دار و صالح خود را ناامید بر نمی گرداند. اعتکاف او هم به خودی خود، ابزار تقرّب اوست.

خداوند متعال معتکفان آستان قدس و ساحت جلال و جبروت خود را ناامید بر نمی گرداند و اگر معتکف، به دعا هم مشغول باشد، این هم سبب تقرّب او به خداوند است. این عناصر محوری پنجگانه (نماز، روزه، دعا، حضور در مسجد، اعتکاف) را دارد و بهترین حال را برای دعا پیدا می کند.

شایسته است که معتکف در چنین حالی، اولاً ظهور ولیّ ذات اقدس اله، بقیه الله ارواحنا فداه را مسالت دارد، آنگاه بقا و دوام نظام، صیانت و عظمت مقام معظم رهبری، بقای حوزه و دوام آن، رشد و تعالی روحی حوزه و صیانت و عظمت مراجع تقلید و صیانت و عظمت امت اسلامی و نجات مسلمانان محروم در شرق و غرب عالم را از ذات اقدس اله درخواست کند....

دعاهای کلی همیشه مستجاب نیست، چون استجاب آنها متوقف بر وجود شرایطی است. دعاهای کلی و وسیع از روح وسیع، سرچشمه می گیرد. روح

وسعی که نه تنها به بارگاه عرش الهی رسیده باشد، بلکه از آن نیز گذشته باشد.

قلب مومن عرش خداست و قلب ولیّ خدا، کرسی خداست. چنین

قلب هایی اگر دعا کنند، قطعاً مستجاب است زیرا آن عناصر پنجگانه که گذشت، به خوبی زمینه استجاب دعا را فراهم می کند.

خواهران و برادران در پیشگاه ذات اقدس پروردگار، دعای کلی و وسیع و جامع داشته باشند تا سراسر جهان اسلام از گزند استکبار و دیگران نجات پیدا

کند. هم نظام اسلامی از شرّ ابرقدرت‌ها رهایی یابد و هم ملل اسلامی از سلطه ستمگران نجات یابند» (۱).

انسان در حال اعتکاف، وقتی خلوت کرد و او را عبادت کرد و با او مذاکره و زمزمه کرد، می‌یابد که آنچه در جهان خلقت است همه اش حجاب است؛ یا حجاب درون و یا حجاب بیرون و این حجاب‌ها آیت و علامت و نشانه‌اند. هم حجاب‌های ظلمانی را و هم حجاب‌های نورانی را باید برطرف کرد. این همان تقرب الی الله است. وقتی که یک معتکف به خود آمد و جهان را با این منظر دید و عینک قرآن را بر چشم گذاشت، و از منظر قرآن به عالم و آدم نگاه کرد، می‌بیند همه این میناگری‌ها کار اوست. ما سعی و کوشش و هدف

والای مان در اعتکاف این باشد که به دل آرام و دل آرایمان برسیم، آنگاه بسیاری از مسایل برای ما حل می‌شود. اولاً لذت ما، فوق لذت‌های دیگران خواهد بود، ثانیاً هرگز از آلودگی لذت نمی‌بریم، ثالثاً دیگر کسی به ما نخواهد گفت رانت خواری نکن، ربا خواری نکن، دروغ نگو، غیبت نکن، چون بوی بد این عَفَن‌ها را استشمام می‌کنیم، این‌ها فایده‌ی اعتکاف است» (۲).

۱- مجله خیمه، شهریور ۸۳، شماره ۱۵، www.Hawzah.com.

۲- برگرفته از پیام سال ۱۳۸۵ آیه الله جوادی (دامت برکاته) به دانشجویان معتکف.

فصل چهارم: آداب، احکام و شرایط اعتکاف

اشاره

اعتکاف در اصل شرع اسلام، مستحب است و گاهی انجام آن واجب

می شود. (۱) در اعتکاف، انجام برخی کارها حرام است. عدم آگاهی از مسایل اعتکاف، چه بسا سبب شود فرد در انجام عملی مستحب، دچار گناه شود.

وجوب به جا آوردن اعتکاف

به جا آوردن اعتکاف با داخل شدن تحت یکی از عناوین ذیل، از حالت مستحبی خارج شده و واجب می شود: (۲)

(۱) نذر، عهد و قسم: شخصی نذر کند یا با خدا عهد ببندد یا قسم بخورد که چند روز معتکف شود.

(۲) شرط ضمن عقد: مثلاً هنگام قرارداد اجاره منزل، صاحبخانه شرط کند که مستاجر هر سال، سه روز معتکف شود و مستاجر نیز این شرط را بپذیرد. (۳)

(۳) اجاره: (۴) مثلاً فردی اجیر شود، با دریافت مزد، از طرف میّت، معتکف شود.

۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۳۴۵) / سیستانی (دفتر) / صافی (دفتر) / نوری (دفتر) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۶).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۳۴۵) / بهجت (وسيله النجاه، ص ۳۳۰) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۳) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۱، ص ۴۷۶) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۶).

۳- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۸۵).

۴- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۱، ص ۴۷۶): ظاهراً مانعی ندارد، هر چند عبادات استیجاریه غیر از حج در روایات اسلامی وارد نشده است.

۴) سومین روز اعتکاف: کسی که دو روز، اعتکاف کند، اعتکاف روز سوّم بر او واجب است.

اقسام اعتکاف

۱- اقسام اعتکاف از لحاظ مستحب یا واجب بودن

۱-۱- واجب معین: وقت مشخص داشته باشد؛ مثلاً فرد نذر کند از ۱۳ تا ۱۵ ماه رجب، معتکف شود.

۱-۲- واجب غیر معین (موسّع): وقت انجام آن وسعت دارد؛ مثلاً فرد نذر کند که امسال، سه روز معتکف شود.

۱-۳- مستحب

۲- اقسام اعتکاف از لحاظ اصالتی یا نیابتی بودن

اشاره

۱-۲- اصالتاً (برای خود)

۲-۲- نیابتاً

اعتکاف را تنها به نیابت از یک نفر می‌توان انجام داد و اعتکاف به نیابت از بیش از یک نفر، صحیح نیست ولی می‌توان اعتکاف را به نیت خود به جا آورد و ثواب آن را به چند نفر [زنده یا مرده] هدیه نمود. (۱)

اقسام اعتکاف نیابتی

۱- امام خمینی (التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ص ۵۸۷، م ۳) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۰/جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۴ و ۴۶) / تبریزی (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۲) / خامنه ای (دفتر) / سیستانی (التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ص ۴۸۳) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، م ۱۴۰۰) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۳) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰ اس ۴۷۰) / نوری (التعلیقہ علی العروہ الوثقی) / العروہ الوثقی (ج ۲، کتاب الاعتکاف، م ۳).

۱-۲-۲-به نیابت از مردگان: انسان می تواند اعتکاف را به نیابت از میت، انجام دهد. (۱)

۲-۲-۲-به نیابت از زندگان: اعتکاف به نیابت از فرد زنده، بنا بر احتیاط، به قصد رجاء صحیح است. (۲)

در نیابت از زندگان که رجائاً انجام می شود، آیا می توانند روزه اعتکاف را به نیابت از همان شخص بگیرند؟

مثل خود اعتکاف، رجائاً می توانند به نیابت از همان شخص روزه بگیرند. (۳)

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۸۷، م ۳) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۰/جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۴ و ۴۶) / تبریزی (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۲) / خامنه ای (دفتر) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۴۸۳) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، م ۱۴۰۰/دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۳) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰ س ۴۷۰) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی) / العروه الوثقی (ج ۲، کتاب الاعتکاف، م ۳).

۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۸۵) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۷۸) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۰، م ۳۱۲۵) : صحت اعتکاف به نیابت از فرد زنده محل تأمل است تبریزی (رساله احکام بانوان، ص ۱۷۸) / نوری (دفتر) : اعتکاف به نیابت از فرد زنده اشکال دارد. صافی (دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۳) : اعتکاف به نیابت از فرد زنده، محل اشکال است. بلی به قصد رجاء اشکال ندارد. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰ س ۴۷۰/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۰) : می توان اعتکاف را به نیابت از شخص زنده انجام داد ولی احتیاط این است که قصد اهدای ثواب کند. اعتکاف از سوی معصومین علیهم السلام دلیل معتبری ندارد مگر اینکه به قصد رجاء انجام گیرد.

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۰) : و همان گونه که در طواف به نیابت احیاء، نماز طواف را نیز به نیابت از همان احیاء می خوانند (چون به تبع طواف و نماز طواف است و مستقل نیست) و صحیح است. [گرچه روزه به نیابت از انسان زنده صحیح نیست ولی روزه گرفتن در اعتکاف مانند نماز برای طواف است که به تبع عمل دیگر لازم می شود و مستقل نیست. همچنان که طواف و نماز آن، به نیابت از زنده صحیح است (با آنکه نماز هم به نیابت از زنده مشروع نیست) اعتکاف و روزه آن نیز صحیح است زیرا که اعتبار روزه در آن تبعی است.]

آیا شخص می تواند برای اعتکاف، اجیر شود؟ اگر صحیح است، روزه اعتکاف را به نیت چه کسی بگیرد؟

اجیر شدن برای اموات اشکالی ندارد و روزه آن را طبق اجاره، می تواند به نیابت همان میت که به نیابتش معتکف می شود، بگیرد. اجیر شدن به نیابت زندگان مشکل است هرچند رجائاً مانعی ندارد. بنابراین روزه آن را نیز رجائاً و به نیابت او بگیرد، اشکال ندارد. (۱)

چنانچه به نیابت از غیر، معتکف بشوند، آیا باید روزه اعتکاف را به نیابت از همان شخص که به نیابتش اعتکاف کرده اند، بگیرند یا لازم نیست؟

بلی لازم است. (۲)

شرایط صحت اعتکاف

اشاره

برای صحت اعتکاف، «هشت» شرط ذکر شده است: (۳)

۱- ایمان؛ ۲- عقل؛ ۳- نیت و قصد قربت؛ ۴- روزه؛ ۵- مدت اعتکاف؛ ۶- مکان اعتکاف؛ ۷- اجازه صاحب اجازه؛ ۸- ماندن مستمر در مسجد.

۱- ایمان

۱- ایمان: (۴) اعتکاف غیر مسلمان باطل است. (۵) گذشته از اینکه وقوف غیر مسلمان در مسجد اشکال دارد.

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۹).

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۹).

۳- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۸۵/ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۵) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۰) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۰) / نوری (دفتر). سیستانی (دفتر/منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱): به جای ایمان، اسلام ذکر شده است.

۴- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۸۶) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۷). بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۸ و ۵۶): ایمان شرط صحت اعتکاف است. اگر معتکف مرتد شود اعتکاف باطل می شود، اعتکاف وقتی معتبر است که همراه با اسلام باشد. سیستانی (دفتر/منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱): [ایمان شرط صحت اعتکاف نیست، هرچند در استحقاق ثواب مؤثر است]. شرط صحت اعتکاف، مسلمان بودن معتکف است. مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج ۲، ص ۸۲/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۱): ایمان شرط صحت اعتکاف نیست، هرچند شرط قبول اعتکاف است. اگر معتکف مرتد شود اعتکاف

باطل می شود گرچه توبه کند.

۵- خامنه ای (سایت).

اعتکاف فرد مجنون [یا دیوانه] باطل است. (۱) آنان که دارای جنون ادواری هستند [بعضی اوقات در حال جنون و دیگر اوقات سالم هستند] اگر در حال سلامت معتکف باشند، اعتکافشان صحیح است ولی در وقت جنون باطل است و اعتکاف شخص مست و مانند او از افراد فاقد عقل، صحیح نیست. (۲)

هر عاملی مانند بیهوشی و مستی که موجب از کار افتادگی عقل شود، اعتکاف را باطل می کند. (۳)

هرگاه معتکف به هر علتی از هوش برود یا بنا بر ضرورت وی را بیهوش کنند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

۱- سیستانی (دفتر).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۵) / بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۸ / وسیله النجاه، ص ۳۳۰) / خامنه ای (سایت) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۶ / دفتر) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۸۲ / اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۱) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۷).

۳- بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۸) / خامنه ای (سایت). مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۲): اعتکاف کسی که مست شده یا به هر دلیل از نعمت بی بدیل عقل محروم است، صحیح نمی باشد.

گرچه بسیاری از فقها اغما را با جنون یکسان دانسته اند ولی با توجه به تفاوت مهمی که این دو با هم دارد حکم جنون بر اغما جاری نمی شود. (۱)

۱-۲- اعتکاف کودک ممیز

اعتکاف کودک ممیز صحیح است و بلوغ شرط اعتکاف نیست. (۲)

۳- نیت و قصد قربت

۱-۳- قصد قربت

۱-۳- قصد قربت: (۳) اعتکاف از اعمال تعبدی است. اگر بدون قصد قربت و اخلاص و با انگیزه های غیر الهی، مانند خودنمایی و ریا انجام شود، باطل

می شود. (۴)

بعد از مشخص کردن اینکه می خواهد اعتکاف نماید، قصد قربت و اخلاص لازم است. از آغاز تا پایان اعتکاف، باید با نیت و قصد قربت باشد. (۵)

اگر در قطع کردن اعتکاف تردید کنم، آیا نیت آن از بین می رود و در نتیجه اعتکاف باطل می شود؟ آیا لازم است که نیت مستمر باشد؟

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۰۶).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۷) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۹، س ۳۱۶۵ / وسیله النجاه، ص ۳۳۲) / تبریزی (دفتر) / خامنه ای (سایت) / سیستانی (التعلیقہ علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۷، م ۲۷) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۸، م ۱۴۰۴ / دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۳) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۱ س ۴۷۲ / سایت) / نوری (العروه الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، م ۲۷) / العروه الوثقی (ج ۲، کتاب الاعتکاف، م ۲۷).

۳- امام خمینی (نجاه العباد، ص ۱۷۱) / بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۸ / وسیله النجاه، ص ۳۳۰) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۷) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۸۲ / اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۲).

۴- خامنه ای (سایت).

۵- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۵) / خامنه ای (سایت) / سیستانی (دفتر).

نیت اعتکاف باید تا پایان روز سوّم ادامه پیدا کند. (۱)

اگر از معتکف سوال شود که آیا جزو معتکفین است، بهتر است پنهان کند یا آشکار کند؟

آشکار کردن مانعی ندارد، مگر اینکه برای ریا باشد. (۲)

آیا اعلام عمومی اعتکاف در محافل، با اخلاص منافات دارد؟

اعلام اعتکاف اگر برای تشویق مردم باشد، مانعی ندارد. (۳)

۲-۳- قصد وجه

یعنی فرد در موقع نیت، تعیین می کند که عمل را به صورت واجب یا مستحب به جا می آورد.

مانند سایر عبادات لازم نیست که در اعتکاف واجب، قصد وجوب کند و در اعتکاف مستحب قصد استحباب نماید [یعنی

لازم نیست در نیت خود واجب یا مستحب بودن اعتکافی که به جا می آورد، را تصریح کند]. (۴)

اگر چه سومین روز در اعتکاف مستحبی، واجب می شود و بهتر است که از آغاز نیت، ملاحظه وجوب روز سوّم را بکند بلکه

در روز سوّم نیتش را [به قصد وجوب] تجدید نماید. (۵)

۱- خامنه ای (سایت).

۲- خامنه ای (سایت).

۳- خامنه ای (سایت).

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۵) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۰) / خامنه ای (سایت) / صافی (دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰، س ۴۶۷) / نوری (دفتر).

۵- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۵). بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۰) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۷) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۸۲) / نوری (دفتر): و تجدید نیت روز سوم احتیاط مستحب است.

کسی که بخواهد در نیت اعتکاف، قصد وجه کند، در اعتکاف واجب، نیت واجب بودن و در اعتکاف مستحب نیت مستحب بودن می کند.

آیا روز سوّم اعتکاف واجب یا مستحب، نیتی غیر از نیت دو روز اوّل دارد؟ روز سوّم، کامل کردن اعتکاف است و نیت خاصی ندارد. (۱)

اگر از روی اشتباه جهت اعتکاف واجب، نیت مستحبی نماید یا بالعکس، تکلیف چیست؟

اشکال ندارد. (۲)

در صورتی که اعتکاف های متعددی بر عهده داشته باشد، باید علاوه بر قصد قربت، در نیت خود معین کند که کدام یک از اعتکاف ها را به جا می آورد. (۳)

۳-۳- وقت نیت

در آغاز اعتکاف، قبل از طلوع فجر روز اوّل است [یعنی آغاز روزه] و تأخیرش جایز نیست (۴) [لذا کسی که دیرتر از آن زمان به مسجد برسد، آن روز نمی تواند اعتکاف را شروع کند]. جایز است که از اوّل شب یا در بین شب، به مسجد برود و اعتکاف را شروع کند و از همان زمان نیت اعتکاف

۱- خامنه ای (سایت) .

۲- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۱، م ۳۱۲۸/جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۱) / تبریزی (رساله احکام بانوان، ص ۱۷۹، م ۲۷۹) / صافی (دفتر) / فاضل (اعتکاف واحکام آن، ص ۵۰) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰، س ۴۶۹/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۳) / نوری (دفتر) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۷) .

۳- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۲) .

۴- خامنه ای (سایت) / فاضل (اعتکاف واحکام آن، ص ۱۷) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰، س ۴۶۸) .

کند، (۱) بلکه احتیاط مستحب آن است که شب اول را نیز در اعتکاف داخل کند و از اول شب نیت کند. (۲)

کسی که به قصد معتکف شدن وارد مسجد می شود، اما تا اذان صبح خواب بوده و نیت اعتکاف نکرده، آیا اعتکافش صحیح است؟ بلی. (۳)

۴-۳- ماندن در مسجد

برای تحقق اعتکاف، ماندن در مسجد، به قصد اینکه با آن، بندگی خدا نماید، به تنهایی کافی است و لازم نیست نیت عبادت دیگری [مانند قرائت قرآن و دعا] غیر از ماندن در مسجد، به آن ضمیمه شود، (۴) اگر چه احتیاط مستحب است. (۵)

۱- تبریزی (رساله احکام بانوان، ص ۱۷۹، م ۲۷۸) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱، م ۱۰۶۸) / التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۰ / نوری (التعلیقہ علی العروہ الوثقی / استفتائات) / العروہ الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۷). مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰ س ۴۶۸): وقت نیت قبل از اذان صبح است ولی مانعی ندارد که نیت در قلب از قبل بوده باشد (می توان شب، قبل از خواب نیت کند. مشروط به آنکه این نیت در اعماق ذهنش باقی بماند).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۵) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۰، م ۳۱۲۷ / وسیله النجاه، ص ۳۳۱) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۷) (صافی (دفتر): و اکتفا به نیت اول شب مشکل است مگر اینکه نیت اول شب تا فجر ادامه داشته باشد.

۳- خامنه ای (دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۲) / نوری (دفتر).

۴- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۳۹، م ۳۱۲۲ / وسیله النجاه، ص ۳۳۰): قصد عبادت هم لازم است.

۵- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۵ / نجاه العباد، ص ۱۷۰ / التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ص ۵۸۵) / تبریزی (رساله احکام بانوان، ص ۱۷۸ و ۲۷۳) / خامنه ای (دفتر) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱ / دفتر) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۶، م ۱۴۰ / دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۷، م ۴۵۱) / نوری (دفتر) / العروہ الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۵).

آیا عبادات بر معتکف واجب است یا صرف ماندن در مسجد کافی است؟

عبادات مستحب، فی نفسه بر معتکف واجب نیست. (۱)

۵-۳- شرط رجوع یا عدول

اشاره

۵-۳- شرط رجوع یا عدول: (۲) معتکف می تواند هنگام نیت کردن [یا خواندن صیغه نذر در اعتکاف نذری]، شرط کند که اگر برایش عذری [عرفی یا شرعی] پیش آید، حتی در روز سوّم، بتواند دست از اعتکاف بردارد، اگر چه عذرش معمولی یا بی اهمیّت باشد. اگر به طور عموم هر عذری را شرط کند در تمام موارد می تواند بیرون رود و اگر عذر خاصی را شرط کند، در خصوص همان مورد می تواند بیرون برود. (۳)

۱- خامنه ای (سایت).

۲- روایات: امام صادق علیه السلام: «شایسته است معتکف هم هنگام نیت، مانند مُحَرِّم که شرط و استثنا می گذارد، شرط و استثنا بگذارد. تا آنجا که برایت حادثه ای از جانب خداوند نسبت به تو نازل شد، خداوند تو را از اعتکاف آزاد نماید». (الاستبصار، ج ۲، ص ۱۲۹/وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۵۳) امام صادق علیه السلام: «پدرم فرمودند سزاوار است معتکف اعتکاف خود را استثنا کند، پس بگوید «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْإِعْتِكَافَ فِي شَهْرِي هَذَا فَأَعْنِي عَلَيْهِ فَإِنْ ابْتَلَيْتَنِي فِيهِ بِمَرَضٍ أَوْ خَوْفٍ فَأَنَا فِي حِلٍّ مِنَ الْإِعْتِكَافِ» (خدایا من اعتکاف در این ماه را قصد کردم پس کمکم کن و اگر در این ماه مرا به بیماری یا ترسی مبتلا کردی، من بتوانم اعتکافم را رها کنم) پس فرمود اگر از این موارد به او چیزی برسد، قطع اعتکاف حلال است». (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۷)

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۹) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۰، م ۳۱۲۳/وسیله النجاه، ص ۳۳۵) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۵، م ۱۰۷۴) / خامنه ای (دفتر) / سیستانی (دفتر) / صافی (دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۵) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۶/استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴) / نوری (دفتر) / العروه الوثقی (ج ۲، الاعتکاف، م ۴۰).

با چنین شرطی، افراد هر وقت مایل بودند می توانند اعتکاف خود را به هم بزنند و روزه خود را افطار نمایند و اگر خواستند، از مسجد خارج شوند، هر چند روز سوّم باشد؛ و در این صورت، قضا نیز واجب نمی باشد.

کسی شرط کند، اگر کاری برایش پیش آمد اعتکاف را به هم بزنند، آیا می تواند در روز سوّم اعتکاف را به هم بزند؟ آیا قضای آن لازم است؟

بلی برای او جایز بوده [و قضا لازم نیست] و گناه مرتکب نشده است. (۱)

شرط دست برداشتن از اعتکاف، بدون هیچ پیشامد (عذری)، ممنوع است. (۲)

اگر این شرط را قبل از نیت [یا نذر] یا بعد از نیت ذکر کند، اعتبار ندارد. (۳)

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۹) / خامنه ای (دفتر) / سیستانی (دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴، س ۴۹۲) / نوری (دفتر).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۹) / خامنه ای (دفتر). سیستانی (منهاج الصالحین الاعتکاف، م ۱۰۷۴ / دفتر / التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۴۹۰، م ۴۰) / مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج ۲، ص ۹۳ / اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۶ / سایت): بنا بر احتیاط واجب ممنوع است. بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۰، م ۳۱۲۳ / وسیله النجاه، ص ۳۳۵، م ۱۲۰۷) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۵، م ۱۰۷۴) / صافی (دفتر / هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۰، م ۱۴۱۶) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۵ / التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۸۰، م ۴۰) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، الاعتکاف، م ۴۰ / دفتر) : جایز است.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۰) / بهجت (وسيلة النجاه، ص ۳۳۵) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۹۰) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۴۰، م ۱۴۱۶) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۵) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۷) / نوری (دفتر).

اگر شرط رجوع را در وقت نیت شرط کند و بعد از آن، شرط را ساقط کند، [شرط رجوع] علی الظاهر ساقط نمی شود. (۱)

در چه مواردی می توان در نیت، شرط شکستن اعتکاف نمود؟

برای معتکف جایز است شرط کند، هر چند که [آن] عارض از عذرهای عرضی و عادی باشد. می تواند به خاطر پیش آمدهای عادی [از قبیل آمدن شوهر از سفر] اعتکافش را بشکند. (۲)

اینکه «معتکف می تواند در نیت خود شرط کند که اگر عذری برایش پیش آمد، از اعتکاف دست بکشد حتی در روز سوم»، عذر در اینجا کدام عذر را شامل می شود؟ آیا عذر فقط عذر شرعی و عقلانی است؟ هر عذری که حین شرط مدّ نظر بوده است یا عرفاً عذر، مانع از استمرار اعتکاف شود. (۳)

براساس روایات، گذاشتن این شرط مستحب است. (۴)

معتکف نمی تواند شرط کند که منافیات اعتکاف [آنچه با اعتکاف منافات دارد] مانند همبستر شدن یا حق عدول به اعتکاف دیگر را داشته باشد. (۵)

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۹) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۶، م ۱۰۷۵) / سیستانی (منهاج الصالحین، ص ۳۴۳، م ۱۰۷۵) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۴۰، م ۱۴۱۶). صافی (دفتر) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۷): ظاهر این است که حکم شرط ساقط نمی شود. هر چند احتیاط است که آثار سقوط شرط را جاری کند، یعنی روز سوم را نیز در اعتکاف بماند. بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۵، م ۱۲۰۷ / جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۱): ساقط می شود.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۹) / خامنه ای.

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۷).

۴- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۵۳.

۵- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۶).

همانطور که جایز است هنگام نیت اعتکاف، رجوع را شرط کند، گذاشتن شرط رجوع در نذر نیز جایز می باشد؛ در واقع اعتکاف مشروط، نذر می شود.

۱-۵-۳- صیغه نذر یا نیت اعتکاف مشروط (دارای شرط رجوع)

کسی که اعتکاف را نذر می کند، می تواند در صیغه نذر خود شرط کند که اگر عذری پیش آید (۱) دست از اعتکاف نذری بردارد به این صورت که بگوید: «برای خدا بر من است که اعتکاف نمایم؛ به شرط آنکه اگر فلان عذر پیش آمد، (۲) بتوانم دست از اعتکاف بردارم». [لله عَلَيَّ أَنْ أَعْتَكِفَ بِشَرَطِ أَنْ يَكُونَ لِي الرَّجُوعُ عِنْدَ عَرُوضِ كَذَا] پس از این (وقتی آن عذر پیدا شد) می تواند دست از اعتکاف بردارد و دست برداشتن از اعتکاف گناه ندارد و مخالفت با نذر نیست و قضاء هم ندارد. (۳) احتیاط [واجب] ترک نشود به اینکه این شرط را در حال شروع اعتکاف هم تکرار کند و اگر این شرط را قبل از نیت اعتکاف یا بعد از آن ذکر کند، اعتبار ندارد. (۴)

۱- بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۵) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۵، م ۱۰۷۴) / صافی (دفتر) / هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۰، م ۱۴۱۶) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۵) / التعلیقہ علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۸۰، م ۴۰) / نوری (التعلیقہ علی العروه الوثقی، الاعتکاف، م ۴۰) : یا بدون هیچ عذری.

۲- بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۵) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۵، م ۱۰۷۴) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۵) / نوری: یا هر چند عذری برایم پیش نیاید.

۳- بهجت (دفتر) / خامنه ای / صافی (دفتر). سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۵، م ۱۰۷۶) : اگر شخصی در نذر اعتکاف، رجوع را شرط کند یعنی اعتکاف را مشروط، نذر کند، رجوع و بازگشت برای او جایز است اگرچه در زمان شروع اعتکاف برای ادای نذر، رجوع را شرط نکرده باشد.

۴- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۹) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۴۰، م ۱۴۱۶) مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۷) : البته این شرط در صورتی صحیح است که معنایش نذر اعتکاف مشروط باشد.

صحت اشراط رجوع از اعتکاف در نذر، محل تامل بلکه محل منع است. بلی، نذر اعتکاف مشروط، صحیح است. (۱)

۶-۳- عدول از نیت اعتکاف

(۱) عدول از اعتکافی به اعتکافی دیگر

عدول از اعتکافی به اعتکافی دیگر جایز نیست و فرقی نیست که هر دو واجب باشد [مثلاً از اعتکاف استیجاری به نذری]، یا هر دو مستحب، [مثلاً از اعتکاف برای خود به اعتکاف نیابتی تبرّعی] یا یکی واجب و دیگری مستحب، [مثلاً از ابتدا به نیت اعتکاف نذری در مسجد مانده و روز دوم نیت را از نذر به استحباب، برگرداند]. (۲)

شخصی که قضای اعتکاف سال گذشته بر عهده او می‌باشد و در وسط اعتکاف امسال یادش می‌آید، آیا می‌تواند نیت اعتکاف خود را به قضا برگرداند؟ خیر، تغییر نیت اعتکاف، در بین آن جایز نیست. (۳)

(۲) عدول از نیابت شخصی به نیابت شخص دیگر

عدول از نیابت شخصی به نیابت شخص دیگر جایز نیست. (۴)

۱- صافی (دفتر).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۷) / بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۱ / وسیله النجاه، ص ۳۳۲ / جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۴) / خامنه ای (سایت / دفتر) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱ / دفتر) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۸) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۳) / نوری (دفتر).

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۵) / نوری (دفتر).

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۷) / بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۱ / وسیله النجاه، ص ۳۳۲) / خامنه ای (سایت / دفتر) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱ / دفتر) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۸) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۳) / نوری (دفتر).

۳) عدول از اعتکاف اصالتی به اعتکاف نیابتی

اگر قصد کند که اعتکاف را برای خودش انجام دهد، پس از شروع نمی تواند نیت را برگرداند و به نیابت از دیگری تمام کند؛ همچنان که عکس آن نیز جایز نیست. (۱)

۴-روزه**اشاره**

اعتکاف بدون روزه صحیح نیست (۲) لذا اعتکاف مسافری که روزه برایش جایز نیست و نمازش شکسته است، اعتکاف زن حیض و نفساء (زائو) [به دلیل جایز نبودن روزه و نیز جایز نبودن توقّف در مسجد]، اعتکاف در روز عید قربان و عید فطر که روزه در آن حرام است، باطل می باشد. (۳)

۱-۴-مبطلات روزه**اشاره**

«نه» چیز روزه را باطل می کند؛ لذا اعتکاف در اثر انجام آنها باطل می شود:

- ۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۷) / بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۱ / وسیله النجاه، ص ۳۳۲) / خامنه ای (دفتر) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱) / صافی (استفتانات، ج ۲، ص ۲۳۸) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۳) / نوری (دفتر) .
- ۲- روایات: امام صادق علیه السلام (کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۶ / وسائل الشیعه (آل البيت)، ج ۱۰، ص ۵۳۶) امام رضا علیه السلام از امیرالمومنین علیه السلام نیز این روایت را نقل فرموده اند (وسائل الشیعه (ط-آل البيت)، ج ۱۰، ص ۵۳۶ / بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۹۴، ص ۱۲۸) .
- ۳- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۸۶) / بهجت (وسيلة النجاه، ص ۳۳۱ / دفتر) / خامنه ای (سایت) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۰ / دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۷) / مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج ۲، ص ۸۲) .

- ۱- خوردن و آشامیدن ۲- جماع ۳- استمناء ۴- دروغ بستن به خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۵- رساندن غبار غلیظ به حلق ۶- فرو بردن تمام سر در آب
- ۷- باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح ۸- اماله کردن با چیز روان ۹- قبی کردن

(۱) افطار اجباری در اعتکاف

اگر معتکف مبتلا به مرضی شود که مجبور به افطار روزه است، چه باید بکند و حکم اعتکاف او چیست؟
اعتکاف بدون روزه صحیح نیست، لذا با افطار روزه، اعتکاف باطل می شود. (۱)

(۲) مصادف شدن اعتکاف با عید فطر یا قربان

اگر نذر کند سه روز معین و یا بیشتر را اعتکاف کند، اگر روز سوّم در عید واقع شد، نذر او از اصل باطل است (۲) و قضای آن بر او واجب نیست؛ چرا که نذر او منعقد نشده است و لیکن قضای آن، موافق با احتیاط است. (۳)
اگر شخصی دو روز قبل از عید، اعتکاف را شروع کند [یا روزی شروع کند که عید بین ایام اعتکاف واقع شود] اعتکافش صحیح نیست، هرچند به هنگام شروع غافل از این مساله بوده است. (۴)

- ۱- .خامنه ای (سایت) .
- ۲- بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۶/دفتر) /صافی (دفتر) /نوری (دفتر) : اگر نذر کند سه روز معین را اعتکاف کند، اگر یکی از سه روز در عید واقع شد، نذر او از اصل باطل است.
- ۳- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۵۸۸) /سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۴) /فاضل (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۷۴) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج ۲، ص ۸۶) /العروه الوثقی، ج ۲، ص ۲۵۱.
- ۴- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۸۶) /تبریزی (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۳) /سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۱) /فاضل (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۷۱) /نوری (دفتر) /العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۷) .
مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج ۲، ص ۸۲/سایت) : البتّه یک استثنا وجود دارد، و آن روزه استیجاری است، که قناعت کردن به آن مشکل است.

۲-۴- چه روزه ای را می‌توان در اعتکاف گرفت؟

اشاره

لازم نیست که روزه برای اعتکاف باشد، بلکه روزه غیر اعتکاف هم کفایت می‌کند، چه [روزه] واجب باشد، چه مستحب، خواه برای خودش انجام دهد و خواه از دیگری به عهده گرفته باشد [مانند روزه قضای ماه رمضان، نذر، استیجاری و...]، بدون اینکه فرقی بین اقسام اعتکاف و انواع روزه باشد؛ حتی صحیح است که اعتکافی را که نذر کرده یا برای انجام آن اجیر شده است، در ماه رمضان انجام دهد. اگر اعتکاف در روزهای معینی را نذر کند و روزه نذر هم به گردنش باشد، اگر روزه نذری را در ایام اعتکاف بگیرد، مجزی است. معتکف می‌تواند اعتکافی را که نذر کرده یا برای انجام آن اجیر شده است در ماه رمضان انجام دهد. (۱)

۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۵، التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۸۷) / تبریزی (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۵) / خامنه ای (سایت) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۳/دفتر) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۷/دفتر) / نوری (دفتر) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۰). مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۲): لازم نیست روزه برای اعتکاف باشد، بلکه می‌تواند روزه ماه مبارک رمضان یا روزه قضا و مانند آن را به جا آورد، ولی روزه استیجاری مشکل است. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۵ و ۴۹): اما اگر به نیابت از غیر، معتکف شوند، باید روزه اعتکاف را به نیابت از همان شخص بگیرند. بهجت (وسیلها لنجاه، ص ۳۳۱): اما اگر به نیابت از غیر، معتکف شوند، بنابر احتیاط واجب باید روزه اعتکاف را به نیابت از همان شخص بگیرند.

آیا می‌توان روزه روز سوم اعتکاف را که واجب می‌شود، از روزه قضا حساب کرد یا خودش واجب جداگانه ای است؟

اگر روزه قضا هم باشد، مانعی ندارد. (۱)

در اعتکاف ماه رمضان، نیت روزه باید چگونه باشد؟

روزه باید به نیت روزه ماه مبارک رمضان گرفته شود. (۲)

۱) روزه استیجاری در اعتکاف

آیا هر روزه ای حتی استیجاری جهت اعتکاف کافی است؟

کفایت می‌کند. (۳)

۲) روزه قضا در اعتکاف

آیا می‌توان در ایام البیض [اعتکاف]، روزه قضاء عن ما فی الذمه گرفت؟ اشکال ندارد. (۴)

۱- العروه الوثقی (ج ۲، کتاب الاعتکاف، م ۴).

۲- صافی (دفتر).

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۵) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۱ / جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۵) / تبریزی (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۵) / خامنه ای (دفتر) / سیستانی (دفتر) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۷) / نوری (دفتر) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۰) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۲، س ۴۸۱ / سایت): روزه استیجاری مشکل است [بنابر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند]. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۹): کفایت روزه استیجاری برای معتکف محل اشکال است. (روزه اعتکاف باید به نیت کسی باشد که اعتکاف به نیت او انجام می‌گیرد. چنانچه به نیابت از غیر، معتکف شوند، باید روزه اعتکاف را به نیابت از همان شخص که به نیابتش اعتکاف کرده اند، بگیرند).

۴- مکارم / سیستانی (دفتر / سایت).

آیا در قضای اعتکاف، می‌توان نیت روزه‌های اعتکاف را به نیت روزه‌های قضای ماه مبارک رمضان گرفت؟ بلی، مانعی ندارد. (۱)

۳) روزه مستحبی در اعتکاف، در صورت داشتن روزه واجب

کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد (۲)، نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد (۳) و رعایت احتیاط که هیچ روزه واجبی به گردن او نباشد- مانند روزه کفاره یا غیر آن- ترک نشود. (۴)

آیا کسی که قضای روزه ماه رمضان بدهکار است، می‌تواند نذر کند و روزه نذر به جا آورد؟

نمی‌تواند. (۵)

اگر شخصی نذر کند که در ایام معینی معتکف شود و روزه نذری یا استیجاری نیز برعهده او باشد و نذر اعتکاف به این گونه بوده است که روزه به

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۵).

۲- سیستانی: کسی که روزه قضا ماه رمضان دارد ...

۳- امام خمینی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی، مکارم، نوری (توضیح المسائل (محشی-امام خمینی)، ج ۱، ص ۸۸۵، م ۱۵۶۳). فاضل: کسی که روزه قضا دارد، نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد و اگر روزه واجب دیگری دارد، بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد .. بهجت: کسی که روزه قضا دارد، نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد. [پایان مسأله]

۴- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۳۳).

۵- امام خمینی (استفتائات، ج ۱، ص ۳۳۶، م ۷۷).

خاطر اعتکاف باشد، کفایت از روزه نذری یا اجاره ای نمی کند. [نمی تواند روزه در ایام اعتکاف را، به نیت روزه نذری یا اجاره ای بگیرد.] (۱)

آیا شخصی که احتمال می دهد روزه قضا دارد، می تواند روزه مستحبی بگیرد و اگر برای روزه مستحبی مانند اعتکاف نذر کند، چطور؟

اشکالی ندارد. (۲)

کسی که معتکف شده و روزه هایش را به نیت اعتکاف گرفته و اعتکافش مستحبی است و روزه واجب به عهده دارد، حکم اعتکاف و روزه هایش چیست؟ اگر روزه واجب دارد، نمی تواند به نیت روزه مستحبی روزه بگیرد و روزه او با این نیت باطل است و اعتکاف او فاسد می شود. (۳)

کسی که معتکف شده و روزه هایش را به نیت اعتکاف گرفته و اعتکافش واجب است و روزه واجب به عهده دارد، حکم اعتکاف و روزه هایش چیست؟

باید نیت روزه های قضای خود را بنماید و اعتکاف او صحیح است. (۴)

۳-۴- اعتکاف بیمار

کسی که در حین اعتکاف، مریض شود (و قبلاً هم شرط رجوع نکرده باشد)، می تواند روز سوم اعتکاف خود را به هم بزند؟

۱- امام خمینی (التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ج ۲، ص ۵۸۸) / العروہ الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۱)

۲- مکارم (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۹۴، م ۲۸۹) .

۳- خامنه ای (دفتر) / نوری (دفتر) . فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۵) : اعتکاف او باطل است. البته اگر فراموش کرده که روزه واجب دارد، روزه و اعتکافش صحیح است.

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۶) .

مرضی که موجب بطلان صوم است، موجب بطلان اعتکاف نیز هست و لو روز سوّم باشد. (۱)

معتکفی که روز اوّل حالش بد است و تصمیم میگیرد فردا روزه نگیرد، ولی روز دوّم حالش خوب می شود، آیا به اعتکافش خللی وارد شده است؟ خیر. (۲)

آیا بیمار و کسی که روزه برایش ضرر دارد، می تواند معتکف شود و اگر در حال اعتکاف باشد و روزه نگیرد، ثوابی می برد؟ اعتکاف اشخاصی که روزه برایشان ضرر دارد، باطل است. (۳)

کسی که هر روز احتیاج به آمپول دارد، می تواند اعتکاف کند و به جهت آن از مسجد خارج شود؟

احتیاط واجب است (۴) که روزه دار از استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می رود خودداری کند، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند یا به

۱- صافی (دفتر).

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۶).

۳- مکارم (استفتائات، ج ۳، ص ۱۰۸). امام خمینی/تبریزی/صافی/مکارم/نوری (توضیح المسائل محشی امام خمینی، ج ۱، ص ۹۶۷، م ۱۷۴۴): نباید روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد صحیح نیست. [لذا نمی تواند معتکف شود]. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۱): اعتکاف بدون روزه صحیح نیست ولی ماندن در مسجد ثواب دارد، به خصوص اگر مشغول عبادت و دعا باشد. بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۱)/سیستانی (سایت): نمی تواند معتکف شود و ثواب اعتکاف هم نمی برد

۴- فاضل (توضیح المسائل، م ۹۹۳) - العروه الوثقی مع التعليقات الفاضل، ج ۲، ص ۷۸): واجب است تبریزی و سیستانی و صافی (توضیح المسائل، م ۱۵۸۵)/نوری (توضیح المسائل، م ۱۵۷۳): احتیاط مستحب

جای دوا استعمال می شود اشکال ندارد- و می تواند جهت تزریق آن از مسجد خارج شود. (۱)

۴-۴-روزه در سفر

مسافر می تواند در موارد ذیل نیز روزه بگیرد:

اولاً- اگر روزه در سفر را نذر کرده باشد.

ثانیاً- در مدینه برای طلب حاجت، سه روز می تواند، روزه بگیرد. (۲)

۴-۵-نذر روزه در سفر

اگر غیر روزه ماه رمضان، روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد بنا بر احتیاط واجب (۳) نباید در آن روز مسافرت کند و اگر در سفر باشد باید قصد کند

۱- امام خمینی (توضیح المسائل، ص ۲۴۲، م ۱۵۷۶-التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۰، م ۳۰) / بهجت (توضیح المسائل، م ۱۲۸۴-وسیله النجاه، ص ۳۳۲، م ۱۱۹۴) / خامنه ای (اجوبه الاستفتائات، ص ۱۶۰، س ۷۶۷). مکارم (توضیح المسائل، م ۱۳۳۹): احتیاط واجب است که روزه دار از استعمال آمپولی که به جای غذا یا دوا به کار می رود خودداری کند، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند اشکال ندارد- و می تواند جهت تزریق آن از مسجد خارج شود.

۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۶۵) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۷۸) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۳۲) / صافی (دفتر/هدایه العباد، ج ۱، م ۱۳۵۴) / فاضل (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۵) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۱۴، شرائط صحه الصوم). نوری (دفتر): چنانچه در حضر (غیر سفر) نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد، باید آنرا در سفر روزه بگیرد و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد یا نباشد، روزه بگیرد، باید آن روز را اگرچه مسافر باشد، روزه بگیرد. مسافر می تواند برای خواستن حاجت، سه روز در مدینه روزه مستحبی بگیرد و بنا بر احتیاط واجب، آن سه روز، چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه باشد.

۳- تبریزی: مثلاً نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، بهتر آن است که تا ناچار نشود در آن روز مسافرت نکند. و اگر در سفر باشد چنانچه ممکن است قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد. ولی ظاهر آن است که سفر جایز است و قصد اقامه واجب نیست و در صورتی که روزه نگیرد لازم است روزه آن روز را قضا کند. صافی: مثلاً نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، بنا بر احتیاط مستحب تا ناچار نشود، در آن روز مسافرت نکند و اگر در سفر باشد چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط مستحب قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد. فاضل: مثل این که نذر کند روز معینی را روزه بگیرد، می تواند در آن روز مسافرت نماید هم چنین است در تنگی وقت اگر قضاء ماه رمضان به عهده اش باشد. سیستانی: چنانچه به اجاره یا مانند آن واجب شده باشد یا روز سوم از روزهای اعتکاف باشد نمی تواند در آن روز

مسافرت کند و اگر در سفر باشد چنانچه ممکن است باید قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد ولی اگر روزه آن روز به نذر واجب شده باشد، ظاهر آن است که سفر در آن روز جایز است و قصد اقامت واجب نیست، هر چند بهتر آن است که تا ناچار نشود مسافرت نکند و اگر در سفر است قصد اقامت نماید ولی اگر به قسم یا عهد واجب شده باشد بنا بر احتیاط واجب مسافرت نرود و اگر در سفر بود قصد اقامت کند. مکارم: بنا بر احتیاط واجب نباید در آن روز مسافرت کند، حتی اگر در سفر است باید در جایی قصد توقف ده روز کند و آن روز را روزه بگیرد. نوری: مثلاً نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب تا ناچار نشود، نمی تواند در آن روز مسافرت کند و اگر در سفر باشد چنانچه ممکن است باید بنا بر احتیاط لازم قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد

که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد ولی اگر نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد می تواند در آن روز مسافرت نماید. (۱)

اگر نذر کند روزه (۲) بگیرد و روز آن را معین نکند، نمی تواند آن را در سفر به جا آورد. ولی چنانچه نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد (۳) باید آن

۱- امام خمینی، بهجت، خامنه ای، نوری، تبریزی، فاضل، سیستانی، مکارم و صافی (توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۹۵۱، م ۱۷۱۶).

۲- سیستانی: مستحبی.

۳- مکارم: یا نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد چه نباشد روزه بگیرد، احتیاط واجب آن است که آن روز را اگر چه مسافر باشد روزه بگیرد. بهجت: مسافر نمی تواند در سفر روزه بگیرد، مگر این که روزه گرفتن در سفر را نذر کرده باشد، که در این صورت روزه گرفتن صحیح است، و بنا بر احتیاط واجب روزه مستحبی را در سفر به نیت رجاء باید گرفت، مگر در مدینه مشرفه که بنا بر روایت، مسافر می تواند برای برآورده شدن حاجت سه روز روزه بگیرد

را در سفر به جا آورد و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد یا نباشد، روزه بگیرد باید آن روز را اگر چه مسافر باشد، روزه بگیرد. (۱)

۶-۴- نذر روزه و اعتکاف در حین سفر

آیا در حین مسافرت می شود روزه [یا اعتکاف] در سفر را نذر کند؟

اگر قصد ده روز کنید، می توانید در اعتکاف شرکت کنید؛ ولی نذر روزه [یا اعتکاف] در حین مسافرت جایز نیست. (۲)

-
- ۱- امام خمینی، تبریزی، سیستانی، فاضل، صافی، مکارم، نوری (توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۹۵۱، م ۱۷۱۷).
 - ۲- امام خمینی، تبریزی، صافی و نوری (دفاتر-مناسک حج (محشی)، ص ۶۱۶، س ۱۳۴۴) / مکارم (سایت). بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۳۸۶) / خامنه ای و سیستانی (دفاتر-مناسک حج (محشی)، ص ۶۱۶، س ۱۳۴۴): می توانید حتی در همان سفر نذر روزه کنید و در اعتکاف شرکت نمایید. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۲، س ۴۷۵ و ۴۸۲/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۰۷): اشکال دارد و بدون قصد ده روز نمی توان در سفر معتکف شد ولی اگر نذر کرد، احتیاط آن است که به نذرش عمل کند. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۸): بنابر احتیاط نمی توان در غیر وطن، نذر روزه در سفر را کرد.

مسافری که در شهرش نذر اعتکاف یا نذر روزه در ایام البیض را نکرده است، آیا می تواند در حال مسافرت نیت کند؟ چنین شخصی چگونه در شهر دیگر می تواند معتکف شود؟

خیر، بنا بر احتیاط نمی تواند در غیر وطن نذر روزه در سفر را بکند ولی می تواند با اقامت ده روز معتکف شود. (۱)

شخصی برای درک فضیلت اعتکاف در مشهد مقدس بعد از رسیدن به مشهد بدون قصد اقامت، نذر کرده سه روز روزه بگیرد آیا چنین نذری صحیح است؟ صحیح نیست. (۲)

۷-۴-روزه قضا در سفر

مسافری که نیت نذر اعتکاف کرده است، آیا می تواند روزه های اعتکاف را به نیت روزه های قضای ماه مبارک رمضان بگیرد؟ خیر. اگر [در وطن] نذر کنند در سفر روزه بگیرند، روزه صحیح است ولی قضاء محسوب نمی شود. (۳)

۸-۴-اعتکاف در سفر

اشاره

آیا می توان برای شرکت در مراسم اعتکاف به شهر دیگری که بیش از چهار فرسخ با ما فاصله دارد مسافرت کرد و اعتکاف در صورت سفر، صحیح است؟ اگر قصد اقامت ده روز و یا نذر روزه در سفر نباشد، روزه در سفر صحیح نیست و با عدم صحت روزه، اعتکاف هم صحیح نیست. (۴)

۱- صافی (دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۸) .

۲- صافی (دفتر) .

۳- امام خمینی (استفتائات، ج ۱، ص ۳۲۱) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۷) .

۴- خامنه ای (استفتائات) .

حکم اعتکاف مسافر در مساجد مدینه، کوفه، مسجدالحرام، سهله و مشاهد مشرفه بدون نذر روزه و قصد اقامت چیست؟ در هر مکانی که روزه صحیح نیست، اعتکاف هم صحیح نیست. (۱)

آیا مسافر می تواند معتکف شود؟ اگر بتواند روزه بگیرد مثلاً روزه در سفر را نذر کرده باشد یا در مدینه که جایز است، مسافر برای طلب حاجت سه روز روزه بگیرد، اعتکافش مانعی ندارد. (۲)

من علاقه زیادی دارم که در مراسم اعتکاف در مرکز استان شرکت کنم ولی چون در شهرستان زندگی می کنم و اگر بخواهم به مرکز استان بروم باید نماز خود را شکسته بخوانم، آیا از این نظر مشکلی نخواهم داشت؟ کسی که بخواهد در سفر معتکف شود، می تواند نذر کند که در سفر روزه بگیرد و می تواند اعتکاف نماید. (۳)

اگر کسی بخواهد در خارج از شهر خود اعتکاف کند، برای مثال در مکه مکرمه و از ساکنین مکه نباشد و قصد ده روز هم نکند، آیا نذر کافی است و صیغه آن چیست؟ نذر روزه در سفر مانعی ندارد و با این نذر، روزه و اعتکافش

۱- صافی (دفتر).

۲- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۱، م ۳۱۲۹/دفتر) / تبریزی (رساله احکام بانوان، ص ۱۷۹، م ۲۸۰) / خامنه ای (دفتر) / نوری (دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۱/۴۷۵/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۰۷): در صورتی که قصد ده روز کند مانعی ندارد، در غیر این صورت اشکال دارد. صافی (دفتر): اگر بتواند روزه بگیرد مثلاً روزه در سفر را نذر کرده باشد یا در مدینه که جایز است، مسافر برای طلب حاجت سه روز روزه بگیرد، اعتکافش مانعی ندارد.

۳- خامنه ای.

صحیح است ولی احتیاط آن است که نذر، قبل از شروع مسافرت باشد و صیغه آن عبارت است از «لَلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أَصُومَ فِي سَفَرِي إِلَى كَذَا» (۱).

کسی که نذر کند سه روز را روزه بگیرد می تواند با همین نیت در شهر دیگری اعتکاف کند و قصد ده روز را نکند؟ اگر نذر کند سه روز در سفر روزه بگیرد، مانعی ندارد. (۲)

شخصی نذر کرده سه روز روزه مستحبی در سفر بگیرد، آیا می تواند درمکه یا مشهد و غیر آن که مسافر است، اعتکاف کند و سه روز روزه نذری را بگیرد؟ بلی، اگر در وطن نذر کرده که در سفر سه روز روزه بگیرد، می تواند در سفر، در هر شهری که مسجد جامع وجود دارد، اعتکاف کند و روزه ها را بگیرد. (۳)

کسی که نذر اعتکاف کند، می تواند با همین نیت در شهر دیگری اعتکاف کند و قصد ده روز را نکند؟

اگر نذر کند سه روز در سفر روزه بگیرد، مانعی ندارد. (۴)

آیا کسی می تواند نذر کند که در شهری دیگر معتکف شود؟

مانعی ندارد (باید روزه اش در آنجا صحیح باشد و نذر اعتکاف در شهر دیگر، نذر روزه نیست). (۵)

۱- خامنه ای (سایت) .

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۸) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۰) .

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۸) .

۵- تبریزی (رساله احکام بانوان، ص ۱۷۹، م ۲۸۱) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۸) / نوری (دفتر)

معلمی که فقط نه ماه تحصیلی کار می کند و محل کارش شیراز است، آیا می تواند در فصل تعطیلی کار در شیراز، اعتکاف کند یا حکم مسافر را دارد؟

اگر در کمتر از هر ده روز، یک سفر دارد، مانعی ندارد و گرنه قصد اقامت ده روز، لازم است. (۱)

آیا در سفر حرام می توان اعتکاف کرد؟ با تحقق اعتکاف به قصد قربت و حصول سایر شرایط اعتکاف صحیح است. (۲)

شخصی نذر کرده در ایام البیض ماه رجب، در مسجد مقدّس جمکران معتکف شود و نذر کرده در فرض مسافرت، روزه هم بگیرد. آیا نذرش منعقد است؟ آیا اعتکاف او صحیح است، هر چند مسافر باشد؟

در فرض سوال، اعتکاف صحیح است. (۳)

۱-۸-۴- احکام اعتکاف در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم

خروج معتکف از مسجدالحرام، جهت نماز جماعت، در مکه جایز است. (۴)

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۶).

۲- صافی (دفتر). نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۶، م ۲۷۵): بلی می توان.

۳- صافی (دفتر). مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۲): خالی از اشکال نیست ولی احتیاط آن است که به این نذر عمل کند.

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸). سیستانی (دفتر): فردی که در مکه معتکف شده باشد می تواند برای نماز جماعت یا فرادا، از مسجد خارج شود و در هر جای مکه که می خواهد نماز بخواند. صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۹، م ۱۴۱۲): و جایز است در خانه خود نیز نماز گذارد چرا که مکه تماماً حرم الله است.

اگر معتکف در مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد الحرام جُنب شود باید با تیمم خارج شود و نمی‌توان در آنجا غسل جنابت به جا آورد. (۱)

بسیاری از زائران خانه خدا خواهان اعتکاف در مسجد الحرام هستند. با توجه به فرصت معنوی و تأثیر فراوان روحی و روانی آن و لزوم روزه جهت اعتکاف، آیا می‌توانند پس از حضور در مکه با نذر، به اعتکاف بپردازند؟ می‌توانند برای روزه نذر کنند و در این صورت اعتکاف مانع ندارد. (۲)

فردی قصد اعتکاف در مسجد الحرام را دارد، آیا می‌تواند قبل از اذان صبح در تنعیم مُحرم شود و بقیه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد، با توجه به اینکه محل سعی جزو مسجد نیست؟

می‌تواند مُحرم شود و خروج از مسجد برای انجام سعی، مانع ندارد. (۳)

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۷) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰، م ۳۱۶۶) امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۷): مگر آن که زمان خروج، کوتاه تر یا مساوی زمان توقف برای تیمم باشد، که در این صورت بنا بر اقوی باید بدون تیمم خارج شود.

۲- (مناسک حج (محشی)، ص ۶۱۶، س ۱۳۴۴). بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۳۸۶/دفتر): مانعی ندارد. خامنه ای: می‌توانند برای روزه نذر کنند و در این صورت اعتکاف مانع ندارد. تبریزی: چنانچه نذر روزه در مکه نماید تا روزه در سفر صحیح باشد، می‌توان معتکف شود. سیستانی: اگر نذر کنند که در سفر روزه بگیرند، اشکال ندارد. صافی: صحت نذر روزه بعد از ورود به مکه مکرمه مورد اشکال است. فاضل: ظاهر آن است که صحت روزه در سفر با نذر در وطن محقق می‌شود. مکارم: بدون یت اقامه ده روز روزه گرفتن و اعتکاف کردن، اشکال دارد. نوری: نمی‌توانند مگر این که در وطن، نذر روزه کرده باشند.

۳- (مناسک حج (محشی)، ص ۶۱۶، س ۱۳۴۵). بهجت (دفتر) / خامنه ای / مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴، س ۴۹۵) سیستانی: می‌تواند ولی لازم است اعمال را تا زمانی تأخیر بیاندازد که سعی او پس از پایان اعتکاف باشد، ولی چنانچه صبر کردن تا آن موقع سخت باشد می‌تواند از عنوان حاجت ضروری استفاده نماید و از مسجد جهت انجام سعی خارج شود. صافی: احرام او صحیح است و خروج از مسجد برای سعی مضرّ به اعتکاف نیست و اگر احتیاط نماید و اعمال عمره را بعد از اعتکاف بجا آورد بهتر است. فاضل: مانعی ندارد لکن سعی نماید تا عمل سعی را زودتر به پایان رساند.

روزه روز سوم ایام اعتکاف در مسجد الحرام، چه حکمی دارد؟

اگر مسافر باشد و قصد اقامت ده روز در مکه نماید و یا نذر کرده باشد که در سفر روزه بگیرد، بر او واجب است بعد از اینکه دو روز روزه گرفت، اعتکاف خود را با روزه روز سوم کامل کند ولی اگر قصد اقامت و یا نذر روزه در سفر نکرده باشد، روزه او در سفر صحیح نیست و با عدم صحّت روزه، اعتکاف هم صحیح نیست. (۱)

۵-مدّت اعتکاف

اشاره

۵-مدّت اعتکاف (۲)

۱- خامنه ای (اجوبه الاستفتائات، ص ۱۷۳، س ۸۳۳/سایت).

۲- روایات: امام صادق علیه السلام: «دوره اعتکاف، کمتر از سه روز نخواهد بود و هر کس معتکف شود، باید روزه بگیرد». (الاستبصار، ج ۲، ص ۱۲۸/کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۷) امام صادق علیه السلام: «هر کس سه روز اعتکاف کرد، [روز چهارم] می تواند از مسجد خارج شود ولی اگر دو روز دیگر [بعد از آن سه روز] باقی ماند، دیگر از مسجد خارج نشود تا اینکه سه روز دیگر را کامل کند». (کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۸/وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۴۴) امام صادق علیه السلام: «هر گاه شخص یک روز اعتکاف کند، حتی اگر شرط نکرده باشد، می تواند از مسجد خارج شود و قطع اعتکاف کند و اگر دو روز بماند و شرط نکرده باشد، نمی تواند، خارج شود و اعتکاف را فسخ کند تا اینکه سه روز را تمام کند». (الاستبصار، ج ۲، ص ۱۲۹/کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۷)

اعتکاف نباید کمتر از سه روز پیوسته با شب های مابین باشد اما بیشتر از سه روز مانعی ندارد [گرچه آن زیاده، قسمتی از یک روز یا قسمتی از یک شب باشد] (۱) و حداکثر ندارد. اگر کسی کمتر از سه روز و دو شب مابین آنها را برای اعتکاف نیت کند یا حضور یابد اعتکاف باطل است [مثلا نذر کند سه روز بدون شب ها معتکف شود]. (۲) بعد از هر دو روز، سومین روز آن واجب است؛ مثلا اگر پنج روز اعتکاف کند، روز ششم واجب است. (۳)

باید روزهای اعتکاف متصل باشد و دو شب وسط در اعتکاف داخل است. اگر کسی نذر کند سه روز منفصل و یا بدون شب های وسط معتکف شود، نذرش باطل است. اگر نذر کند یک روز یا دو روز را به شرط آنکه زیادتیر نشود، معتکف شود، نذرش باطل است؛ البته اگر مقید نکند که زیادتیر از یک یا دو

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۸۶): اینکه آن زیاده، قسمتی از یک روز یا قسمتی از یک شب باشد، جای تردید است.

۲- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۲، س ۴۷۸) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۵، م ۲۶۸): و اعتکاف بیش از سه روز هم جایز است، ولی هر گاه دو روز اضافه کند، بنا بر احتیاط واجب روز سوم را هم بر آن بیفزاید. ولی بخشی از یک روز یا بخشی از یک شب اشکال دارد. بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۱/جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۹/دفتر) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۷/دفتر): و اگر پنج روز اعتکاف کند، روز ششم واجب است علی الاقوی و بنا بر احتیاط مستحب اگر هشت روز اعتکاف کند، روز نهم واجب می شود.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶) / خامنه ای (سایت) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱/دفتر) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۳) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۴)

روز نباشد، صحیح است و واجب است یک روز یا دو روز را بر آنچه نذر کرده، بیفزاید. (۱)

۱-۵-اعتکاف ناپیوسته

آیا در تحقق اعتکاف، سه روز ناپیوسته کافی است؟

کافی نیست. (۲)

۲-۵-شروع اعتکاف پس از طلوع فجر

اگر شخصی بعد از طلوع فجر و لو با چند دقیقه تاخیر به مسجد برسد، آن روز جزو اعتکاف به حساب نمی آید. چنانچه قبل از مغرب روز سوم، اعتکاف را قطع کند، افزون بر آن که کار حرامی کرده، اعتکاف نیز باطل است [مگر آنکه شرط رجوع گذاشته باشد]. (۳)

۳-۵-محدوده روز در اعتکاف

منظور از روز در اعتکاف چیست؟

از اوّل طلوع فجر [هنگام اذان صبح] تا مغرب [برطرف شدن سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پدید می آید که عرفاً مغرب گفته می شود] است. (۴)

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۷) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۳/جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۵ و ۴۶) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۸/دفتر)

۲- مکارم (استفتائات، ج ۲، ص ۱۶۲)

۳- خامنه ای (سایت) .

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶) / تبریزی (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۴، م ۷۴۲) / خامنه ای (سایت/دفتر) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۷) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۷) / نوری (دفتر) . بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۲) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۲) : روز، از اوّل طلوع فجر تا غروب آفتاب است. سیستانی (دفتر) : روز، از اول طلوع فجر تا بنابر احتیاط واجب مغرب است. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۲، س ۴۷۹/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۵) : روز، از اوّل طلوع فجر تا غروب آفتاب است و احتیاط است که تا اذان مغرب محاسبه شود.

۴-۵- اضافه نمودن بخشی از روز به اعتکاف

داخل کردن شب اول و شب چهارم در اعتکاف لازم نیست، هر چند جایز است. (۱)

اعتکاف بیشتر از سه روز، به صورتی که آن زیاده، بخشی از یک روز یا شب باشد، چه حکمی دارد؟

مانعی ندارد. (۲)

اگر نذر کند که روز رسیدن فلانی اعتکاف کند، نذر او باطل است- اگرچه بنا بر احتیاط، روزی که احتمال ورود او را می دهد، معتکف شود و اگر آمد، باید اعتکاف آن روز را تمام کند و دو روز دیگر به آن ضمیمه کند و رجائاً معتکف شود- مگر اینکه بداند او قبل از طلوع فجر می رسد. اگر نذر کند روز

۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۱) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۷) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۵) .

۲- امام خمینی (التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ص ۵۸۶) : اگرچه جای تردید است. تبریزی (رساله احکام بانوان، ص ۱۸۰، م ۲۸۳) بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۱/سایت) : در جایی که اعتکاف سه روز باشد، صحت تلفیق، محل تأمل و اشکال است و اگر بیشتر باشد و از اول نیت آن را داشته است، تلفیق جایز است. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۲، س ۴۷۸) : ولی بخشی از یک روز یا بخشی از یک شب اشکال دارد.

بعد از رسیدن فلانی، اعتکاف کند، نذر او صحیح است و واجب است دو روز دیگر بر آن ضمیمه کند. (۱)

معتکفی که یک ساعت قبل از اذان مغرب برایش کار ضروری پیش می آید و باید از مسجد خارج شود، اگر در هنگام اذان مغرب روز سوّم در مسجد نباشد، آیا اعتکاف او صحیح است؟

اگر مجوّز خروج داشته باشد، مانعی ندارد. (۲)

معتکفی که یک ساعت قبل از اذان مغرب برایش کار ضروری پیش می آید و حدود ۵ یا ۱۰ دقیقه قبل از اذان روز سوّم کار او تمام شود، آیا باید خود را به مسجد برساند؟

بلی. (۳)

۵-۵-اعتکاف به صورت تلفیقی

اینکه اعتکاف سه روز بطور تلفیق باشد، یعنی مثلاً از ظهر روز اوّل شروع کند تا ظهر روز چهارم، اشکال دارد. (۴)

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۸۸). نوری (دفتر): نذر او صحیح است. باید روزهایی که احتمال ورود

فلانی را می دهد معتکف شود و در روزی که فلانی آمد باید اعتکاف آن روز را تمام کند و دو روز دیگر به آن ضمیمه کند.

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۴).

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۴).

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۲) / وسیله النجاه، ص ۳۳۱ / دفتر / خامنه ای

(سایت) / سیستانی (دفتر) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۷) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۰۸) / نوری (حاشیه العروه

الوثقی) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۸).

اگر معتکف نیت چهار روز اعتکاف کند، آیا روز چهارم هم جزو اعتکاف است یا اینکه باید شش روز را تکمیل کند تا روز چهارم به حساب آید؟

روز چهارم داخل در اعتکاف نیست ولی اگر پنج روز اعتکاف کند واجب است روز ششم را کامل کند. (۱)

۶-۵-اعتکاف یک ماهه

کسی که نذر کند به مقدار یک ماه معتکف شود، جایز است متفرق، معتکف شود یعنی سه روز، سه روز، معتکف شود مگر اینکه نذر یک ماه بین الهالین کرده باشد که در این صورت، پی در پی بودن واجب است. (۲)

اگر نذر کند یک ماه اعتکاف کند همین که بین هلال ماه اول و دوم را اعتکاف کند کافی است، اگرچه ماه، ناقص [بیست و نه روز] باشد ولی اگر کمتر بود، (۳) بنابر احتیاط واجب باید یک روز به آن اضافه کند [تا اعتکافش سه روز، سه روز صحیح باشد]. (۴)

۱- خامنه ای (سایت) .

۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۵۸۸) ، بهجت (استفتاءات، ج ۲ ص ۴۴۸/جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۷) /العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۲) .

۳- بهجت (استفتاءات، ج ۲، ص ۴۴۸/جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۷/دفتر) : لازم نیست یک روز به آن اضافه کند، هرچند احوط است.

۴- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۷/التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۵۸۸) / صافی (استفتاءات، ج ۲، ص ۲۳۸) . مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۳، ص ۴۸۶) : با تمام شدن ماه وظیفه تمام می شود.

اگر کسی نذر کند سه روز یا بیشتر معتکف شود داخل کردن شب اول در اعتکاف واجب نیست، برخلاف اینکه اگر نذر کند یک ماه را معتکف شود، شب اول هم جزو همان یک ماه است. (۱)

اگر کسی نذر کند به مقدار یک ماه معتکف شود، آیا می‌تواند

اعتکاف های یک روزه به طور متفرق بگیرد؟

می‌تواند ده اعتکاف سه روزه، به طور متفرق انجام دهد و چنانچه نذر کند سی اعتکاف ایجاد کند باید سی بار یک روزه معتکف شود و به هر یک از آن روزها دو روز دیگر ضمیمه کند که مجموع ایام اعتکاف نود روز می‌شود. (۲)

اگر کسی نذر کند ماه شعبان را از اول تا آخر معتکف شود اما به دلیل ابری بودن یا محبوس بودن، ابتدا و انتهای ماه را تشخیص ندهد، تکلیف چیست؟

روزی را که شک دارد که آخر ماه رجب است یا اول ماه شعبان بنا می‌گذارد بر این که از ماه رجب است و اعتکاف آن روز لازم نیست و روزی را که شک دارد آخر ماه شعبان است یا اول ماه رمضان بنا می‌گذارد بر اینکه آخر ماه شعبان است و باید آن روز را هم معتکف شود. (۳)

۶- حضور در مسجد جامع

اشاره

۶- حضور در مسجد جامع (۴)

احتیاط مستحب است که اعتکاف در یکی از مساجد چهارگانه (مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد

۱- امام خمینی (التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ص ۵۸۸) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۸، م ۳۱۵۸/ جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۶) / نوری (دفتر) مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۳ س ۴۸۵) : شب اول جزو اعتکاف نیست.

۲- امام خمینی (التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ص ۵۸۸) / نوری (دفتر) .

۳- نوری (دفتر) .

۴- روایات: امام صادق علیه السلام: «اعتکاف نیست مگر با روزه در مسجد جامع». (کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۶) امام صادق علیه السلام: «اعتکاف تنها در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد جامع جایز است». (وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۴۱/ بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۹۴، ص ۱۲۸) امام صادق علیه السلام: «جز مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد کوفه و مسجد جامع را محلّ اعتکاف نمی‌دانم». (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۲) به امام صادق علیه السلام عرض شد که نظر شما درباره اعتکاف در یکی از مساجد بغداد، چیست؟

فرمودند: «جز در مسجد جامعی که امام عادل‌ی در آنجا اقامه جماعت کرده باشد، اعتکاف مکن و باکی نیست که در مسجد کوفه و بصره و مسجد مدینه و مسجد مکه اعتکاف کنی». (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴/کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۶). [مبحث عدالت امام جماعت مسجد جامع، شاید به خاطر مسایل سیاسی و حاکم جبار آن دوره بوده است].

بصره) باشد. اعتکاف (۱) در مسجد جامع شهر صحیح است و اعتکاف در سایر مساجد، مثل مسجد بازار صحیح (۲) نیست. اگر مسجد جامع در شهری متعدد باشد، میتوان یکی از آنها را انتخاب نمود. یک اعتکاف در دو مسجد، جایز نیست (۳).

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶/نجاه العباد، ص ۱۷۰): بنابر احتیاط واجب رجائاً.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶): جائز.

۳- امام خمینی (تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶/نجاه العباد ص ۱۷۰) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۲ و ۴۴۳/وسیله النجاه، ج ۱، ص ۳۳۱/جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۹) / تبریزی (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۴) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۳) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۷/دفتر) / فاضل (العروه الوثقی، ج ۲، ص ۷۲/اعتکاف و احکام آن، ص ۱۶) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۸) / نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۶، س ۲۷۰) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۸) خامنه‌ای (سایت): از مساجد نیز فقط مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره را برای اعتکاف برگزیند؛ و در غیر این صورت در هر مسجدی به قصد رجاء مانعی ندارد. اعتکاف در هر مسجدی حتی غیر از مسجدهای چهارگانه تا هنگامی که بر آن مکان اسم مسجد صدق کند، جایز است، مشروط بر این که به قصد رجاء باشد یعنی به امید این که مطلوب خداوند واقع شود و مختص به مسجد جامع نیست. سیستانی (دفتر): مشروعیت اعتکاف در غیر مسجد جامع ثابت نیست بلکه آنچه از ظاهر روایات معتبر فهمیده می‌شود اختصاص اعتکاف مشروع به مسجد جامع می‌باشد لکن چون ادله قطعی و یقین آور نیست لذا اعتکاف در سایر مساجد، غیر مسجد جامع رجائاً و بدون قصد ورود، اشکال ندارد اما اعتکاف در جایی که مسجد نیست مثلاً حسینیه یا فقط نمازخانه است صحیح نیست. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۳۹): و در صورتی که در مسجد جامع شهر جا نباشد در سایر مساجدی که سه وعده نماز جماعت با جمعیت معتابه خوانده می‌شود می‌توان به قصد رجاء معتکف شد.

۱-۶- تعدد مساجد جامع

اگر مسجد جامع در شهر متعدد باشد، حکم اعتکاف چیست؟ در صورت تعدد، اختیار دارد در هر یک از آن مساجد اعتکاف نماید. (۱)

آیا در مسجد جامع روستا اعتکاف صحیح است هر چند روستاها به هم نزدیک باشند؟

اعتکاف باید در مسجد جامع باشد و در مساجد جامع روستا هم صحیح است و لو روستاها به هم نزدیک باشند. (۲)

۲-۶- غیر عادل بودن امام جماعت مسجد جامع

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۵۸۶) / خامنه ای (دفتر) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۳) / تبریزی (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۴) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱) / صافی (هدایا للعباد، ج ۱، ص ۲۳۶) / فاضل (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۷۲) / اعتکاف و احکام آن، ص ۱۶) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۹) / اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۲) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، الاعتکاف، السادس) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۸) . فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۶) : ولی انتخاب آنکه بیشتر محل عبادت مردم باتقوا و باورع است و یا جمعیت نماز جماعتش زیادتر است، رجحان دارد.

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۳۶) .

اگر امام جماعت مسجد جامع عادل نباشد، اعتکاف در آنجا جایز نیست؟ خیر، عدالت امام جماعت مسجد در صحت اعتکاف شرط نیست. (۱)

۳-۶-اعتکاف در غیر مسجد جامع

آیا اعتکاف در غیر مسجد جامع، مثل نمازخانه ها رجائاً اشکال دارد؟

جایز نیست. (۲) (به صفحه ۹۴ و پاورقی آن مراجعه شود).

اعتکاف در مساجد دانشگاه های کشور چه حکمی دارد؟

در صورتی که گروه های خارج از دانشگاه هم برای اقامه نماز از مناطق مختلف به مسجد دانشگاه می آیند، اعتکاف در آن جایز است. (۳)

اعتکاف در مساجد دانشگاه هایی که در ایام تعطیلی نماز جماعت آن تعطیل است، چه حکمی دارد؟

هرگاه چند ماه نماز جماعت در آن تعطیل شود، اعتکاف در آن اشکال دارد. (۴)

۱- خامنه ای (سایت/دفتر). سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۳/دفتر): در زمانی که امامت مسجد جامع اختصاص به فرد غیر عادل داشته باشد، بنابر احتیاط واجب اعتکاف در آن صحیح نیست.

۲- امام خمینی (تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶، نجاه العباد، ص ۱۷۰) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۲ و ۴۴۳ / وسیله النجاه، ج ۱، ص ۳۳۱/جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۹) / تبریزی (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۴) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۷/دفتر) / فاضل (العروه الوثقی، ج ۲، ص ۷۲/اعتکاف و احکام آن، ص ۱۶) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۸) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۸).

۳- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۸، ص ۴۵۷). بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۳) / صافی (دفتر): صحیح نیست و مسجد جامع شهر به حساب نمی آید

۴- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۲).

نظر به استقبال کم نظیر اقشار مختلف و آثار و برکات معنوی و تربیتی اعتکاف و ظرفیت محدود مساجد، آیا می‌توان به حکم ضرورت در دیگر مساجد چون مسجد محل، بازار و دانشگاه‌ها اعتکاف را برگزار نمود؟

خیر، اعتکاف را در سایر ایام سال مثل ماه رمضان برگزار کنید. در صورتی که در مسجد جامع شهر جا نباشد در سایر مساجدی که سه وعده نماز جماعت با جمعیت معتدبه خوانده می‌شود می‌توان به قصد رجاء معتکف شد. (۱)

آیا بنا بر اضطرار و عدم ظرفیت مساجد شهر می‌توان در مصلای شهر که محل اقامه نماز جمعه می‌باشد، اعتکاف را برگزار نمود؟

خیر، اعتکاف را در سایر ایام سال مثل ماه رمضان برگزار کنید. (۲)

حکم اعتکاف در صورتی که مسجد جامع را برای تجدید بنا خراب کنند و یا جا برای اعتکاف در مسجد جامع نباشد چیست؟

اعتکاف در مساجد دیگر که در سال حداقل یکی دو بار اهالی شهر در آن نماز می‌خوانند مانعی ندارد، و اعتکاف در حسینیه صحیح نیست. (۳)

با توجه به استقبال زیاد مشتاقین به اعتکاف و عدم ظرفیت مساجد جامع برای انجام این امر، نظر حضرت‌تعالی در مورد اعتکاف در سایر مساجد چیست؟ اعتکاف باید در مسجد جامع باشد. در تمام مساجد معروف شهر که به طور مرتب در آن اقامه جماعت می‌شود، اعتکاف جایز است. (۴)

آیا در تهران بزرگ، در مسجد جامع هر محله، می‌توان اعتکاف کرد؟

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۳۹).

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۰).

۳- تبریزی (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۴۰).

۴- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۱ و ۱۱۴/سایت).

یکی از شرایط صحت اعتکاف این است که در مسجد جامع باشد لذا در مسجد بازار و محله، اعتکاف صحیح نیست مگر صدق کند که مسجد جامع است. در صورتی که در مسجد جامع شهر جا نباشد در سایر مساجدی که سه وعده نماز جماعت باجمعیت معتابه خوانده می شود، می توان به قصد رجاء معتکف شد. (۱)

در لزوم رعایت مکان اعتکاف، فرقی بین مرد و زن نیست و زنان نمی توانند در خانه و مسجد محل خود اعتکاف کنند. (۲)

۴-۶- اعتکاف در غیر مسجد

اگر منطقه ای دارای مسجد نباشد، آیا امکان برگزاری اعتکاف در مکان های دیگری چون حسینیه، زینبیه و یا مهدیه وجود دارد؟ خیر، جایز نیست. (۳)

آیا اعتکاف در جوار مرقد امام رضا علیه السلام و نیز امامزاده ها صحیح می باشد؟ صحیح نیست. (۴)

اعتکاف شیعه، در عبادتگاه های دیگر اهل کتاب یا مسجد مخالف، چه حکمی دارد؟

اعتکاف در عبادتگاه اهل کتاب صحیح نیست و اما در مسجد جامع اهل تسنن صحیح است. (۵)

۵-۶- تعریف مسجد جامع

اشاره

- ۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۳۷/جامع المسائل فارسی، ج ۱، ص ۱۶۰). صافی (دفتر): اگر خصوصیات مسجد جامع را داشته باشد، می توان اعتکاف کرد.
- ۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۰، م ۲۶) / بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۹) / العروه الوثقی (ج ۲، الاعتکاف، م ۲۶).
- ۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۰).
- ۴- خامنه ای (سایت).
- ۵- صافی (دفتر).

مسجد جامع مسجدی است که در شهر برای اجتماع همه اهل شهر بنا شده است، بدون اینکه اختصاص به گروه و قشر خاصی داشته باشد و قشرهای مختلف شهر در آن شرکت دارند [بر خلاف مسجد محل و مسجد بازار که قشر خاصی در آن شرکت می کنند].^(۱)

۱- امام خمینی (توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۵۱۳) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۴). خامنه ای (اجوبه الاستفتائات، ص ۸۱، س ۴۰۱): مسجدی است که در شهر برای اجتماع همه اهل شهر بنا شده است بدون اینکه اختصاص به گروه و قشر خاصی داشته باشد. (مسجدی که برای اجتماع زیادی از اهالی آنجا ساخته شده و اختصاص به گروه خاصی یا اهالی محله ای نداشته باشد). فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۶ و ۳۷ و ۳۹/جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۶۰): مسجدی که در آن عموم مردم رفت و آمد دارند و اجتماعات عمومی در آن زیاد است و به صورت مرتب در آن مسجد با حضور قشرهای مختلف مردم، نماز جماعت برپا می شود و اختصاص به گروه خاصی ندارد. در طول سال دایر و رفت و آمد در آن جریان دارد بر خلاف مسجد محل و مسجد بازار. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۰): مسجدی که به طور مرتب در آن نماز جماعت برگزار می گردد و یک وعده نیز کفایت می کند. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۸، س ۴۵۶): مسجدی است که قشرهای مختلف شهر در آن شرکت می کنند. بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۳/سایت): مسجدی که اکثر اهالی شهر در آن جا نماز می خوانند هر چند از آن محل هم نباشند. سیستانی (دفتر): مسجد جامع شهر، مسجدی است که اختصاص به محله یا منطقه خاص یا گروه خاصی نداشته باشد و محل اجتماع و رفت و آمد مردم مناطق و محلات مختلف شهر باشد. صافی (دفتر): مسجدی است که برای گروه خاصی ساخته نشده است در مقابل مسجد بازار و امثال آن، که در آنها معظم اهل بلد جمع نمی شوند و آماده برای اجتماع آنها هم نشده است و ممکن است مساجد جامع متعدد باشند و نیز نزدیک هم باشند.

در شرق تهران (جنب دانشگاه امام حسین علیه السلام) ساکنیم که در محدوده چند شهرک مسکونی قرار گرفته است. هر یک از این شهرک ها دارای یک نمازخانه و یکی از این شهرک ها دارای مسجد می باشد. حال با عنایت به اینکه این مجموعه مسکونی فاقد مسجد جامع می باشد، آیا می توان در مسجد فوق الاشاره (که محور برنامه های عبادی همه این شهرک ها است) اعتکاف نمود؟

مسجد جامع همین است و می توانند در آن اعتکاف کنند. (۱)

(۱) مساجد جامع متروک

برخی از مسجدهای جامع در شهرها، در قدیم مرکزیت و جامعیت داشته و فعلاً به حالت نیمه متروک درآمده و جامعیت خود را از دست داده اند هر چند هنوز به آن مسجد جامع اطلاق می شود و در عوض مسجدهای بزرگ با مرکزیت بیشتری ساخته شده است، آیا اعتکاف در اینگونه مساجد

جدید التاسیس، بدون عنوان مسجد جامع صحیح است؟

ملاک، زمان حال است و اگر مسجدی از جامع بودن خارج شده باشد، دیگر نمی توان در آن اعتکاف کرد. (۲)

مسجد معروف و جامعی تا چند سال پیش محل اقامه نماز جمعه بود، اما حالا دیگر محل اجتماع اقشار مختلف مردم نمی باشد و معمولاً کسانی که در آن حوالی زندگی یا کار می کنند، در آنجا اقامه نماز می کنند آیا آن مسجد، مسجد جامع محسوب می شود و آیا اعتکاف در آن صحیح است؟

۱- خامنه ای.

۲- خامنه ای/فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۳۸ و ۳۹) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۱ نقل به مضمون). بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۳، م ۳۱۳۹/سایت): باید عنوان مسجد جامع صدق کند.

ملاک آن است که فعلاً مسجد جامع تلقی شود. (۱)

۲) اعتکاف در مسجد جمکران

مسجد جمکران در حال حاضر از مساجد جامع محسوب است و اعتکاف در آن صحیح است. (۲)

آیا اعتکاف در زیر زمین مسجد جمکران، که از آن جهت نمازهای یومیّه و نماز آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف استفاده می شود و البته به صورت مرتّب نماز جماعت ندارد، جایز است؟

اشکال ندارد. (۳)

اگر اعتکاف در زیر زمین مسجد جمکران جایز باشد، در صورتی که بین طبقه پایین و بالا-درب ورودی باشد، آیا می توان اعمال را در طبقه بالا و استراحت را در طبقه پایین انجام داد، یا هر دو عمل باید در یک مکان باشد؟ اشکال ندارد. (۴)

آیا حیاط مسجد جمکران حکم مسجد دارد؟

ظاهراً حکم مسجد را ندارد. (۵)

۳) تشخیص عدم داشتن شرایط مسجد، پس از اعتکاف

اگر در جایی اعتکاف کند به اعتقاد آنکه مسجد جامع است و بعد معلوم شود که مسجد نبوده یا جامع نبوده، اعتکاف باطل است. (۶)

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۳۸).

۲- صافی (جامع الاحکام، ج ۱، ص ۱۴۴، س ۵۱۴) / مکارم (استفتائات، ج ۲، ص ۱۵۹، م ۴۶۰). بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۳/دفتر): اعتکاف صحیح نیست، چون مسجد جامع شهر نیست.

۳- صافی (دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۹، س ۴۶۰).

۴- صافی (دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۹).

۵- صافی (دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۹ س ۴۶۵).

۶- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۰) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۲) / صافی (دفتر).

هرگاه اعتکاف واجب خود را در مسجد به جا آورد، سپس بفهمد اعتکاف در آنجا صحیح نبوده، اعتکافش چه حکمی دارد؟

چنین اعتکافی واجب نبوده و کفایت از نذر و امثال آن نمی کند. [باطل است] (۱)

۴) احراز جامعیت مسجد

لازم است که معتکف احراز کند مکان اعتکاف، مسجد جامع است. «مسجد بودن» یا «جامع بودن» آن راه، از راه های ذیل می توان فهمید: (۲)

۱) خود انسان یقین کند (علم وجدانی خود) یا بین مردم مشهور باشد به طوری که از گفته آنان یقین پیدا می شود. (شیاع) (۳)

۱- مکارم.

۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۰) / بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۹ / استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۳) / تبریزی (دفتر) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۷) / فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج ۲، ص ۷۷) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۴) بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۳) : مسجدیت یا جزئیت برای آن به علم یا شیوع مفید علم یا اطمینان یا به بینه یا به حکم حاکم شرع ثابت می شود و در خیر دادن عادل واحد تأمل است. نوری (دفتر) : به علم، اطمینان، اشتهار بین اهل بلد و نیز به بینه و بلکه به خبر عدل و ثقه هم ثابت می شود و همچنین در صورتی که حاکم در مورد ترافع، حکم به مسجد بودن مکانی بکند، مسجد بودن آن ثابت می شود.

۳- مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج ۲، ص ۸۹، م ۲۴ / اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۱) : با بینه شرعی هم حاصل شود. سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۷) : یا اطمینان حاصل شود.

۲) دو نفر عادل بگویند. (۱)

۳) اگر دو نفر در جامع بودن مسجدی اختلاف داشته باشند، با حکم حاکم نیز معلوم می شود. (۲)

۶-۶-اعتکاف در دو مسجد

اعتکاف باید در یک مسجد انجام گیرد، بنابراین انجام آن در دو مسجد جایز نیست، اگرچه به هم متصل باشند، مگر آنکه یک مسجد حساب شوند. (۳)

چنانچه مسجد دارای طبقه پایین و بالا باشد، آیا اعتکاف در آنها صحیح است؟ آیا می توان در حین اعتکاف از طبقه همکف به طبقه پایین یا بالا رفت؟

اعتکاف در همه جای مسجد جامع صحیح است و جایجا شدن ذکر شده در سؤال، اشکال ندارد. (۴)

۱- مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۸۹، م ۲۴/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۱): یک نفر عادل هم بگوید کفایت می کند.

۲- مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۸۹، م ۲۴/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۲): با حکم حاکم شرع معلوم نمی شود.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸) / تبریزی (استفتائات، ج ۱، ص ۱۵۷) / سیستانی (دفتر) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۸/دفتر) / نوری (دفتر) / العروه الوثقی (ج ۲، الاعتکاف، ص ۲۵۳، م ۱۸). بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۹/وسیله النجاه، ص ۳۳۳): وحدت مسجد (یک مسجد بودن) شرط است، مگر در صورت اتصال زمین دو مسجد به یکدیگر که می توان در هر کدام معتکف شود، هر چند در نیت یکی را معین کرده است. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۹، س ۴۶۲): بهتر است که تمام مدت، اعتکاف در یک مسجد باشد ولی در دو مسجد متصل به هم نیز مانعی ندارد.

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۱).

آیا اگر معتکفی از محیط اعتکاف خوشش نیاید می تواند در وسط اعتکاف، اعتکافش را به مسجد دیگری انتقال دهد؟

خیر، اعتکاف باید در یک مسجد انجام شود. (۱).

۷-۶- اعتکاف در محل غضبی یا مشخص شده توسط دیگری

هرگاه کسی در مسجد جا گرفته و دیگری جایش را بگیرد [غصب کند] و در آنجا به قصد اعتکاف بماند، هرچند گناه کرده است ولی بعید نیست اعتکافش باطل نشود [اعتکافش باطل نیست]. (۲).

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۳۸).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۹/التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۱، م ۳۲). بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۴/وسیله النجاه، ج ۱، ص ۳۳۵، م ۱۲۰۵): اجازه از فرد اول لازم است و در صورتی که او را از آن مکان رانده و وی از آنجا اعراض کرده (منصرف شده) و به جای دیگر رفته، بنابراین اعتکاف او صحیح است، همچنین اگر به جای دیگر رفته ولی مکان منحصر در این جای غضب شده نیست که در این صورت نیز اعتکاف صحیح می باشد اما اگر امکان اعتکاف منحصر در مکان غضب شده باشد و آن فرد نیز از آن مکان اعراض ننموده باشد [ترک نکرده باشد]، اعتکاف باطل است. خامنه ای (دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۰/التعلیقه علی العروه الوثقی ج ۲، ص ۷۸، م ۳۲): کار حرامی مرتکب شده ولی اعتکاف او صحیح است. سیستانی (منهاج الصالحین الاعتکاف، ج ۱، ص ۳۴۵، م ۱۰۷۷/دفتر): اعتکاف باطل نمی شود. تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۶، م ۱۰۷۷) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۹، م ۱۴۱۴): بنابر احتیاط واجب باطل است. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۲/العروه الوثقی مع التعلیقات (ج ۲، ص ۹۱، م ۳۲): بطلان اعتکاف مورد اشکال است. [به احتیاط واجب اعتکافش باطل نیست]. نوری (دفتر) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۶، م ۳۲): باطل است.

اگر مسجد به خاک یا آجر غصبی فرش شده باشد، اگر پرهیز از آن ممکن باشد، واجب است پرهیز نماید و اگر معصیت کرده و پرهیز نکند، صحت اعتکاف بعید نیست. اگر پرهیز ممکن نباشد، بنابر احتیاط واجب باید از اعتکاف در آن اجتناب کند. ظاهراً اعتکاف با پوشیدن لباس غصبی یا با حمل شیء غصبی باطل نمی شود. (۱)

اگر معتکف عمداً بر فرش غصبی بنشیند، معصیت کرده است ولی اعتکاف باطل نمی شود. (۲)

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۱). بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۲): اگر مسجد به خاک یا آجر یا فرش غصبی، فرش شده باشد، واجب است پرهیز نماید و اگر پرهیز نکند، با عدم انحصار مکان غصبی، صحت اعتکاف احتمال قوی دارد. اگر پرهیز ممکن نباشد، باید از اعتکاف در آن اجتناب کند و گرنه اعتکافش باطل است. اعتکاف با پوشیدن لباس غصبی یا با حمل شیء غصبی باطل نمی شود. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۱، س ۴۷۳/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۴): غصبی بودن لباس ضرری به اعتکاف نمی زند ولی اگر آجر و خاک مسجد غصبی باشد، اعتکاف روی آن اشکال دارد.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۹) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۵/دفتر) / نوری (دفتر). صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۹/دفتر): به احتیاط واجب، اعتکافش باطل است. اگر واجب است، اعتکاف را تمام کند و آن را به جا آورد. (اگر بعد از اكمال دو روز بود، احتیاط کند به اینکه اعتکاف را به آخر برساند و نیز اگر اعتکاف مثلاً با نذر یا عهد واجب شده ولو در روز اول باشد، احتیاط این است که اعتکاف را تمام کند.) مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۲): اگر بر روی سجاده غصبی معتکف شود، بدون شک اعتکافش باطل میشود.

نشستن بر مکان غضبی از روی فراموشی یا ناآگاهی از حکم شرعی (۱) یا با اکراه یا اضطرار، (۲) سبب بطلان اعتکاف نیست. (۳)

اگر جای کسی را که معتکف بوده غضب کند، فرموده اند اعتکاف او باطل است، حال اگر جاهل بود یا عامد بود و حال پشیمان شده و جای خود را عوض کند، اعتکاف او صحیح است یا خیر؟ در صورت عمد آیا کفاره دارد یا خیر؟ اعتکاف صحیح است و کفاره هم ندارد. (۴)

آیا گذاشتن وسایل یا نوشتن نام و امثال آن موجب سبقت در محلی از مسجد می شود؟

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۲) : مشروط بر اینکه جاهل قاصر باشد.

۲- بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۲/دفتر) : اکراه یا اضطرار مورد تامل و احتیاط است.

۳- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۱) / بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۲/وسیله النجاه، ص ۳۳۵) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۸) / صافی (هدایه العباد، ج ۱ ص ۲۳۹/دفتر) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۲) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۶) .

۴- خامنه ای/فاضل. تبریزی: چنانچه غافل بوده اعتکافش صحیح است و اگر جاهل متردد بوده یا عامد بوده اعتکافش صحیح نیست، لکن کفاره ندارد. سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۵، م ۱۰۷۷) : عمداً هم اگر باشد اعتکاف صحیح است. صافی (دفتر) : چنانچه جاهل بوده، اعتکاف صحیح است و اگر عامد بوده پس اگر بعد از غضب و جلوس به عنوان اعتکاف پشیمان شده، اعتکاف باطل است ولی کفاره ندارد هر چند احوط است و اگر به عنوان اعتکاف، تصرف در مکان مغضوب نکرده بلکه فقط شخص ذی حق را از مکان خود کنار زده و خودش هم در مکان دیگر اعتکاف نموده هر چند فعل حرامی مرتکب شده اما اعتکافش باطل نیست.

بلی می شود. (۱)

۸-۶-اعتکاف در مکان معینی از مسجد

اگر معتکف در نیت خود محل خاصی از مسجد را برای اعتکاف خود معین کند، نیتی که کرده لغو است و لازم نیست حتماً در آنجا معتکف شود. (۲)

معتکف مکان معینی از مسجد را برای اعتکاف اختیار کرده است، آیا در اثنای آن می تواند جای خود را عوض کند و در مکان دیگری از همان مسجد اعتکاف را ادامه دهد؟

بلی، می تواند. (۳)

۹-۶-محدوده مسجد

پشت بام ها و سرداب ها و محراب های مساجد [و هر چه به سبب توسعه مسجد به آن قسمت افزوده شده] جزو مساجد است مگر آنکه بدانیم، جزو مسجد نیستند. [و در صورت شک، این مکان ها، حکم مسجد را دارد. (۴)]

۱- بهجت. صافی (دفتر): بر حسب مورد فرق می کند و مجرد نام یا گذاشتن وسیله به نفسه علامت سبقت به آن مکان برای عبادت نیست. بلی، گاهی تناسب زمان یا مکان یا غیر اینها نشانه سبقت برای عبادت است. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۳): هر گاه صدق کند که آنجا را اشغال و ذخیره کرده برای دیگران جایز نیست.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۴) / تبریزی (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۷۶۵، ص ۱۵۷) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۲) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۹) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۹، ص ۴۶۴) / اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۱) / نوری (دفتر) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۴، م ۲۱).

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۰).

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص ۳۴۸) / التعلیقہ علی العروه الوثقی، ص ۵۸۹) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۹) / وسیله النجاه، ص ۳۳۴) / جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۰ و ۴۹) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۳) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۴). بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۹) / وسیله النجاه، ص ۳۳۴) / جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۰ و ۴۹) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۹) / دفتر): و اگر شک داشته باشید در اینکه آنچه افزوده شده به قصد مسجدیت بوده یا نه، مسجد محسوب نمی شود. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۸ و ۱۵۹): اعتکاف در شبستان و سرداب و صحن مسجد جایز است؛ مگر در مواردی که جزو مسجد نیست، یا ظاهر حال چنین باشد، و در موارد شک حکم مسجد بر آنها جاری نمی شود. آنچه مشکوک است [مثل بام، سرداب و مقداری که به مسجد افزوده شده] حکم مسجد را ندارد و اعتکاف در آن جایز نیست؛ ولی اگر مسجد، یعنی محل نمازگزاران را توسعه دهند، جزو مسجد محسوب می شود. نوری (دفتر): بر مکان مشکوک (شک داریم جزو

مسجد است یا نه، مثل بام و سرداب و آن قسمت هایی که به مسجد افزوده شده) حکم مسجد بار نمی شود و اعتکاف در آن جایز نیست.

به جز سه مکان فوق، اگر محلی را شک کند که جزو مسجد است یا نه، حکم مسجد بر آن جاری نیست و اعتکاف در آنجا صحیح نیست. (۱)

چیزهایی که به مسجد افزوده می شود، مثل راهرو (دالان) و دهلیز تا وقتی که نداند جزو مسجد است، از مسجد حساب نمی شود. (۲)

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸/التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۰) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۹) / صافی (دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۹، س ۴۶۳). سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۶): اگر نشانه ای برمسجد بودن آن وجود نداشته باشد.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص ۳۴۸) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۹، جامع المسائل ج ۲، ص ۴۰/وسیله النجاه، ص ۳۳۴). صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۹): و خانه های تابع مسجد و اماکن اضافه شده به آن و امثال اینها که تا مسجد بودن آنها معلوم نشده در حکم مسجد نیست. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۱): مگر آنکه ظاهر حال (نشانه ای) دلالت داشته باشد که جزو مسجد است.

حیاط حکم مسجد را ندارد مگر آنکه به عنوان مسجد وقف شده باشد. (۱)

اصل بر این است که قسمت های مختلف مسجد حکم مسجد دارد، یا باید مسجد بودن هر قسمت ثابت شود؟

عرف شهرها در این مسأله با هم مختلف است مثلاً در برخی از شهرها حیاط مسجد جزو مسجد نیست و در بعضی از شهرها جزو است. باید به عرف محل مراجعه کرد. (۲)

آیا پشت بام مسجد تابع مسجد است یا بستگی به وقف کننده دارد؟

پشت بام مسجد به حکم مسجد است مگر اینکه احراز شود که هنگام وقف مسجد، پشت بام از وقف خارج شده است. (۳)

آیا اعتکاف روی بام مسجد جامع صحیح است؟ آیا در اثنای اعتکاف می توانند برای دعا یا استراحت روی بام مسجد توقف کنند؟

بلی، می توانند و صحیح است. (۴)

آیا در حال اعتکاف می توان در صحن و حیاط مسجد توقف کرد؟

۱- صافی (دفتر).

۲- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۷۰).

۳- خامنه ای (سایت).

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۱).

اگر صحن و حیاط مسجد به گونه ای است که در آن نماز می خوانند و عرفاً مسجد محسوب می شود [صیغه مسجديت بر آن خوانده شده]، می توان در آن توقف کرد و گرنه حکم مسجد را ندارد و نباید در آن توقف کرد. (۱)

حکم رفتن به حیاط بیرونی که ملحق به مسجد است چیست؟

رفتن به جاهایی که در حکم مسجد است [در آن نماز می خوانند و صیغه مسجديت بر آن خوانده شده]، اشکال ندارد اما رفتن به خارج از مسجد جایز نیست مگر مواردی که خروج از مسجد به خاطر آنها جایز باشد. (۲)

در اعتکاف رفتن به حیاط مسجد، آبدارخانه، دفتر مسجد و دیگر قسمت ها چه حکمی دارد؟

خروج از مسجد بدون ضرورت، برای معتکف جایز نیست. (۳)

۷- اجازه از صاحب اجازه

اشاره

اجازه گرفتن از کسی که نسبت به فرد معتکف ولایت دارد یا حقی از او با انجام اعتکاف ضایع می شود، در صحت اعتکاف شرط است. (۴)

۷-۱- اجازه والدین

جهت صحت اعتکاف فرزندان، در صورتی که موجب اذیت آنها شود، اجازه والدین لازم است. (۵)

۱- فاضل (جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۶۰/اعتکاف و احکام آن، ص ۳۸).

۲- خامنه ای (سایت) /فاضل (جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۶۰).

۳- صافی (جامع الاحکام، ج ۱، ص ۱۴۴) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۵).

۴- خامنه ای (سایت).

۵- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۲) /خامنه ای (سایت) / صافی (هدایاالعباد، ج ۱، ص ۲۳۷) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۳) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۳) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی) /العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۹) بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۰): در اعتکاف مستحب. سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۳/دفتر) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۴) / صافی (هدایاالعباد، ج ۱، ص ۲۳۷): اجازه والدین در صحت اعتکاف فرزندان در صورتی که از ناحیه شفقت و مهربانی والدین موجب اذیت آنها شود، لازم است. نوری (دفتر): در اعتکاف فرزندان اجازه والدین لازم نیست.

اگر اعتکاف فرزند سبب اذیت پدر و مادر نشود، اجازه آنها معتبر نیست،^(۱) هر چند احتیاط مستحب باید از آنها اجازه بگیرد.^(۲)

اگر یکی از والدین، فرزند را نهی کند و مخالفت فرزند سبب اذیت وی شود، بنابر اقوی اعتکاف فرزند باطل است.^(۳)

۲-۷- اجازه زن از شوهر

اگر زنی بخواهد معتکف شود و اعتکاف با حق شوهر تعارض داشته باشد، باید از شوهر اجازه بگیرد.^(۴)

۱- بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۲) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۴).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶) / خامنه ای (دفتر) / سیستانی (التعلیقہ علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۲/دفتر) / صافی (دفتر/هدایه العباد، ج ۱ ص ۲۳۷) / فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج ۲، ص ۷۲) / مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج ۲، ص ۸۴) / اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۳) / نوری (التعلیقہ علی العروه الوثقی، ج ۱ احکام الاعتکاف م ۹) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۹). مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰، س ۴۷۱/احکام بانوان، ص ۱۲۳): اولاد بالغ احتیاج به اجازه ولی ندارند.

۳- صافی (هدایه العباد، ج ۱ ص ۲۳۷).

۴- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶/نجاه العباد، ص ۱۷۱) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰، س ۴۷۱ و ۹۶۳): بنابر احتیاط واجب. بهجت (وسیله النجاه، ج ۱، ص ۳۳۲/استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۲) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۴/استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۴) / خامنه ای / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۳/دفتر) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۶، م ۱۴۰۲) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۴ و ۴۲) / نوری (التعلیقہ علی العروه الوثقی، شرائط الاعتکاف، السابع) بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۰): در اعتکاف مستحب نوری (دفتر): اگر خروج زن از منزل جایز باشد، اعتکاف او مشروط به اذن [شوهر] نیست لکن باید منافی با حق شوهر نباشد. سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۳/دفتر): و اگر توقف زن در مسجد بدون اجازه شوهر حرام باشد (مثل موردی که زن بدون اجازه از منزل خارج شده باشد)، اعتکافش باطل است.

اجازه شوهر، جهت صحت اعتکاف زن، در صورتی که منافات با حق شوهر نداشته باشد لازم نیست [هر چند احتیاط مستحب این است که اجازه بگیرد].^(۱)

اگر مردی به همسرش اجازه اعتکاف دهد، ولی در روز سوّم پشیمان گردد، تکلیف زن چیست؟

زن اعتکاف را تا آخر ادامه می‌دهد.^(۲)

-
- ۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۳۴۶/التعليقه على العروه الوثقى، ص ۵۸۶) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۴ و ۴۲). بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۲/وسيله النجاه، ص ۳۳۲، م ۱۱۹۳) /تبریزی (منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۲۹۴، م ۱۰۶۹) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰ و ۴۷۱ و ۹۶۳): بنا بر احتیاط واجب [اجازه] لازم است. خامنه ای (دفتر) /صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۷، م ۱۴۰۲): اگر منافات با حق شوهر ندارد اذن نیاز نیست ولی به هر حال جهت خروج از منزل اذن شوهر لازم است. پس اگر بدون اذن او خارج شود و به مسجد برای اعتکاف برود، از این جهت اعتکافش باطل است. نوری (التعليقه على العروه الوثقى، شرائط الاعتکاف، السابع): و اگر روزه مستحبی باشد، باز هم بنا بر احتیاط واجب لازم است.
- ۲- مکارم (احکام بانوان، ص ۱۲۳/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۵/استفتائات، ج ۳، ص ۱۰۶، س ۳۰۸/سایت).

آیا زن می تواند با امر شوهرش، روز سوم اعتکاف خود را بشکند؟ و اگر شوهر او را مجبور به این کار کند، آیا برعهده شوهر کفاره می آید یا خیر؟

اگر با تمام شرایط صحت، اعتکاف را شروع کرده، با درخواست شوهر نمی تواند روزه سوم را رها کند و کفاره ندارد. (۱)

۳-۷- اجازه صاحب کار

اگر کسی طبق قراردادی در استخدام دیگری است [مانند برخی کارگران و کارمندان، باید مدتی را در اختیار فرد یا سازمانی باشد] در صورتی که قرارداد به گونه ای است که منفعت اعتکاف را نیز در بر می گیرد [یعنی اعتکاف با عمل به اجاره منافات دارد]، نمی تواند بدون اجازه صاحب کار، به اعتکاف برود. (۲)

این در صورتی است که فرد به طور کلی مالکیت وقت و منافع خود را به دیگری واگذار کرده باشد امّا در جایی که تنها قراردادی برای انجام کار معینی بسته شده، اگر به آن عمل نکنند و به اعتکاف پردازد هرچند به خاطر وفا نکردن به عهد گناهکار است، امّا برخی فقها اعتکافش را صحیح میدانند.

۱- نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۵، م ۲۶۴) / صافی (دفتر).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶) / بهجت (وسیله النجاه، ج ۱، ص ۳۳۲، م ۱۱۹۳) / تبریزی (دفتر) / خامنه ای (سایت) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ۴۸۲) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، م ۱۴۰۲) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۴) / مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج ۲، ص ۸۴) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۱، الاعتکاف، السابع). صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۷): اجیر اگر طوری اجیر شده باشد که مالک عمل خود نباشد، برای اعتکاف نیاز به اذن شخص اجیر کننده دارد ولی اگر بدون اذن او اعتکاف کند، این گناه او [ترک وفا به آنچه بر آن اجیر شده است] موجب بطلان اعتکافش نمی شود، نهایتاً اعتکافش ضد آن چیزی است که بر او واجب شده است. بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۰): در اعتکاف مستحب

شخصی اجیر است و می خواهد اعتکاف کند، آیا باید از صاحب کارش اجازه بگیرد؟

اگر در روزها و ساعات معین اجیر شده و اعتکاف او مانع از عمل به اجاره است، بدون اذن صاحبکار اعتکاف صحیح نیست و باید اذن بگیرد. (۱)

۸- پیوستگی توقف

اشاره

۸- پیوستگی توقف (۲)

باید وقوف در مسجد، به طور مداوم و پیوسته باشد. اگر معتکف با اراده، در غیر موارد مجاز، از مسجد خارج گردد، اعتکافش چه عالم به حکم باشد و چه جاهل (۳) باطل می شود ولی اگر در صورت فراموشی بیرون رفت (۴) یا به اجبار (۵) مسجد را ترک نماید، اعتکافش صحیح است. (۶)

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۴).

۲- روایات: امام صادق علیه السلام: «معتکف، مگر برای حاجتی [ضروری] از مسجد خارج نمی شود». (تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۲۹۱/وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۴۱/من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۵) امام صادق علیه السلام: «معتکف باید خارج نشود، مگر برای نماز جمعه یا تشییع جنازه یا قضای حاجت». (کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۸) امام صادق علیه السلام: «برای معتکف سزاوار نیست که جز برای حاجتی ناگزیر، از مسجد جامع خارج شود و چون خارج شود، باید ننشیند تا باز گردد و زن نیز بر همین گونه است». (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۵) امام صادق علیه السلام: «اگر معتکف، بیمار یا حائض شود، به خانه رود و چون شفا یافت و پاک شد، به مسجد باز گردد و روزه بگیرد [اعتکاف را از سر گیرد]». (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۷)

۳- تبریزی: بنابر احتیاط واجب. خامنه ای (دفتر): اگر در جهل خود مقصر نباشد، اشکال ندارد.

۴- سیستانی (دفتر) / تبریزی (احکام بانوان، ص ۱۸۱/استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۱۵۴، س ۷۴۶) / نوری (دفتر): اعتکاف باطل می شود. صافی (استفتاءات، ج ۲، ص ۲۳۸/دفتر) / مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴، س ۴۹۳) / نوری (دفتر): اعتکاف بنابر احتیاط واجب باطل می شود (احتیاط این است که اگر روز سوم است، ادامه دهد و اگر واجب بوده، بعداً قضا کند).

۵- صافی (دفتر): بعید نیست صورت اکراه، ملحق به موارد ضرورت باشد که اعتکاف باطل نباشد.

۶- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۶) / بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۱) / خامنه ای (دفتر/سایت) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۳/دفتر) / صافی (دفتر) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۸۴) / نوری (دفتر) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۹).

۱-۸- موارد مجاز خروج معتکف از مسجد

۱) ادای شهادت و گواهی دادن در دادگاه (۱)

۲) عیادت مریض: (۲) اگر ارتباطش با مریض به حدی است که عرفاً عیادتش جزو اموری که ناچار از آن است، به حساب آید. (۳)

۳) تشییع جنازه (۴)

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص ۳۴۸) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۴/وسیله النجاه، ص ۳۳۴) / خامنه‌ای (سایت) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۹) / مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴، ص ۱۴۹۴/اعتکاف عبادتی کامل فصل، ص ۸۴) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۷، م ۲۸۳) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۵) . سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۲) : اشکال دارد، مگر اینکه از ضرورت های عرفی معتکف، به حساب آید.

۲- بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۴) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۹) / مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۵) . خامنه‌ای (سایت) : بیماری که با او مرتبط است.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص ۳۴۸) .

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص ۳۴۸) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۴/وسیله النجاه، ص ۳۳۴) / خامنه‌ای (سایت) / صافی (استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۹/دفتر) / مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۵) . سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱/دفتر) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۷، م ۲۷۸/دفتر) : معتکف می تواند برای تشییع جنازه، اگر از ضرورت های عرفی معتکف به حساب آید، و تجهیز میت مانند غسل و نماز و دفن میت از مسجد بیرون برود.

آیا برای رفتن به تشییع جنازه هنگام اعتکاف وقت مشخصی است؟ اگر معتکف یکی از دوستانش را دید، آیا می تواند چند دقیقه را با او سپری کند؟ حکم رفتن زیر سایه در این هنگام (چه در ماشین یا غیر آن) چیست؟

وقت مشخصی ندارد و رفتن به تشییع جنازه اگر آنقدر طولانی نشود که باعث محو صورت اعتکاف شود، اشکال ندارد و در صورت امکان، واجب است که زیر سایه بنشیند و احتیاط مستحب است که زیر سایه حرکت نکند. (۱)

(۴) انجام سایر کارهای ضروری: که عقلاً [انجام تزریقات ضروری] یا شرعاً [غسل واجب] و یا عرفاً [رفتن به دستشویی] بیرون رفتن از مسجد برای آن لازم باشد، چه از کارهای واجب باشد و چه از کارهای مستحب، چه مربوط به امور دنیا و چه آخرت، چه ترک آن زیانی داشته باشد و چه نداشته باشد. (۲)

۱- خامنه ای (سایت).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص ۳۴۸) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۱، الاعتکاف، م ۳۰). فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج ۲، ص ۷۸، م ۳۰): ضروریات عرفی یا شرعی از امور واجب یا راجحه، چه دنیوی باشد و چه اخروی، به مصلحت خودش باشد یا دیگری. مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج ۲، ص ۹۰، م ۳۰/استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴، س ۴۹۴): ضروریات عرفی یا شرعی از امور واجب یا راجحه، البته نه هر امر راجح (مستحبی)، چه دنیوی باشد و چه اخروی، به مصلحت خودش باشد یا دیگری. تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۴، السادس) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۳، السادس): خروج از مسجد، برای ضروریات عرفی، جایز است. بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۴/جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۱/وسیله النجاه، ج ۱، ص ۳۳۴، م ۱۲۰۳) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۹/دفتر): ضابطه کلی در خروج موقت از مکان اعتکاف این است که هر جا خارج شدن از مسجد به حکم عقل و یا شرع و یا به حکم عادت، از امور واجبه و یا راجحه شمرده شد، حال چه راجح دنیوی باشد و چه اخروی و چه اینکه ترک خروج موجب ضرری بشود و چه نشود. خامنه ای (سایت): از روی ضرورت چه ضرورت عقلی یا شرعی یا عرفی خارج شدن از مسجد، اشکال ندارد. البته در تمام کارها باید به حد لازم آن اکتفا کند. بنابر احتیاط واجب باید نزدیک ترین راه را انتخاب کند و بیش از مقدار نیاز، بیرون مسجد نماند و بنشیند و احتیاط مستحب این است که زیر سایه حرکت نکند و در صورت امکان، نباید زیر سایه بنشیند.

چنانچه ایام اعتکاف مصادف با کارهای مهمی شود که فقط با حضور خود شخص انجام آن امکانپذیر است، مانند شرکت در جلسه کنکور یا امتحان، مصاحبه جهت گزینش، دفاع از پایان نامه، ثبت نام حج و مانند آن، که زمان آن هم قابل تجدید نیست، آیا برای این امور می تواند از مسجد خارج گردد؟

در صورتی که حکم ضرورت عرفی را داشته باشد، خارج شدن به مقدار محدود که منافات با صدق اعتکاف نداشته باشد، مانعی ندارد. (۱)

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۸).

چنانچه معتكف، امام جماعت مسجدی یا معلم و دبیر و استاد، یا مهندس ناظر بنای عظیمی باشد، آیا می تواند جهت اقامه نماز جماعت یا تدریس در ساعات خاصی از روز یا نظارت بر حسن اجرای کار در وقت معینی از زمان اعتكاف، از مسجد خارج شود و پس از اتمام کار بلافاصله بازگردد؟

برای اعتكاف اشكال دارد. (۱)

به هنگام اعتكاف، از فوت یکی از دوستان یا بستگان دور یا نزدیک مطلع شدم. اما خبر زمانی رسید که وی را دفن کرده بودند، و فرصت شرکت در تشییع جنازه از دست رفته بود، آیا می توانم در مراسم ختم ایشان شرکت کنم؟ اشكال دارد. (۲)

عروسی یکی از بستگان نزدیک، مقارن با اعتكاف من شده است. اگر در عروسی او شرکت نکنم دلخور شده، و ممکن است کدورت خانوادگی ایجاد شود. در چنین فرضی خروج از مسجد چه حکمی دارد؟

چنین فرضی از قبیل ضرورت است و شرکت محدود در آن مانعی ندارد. (۳)

(۵) بدرقه و استقبال مسافر (۴)

۲-۸- حکم خروج معتكف جهت

(۱) شرکت در نماز جمعه به عنوان امام یا ماموم: جایز است. (۵)

۱- مکارم (اعتكاف عبادتی کامل، ص ۱۱۶).

۲- مکارم (اعتكاف عبادتی کامل، ص ۱۱۶).

۳- مکارم (اعتكاف عبادتی کامل، ص ۱۱۶).

۴- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۴) مکارم (اعتكاف عبادتی کامل، ص ۱۱۶) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۷، م ۲۷۸): اگر [ارتباط با وی در حدی باشد که] ضرورت عرفی داشته باشد. خامنه‌ای (سایت): که با معتكف در ارتباط باشد.

۵- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۴/وسیله النجاه، ص ۳۳۴/جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۴) / خامنه‌ای (دفتر) / سیستانی (التعلیقہ علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۸، م ۳۰/دفتر) / صافی (هدایه‌العباد، ج ۱، ص ۲۳۹، م ۱۴۱۲/دفتر) / فاضل (اعتكاف و احکام آن، ص ۵۱/جامع المسائل فارسی، ج ۱، ص ۱۶۰، س ۶۱۹) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴، س ۴۹۴) / نوری (استفتائات، ج ۲، ص ۲۷۶). تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، الاعتكاف، السادس): بنابر احتیاط واجب جایز نیست. نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۸، م ۲۸۶): تمی تواند مگر آنکه حضورش ضرورت داشته باشد

۲) شرکت در نماز جماعت به عنوان امام یا ماموم (غیر از مگه): (۱) به احتیاط واجب جایز نیست. (۲)

۳) رفتن به کلاس جهت تعلیم یا تعلّم: اشکال دارد. (۳)

آیا اعتکاف، در صورت خروج از مسجد برای شرکت در امتحان پایان ترم دانشگاه، باطل است؟

-
- ۱- امام صادق علیه السلام: «معتکف در غیر مگه، نماز را جز در مسجدی که معتکف است، به جا نمی آورد». (کافی ط- اسلامیة)، ج ۴، ص ۱۷۷)
- ۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص ۳۴۸) / سیستانی (دفتر) / نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۷، م ۲۷۷). خامنه ای / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۹ / دفتر) / فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات فاضل، ج ۲، ص ۷۸) / مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج ۲، ص ۹۰): جایز نیست. بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۴): جایز نیست مگر در ذیق وقت.
- ۳- امام خمینی (دفتر) / تبریزی (دفتر) / خامنه ای (دفتر) / سیستانی (سایت) / صافی (جامع الاحکام، ج ۱، ص ۱۴۴، س ۵۱۵ / دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۱) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۶) / نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۷، م ۲۷۶). بهجت (دفتر): ظاهراً مشکل است که جایز باشد.

چنانچه ضرورت عرفی باشد می تواند ولی نباید مدت خروجش طولانی گردد، به گونه ای که صورت اعتکاف از بین برود. (۱)

با توجه به اینکه دانشجو هستم و یکی از امتحانات پایان ترم اینجانب در ایام اعتکاف واقع شده و اگر آنرا نگذرانم از درس و تحصیل عقب مانده و خسارت جدی به سبب کار به اینجانب وارد می شود. آیا جایز است برای دادن امتحان از اعتکاف خارج شده و مجدداً به مسجد ورود پیدا کنم؟ این کار حدود یک ساعت زمان لازم دارد؟

در فرض سوال اگر امتحان مذکور ضروری باشد به قدر ضرورت می تواند از محل اعتکاف خارج شود. (۲)

۴) رفتن به محل کار: برای کار و شغل نباید خارج شود. (۳)

آیا کارمندان و معلمین می توانند معتکف شوند و سرکلاس و محل کار خود رفته و سپس به مسجد برگردند؟

جایز نیست. (۴)

۵) برای وضو و غسل مستحبی و مسواک زدن: اشکال ندارد ولی باید به قدر حاجت اکتفا کند و طول ندهد. (۵)

۱- سیستانی (دفتر).

۲- نوری (سایت).

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۱).

۴- صافی (دفتر).

۵- بهجت/خامنه ای (سایت). فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۱ و ۵۴ و ۵۷/جامع المسائل فارسی، ج ۱، ص ۱۶۰): مانعی ندارد ولی تلاش کنند این امور با سرعت انجام شده و هرچه سریعتر به مسجد برگردند. فقط برای وضوی مستحب جایز نیست. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵، س ۴۹۶/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۰): برای وضو و غسل مستحبی و برای مسواک زدن به عنوان مقدمه وضو اشکالی ندارد. صافی (دفتر): اگر ضرورت داشته باشد، اشکال ندارد. سیستانی (دفتر/سایت): محل اشکال است و جایز نیست. تبریزی (احکام بانوان، ص ۱۷۸): معتکف نمی تواند برای انجام غسل مستحبی از مسجد خارج شود. نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۷، م ۲۸۲): جایز نیست.

اگر در مسجد برای مسواک زدن و وضوی مستحبی شیر آب و ظرفشویی باشد. در اینصورت معتکف می تواند برای انجام دادن آنها از مسجد خارج شود؟

نمی تواند. (۱)

آیا با بودن آب در مسجد می توان جهت وضو به خارج مسجد رفت؟

در فرض مذکور، معتکف نباید از مسجد خارج شود. (۲)

در صورت وجود شیر آب و ظرفشویی در داخل مسجد برای مسواک زدن و وضوی مستحبی و از طرفی منع تولیت مسجد به خاطر رعایت نظافت، آیا برای انجام امور مذکور معتکف می تواند از مسجد خارج شود؟

مسجد متولی ندارد و متعلق به عموم مسلمین است. بنابراین کسی حقّ منع ندارد و اگر با این حال منع کردند، خروج به مقدار ضرورت برای امور مذکور اشکال ندارد. (۳)

چنانچه معتکف جهت تجدید وضو یا استحمام ناچار باشد از مسجد خارج شود و فاصله حمام و وضوخانه مسجد تا حمام و دستشویی منزلش یکی باشد، آیا می تواند برای انجام کارهای فوق به منزلش برود؟

۱- صافی (دفتر) .

۲- خامنه ای .

۳- صافی (دفتر) .

تفاوتی نمی کند. (۱)

آیا رفتن به حمام نزدیک محلّه، جهت انجام مستحبات اعتکاف، خروج از اعتکاف محسوب، و موجب ابطال آن می شود؟ رفتن به منزل نزدیک مسجد جهت حمام استحبابی چطور؟

هر دو اشکال دارد. (۲)

۶) تلفن زدن به خانواده در موارد غیر ضروری و امور متعارف: در موارد ضروری اشکالی ندارد و در موارد غیر ضروری اگر امور مستحبی را در بر بگیرد و طول هم نکشد اشکالی ندارد. (۳)

۷) دیدار با خانواده در بیرون از مسجد: در بعضی موارد اشکالی ندارد، مثل رسیدگی امور خانواده و دیدن فرزندان که عدم دیدار باعث مفسده و اشکالاتی می شود. (۴)

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۱).

۲- مکارم (سایت).

۳- خامنه ای. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵، س ۴۹۶/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۰): اشکال دارد. صافی (دفتر) /تبریزی: جایز نیست. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۸): اگر ضرورت دارد و طول نکشد، مانع ندارد اما اگر ضرورت ندارد یا به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد، نباید خارج شود.

۴- خامنه ای. بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۵): در حد چند دقیقه اشکال ندارد. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵، س ۴۹۶): اشکال دارد مگر اینکه حیاط مسجد جزو مسجد باشد. صافی (دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۶): ممنوع است.

۸) استحمام در سرویس بهداشتی مسجد خارج از مسجد: اشکال ندارد ولی باید به قدر حاجت اکتفا کند و طول ندهد. (۱)

۹) برای شستن دندانها و دست ها: ملحق به خارج شدن از مسجد برای تجدید طهارت را دارد. (۲)

۱۰) جهت وضوی مستحبی، شستن ظرف یا دست و مسواک زدن در مسجدی که حوضش شلوغ است و این کارها سبب کثیفی محیط مسجد می شود یا حوض ندارد: جایز نیست. (۳)

۱۱) زیارت حضرت رضا و معصومه علیهما السلام جهت معتکف مساجد نزدیک حرم: می تواند زیارت کند، به حدی که صورت اعتکاف محو نشود. (۴)

۱۲) صرف غذا در سالن غذاخوری محوطه مسجد: به مقدار ضرورت جایز است. (۵)

۱۳) خرید نیازمندیهای سایر معتکفین مثل افطاری و سحری

هیات برگزارای اعتکاف که متشکل از تعدادی از معتکفین است، وظیفه خدمت به معتکفین و فراهم کردن نیازمندی های آنها را بر عهده دارد؛ لذا باید

۱- خامنه ای (سایت) .

۲- خامنه ای (سایت) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۵) .

۴- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۹) .

۵- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۳۷) . مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۷- استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰ س ۴۶۶) :

اگر محوطه مسجد جزو مسجد نیست نباید از مسجد خارج شوند- ولی اگر صرف غذا در داخل شبستان ها ایجاد مشکلاتی کند معتکفین می توانند به حکم ضرورت، غذا را در صحن مسجد صرف کنند. صافی (دفتر): جایز نیست.

نیازمندی های معتکفین مثل افطاری و سحری را بخرد، آیا این مساله به اعتکاف آنها ضرر نمی رساند؟

خارج شدن از مسجد برای خرید چیزهای ضروری مثل غذا و غیره اگر در ضمن آن، نیازمندیهای خود را نیز تهیه می کنند، اشکال ندارد. (۱)

۱۴) خرید و فروش: در صورتی که باعث خارج شدن از مسجد می شود مشروط به این است که در حال اعتکاف به آن نیاز داشته باشد. (۲)

آیا معتکف می تواند جهت اخذ سهمیه دولتی (در صورتی که در غیر آن ممکن نباشد و به آن محتاج باشند) از مسجد خارج شود؟ آیا این معامله محسوب می شود؟

چنانچه با توکیل هم ممکن نباشد، اشکال ندارد. (۳)

۱۵) شرکت در مراسم و راهپیمایی های مهم مانند روز قدس و ۲۲ بهمن: احتیاط آن است که شرکت نکند و اشکال دارد. (۴)

۱- خامنه ای (سایت). فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۲): در مقام ضرورت و عدم امکان توکیل (وکیل نمودن شخص دیگر) در ضمن آن که نیازمندیهای خود را نیز تهیه می کند، اشکال ندارد.

۲- خامنه ای (سایت). فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۲): در صورت ضرورت، خروج اشکال ندارد.

۳- صافی (دفتر).

۴- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۸/سایت). نوری (هزارویک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۸، م ۲۸۶): نمیتواند مگر آنکه حضورش ضرورت داشته باشد صافی (دفتر): ممنوع است.

۱۶) آوردن غذا و وسایل و شستن لباس و ظروف: (۱) چنانچه بتواند کسی را برای این کارها بگمارد خودش نمی تواند از مسجد خارج شود (۲)، در غیر این صورت به مقدار ضرورت می تواند خارج شود. (۳)

کسانی که مشکل خاصی از نظر تغذیه دارند، آیا می توانند جهت آوردن غذا از محل اعتکاف خارج شده، مجدداً باز گردند؟
خارج شدن از مسجد، جهت ضرورت شرعی و عرفی مانع ندارد. (۴)

آیا شستن لباس به عمد یا غیر عمد در بیرون از مسجد موجب بطلان اعتکاف می شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

ملاک ماندن در بیرون از مسجد است، نه لباس شستن و اگر بیرون رفت، احکام بیرون رفتن از مسجد را دارد. (۵)

آیا در هنگام اعتکاف، بیرون رفتن از مسجد برای خوردن و سیگار کشیدن جایز است؟ و اگر خیر، آیا خوردن در داخل مسجد جایز است؟

خروج برای تهیه غذای مورد نیاز و یا غذا خوردن در بیرون و استعمال دخانیات در صورت ضرورت به مقدار ضرورت اشکال ندارد. همانطور که غذا خوردن در داخل مسجد فی حد نفسه منعی ندارد. (۶)

۱- صافی (دفتر): خروج برای ضرورات عرفی و شرعی مانعی ندارد.

۲- نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۷، م ۲۷۹).

۳- تبریزی (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۴۰، س ۶۵۹) / مکارم.

۴- خامنه ای. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۱/سایت): در صورت ضرورت مانعی ندارد. سیستانی (دفتر): خروج معتکف از مسجد برای آوردن وسایل مورد احتیاجش در فرضی که می تواند فرد غیر معتکفی را برای آوردن آن وسایل مأمور نماید، جایز نیست.

۵- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۳).

۶- خامنه ای (استفتائات).

(۱۷) ازاله خون از بدن

قسمتی از بدن در حال اعتکاف خونی شده است، آیا ازاله آن در بیرون مسجد ضرورت دارد؟

تاخیر در ازاله خون مانعی ندارد بلکه به احتیاط واجب باید وقتی که برای ضرورتی مثل قضای حاجت خارج می شود تطهیر نماید. (۱)

شخصی از لثه هایش خون می آید، آیا می تواند دهان خود را در یک ظرف بشوید و بعد آن را در بیرون از مسجد دور بریزد و یا تسریع در این امر واجب است و یا شستن دهان باید در بیرون از مسجد صورت بگیرد؟

اگر موجب تنجیس مسجد نمی شود، مانعی ندارد. (۲)

(۱۸) گرفتن وضوی واجب

اگر مکان هایی برای وضو و شستن دستها و دندان ها در خارج از مسجد فراهم شده باشد، آیا واجب است مکان خاصی در داخل مسجد تهیه شود تا معتکف از مسجد خارج نشود؟

صرف نیاز به خروج از مسجد برای طهارت و نظافت برای جواز خروج کافی است و تهیه مکانی در داخل مسجد واجب نیست. (۳)

(۱۹) متفرقه

۱- تبریزی (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۴۰، س ۶۶۰). صافی (دفتر): اگر نمی خواهد فعلا نماز بخواند، تطهیر فوری ضرورت ندارد. نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۵، م ۲۶۴): ازاله ضرورت فوری ندارد و فقط باید هنگام نماز، بدن و لباس پاک باشد.

۲- صافی (دفتر).

۳- خامنه ای (سایت).

معتکف وقتی برای توالی و یا گرفتن وضو به خارج مسجد می‌رود گاهی اتفاق می‌افتد که تقریباً ده دقیقه یا بیشتر در صف نوبت می‌ایستد. آیا این عمل ضروری به اعتکاف می‌زند. با فرض اینکه رفع حاجت ضروری است و یا اینکه اگر بعداً وضو بگیرد، از نماز جماعت یا نماز اول وقت باز می‌ماند؟ آیا در آن مدت می‌تواند کارهایی را انجام دهد، مثلاً ظرف بشوید؟

اگر خروج برای گرفتن وضو یا توالی ضروری باشد و به غیر از اینکه در صف نوبت بایستد، راه دیگری نباشد اشکال ندارد لکن در آن مدت اشتغال به کار دیگر برخلاف احتیاط است و باید ترک شود. (۱)

آیا معتکف می‌تواند جهت کمک به ستم‌دیده و مظلومی از مسجد خارج شود؟

اگر فرد دیگری نتواند وظیفه او را انجام دهد، مانعی ندارد. (۲)

آیا معتکف می‌تواند با امر والدین، برای انجام کاری از مسجد خارج شود؟

اگر اعتکاف وی مستحبی باشد روز اول و دوم می‌تواند. (۳)

شخصی مسئول پخش اذان در یک مسجدی است بطوری که غیر از او کسی دیگر برای این کار نیست، آیا در حال اعتکاف می‌تواند در اوقات اذان از مسجد خارج شود و اذان را پخش کند و برگردد؟

در فرض سؤال مانعی ندارد. (۴)

۱- صافی (دفتر). سیستمی (دفتر): خروج از محل اعتکاف برای وضوی نماز واجب اداء، جایز است هر چند، وقت نماز داخل نشده باشد و خارج شدن برای وضوی نماز واجب قضاء در صورتی که وقت قضاء وسعت داشته باشد، محل اشکال است. چنانچه شرایط برای وضو گرفتن در خود مسجد فراهم باشد فرد معتکف نمی‌تواند به خارج از مسجد برای وضو گرفتن برود.

۲- نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۷، م ۲۸۴).

۳- نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۸، م ۲۸۵).

۴- نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۸، م ۲۸۷).

خروج معتکف برای استماع سخنان واعظ در یک مسجد دیگر (جامع یا غیرجامع) چه حکمی دارد؟

جایز نیست. (۱)

۳-۸- ملاک ضرورت و میزان خروج مجاز از مسجد

ملاک ضرورت و حاجت برای خارج شدن از مسجد چیست؟ مثلاً معتکف برای غسل واجب از مسجد خارج می شود، آیا می تواند برای صابون زدن قدری تاخیر نماید؟

به مقدار انجام غسل می تواند خارج شود و تاخیر برای صابون زدن و امثال آن اشکال دارد و در راه نباید توقف کرد ولی دویدن لزومی ندارد. (۲)

آیا برای معتکف خروج از مسجد اگر کم باشد مثل چند قدم، اشکال دارد؟ خروج از مسجد برای معتکف جایز نیست چه کم باشد یا زیاد. (۳)

بیشترین حدی که معتکف برای کار ضروری می تواند در بیرون از مسجد باشد و در اعتکافش خللی وارد نشود، چند ساعت می باشد؟

عرفی است و مقداری که عرفاً صدق اعتکاف نکند، مبطل است حتی اگر ضرورت باشد. (۴)

آیا خیس کردن لباس یا دوش گرفتن در بیرون از مسجد بر اثر گرما یا عرق کردن، ضرورت محسوب می شود؟

۱- صافی (دفتر).

۲- تبریزی (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۳۷، س ۶۳۸).

۳- تبریزی (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۳۷، س ۶۳۹).

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۳).

خیر، مگر اینکه موقعیت حادثی باشد که بدون آن احتمال خطر جانی یا ضرر قابل توجهی باشد. (۱)

۴-۸- مواردی که واجب است، معتکف از مسجد خارج شود

۴-۸-۱- انجام غسل واجب: طبق شرایط ذیل که بیان می‌شود.

۴-۸-۱-۱- محل انجام غسل واجب

اگر بر معتکف غسل واجب شود: (۲)

۱) اگر غسل کردن در مسجد مانع داشته باشد [غسل کردن مستلزم توقف در مسجد با جنابت یا مستلزم آلوده کردن مسجد است یا غسل جنابت در مسجد الحرام و مسجد النبی] باید خارج شود و اگر خارج نشود اعتکافش باطل می‌شود زیرا توقف جنب در مسجد حرام است. [هرچه با حال جنابت در مسجد توقف شود، جزو اعتکاف نیست]. (۳)

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۵).

۲- نوری: چنانچه مکث او در مسجد حرام نباشد مثل مستحاضه و کسی که غسل مس میت بر عهده او می‌باشد اگر بتواند در مسجد غسل کند و موجب تلویث مسجد نباشد باید در مسجد غسل کند و الا باید در خارج مسجد غسل کند لکن برای غسل مستحب نمی‌توان از مسجد خارج شد و چنانچه مکث در مسجد حرام باشد مثل جنب اگر زمان غسل کردن در مسجد اکثر از زمان خروج نباشد و بتواند در مسجد غسل کند و موجب تلویث مسجد نباشد باید در مسجد غسل کند و الا باید خارج شود و در خارج از مسجد غسل کند.

۳- امام خمینی (نقل به معنی از رساله نجاه العباد، ص ۱۷۲، ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۹) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۷ و ۴۵۰ / وسیله النجاه، ص ۳۳۴، م ۱۲۰۴، جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۱) / تبریزی (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۵) / خامنه ای (دفتر) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۴، م ۱۰۷۳ / دفتر) / فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج ۲، ص ۷۳، الثامن) / مکارم (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج ۲، ص ۹۰، م ۳۱ و ص ۸۴، الثامن) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۱، الاعتکاف، الثامن و احکام الاعتکاف، م ۹). صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۹، م ۱۴۱۳ / دفتر): جایز نیست در مسجد غسل کند و واجب است بدون تیمم از مسجد خارج شود و اگر در مسجد الحرام و یا مسجد النبی باشد، فوراً تیمم کند و خارج شود.

۲) اگر غسل کردن در مسجد مانع نداشته باشد [غسل کردن مستلزم توقف و معطلی در مسجد با جنابت یا مستلزم آلوده کردن مسجد نیست و نیز عدم غسل جنابت در مسجد الحرام و مسجد النبی]،^(۱) بنا بر احتیاط [مستحب] در مسجد غسل کند. اگر چه برای غسل کردن، بیرون رفتن جایز است.^(۲)

۱- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۷/جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۳۴): در صورت لزوم غسل، اگر خروج از مسجد ممکن است و زمان بیرون رفتن کمتر از زمان غسل کردن در مسجد است، بیرون مسجد غسل کند. تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۵، م ۱۰۷۳): جایز نیست از مسجد خارج شود. تبریزی (احکام بانوان، ص ۱۸۱، م ۲۹۰): چنانچه مکث در مسجد حرام باشد مثل جنب، اگر زمان غسل کردن در مسجد بیشتر از زمان خروج نباشد، باید در مسجد غسل کند. سیستانی (منهاج الصالحین، ص ۳۴۳، م ۱۰۷۳/دفتر): بنا بر احتیاط واجب جایز نیست از مسجد خارج شود. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۱، س ۴۷۴): غسل جنابت را نمی توان در مسجد انجام دهد زیرا توقف در مسجد در حال جنابت حرام است ولی غسل های دیگر اشکالی ندارد مشروط بر اینکه در جایی باشد که مزاحمتی برای نمازگزاران ایجاد نکند. صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۸، م ۱۴۱۳ و ۱۴۰۳/دفتر): صحیح است در مسجد غسل کند. (اگر امکان غسل در مسجد، به مدت زمان غسل در بیرون مسجد وجود داشته باشد).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۷، رساله نجاه العباد، ص ۱۷۲).

تاخیر غسل جنابت، حرام است و موجب بطلان اعتکاف می شود ولی تاخیر غسل واجب مس میت، موجب بطلان اعتکاف نمی شود. (۱)

غسل [جنابت] کردن در مسجد الحرام و مسجد النبی جایز نیست. در صورت جنب شدن در این دو مسجد فوراً تیمم کند و بلافاصله خارج شود. (۲)

۲-۴-۸- پرداخت بدهی: اگر نتواند در مسجد آن را بپردازد.

اگر معتکف مدیون باشد و برای پرداخت دین از مسجد خارج شود، اعتکافش چه حکمی دارد؟

اشکال ندارد. (۳)

خروج از مسجد جهت ادای دین و وفای به عهد چه حکمی دارد؟

خروج از مسجد برای مطلق کارهای ضروری و راجح مانعی ندارد. (۴)

۳-۴-۸- انجام واجب دیگری که لازم باشد از مسجد خارج شود: مانند زنی که دچار عادت زنانگی شود. (۵) هرگاه معتکف به سبب بیماری نتواند در مسجد بماند، باید بیرون برود.

۵-۸- خارج نشدن از مسجد، در صورت وجوب خروج

۱- صافی (دفتر). نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۹، م ۲۹۰): با تأخیر غسل واجب مثل غسل جنابت یا مس میت در حال اعتکاف، اعتکاف باطل نمیشود ولی ماندن جنب در مسجد حرام است؛ البته در صورتی که عمداً با حال جنابت صبح کند اعتکاف باطل می شود.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۷، نجاه العباد، ص ۱۷۲) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۸).

۳- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴ س ۴۹۱ / اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۹)

۴- صافی (دفتر).

۵- العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۰).

کسی که خارج شدن از مسجد بر او واجب شده باشد، برای پرداخت قرض یا برای واجب دیگری که بدون بیرون رفتن ممکن نباشد، ولی خارج نشود، هرچند گناه کرده است ولی اعتکاف باطل نیست مگر کسی که با حال جنابت در مسجد توقف کند. (۱)

۶-۸-اموری که معتکف در بیرون از مسجد باید رعایت کند

۶-۸-اموری که معتکف در بیرون از مسجد باید رعایت کند (۲)

(۱) بیش از مقدار ضرورت بیرون مسجد ماندن، جایز نیست. (۳)

(۲) نشستن زیر سایه جایز نیست مگر در حال ضرورت و احتیاط [واجب] عدم نشستن حتی در زیر آفتاب است مگر به مقدار ضرورت. (۴)

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۱) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۶/جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۲) / صافی (دفتر) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۴) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۶) .

۲- روایات: امام صادق علیه السلام: «چون از مسجد خارج شوی زیر سایه منشین تا برگردی». (کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۸، وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۵۰) .

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۴) / خامنه ای (سایت) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۳) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۹/دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۲) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۵) / نوری (دفتر)

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص ۳۴۸) / بهجت (وسیله النجاه، ج ۱، ص ۳۳۴) / خامنه ای (سایت/دفتر) / سیستانی (منهاج الصالحین، ص ۳۴۳، م ۱۰۷۲/دفتر) / صافی (دفتر/هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۹/دفتر) / فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج ۲، ص ۷۹، م ۳۵) / نوری (دفتر) . مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۵) : در صورت امکان نباید در زیر سایه ای بنشیند بلکه مطلقاً در جایی ننشیند. زیر سایه ایستادن اشکالی ندارد. تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۵، م ۱۰۷۲) : بنا بر احتیاط واجب در بیرون مسجد ننشیند و اگر اضطرار به نشستن پیدا کرد، در صورت امکان در سایه ننشیند. نوری (دفتر) : در بیرون مسجد ننشیند و اگر اضطرار به نشستن پیدا کرد، در صورت امکان در سایه ننشیند.

۳) احتیاط [مستحب] ترک زیر سایه راه رفتن است. (۱)

۴) بنا بر احتیاط واجب نزدیکترین راه [از لحاظ زمانی، نه مسافتی] انتخاب شود. (۲)

معتکف احتیاج به طهارت پیدا می کند و مجبور است خارج مسجد برود، اگر طهارت در نزدیک ترین محل، مستلزم توقف زیاد در خارج مسجد باشد، می تواند به جایی دیگر برود که زمان کمتری معطل می شود؟ مانعی ندارد. (۳)

کسی که برای کار ضروری از مسجد خارج می شود و دو راه را برای رسیدن به مقصد خود دارد، آیا ارجحیتی بین این دو راه وجود دارد؟

الف: مسیر راه در زیر سایه نیست ولی راه طولانی تر از راه دوم است.

۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸) / خامنه ای (سایت) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۹ / دفتر) / فاضل (جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۶۰ / اعتکاف و احکام آن، ص ۵۲) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۶). سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۹۲، م ۳۵ / دفتر) / تبریزی (منهاج الصالحین، الاعتکاف، م ۱۰۷۲) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۵ / التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۹۲، م ۳۵ / سایت) / نوری (دفتر): زیر سایه راه رفتن اشکال ندارد. بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۴، جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۳ / دفتر): احتیاط واجب ترک زیر سایه راه رفتن است.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ص ۳۴۸) / خامنه ای (سایت / دفتر) / سیستانی (منهاج الصالحین، ص ۳۴۳ / دفتر) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۹ / دفتر) / فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج ۲، ص ۷۹، م ۳۵) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۶) / نوری (دفتر). بهجت (وسیله النجاه)، ص ۳۳۴: نزدیک ترین راه را انتخاب کند. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۵): انتخاب نزدیکترین راه واجب نیست، مگر آنکه اختلاف دو راه بسیار زیاد باشد.

۳- تبریزی (رساله احکام بانوان، ص ۱۷۸، م ۲۷۲) / نوری.

ب: مسیر راه در زیر سایه است ولی راه کوتاه تر از راه اول است.

مسیر کوتاه تر را انتخاب کند. (۱)

۷-۸- طولانی شدن خروج از مسجد در موارد مجاز

اگر خارج شدن در موارد مجاز به قدری طول بکشد که دیگر عرفاً صورت اعتکاف به هم بخورد، اعتکاف باطل خواهد شد. (۲)

کسی از مسجد بیرون می‌رود، موقع بازگشت هرچه در می‌زند، در را باز نمی‌کنند و بیرون ماندن از مسجد، چهار ساعت طول می‌کشد، آیا اعتکافش باطل می‌شود؟

اگر عرفاً صورت اعتکاف به هم بخورد، اعتکاف فاسد می‌شود. (۳)

۸-۸- ایجاد مانع جهت ادامه اعتکاف

اگر فرد در مسجدی اعتکاف کند و مانعی از ادامه ماندن در آن مسجد پیش آید که نتواند اعتکاف را تمام کند، مثل خرابی یا ترس، اعتکاف باطل می‌شود

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۶).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ص ۳۴۹) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۵) / وسیله النجاه، ص ۳۳۲ / جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۰) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۴ / دفتر) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۰) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۳) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۳ س ۴۹۰) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۷، م ۳۶).

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۶).

و نمی‌توان در مسجد جامع دیگری، ادامه دهد. (۱) ادامه اعتکاف بعد از برطرف شدن مانع در همان مسجد نیز، صحیح نیست. (۲)

محرمات اعتکاف

اشاره

از وجوه تمایز اعتکاف در اسلام و سایر ادیان، محرمات اعتکاف، یعنی اموری که بر معتکف حرام است، می باشد که عبارتند از:

۱- لذتهای جنسی

تمتع از همسر با آمیزش یا (۳) لمس و بوسه از روی شهوت و بنا بر احتیاط واجب استمناء، هر چند از راه حلال، مانند بازی یا نظر به همسر، چه در شب و چه در روز اعتکاف را باطل می کند و فرقی بین مرد و زن نیست. (۴)

«در حالی که در مساجد معتکف هستید، با زنان آمیزش نکنید». (بقره: ۱۸۷)

نگاه شهوانی به همسر اشکال ندارد، هر چند احتیاط ترک آن است. (۵)

۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۳) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۳) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۹/دفتر) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۸۸، م ۱۹) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۴، م ۱۹). مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۸۸، م ۱۹): مگر آنکه دو مسجد متصل به هم باشند.
۲- صافی (دفتر).

۳- سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۵/دفتر) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰/وسیله النجاه، ص ۳۳۶) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۶، ص ۵۰۲/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۹): بنا بر احتیاط واجب.

۴- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۰) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶/استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۵) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۰) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۶) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۶، ص ۵۰۲ و ۵۰۴/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۹).

۵- امام خمینی (التعلیقہ علی العروه الوثقی، ص ۵۹۳) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۶) / سیستانی (التعلیقہ علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۹۱، احکام الاعتکاف/دفتر) / صافی (دفتر) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۹۴/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۹) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۹). خامنه ای (دفتر): نگاه شهوت انگیز موجب بطلان اعتکاف نمی شود. نوری (دفتر): نگاه شهوانی به همسر اشکال ندارد.

صحبت تلفنی از روی شهوت با همسر اشکال ندارد. (۱)

اگر معتکف عادت داشته باشد که در حال استمتاع یا راه دادن بعضی فکرها، خود به خود از او منی خارج می شود. اگر با این کارها منی از او خارج شود چه حکمی دارد؟ اگر عادت نداشته باشد و منی بیرون بیاید چطور؟ اگر عادت داشته باشد ولی منی بیرون نیاید، چه حکمی پیدا می کند؟

اگر تعمّدی در بین نباشد و بی اختیار باشد، اشکال ندارد. (۲)

اگر معتکف عادت به این داشته باشد که اگر فکر کند، جنب می شود، و اگر در اعتکاف به فکری فرو رفت و بعد از حرکت منی خارج نشد و جذب شد، حکم اعتکاف او چگونه است؟

چنانچه احتمال خروج منی را بدهد، روزه اش باطل و اعتکافش نیز باطل می شود. (۳)

۱- صافی (دفتر).

۲- صافی (دفتر). نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۹): اگر عادتش این باشد که با استمتاع از بعضی فکرها، منی از او خارج می شود و منی خارج شود، اعتکاف و روزه باطل است. اگر به قصد بیرون آمدن منی کاری انجام دهد، روزه و اعتکاف باطل است، چه منی خارج شود یا خارج نشود.

۳- تبریزی (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۴۰).

۲- بوییدن عطر و هر بوی خوش و گیاه معطر همراه با لذت

اشاره

۲- بوییدن عطر و هر بوی خوش و گیاه معطر همراه با لذت (۱)

بوییدن بوی خوش و گیاه معطر از روی لذت حرام است ولی اگر معتکف بوی عطریات را حس کند ولی از بوییدن عطریات لذت نبرد، بوییدن اشکال ندارد. (۲)

۱-۲- بوییدن بوی خوش توسط فرد فاقد حس بویایی

کسی که حس بویایی ندارد مشمول این حکم [حرمت بوییدن عطر و ریحان] نیست. (۳)

۱- روایات: امام صادق علیه السلام: «معتکف بوی خوش استشمام نمیکند و از گیاهان خوشبو لذت نمی برد و خرید و فروش نمی کند». (الاستبصار، ج ۲، ص ۱۲۹/من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۶/کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۸).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۰/التعلیق علی العروه الوثقی، ص ۵۹۳، احکام الاعتکاف) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶). سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶/دفتر): بوییدن عطریات مطلقاً چه از بوییدنش لذت ببرد و چه لذت نبرد، جایز نیست و بوییدن گیاهان خوشبو در صورتی که از بوییدن آن لذت ببرد جایز نیست و اگر از بوییدن آن لذت نمی برد اشکال ندارد. صافی (دفتر): نسبت به عطریات، اعتبار تلذذ در حرمت، محل تأمل است ولی در مورد گل ها بعید نیست حرمت مخصوص به مورد التذاذ باشد. مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵، س ۴۹۹): بوییدن عطریات و بوهای خوش، هر چند به قصد لذت نباشد، برای معتکف حرام است. فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج ۲، ص ۸۱، احکام الاعتکاف/اعتکاف و احکام آن، ص ۲۶): بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص ۳۵۰/خامنه ای (سایت) /صافی (دفتر) /فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج ۲، ص ۸۱، احکام الاعتکاف).

آیا استفاده از کرم، پماد یا صابون بودار برای معتکفی که حس بویایی ندارد، اشکال دارد؟

اشکالی ندارد. (۱)

بوییدن بوهای خوش و اشیای معطر برای معتکفی که بر اثر سرماخوردگی و مانند آن، بوها را به خوبی تشخیص نمی‌دهد، چه حکمی دارد؟

اگر به هیچ وجه بو را تشخیص ندهد، اشکال ندارد. (۲)

۲-۲- استفاده از مواد بهداشتی، آرایشی و خوراکی های معطر

آیا معتکف می‌تواند از مواد شوینده خوشبو مانند صابون (مایع یا جامد)، شامپو، خمیر دندان خوشبو استفاده نماید؟

شم طیب حرام است. (۳)

اگر کسی صورتش را با صابون بودار بشوید، آیا باید جلوی تنفسش را بگیرد؟

خیر، اما اگر بوی آن شدید است، باید آن بو را برطرف کند. (۴)

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۰).

۲- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۴).

۳- خامنه ای. سیستمی (دفتر): مانعی ندارد. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۳): اگر صدق بوی خوش و استعمال عطر کند، حرام است و بنا بر احتیاط، سبب بطلان اعتکاف نیز می‌شود ولی اعتکاف را تمام و اگر واجب بوده، اعاده نماید. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۳): بنا بر احتیاط [واجب] پرهیز کند.

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۱).

اگر فردی برای اینکه مطمئن شود که صابون او بو می‌دهد یا نه، صابونش را بو کند و صابون او بودار باشد، آیا اعتکافش باطل می‌شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

خیر باطل نمی‌شود و برای آزمایش هم حرام نیست. (۱)

چون غالب مواد آرایشی بانوان دارای بوی خوش است، آرایش نمودن زن معتکف چه حکمی دارد؟

اشکال دارد. (۲)

استفاده از غذاها، میوه‌ها، مواد شوینده و لوازم آرایشی معطر، دستمال کاغذی‌های معطر و هر چیز معطر هر چند جزو عطریات و بوی خوش به شمار نرود، برای معتکف چه حکمی دارد؟

در صورتی که عرفاً جزو عطریات محسوب نشود مانعی ندارد، ولی بهتر پرهیز از آن است. (۳)

آیا خوردن آدامسهایی با طعمهای تند و بودار در اعتکاف اشکال دارد؟

اگر صدق بوی خوش و استعمال عطر کند، حرام است. (۴)

۳-۲- استعمال عطر جهت نماز و مسجد

اگر معتکف جهت استحباب استفاده از عطر، در نماز خود را معطر کند (نه برای لذت بردن از بوی آن)، آیا مرتکب عمل حرام شده است؟

ظاهراً اگر بوییدن صادق نباشد، حرام نیست. (۵)

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۱).

۲- مکارم (احکام بانوان، ص ۱۲۴).

۳- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۳).

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۲).

۵- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۶).

در مساجد معمولاً عطر می‌زنند و گریزی از آن نیست وظیفه معتکف چیست؟

عمداً استنشاق نکند. (۱)

بعضی از غیرمعتکفین که به مسجد می‌آیند، عطر زده اند. استشمام آن برای معتکف چه حکمی دارد؟

اگر شَمّ طیب صدق نکند، اشکال ندارد. (۲)

۴-۲- بطلان اعتکاف در صورت بوییدن بوی خوش

آیا بو کردن عطر و گلاب، اعتکاف را باطل می‌کند؟

بنابر احتیاط واجب باطل می‌شود. (اگر با تلذذ باشد بنابر احتیاط واجب، در صورت وجوب اعتکاف، آن را تمام کند و سپس قضا کند.) (۳)

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۳/سایت).

۲- خامنه ای. سیستمی (دفتر): استشمام بوی عطر آنان جایز نیست ولی احساس بوی عطر ظاهراً مانعی ندارد و لازم نیست بینی خود را بگیرد.

۳- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰) / صافی (دفتر). تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۷، م ۱۰۸۰): بطلان اعتکاف محل اشکال است (هرچند بر معتکف حرام است، لکن اگر معتکف در روز سوّم این کار را کرده، باید اعتکافش را تمام کند) سیستمی: باطل می‌کند. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۲): رسیدن عطر به بینی بنابر احتیاط واجب، اعتکاف را باطل می‌کند ولی اگر بی اختیار باشد، حرام نیست.

آیا بوییدن عرقیات بودار مثل گلاب و عرق نعنا یا خوردن آن یا رسیدن بوی آن به مشام هنگام افطار در اعتکاف، باعث بطلان اعتکاف می شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

بلی حرام بوده و بنا بر احتیاط واجب اعتکاف را باطل می کند ولی اعتکاف را تمام و اگر واجب بوده، اعاده نماید. (۱)

اگر بوی عطری که دیگران استعمال کرده اند به مشام معتکف برسد، آیا باید از رسیدن بو به بینی، جلوگیری کند؟

بلی. (۲)

اگر معتکفی در فرض سابق، از رسیدن بو به بینی جلوگیری نکرده و طبیعتاً از آن بو لذت برده، آیا اعتکافش باطل است؟ آیا کار حرامی انجام داده است؟

اگر بو نکرده، اعتکاف او باطل نیست ولی اینکه جلوگیری نکرده، کار حرامی مرتکب شده و باید توبه کند. (۳)

معتکفی به تصوّر اینکه بوییدن عطر فقط در حال روزه در اعتکاف، اشکال دارد، بعد از افطار بوی عطر را استشمام کرده است. آیا این کار باعث بطلان اعتکاف می شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

اگر نمی دانسته مرتکب حرام نشده ولی بنا بر احتیاط واجب اعتکافش باطل شده است. درعین حال اعتکاف را تمام کند و اگر واجب بوده، مجدداً انجام دهد. (۴)

-
- ۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۳).
 - ۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۰).
 - ۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۰).
 - ۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۱).

کسی که قبل از اعتکاف به لباسهایش عطر زده است، آیا برای اعتکاف باید لباسش را عوض کند؟

در صورتی که موجب بویدن بوی خوش شود، باید عوض کند. (۱)

۳- مجادله و مناقشه

در امر دنیوی یا دینی اگر به خاطر غلبه کردن بر طرف مقابل و اظهار فضیلت باشد حرام است ولی اگر به خاطر اظهار حق و برگرداندن طرف از خطا باشد، اشکالی ندارد. معیار تشخیص آن قصد و نیت شخص است. در این امور فرقی بین روز و شب نیست. (۲)

امام باقر علیه السلام: «معتکف، مجادله نمی کند». (۳)

اگر مباحثه علمی در حال اعتکاف به جرّ و بحث منجر شود، آیا موجب باطل شدن اعتکاف است؟

اگر برای غلبه بر خصم و امر باطل باشد جایز نیست و اگر به قصد اظهار حق و ردّ کردن فرد مقابل از خطا باشد، مانعی ندارد. (۴)

۴- مبطلات روزه

در حال روزه، معتکف باید از مبطلات روزه اجتناب نماید. بعضی از این مبطلات با محرّمات اعتکاف مشترک هستند.

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۲).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۰) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۶) / وسیله النجاه، ص ۳۳۶ / خامنه ای (سایت) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۰) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۶) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵، س ۵۰۱).

۳- کافی (ط-اسلامیه) ج ۴، ص ۱۷۸.

۴- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۶).

۵- خرید و فروش

اشاره

۵- خرید و فروش (۱): خرید و فروش و بنا بر احتیاط واجب انواع تجارت مانند صلح، اجاره و معاوضه بر معتکف حرام است، مگر ضرورتی پیش آید [و نتواند وکیل بگیرد]، ولی معامله باطل نیست. (۲)

در عدم جواز معامله برای معتکف، بین معامله نقد و نسیه فرق نیست. (۳)

اگر معتکف در معامله پول ندهد و نسیه بخرد یا بفروشد (مثلاً اسمش را روی کاغذ مخصوص می نویسد) و یا برای معامله نایب بگیرد، یا پول را به دست خود فروشنده ندهد، یا مستقیماً از دست خریدار پول نگیرد (مثل اینکه صندوق مخصوصی برای اینکار گذاشته باشند) اعتکاف چه حکمی پیدا می کند؟

اگر عرفاً صدق بیع و شرا نماید، اشکال دارد. (۴)

آیا خرید و فروش (جنس ضروری و غیر ضروری) در اعتکاف باعث بطلان اعتکاف می شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

۱- روایات: امام باقر علیه السلام: «معتکف، حق ندارد بخرد و بفروشد و وارد معامله شود». (کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۸/من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۶/الاستبصار، ج ۲، ص ۱۲۹)

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۰) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۷/وسیله النجاه، ص ۳۳۶) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۰/دفتر) / فاضل (العروه الوثقی مع التعلیفات، ج ۲، ص ۹۵) / نوری (دفتر) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۹، احکام الاعتکاف). مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۶، ص ۵۰۰/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۹۰): خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت، با نبودن ضرورت برای معتکف، بنا بر احتیاط واجب حرام است.

۳- تبریزی (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۳۹).

۴- نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۶، م ۲۷۳).

خرید و فروش بدون ضرورت از محرّمات اعتکاف است و بنا بر احتیاط، انجام آن موجب بطلان اعتکاف می شود. (۱)

۱-۵- موارد مجاز خرید و فروش در اعتکاف

اگر جهت خوردن و نوشیدن نیاز به خرید و فروش باشد و نتواند وکیل بگیرد و نقل و انتقال بدون خرید و فروش [مانند هدیه یا قرض گرفتن] هم ممکن نباشد، در این صورت خرید و فروش مانعی ندارد. (۲)

آیا معتکف می تواند در شرایط اضطرار، خرید و فروش نماید؟

در صورتی که ناچار باشد مانعی ندارد. (۳)

آیا معتکف می تواند خودش اقدام به خرید کند، ضروری یا غیر ضروری؟

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۳).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۰) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶/دفتر) / صافی (دفتر) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۹۱). بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶/دفتر): ولی بنا بر احتیاط، رعایت اقتضای را بکند. اگر توکیل یا نقل به غیر ممکن باشد، احتیاط واجب آنها را اختیار کند. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۶): اگر برای غذا و نیازهای روزانه ناچار باشد و نتواند کسی را وکیل در خرید کند، می تواند به مقدار حاجت خرید کند و حرام نیست.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۰). بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۶) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۹۵): جهت خوردن و نوشیدن، در صورت اضطرار و عدم امکان توکیل یا نقل به غیر بیع (به شخص دیگری و کالت دهد تا از طرف او خرید و فروش کند یا به غیر از خرید و فروش، مثلاً با بخشش نقل و انتقال کنند)، خرید و فروش اشکالی ندارد.

اگر برای خرید نیازمندی های اعتکاف باشد فی نفسه مانعی ندارد و جایز نیست معتکف خودش اقدام به خرید و فروش کند مگر در مواردی که در حال اعتکاف به آنها نیاز دارد. (۱)

موارد ضروری که خرید و فروش در آنها برای معتکف جایز است، چیست؟ مواردی که در هنگام اعتکاف برای خودش و نفقه خانواده اش به آن نیاز دارد. (۲)

آیا جایز است که معتکف، کسی را برای خرید چه ضروری و چه غیر ضروری وکیل نماید؟

اگر برای خرید نیازمندی های هنگام اعتکاف باشد، اشکال ندارد، اما در غیر آن موارد، اگر وکیل کردن در هنگام اعتکاف باشد اشکال دارد. (۳)

آیا می توان به کسی پول داد تا از مسجد خارج شود و برای معتکف خرید کند؟ آیا بین خرید جنس ضروری و غیر ضروری فرق است؟

مانعی ندارد. مباشرت در خرید و فروش حرام است اما وکالت دادن در آن اشکال ندارد. (۴)

آیا پول دادن به حمامی برای استحمام در طول اعتکاف اشکال دارد؟ اجرت دادن حمامی در حال اعتکاف، اشکال ندارد. (۵)

۱- خامنه ای (سایت) .

۲- خامنه ای (سایت) .

۳- خامنه ای (سایت) .

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۳) . مکارم (استفتائات جدید، ج ۳، ص ۱۰۷) : آنچه ضروری است مانعی ندارد مانند لوازم مورد نیاز، شامپو و خمیر دندان

۵- خامنه ای/مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۲) .

پول دادن به افراد جهت تهیه بعضی احتیاجات و نیازمندی ها، مثل خمیر دندان، شامپو، آیا در حکم خرید و فروش و مبطل اعتکاف است؟

اشکال ندارد. (۱)

اگر معتکف بعد از اعتکاف، نیاز به کالایی داشته باشد. آیا جایز است که در هنگام اعتکاف آن را تقاضا کند و گرفتن کالا، بعد از اعتکاف باشد؟

اگر باعث خارج شدن از مسجد نشود، صرف قرار گذاشتن بدون عقد خرید، اشکال ندارد. (۲)

اگر معتکف در معامله ای پول نپردازد بلکه جنس را نسیه بخرد یا نسیه بفروشد یا برای معامله نایب بگیرد، یا پول را به دست خود فروشنده ندهد، یا مستقیماً پول از دست خریدار نگیرد، اعتکاف چه حکمی پیدا می کند؟

خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت، با نبود ضرورت برای معتکف حرام است ولی اگر دیگری را نایب بگیرد اشکالی ندارد. (۳)

۲-۵- گرفتن و دادن قرض در اعتکاف

معتکف از کسی طلبکار است، آیا می تواند طلب خویش را بازستاند؟

مانعی ندارد. (۴)

دادن و گرفتن قرض در حال اعتکاف، چه حکمی دارد؟

اشکال ندارد. (۵)

۱- خامنه ای/مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۳): آنچه ضروری است، مانعی ندارد.

۲- خامنه ای (سایت).

۳- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۲).

۴- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۲/سایت).

۵- صافی (دفتر).

۳-۵- عقود دیگر در اعتکاف

آیا اجرای دیگر عقود و ایقاعات [به جز معاملات] در هنگام اعتکاف جایز است؟

مانعی ندارد. (۱)

حکم انجام محرمات اعتکاف به صورت عمد

انجام محرمات اعتکاف سه پیامد منفی به دنبال دارد:

الف) گناه، پس باید فوراً توبه نموده و از خداوند طلب گذشت نماید.

ب) بطلان اعتکاف و لزوم قضای آن در برخی موارد.

ج) کفاره (در جماع)

۱- لذت های جنسی: جماع و (۲) لمس و بوسه از روی شهوت و بنا بر احتیاط واجب استمناء، هر چند از راه حلال، مانند بازی با همسر، چه در شب و چه در روز اعتکاف را باطل می کند و فرقی بین مرد و زن نیست. (۳)

با انجام جماع در اعتکاف واجب (اعتکافی که از ابتدا واجب بوده یا روز سوّم اعتکاف مستحب) کفاره واجب می شود و همچنین در اعتکاف مستحب بدون دست برداشتن از اعتکاف، بنا بر احتیاط واجب کفاره واجب می شود؛ اما

۱- خامنه ای (سایت). نوری (دفتر): هر عقدی که برای سود بردن باشد، اشکال دارد.

۲- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰ و ۴۴۶/وسیله النجاه، ص ۳۳۶) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۵/دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۶، س ۵۰۲): بنا بر احتیاط واجب.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۰) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶/استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰) / خامنه ای (سایت) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۵) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۰/دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۶ و ۵۹) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۶، س ۵۰۲ و ۵۰۴) / نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۹، م ۲۸۹/دفتر).

اگر با دست برداشتن از اعتکاف جماع کند، کفاره ندارد، اگر چه احتیاط مستحب است. (۱)

معتکف اگر از روی سهو هم جماع کند، اعتکافش باطل است. (۲)

حرمت جماع از سه جهت است:

۱- مکان اعتکاف؛ ۲- روزه؛ ۳- خود اعتکاف

۲- مبطلات روزه: باطل کننده اعتکاف است. اگر روزه باطل شود، اعتکاف هم باطل می شود. (۳)

۳- معامله: [در موارد غیر ضروری] بنابر احتیاط واجب باطل کننده اعتکاف است. (۴)

۴- شَمّ طیب: بوییدن عطریات و بوی خوش همراه با لذت اعتکاف را باطل می کند. (۵)

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۵).

۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۴) / خامنه ای / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۷).

۳- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱ / التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۸۶) / صافی (دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۶) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل فصل احکام، ص ۱۲۵ / استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۶) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۹، م ۲۸۹) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۷، الرابع).

۴- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱ / التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۵۹۴) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۷) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۹، م ۲۸۹). بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۷): بنابر احتیاط باطل کننده اعتکاف است به معنای مراعات احتمال صحت و بطلان هر دو.

۵- سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۹، م ۲۸۹). امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۵۹۴، م ۳) / صافی (دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ج ۲، ص ۶۲): بنابر احتیاط واجب. بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۴ / استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰ و ۴۴۶): اگر با لذت باشد بنابر احتیاط اعتکاف را باطل می کند و احتیاط واجب در صورت وجوب اعتکاف، آن است که آن را تمام کند و سپس قضا نماید. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵، ص ۴۹۹): هر چند به قصد لذت نباشد.

۵-مجادله: به قصد غلبه بر طرف مقابل و اظهار فضیلت، اعتکاف را باطل می کند. (۱)

به جز مبطلات روزه، سایر محرمات، اختصاص به روز ندارد بلکه در شب نیز، باید از آنها پرهیز نمود. (۲)

اگر معتکف شرط رجوع کرده باشد چنانچه یکی از محرمات را انجام دهد، قضای اعتکاف و از سر گرفتن آن، لازم نیست. (۳)

۱- سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶، م ۱۰۸۰) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۵) / نوری (التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ج ۲، احکام الاعتکاف، م ۳). تبریزی (منهاج الصالحین الاعتکاف، ج ۱، ص ۲۹۷، م ۱۰۸۰): اعتکاف را باطل نمی کند. امام خمینی (التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ج ۲، ص ۵۹۴، م ۳) / بهجت (وسیله النجاه، ج ۱، ص ۳۳۶، م ۱۲۰۸ و ۱۲۱۰) / خامنه ای (سایت) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱، م ۱۴۲۳) / فاضل (التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ج ۲، ص ۹۵، م ۳): بنا بر احتیاط واجب باطل می کند.

۲- امام خمینی (التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ج ۲، ص ۵۹۴/ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶) / مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵).

۳- سیستانی (دفتر).

واجب بودن اجتناب از محرّمات (به جز جماع) در اعتکافی که واجب معین [یا روز سوم اعتکاف] نیست، بنابر احتیاط واجب است. (۱)

آیا به جز جماع و مبطلات روزه، انجام دیگر محرّمات اعتکاف [استمناء، بوییدن عطریات و بوهای خوش، معاملات با نبودن ضرورت، جدال به قصد اظهار فضیلت] به صورت عمدی، باعث بطلان اعتکاف می شود؟

لمس کردن و بوسیدن از روی شهوت و جماع کردن، اگرچه از روی سهو باشد، اعتکاف را باطل می کند. سایر محرّمات اعتکاف را اگر عمداً یا سهواً مرتکب شود و نیز در مورد لمس کردن و بوسیدن با شهوت که از روی سهو باشند، بنابر احتیاط واجب [اعتکاف را باطل می کند]. (۲)

۱- تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۷۹) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶/دفتر).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱). بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰/وسیله النجاه، ص ۳۳۶/جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۴) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۲/دفتر): انجام محرّمات اعتکاف حتی سهواً، هر چند روزه را باطل نکند، بنابر احتیاط اعتکاف را باطل می کند ولی در غیر جماع، ترک احتیاط به احتمال صحت و بطلان نشود به اینکه [اعتکاف را] تمام کند و قضا یا اداء کند. خامنه ای (دفتر): در ارتکاب سایر محرّمات عمداً یا سهواً در غیر از جماع، بنا بر احتیاط واجب باید اعتکاف را به پایان برساند و آن را قضا یا اداء کند. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۹): اگر معتکف محرّمات اعتکاف (به جز جماع و مبطلات روزه) را مرتکب شود، بنابر احتیاط [واجب] اعتکاف باطل است. [جماع، حتی سهواً اعتکاف را باطل می کند] احتیاط آن است که اعتکاف را تمام کنند و اگر واجب بوده، آن را مجدداً انجام دهند. سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶، م ۱۰۸۰/دفتر) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۵) / نوری (دفتر): انجام محرّمات اعتکاف [جز جماع و مبطلات روزه] مبطل اعتکاف است. تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۷، م ۱۰۸۰): محرّمات اعتکاف (به جز مبطلات روزه و جماع) اعتکاف را باطل نمی کند.

حکم محرّمات اعتکاف در صورت انجام سهوی یا از روی جهل

اگر معتکف یکی از محرّمات اعتکاف (به جز جماع و لمس و بوسه از روی شهوت) را سهواً انجام دهد، آیا اعتکاف او باطل است؟

بنابر احتیاط واجب، اعتکاف باطل است (۱) لذا باید احتیاط کند. بنا بر احتیاط واجب، اعتکاف واجب را اداء یا قضا نماید. (۲)

کسی که نمی‌دانسته مثلاً فلان کار در اعتکاف حرام است و آن کار را انجام دهد، آیا کار حرام انجام داده است؟

اگر نمی‌دانسته، عقاب ندارد. (۳)

آیا کسی که نمی‌دانسته مثلاً فلان کار باعث بطلان اعتکاف می‌شود و آن کار را انجام دهد، آیا اعتکاف او باطل می‌شود؟

بلی، باطل می‌شود. (۴)

مبطلات اعتکاف

۱- خامنه ای (دفتر): ارتکاب محرّمات از روی فراموشی یا بدون قصد و توجّه موجب بطلان روزه و بطلان اعتکاف نمی‌گردد ولی انجام جماع ولو سهواً موجب بطلان اعتکاف می‌شود. در ارتکاب محرّمات عمدتاً یا سهواً، در غیر از جماع، بنا بر احتیاط واجب، باید اعتکاف را به پایان برساند و آن را قضا [یا ادا] کند. تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۷، م ۱۰۸۱) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶، م ۱۰۸۱/دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۷) / نوری (دفتر): اعتکاف باطل نیست.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۷) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱/دفتر) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۹۶).

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۰).

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۰). سیستانی (دفتر): در صورتی که جاهل مقصّر بوده، اعتکافش باطل می‌شود و اگر جاهل قاصر بوده، اعتکافش صحیح است و حکم سهو را دارد.

برخی از امور اعتکاف را باطل می کند که به برخی در ذیل اشاره می شود:

۱- از بین رفتن صحّت اعتکاف: سبب بطلان اعتکاف می شود. مانند:

(۱) مرتد شدن: گرچه توبه کند. (۱)

(۲) خروج عمدی: اگر معتکف از مسجد در غیر موارد مجاز و نیز خروج معتکف در موارد مجاز اگر به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد، اعتکاف را باطل می کند. (۲)

(۳) مبطلات روزه: اگر در روز واقع شود، اعتکاف را باطل می کند. (۳)

۲- محرّمات اعتکاف: که در «حکم محرّمات» بیان شده است.

قطع اعتکاف

۱- واجب معین: اگر اعتکاف واجب معین باشد، قطع آن جایز نیست. (۴)

۲- واجب موسع: دو روز اول قطع جایز و پس از دو روز، جایز نیست. (۵)

۳- مستحب: (۶) دو روز اول قطع جایز و پس از دو روز، جایز نیست. (۷)

۱- امام خمینی (التعلیقہ علی العروہ الوثقی، ص ۵۸۷، م ۱) / بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۶) / سیستانی (التعلیقہ علی العروہ

الوثقی، ج ۲، ص ۴۸۳) / مکارم (العروہ الوثقی مع التعلیقات، ج ۲، ص ۸۵) / نوری (دفتر) / العروہ الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۰، م ۱).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ص ۳۴۹ و ۳۴۶) / صافی (دفتر) / العروہ الوثقی (ج ۲، ص ۲۴۹ و ۲۵۷).

۳- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ص ۳۵۱) / صافی (دفتر) / بهجت (استفتاءات، ج ۲، ص ۴۵۰) / نوری (هزار و یک مساله

فقهی، ج ۲، ص ۹۹، م ۲۸۹).

۴- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۷) / بهجت (استفتاءات، ج ۲، ص ۴۴۷ و وسیله النجاه، ص ۳۳۳) / سیستانی

(منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۸ / دفتر) / مکارم.

۵- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۷) / بهجت (استفتاءات، ج ۲، ص ۴۴۷ و وسیله النجاه، ص ۳۳۳) / سیستانی

(منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۸ / دفتر).

۶- روایت: امام باقر علیه السلام: «اگر کسی معتکف شود و از اعتکافش یک روز گذشته باشد، می تواند از مسجد خارج شود

و اعتکاف خود را فسخ کند، گرچه شرط و استثنا نگذاشته باشد اما اگر از اعتکافش دو روز گذشته باشد و شرط و استثنا

نگذاشته باشد، نمی تواند اعتکافش را فسخ کند و باید روز سوم را نیز معتکف بماند». (کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۷).

۷- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۷) / بهجت (استفتاءات، ج ۲، ص ۴۴۷ و وسیله النجاه، ص ۳۳۳) / سیستانی

(منهاج الصالحين، ج ٣٤٦، ١) / صافي (هدايتها للعباد، ج ١، ص ٢٣٨/دفتر) / مكارم (استفتائات، ج ٢، ص ١٦١) / نوري (هزار و يك مساله فقهي، ج ٢، ص ١٠٠، م ٢٩١).

اگر اعتکاف واجب موسع یا مستحب باشد تا قبل از تکمیل دو روز [غروب روز دوم] می تواند آن را قطع کند ولی اگر اعتکاف را تا غروب روز دوم رها نکرد، بر او واجب است که روز سوم را بماند [مگر شرط رجوع کرده باشد]. (۱)

آیا می توان اعتکاف را به هم زد و در اثنا از مسجد خارج شد؟

اگر واجب باشد یا روز دوم تا مغرب اعتکاف کرده است، نمی تواند آن را به هم بزند و اتمام واجب است و الا مانعی ندارد. (۲)

مسافری که نیت نذر اعتکاف کرده، در روز سوم اعتکاف برایش کاری پیش آمده است، آیا می تواند به شهرش برگردد؟ حکم اعتکافش چیست؟ آیا باید قضای اعتکاف را به جا آورد؟ آیا کفاره دارد؟

اگر ضرورت داشته باشد، مثل سایر افراد می تواند اعتکاف را ترک کند ولی باید آن را قضا کند و کفاره ندارد. اما چنانچه کار ضروری ندارد، نباید اعتکاف را ترک کند. (۳)

-
- ۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۳۴۷) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۷ / وسیله النجاه، ص ۳۳۳) / خامنه ای / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۳۸) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۸۵، م ۵) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۱، م ۵).
 - ۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۸).
 - ۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۷).

اگر کسی اعتکاف را نذر کند و مشغول اعتکاف شود ولی در ایام اعتکاف مریض شود یا ضرورتی پیش آید، مثل فوت نزدیکان، آیا می تواند اعتکاف را بر هم بزند؟ و اگر بر هم بزند، کفاره دارد؟ در اعتکاف مستحبی چطور؟

در صورتی که ضرورتی پیش آید، می تواند اعتکاف را به هم بزند، در صورتی که روز سوم باشد. اگر به عنوان نذر باشد، باید قضا کند ولی کفاره ندارد. (۱)

اگر نذر کند چهار روز معتکف شود، و پیوستگی آن چهار روز را شرط ننماید و روز چهارم برخلاف نذرش از اعتکاف خارج شود وظیفه اش چیست؟ باید مجدداً اعتکاف چهار روز را به جا آورد. (۲)

تکلیف معتکف پس از قطع یا باطل شدن اعتکاف

۱- اگر اعتکاف واجب معین باشد، (۳) واجب است، قضاء کند. (۴)

۱- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۳، س ۴۸۷). تبریزی: در صورتی که حرجی باشد می تواند به هم بزند. نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۱۰۰، م ۲۹۲): در صورتی که ادامه اعتکاف برای او مشقت دارد، می تواند آن را به هم بزند.

۲- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۳، س ۴۸۸). نوری (دفتر): باید اعتکاف آن روز را به جا آورد و دو روز دیگر به آن ضمیمه کند.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱) / خامنه ای (دفتر): باید آن را تمام کند و سپس قضاء کند. تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۷، م ۱۰۸۲) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶، م ۱۰۸۲/دفتر): بنابر احتیاط.

۴- بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۸/وسیله النجاه، ج ۱، ص ۳۳۷، م ۱۲۱۰) / خامنه ای (دفتر) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱، م ۱۴۲۴) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۶) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۹۶/استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۷/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۹۳) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، احکام الاعتکاف، م ۵) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۶۰، م ۵).

۲- اگر اعتکاف واجب غیر معین باشد، واجب است، دوباره به جا آورد. (۱)

۳- اگر اعتکاف مستحب باشد، و قبل از اتمام روز دوم باطل شود چیزی بر او نیست و اگر بعد از دو روز باطل شده باید (۲) قضاء کند. بلکه مشروع بودن قضای آن محل اشکال است. (۳)

۱- بهجت (وسیله النجاه، ج ۱، ص ۳۳۷، م ۱۲۱۰) / خامنه ای (دفتر) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱، م ۱۴۲۴) / فاضل (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۸۳، م ۵) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، احکام الاعتکاف، م ۵) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۶۰، م ۵). امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ص ۳۵۱): و اگر این امر در روز سوم بوده باید آن را تمام کند و بعد اعتکاف را از سر بگیرد. اگر در حال اعتکاف عمداً یا سهواً جماع کند، اگر واجب غیر معین باشد، باید آن را از سر بگیرد. خامنه ای (دفتر): اگر محرمات در دو روز اول واقع شده، اعتکاف را از سر بگیرد و اگر در روز سوم بوده، تمام کند و سپس از سر بگیرد مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۹۳/ استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۷): و اگر واجب غیر معین بوده و این امر در روز سوم بوده نیز باید قضا کند.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ص ۳۵۱): آن را تمام کند و سپس بهجت (وسیله النجاه، ج ۱، ص ۳۳۷، م ۱۲۱۰) / خامنه ای (سایت/ دفتر): قضاء کند. سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶، م ۱۰۸۲) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۷، م ۱۰۸۲): بنابر احتیاط واجب قضاء کند. نوری (دفتر): بنابر احتیاط واجب آن را تمام کند و سپس قضاء کند.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ص ۳۵۱) / خامنه ای (دفتر) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱، م ۱۴۲۴) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۷/ التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۸۳، م ۵) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۹۶، م ۵).

اگر فردی اعتکاف مستحب را در روز سوّم رها کرد، وظیفه اش چیست؟ باید قضای آن را به جا آورد. (۱)

اگر در نیت یا نذر اعتکاف شرط رجوع کرده باشد، قضا یا ادای آن واجب نیست. (۲)

قطع روزه

در باطل کردن روزه ماه رمضان و نذر معین باید کفّاره بدهد و همچنین در قضای ماه رمضان اگر بعد از ظهر افطار کند، ولی در اقسام دیگر روزه- چه واجب باشد، چه مستحب، چه قبل از ظهر افطار کند یا بعد از ظهر- کفّاره واجب نیست. (۳)

جایز است افطار نمودن روزه غیر معین را پیش از زوال، چه قضای شهر رمضان باشد یا غیر آن و لکن در قضای ماه رمضان بعد از زوال حرام است، بلکه کفّاره، لازم می شود علی الاقوی، ولی کفّاره آن، «ده مسکین طعام دادن» است؛

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۹۳) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۱۰۱، م ۲۹۴ و ۲۹۵) : و بنا بر احتیاط مستحب کفّاره هم بدهد.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۱۰۰، م ۲۹۳) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۵۸) .

۳- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۲۸) . بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۲۸) : حرام است افطار کردن روزه واجب معین، بلکه در بعضی از آنها کفّاره واجب می شود، مثل روزه ماه رمضان و نذر معین و قضای رمضان و روزه اعتکاف در صورت وجوب آن.

و با عدم تمکّن، «سه روز روزه» است. اما [افطار کردن] نذر مطلق و مندوب، جایز است، چه بعد از زوال و چه پیش از زوال. (۱)

قضای اعتکاف

۱) زمان ادای قضای اعتکاف

در مواردی که قضای اعتکاف واجب می شود واجب نیست، فوراً قضای آن را به جا آورند. اگر چه احتیاط [مستحب] است (۲) ولی تأخیر آن به طوری که بی اعتنایی به واجب شرعی شود، جایز نیست. (۳)

اگر قضای اعتکاف به علت بطلان، واجب باشد و ده روز پایانی ماه رمضان تمام شود. آیا جایز است برای درک فضیلت، قضای اعتکاف را در ماه رمضان آینده به جا آورد یا اینکه باید فوراً قضا نماید؟ قضا در هر ماهی که خواست اشکال ندارد، مگر اینکه نذر کرده باشد که در ماه خاصی اعتکاف نماید. (۴)

۲) قضای اعتکاف معتکف فوت شده

هر گاه [شخص] در اثنای اعتکافی که به نذر و مثل آن یا سپری شدن دو روز اول اعتکاف، واجب شده بمیرد، قضای آن بر ولی او واجب نیست هر چند احتیاط است (۵) و اگر روزه را در حال اعتکاف نذر کرده باشد، باید ولی، آن [اعتکاف] را قضاء کند. (۶)

۱- بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۲۸).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۷، ص ۵۰۷) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۶۰، م ۶).

۳- سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶، م ۱۰۸۲/دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۴).

۴- خامنه ای (سایت).

۵- سیستانی (دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۷، ص ۵۰۹/اعتکاف عبادتی، ص ۹۳).

۶- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۴، م ۷) / صافی (دفتر). العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۶۱، م ۷) : و بر ولی، قضاء غیر از نماز و روزه واجب که از میت فوت شده، واجب نیست و وجوب قضاء اعتکاف بر او در اینصورت از باب مقدمه قضاء روزه است. بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۲/جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۶) : ظاهر، وجوب قضای روزه است، اگر به غیر اعتکاف واجب شده است و همچنین وجوب قضای روزه و اعتکاف است اگر روزه در حال اعتکاف را نذر کرده بود و تمکّن از قضا داشته و انجام نداده تا مرده است. اما اگر روزه برای اعتکاف واجب شده، پس وجوب قضای آن بر ولی، محل اشکال است.

نذر اعتکاف

۱- چگونه خواندن صیغه نذر اعتکاف

نذر، التزام به کاری است برای خدای متعال به گونه ای مخصوص؛ و به مجرد نیت منعقد نمی شود، بلکه حتماً باید با صیغه باشد. (۱)

به قصد قربت، صیغه (۲) نذر اعتکاف به عربی یا فارسی خوانده می شود. به طور مثال جهت سه روز نذر اعتکاف در ماه رجب خوانده می شود: «لِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ

۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۲۴).

۲- و «صیغه» چیزی است که مفاد آن قرار دادن فعل یا ترکی بر ذمه اش برای خدای متعال است، به این که بگوید: «لِلَّهِ (برای خدا) بر من است که روزه بگیرم»... و آیا در صیغه، گفتن «لِلَّهِ» به خصوص، معتبر است یا... غیر از این لفظ از اسم های مختص خدا کفایت می کند؟ ظاهر دومی است و بعید نیست که به آنچه که - از هر لغتی - هم معنی و مرادف گفته مذکور باشد خصوصاً برای کسی که عربی را خوب نمی داند منعقد شود و اگر بر قول او: «بر من است چنین...» اکتفا شود منعقد نمی شود اگرچه در قلبش معنی «لِلَّهِ» را قصد کرده باشد و اگر مثلاً بگوید: «نذر کردم برای خدا که روزه بگیرم» یا «برای خدا بر من است نذر روزه یک روز»، منعقد نمی شود با اشکالی که دارد، پس ترک احتیاط نشود. (امام خمینی، ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۲۴).

أَعْتَكَفَ شَهْرَ رَجَبٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» یا «برای خدا به گردن من باشد که سه روز از ماه رجب را اعتکاف کنم» و اگر صیغه خوانده نشود، نذر منعقد نمی‌گردد. (۱)

۲- عدم وفا به نذر اعتکاف

اگر کسی از روی اختیار [و نه فراموشی، جهل، اضطرار یا اکراه] به نذر خود عمل نکند، گناه کرده و باید کفاره بدهد. کفاره [تخلف از] نذر عبارت است از اطعام شصت فقیر، یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن، یا یک بنده آزاد کردن. (۲)

شخصی نذر کرده معتکف بشود، اگر عمداً و بدون عذر اعتکاف خود را بشکند، آیا کفاره نذر بر عهده اش می‌آید یا کفاره اعتکاف و یا کفاره جمع؟

اگر به غیر جماع، اعتکاف خود را باطل کند، فقط کفاره تخلف از نذر واجب است، که همانند کفاره باطل کردن روزه ماه مبارک رمضان است. (۳)

اگر کسی نذر کند ایام معینی را معتکف باشد و از آن ایام معین، تخلف نماید (یک روز یا بیشتر)، آیا قضاء بر او واجب است؟

قضا بر او واجب است. (۴) (به صفحه...مراجعه شود)

۳- نذر اعتکاف در شهر خاص

آیا می‌توان نذر کرد که در شهر خاصی معتکف شد؟

مانعی ندارد. (۵)

۱- امام خمینی و سیستانی و فاضل و مکارم (توضیح المسائل محشی-امام خمینی، م ۲۶۴۱) / خامنه ای (استفتاء، س ۱۰۶۰ و ۱۱۰۰) / نوری (توضیح المسائل، م ۲۶۳۹).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۳۲/توضیح المسائل، م ۲۶۵۴) / مکارم (توضیح المسائل، م ۲۲۸۶) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۵، م ۲۶۸).

۳- نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۵، م ۲۶۹).

۴- بهجت (استفتانات، ج ۲، ص ۴۴۸).

۵- صافی (دفتر) / مکارم (استفتانات جدید، ج ۲، ص ۱۵۹، س ۴۵۸).

۴- انجام اعتکاف نذری در ماه رمضان

آیا اعتکاف نذری را می‌توان در ماه رمضان انجام داد؟

مانعی ندارد، مگر اینکه نیت او غیر ماه رمضان باشد. (۱)

۵- نذر اعتکاف جهت حاجات

اگر کسی نذر کند که برای حصول حاجات مادی یا معنوی معتکف شود، چه حکمی دارد؟

نذر اعتکاف به عنوان شکرانه قضای حوائج مانعی ندارد. (۲)

کفاره اعتکاف

کفاره اعتکاف (۳)

اگر اعتکاف واجب را به واسطه جماع باطل کند، هرچند در شب باشد، باید

۱- بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۱) / صافی / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۰۹).

۲- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۲) / ص ۴۸۴.

۳- روایات: از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا شخص معتکف جماع می‌کند؟ فرمودند: «اگر چنین کند کفاره ظهر به او تعلق می‌گیرد». (الاستبصار، ج ۲، ص ۱۳۰ / تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۲۹۱ / کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۹ / وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۴۶) از امام صادق علیه السلام درباره معتکفی که با همسرش در شب ماه رمضان مجامعت داشته، سؤال شد، فرمودند: «بر معتکف [یک] کفاره واجب می‌شود» سپس می‌پرسند اگر در روز مجامعت کرده باشد. امام علیه السلام می‌فرمایند: «دو کفاره واجب می‌شود». (تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۲۹۲ / من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸ / وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۴۷) به امام صادق علیه السلام عرض شد: بانوئی با اجازه همسرش معتکف می‌شود و در حین اعتکاف باخبر می‌شود که شوهرش از سفر بازگشته است، لذا از مسجد به خانه می‌رود و همبستر می‌شود. تکلیف او چیست؟ امام فرمودند: «در صورتی که قبل از پایان دوره سه روزه از مسجد خارج شده باشد و در موقع نیت اعتکاف، شرط و استثنائی نکرده باشد، [بدون اینکه قصد کند اعتکاف را قطع نماید، بیرون رفته است، با اینکه حتی با عدم شرط قطع اعتکاف در زمان نیت، می‌توانسته اعتکاف را قطع کند] باید کفاره بدهد و کفاره او کفاره ظهر است». (کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۷ / من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۵ / وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۵۴۸)

کفّاره بدهد [کفّاره اعتکاف مختص به جماع است] و در سایر محرّمات کفّاره واجب نیست. اگرچه احتیاط استحبابی است. (۱)

بنابر احتیاط واجب، در اعتکاف مستحب بدون دست برداشتن از اعتکاف، اگر جماع کند، باید کفّاره بدهد. (۲)

کفّاره اعتکاف، مانند کفّاره روزه ماه رمضان است که بین امور سه گانه مخیر است. اگرچه احتیاط مستحب است که مانند کفّاره ظاهر ترتیبی باشد [لذا باید یک بنده آزاد کند، در صورت ناتوانی ۶۰ روز، روزه بگیرد و در صورت ناتوانی ۶۰ فقیر را سیر نماید]. (۳)

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۱ / وسیله النجاه، ج ۱، ص ۳۳۷، م ۱۲۱۱) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۷، م ۱۰۸۴) / خامنه ای (دفتر) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۷، م ۱۰۸۴ / دفتر) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱، م ۱۴۲۶ / دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۸) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۹۷، م ۹ / استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۸، م ۵۱۰) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۱، احکام الاعتکاف، م ۹) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۶۱، م ۹).

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱) . صافی (دفتر) : در اعتکاف مستحب اگر بعد از تکمیل دو روز باشد، بنابر احتیاط کفّاره دارد و قبل از آن، وجوب کفّاره معلوم نیست.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۱ / وسیله النجاه، ص ۳۳۷، م ۱۲۱۱ / جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۵) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۷، م ۱۰۸۴) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۷، م ۱۰۸۴ / دفتر) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱، م ۱۴۲۶) / فاضل (العروه الوثقی مع تعليقات، ج ۲، ص ۸۴، م ۹) / مکارم (العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۹۷، م ۹) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۱، احکام الاعتکاف، م ۹) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۶۱، م ۹).

و جوب کفاره به خاطر باطل شدن خود اعتکاف است نه برای باطل شدن روزه، به همین جهت فرقی ندارد که جماع در شب واقع شود یا در روز. البته اگر در روز ماه رمضان واقع شود، دو کفاره واجب می شود، چنان که اگر در ماه رمضان (در حال اعتکاف) به غیر جماع، روزه را باطل کند، فقط کفاره ماه رمضان واجب است. (۱)

اگر اعتکاف واجب [غیر معین] با جماع در روز ماه رمضان یا قضای ماه رمضان وقتی بعد از ظهر باشد، باطل شود، باید دو کفاره بدهد یکی برای اعتکاف و دیگری برای افطار روزه و اگر در ایام معین از ماه رمضان نذر اعتکاف کرده و در روز آن را باطل کند، باید سه کفاره بدهد کفاره اعتکاف و کفاره افطار روزه و کفاره شکستن نذر. (۲)

اگر مرد معتکف همسر معتکفه اش را به جماع در روز ماه رمضان وادار کند، احتیاط مستحب آن است که چهار کفاره بدهد هر چند بعید نیست که سه کفاره کفایت کند. و اگر در شب زن معتکفه اش را وادار به جماع کند دو کفاره اعتکاف بر مرد است. هرگاه زن معتکفه به اختیار، در جماع روز ماه

۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱ و ۳۵۲) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۸).

۲- امام خمینی (التعلیقہ علی العروه الوثقی، ص ۵۹۵، م ۱۰) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۱/جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۷) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۷، م ۱۰۸۴) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱/دفتر) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۸، م ۱۰۸۴) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۶۱، م ۱۰). مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۸): مگر اینکه زمان برای ادای نذر او باقی باشد که در این صورت کفاره نذر تعلق نخواهد گرفت.

رمضان، اطاعت مرد کند بر هر کدام از مرد و زن دو کفاره است و در جماع شب بر هر کدام یک کفاره است. (۱)

اگر در ماه مبارک رمضان، اعتکاف کنیم و روزه روز سوّم اعتکاف را نگیریم یعنی یک روز، روزه ماه مبارک را نگرفتیم و یک روز، روزه روز سوّم اعتکاف، آیا دو کفاره جمع بر ما واجب می شود یا یک کفاره؟

یک کفاره، مگر اینکه با جماع روزه را باطل کند که دو کفاره دارد. (۲)

احکام خاص بانوان

اشاره

زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گاهی همراه با آن حضرت و حتی پس از وفات ایشان در مسجد معتکف می شدند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «اعتکاف زن، مانند اعتکاف مرد است». (۳)

(۱) خوردن قرص ضدبارداری جهت شرکت در اعتکاف

آیا زن ها هم می توانند معتکف شوند؟ اگر در روزهای عادت قرص بخورند و معتکف شوند، چه صورت دارد؟

بلی، مصرف قرص برای جلوگیری از عادت اگر ضرر نداشته باشد، مانعی ندارد و اعتکاف آنان صحیح است. (۴)

۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۰، التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۵، م ۱۰) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۷) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۹۵، م ۱۰) / منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۷) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۹۴/ العروه الوثقی مع التعلیقات، ج ۲، ص ۹۷) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۶۱، م ۱۰)

۲- مکارم (سایت).

۳- وسائل الشیعه (ط- آل البيت)، ج ۱۰، ص ۵۴۹.

۴- صافی (دفتر) / فاضل (جامع المسائل، ج ۲، ص ۱۸۳/ اعتکاف و احکام آن، ص ۱۶) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۲) / همه مراجع (دفاتر). مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۴): بلی، مانعی ندارد ولی برای این کار رضایت شوهر را جلب کند.

(۲) آرایش نمودن

آرایش نمودن زن معتکف، چه حکمی دارد؟

اشکال دارد. (۱)

(۳) طلاق

اگر زنی را که معتکف است، طلاق رجعی دهند، تکلیفش چیست؟ اعتکافش باطل می شود، و باید برای ادامه عده به خانه شوهر برود زیرا زن در مدت عده طلاق رجعی، نباید از خانه شوهر خارج شود. (۲)

(۴) وظیفه حیض در اعتکاف

اعتکاف، روزه و توقف در مسجد، بر حیض حرام است. (۳)

توقف در مسجد بر حائض حرام است [لذا اگر خانمی به هنگام اعتکاف عادت ماهانه شود، باید فوراً از مسجد خارج شود و به اعتکاف خود خاتمه دهد]. (۴)

۱- مکارم (احکام بانوان، ص ۱۲۴، س ۴۲۶).

۲- بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۳) / صافی (دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۶/ احکام بانوان، ۱۲۴، س ۴۲۷).
صافی (دفتر): و اگر اعتکافش واجب موسع بوده، باید بعد از خروج از عده استیناف کند و اگر واجب معین بوده پس اگر تعیین از جهت وقوع طلاق در روز سوم اعتکاف باشد، بعید نیست مخیر باشد بین اتمام اعتکاف و خروج پس از آن و بین ابطال اعتکاف و خروج فوری و اگر تعیین از جهت اجاره و نذر و شبه آن باشد باید خارج شود.

۳- امام خمینی (رساله نجاه العباد، ص ۳۵، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۲).

۴- امام خمینی، بهجت، تبریزی، خامنه ای، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم، نوری (توضیح المسائل محشی- امام خمینی، ج ۱، ص ۳۰۰، م ۵۱۳).

زن مستحاضه ای که غسل بر او واجب است. در صورتی که غسل های واجب خود را انجام ندهد، مضرّ به صحت اعتکافش نیست. (۱)

با شروع (طرو) حیض و لو در روز سوم، اعتکاف باطل می شود و [اعتکاف مستحب] قضاء ندارد و اگر از قبل اعتکافی به سبب نذر بر او واجب شده قضاء آن را می تواند در هر مسجدی و در هر زمانی به جا آورد مگر آنکه در نذر، اعتکاف در مسجد خاص و زمان خاصی را ملحوظ داشته باشد که در این صورت باید طبق همان نذر خود عمل کند. (۲)

آیا مستحاضه کثیره یا متوسطه می تواند معتکف شود؟

مانعی ندارد. (۳)

آیا مستحاضه (کثیره یا متوسطه) هر بار بعد از خروج ضروری از مسجد باید برای ورود به مسجد غسل کند؟

خیر همین که اغسال یومیّه را برای نمازها انجام دهد، کفایت می کند. (۴)

آیا مستحاضه کثیره یا متوسطه برای روزه گرفتن و نماز صبح باید جداگانه غسل کند؟

همان غسل های واجب کفایت می کند ولی بنا بر احتیاط واجب، باید غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می خواهد فردای آن را روزه بگیرد، به جا آورد. (۵)

۱- سیستانی (دفتر).

۲- خامنه ای (استفتائات).

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۳).

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۸).

۵- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۸).

کسی که در روز سوّم اعتکاف حیض شود و در نیت خود شرط نکرده است که اگر عذری پیش آید، دست از اعتکاف بکشد. آیا قضا یا کفّاره اعتکاف بر او واجب است؟ آیا قضای روزه روز سوّم بر او واجب است؟

خیر، کفّاره و قضا ندارد. اگر مطلق اعتکاف (نه در خصوص آن سه روز) بر او واجب بوده، مثل اینکه نذر مطلق کرده باشد، باید آن را قضا کند. (۱)

جهت اطلاع از نظرات سایر مراجع به صفحه... مراجعه شود.

حکم اعتکاف زنی که حیض یا استحاضه بر او عارض شده است، چیست؟ چه در روز اوّل یا دوّم یا سوّم؟ آیا قضا بر او واجب است؟

با حیض شدن حتّی اگر در ساعات آخر روز سوّم باشد، اعتکاف باطل می شود ولی در صورت استحاضه شدن اگر به وظیفه مستحاضه نسبت به روزه اش عمل کند، اعتکاف صحیح است. (۲)

حکم اعتکاف زنی که شک در حیض یا استحاضه دارد، چه در روز اوّل یا دوّم یا سوّم چیست؟ آیا قضا بر او واجب است؟

اگر حالت قبلی او پاک بودن است، به شکش اعتنا نکند. (۳)

خانمی به واسطه نذر معین یا غیر معین یا اعتکاف مستحبی، معتکف شده است. اگر روز دوّم یا سوّم حیض شود، وظیفه اش چیست؟

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۸). سیستانی (دفتر): قضای اعتکاف بنا بر احتیاط واجب لازم می باشد مگر اینکه شرط رجوع کرده باشد.

۲- خامنه ای (سایت).

۳- خامنه ای (استفتائات).

اگر اعتکاف واجب معین (نذر معین) باشد، قضای آن واجب است. (۱) [در هنگام به جا آوردن، نیت قضا کند].

اگر اعتکاف واجب غیر معین (نذر غیر معین) باشد، واجب است بعد از برطرف شدن عذر، اعتکاف را از اول شروع کند (اعاده یا اداء کند). (۲) [نیت اداء کند].

اگر اعتکاف مستحب باشد اگر روز اول یا دوم حیض شود چیزی بر او نیست و اگر روز سوم حیض شود، قضای آن واجب است. (۳) [مگر اینکه از اول اعتکاف شرط رجوع کرده باشد].

آیا غسل های استحاضه، شرط صحت اعتکاف است؟

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱) / بهجت (دفتر) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱) / فاضل (احکام الواضحه، ص ۲۷۱) / العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۸۳، م ۵) / مکارم (العروه الوثقی مع تعليقات، ج ۲، ص ۹۶، م ۵) / نوری / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۶۰، م ۵). سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶، م ۱۰۸۲) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۷، م ۱۰۸۲) : بنا بر احتیاط واجب است.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱) / بهجت (دفتر) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۷، م ۱۰۸۲) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶، م ۱۰۸۲) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱) / فاضل (احکام الواضحه، ص ۲۷۱) / العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۸۳، م ۵) / مکارم (العروه الوثقی مع تعليقات، ج ۲، ص ۹۶، م ۵) / نوری / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۶۰، م ۵).

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۱) : بلکه مشروع بودن قضای آن محل اشکال است. بهجت (دفتر) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۱) / العروه الوثقی (ج ۲، ص ۲۶۰، م ۵) / مکارم (العروه الوثقی مع تعليقات، ج ۲، ص ۹۶، م ۵) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶، م ۱۰۸۲) / تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۹۷، م ۱۰۸۲) : بنا بر احتیاط واجب است. خامنه ای / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۸) : قضا آن لازم نیست.

شرط صحت اعتکاف نیست، مگر غسل هایی که در صحت روزه معتبر هستند. (۱)

خانمی می خواهد معتکف شود ولی می داند قبل از سه روز حیض می شود اعتکافش چه حکمی دارد؟ جایز نیست. (۲)

برخی اعمال مباح در اعتکاف

اشتغال به امور مباح دنیوی مانند خیاطی، نقاشی، مطالعه و... اشکال ندارد، (۳) هر چند احتیاط مستحب ترک این امور [و توجه به عبادات] می باشد. (۴)

انسان می تواند، در حال اعتکاف، بنشیند، بایستد، بخوابد یا راه برود.

آیا ازدواج یا طلاق و جاری کردن صیغه عقد به هنگام اعتکاف جایز است؟

اشکالی ندارد. (۵)

آیا گفتگو در مورد چیزهای مباح، هنگام اعتکاف جایز است؟

اشکال ندارد. (۶)

آیا جایز است دانشجویان معتکف درسهای دانشگاهی خود را مرور کنند؟

اشکال ندارد. (۷)

پماد چرب کننده یا مرطوب کننده پوست، آیا اعتکاف را باطل می کند؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

-
- ۱- خامنه ای (استفتائات) .
 - ۲- بهجت (استفتائات، ج ۱، ص ۳۰۳) .
 - ۳- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۶، س ۵۰۰) .
 - ۴- امام خمینی (التعلیقہ علی العروه الوثقی، ص ۵۹۳) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶، م ۱۰۷۸) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۰) .
 - ۵- صافی (دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۳، ص ۱۰۷) / اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۲ و ۱۲۷ / سایت) .
 - ۶- خامنه ای (سایت) .
 - ۷- خامنه ای (سایت) .

خیر، نه حرام است و نه اعتکاف را باطل می کند. (۱)

بعضی از معتکفین در برخی از اوقات، که حال مناسبی برای دعا و اعمال مستحبی ندارند، به مباحثات علمی، یا سیاسی، یا اقتصادی، یا اجتماعی، یا شغلی، یا حزبی و مانند آن می پردازند، این کار چه حکمی دارد؟

اشکالی ندارد، هر چند بهتر، پرداختن به عبادت و یا لااقل پرداختن به مباحثات دینی است. (۲)

ملاقات و صحبت کردن معتکفین با خواهران و نیز با خانواده (مادر، خواهر و همسر) چه حکمی دارد؟

مجزود [فقط] صحبت کردن با زن، در حال اعتکاف منع شرعی ندارد. (۳)

آیا اعتکاف به صورت خانوادگی جایز است؟

مانعی ندارد. (۴)

گفتگو با تلفن همراه در هنگام اعتکاف چه حکمی دارد؟

در صورتی که ضرری به اعمال اعتکاف نزنند مانعی ندارد، ولی بهتر ترک آن در غیر موارد ضرورت است. (۵)

برخی مستحبات و مکروهات اعتکاف

- ۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۱).
- ۲- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۴).
- ۳- سیستانی (سایت) /خامنه ای. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۳/سایت): [در مسجد] اشکالی ندارد.
- ۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۲).
- ۵- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۷). سیستانی (سایت): مانعی ندارد.

بنابر احتیاط [مستحب] معتکف، باید از چیزهایی که مُحرّم اجتناب می کند (۱) اجتناب نماید لیکن بنابر اقوی اجتناب لازم نیست، مخصوصاً پوشیدن لباس دوخته و برطرف کردن موی بدن و خوردن گوشت شکار و عقد نکاح، که تمام این ها برای او جایز است. (۲)

آیا شانه زدن و ناخن گرفتن در حال اعتکاف کراهت دارد؟

اگر بدانند شانه زدن موجب ریختن مو می شود احتیاط مستحب است که شانه نزنند؛ همچنین احتیاط مستحب آن است که در حال اعتکاف ناخن نگیرند. (۳)

کندن (اصلاح) مو در حال اعتکاف چه حکمی دارد؟

۱- شکار حیوانات صحرائی و خوردن گوشت آنها ۲- اجرای عقد نکاح ۳- پوشیدن لباس دوخته ۴- سرمه کشیدن ۵- نگاه در آینه ۶- پوشیدن هر چیزی که روی پا را پوشاند ۷- فسوق (دروغ، فحش و مفاخره) ۸- کشتن حشرات ۹- پوشیدن انگشتر به منظور زینت (اگر منظور استحباب و ثواب بردن باشد اشکال ندارد) ۱۰- مالیدن روغن به بدن هر چند که بوی خوش نداشته باشد. ۱۱- برطرف کردن موی بدن (حتی یکدانه مو) ۱۲- پوشاندن سر برای مردان ۱۳- پوشاندن و نقاب آویختن زن به صورت ۱۴- سایه برگرفتن (در سایه رفتن) برای مردان ۱۵- گرفتن ناخن و چیدن آن ۱۶- بیرون کردن خون از بدن هر چند که بوسیله خاراندن و مسواک کردن و امثال آن باشد ۱۷- کشیدن دندان ۱۸- کندن و بریدن درخت و بوته ای که در حرم روئیده باشد. ۱۹- همراه داشتن اسلحه ۲۰- جدال موارد ۲۱ تا ۲۴ همان مبطلات اعتکاف است.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۰) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶) / صافی (هدایه العباد، ج ۱، ص ۲۴۰) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۹) . تبریزی: بنابر احتیاط مستحب این امور ترک شود. صافی (دفتر): شانه زدن و گرفتن ناخن اشکال ندارد، اگرچه اولی ترک است. نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۵، م ۲۶۵): شانه زدن مانعی ندارد.

اشکال ندارد اگرچه احوط و اولی، ترک است البته اصلاح صورت اگر تراشیدن ریش باشد، حرام است. (۱)

در آینه نظر کردن معتکف چه حکمی دارد؟

مانعی ندارد. (۲)

اگر کسی حشرات موذی داخل مسجد را بکشد اعتکافش چه حکمی پیدا می کند و اگر در این حال، مسجد را نجس کرده باشد چه طور؟

کشتن حشرات موذی در مسجد اشکال ندارد ولی اگر مسجد نجس شود باید آن را تطهیر نماید. (۳)

با عنایت به اینکه در اعتکاف، گفتن شعر نهی شده است، آیا خواندن اشعار مذهبی خللی در اعتکاف ایجاد می کند؟

خواندن اشعار، مبطل اعتکاف نیست. (۴)

اظهار فضل بدون مجادله برای شوخی، آیا باعث بطلان اعتکاف می شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

خیر حرام نیست، بلکه مکروه است. (۵)

۱- صافی (دفتر).

۲- نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۵، م ۲۶۵). صافی (دفتر): حرام نیست، اگرچه اولی ترک است.

۳- نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۹۶، م ۲۷۴) / صافی (دفتر).

۴- خامنه ای. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۲/سایت): این کار خللی به اعتکاف وارد نمی کند.

۵- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۹).

(۱) جنب شدن قبل از اعتکاف

کسی که شب قبل از اعتکاف در مسجد حاضر شده و نیاز به غسل پیدا کرده ولی به خاطر عدم امتیّت نمی تواند به خارج از مسجد برای غسل برود، آیا می تواند تیمّم کند و معتکف شود و در زمانی که دسترسی به آب پیدا کرد، از مسجد خارج شود و غسل کند؟ اگر جواب مثبت است، آیا چنین کسی برای اعتکاف و روزه و نماز صبح باید سه تیمّم جداگانه کند؟

اگر اعتکاف بر او واجب معین باشد، مانعی ندارد و یک تیمّم کافی است و الاّ جایز نیست. (۱)

کسی که دسترسی به آب ندارد و باید برای نماز صبح تیمّم کند، آیا می تواند قبل از اذان صبح تیمّم کند و معتکف شود و در زمانی که دسترسی به آب پیدا کرد، از مسجد خارج شود و غسل کند؟

اگر اعتکاف بر فرد واجب معین نباشد، جایز نیست و الاّ مانعی ندارد. (۲)

(۲) تعریف عرف

گاهی در جواب استفتائات ما را به عرف ارجاع می دهید. مراد از عرف چیست؟ چه کسی می تواند آنرا تشخیص دهد؟ اگر در تشخیص آن اختلاف شود چه باید کرد؟

مراد از عرف، نظر عرفی خود مکلف است. (۳)

آیا غسل روز ۱۵ رجب برای معتکف واجب است؟

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۷).

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۷).

۳- خامنه ای (سایت).

خیر. (۱)

اگر اعتکاف در همسر اثر منفی بگذارد، با توجه به استحباب اعتکاف کدام لازم تر است؟ رسیدگی به همسر یا اعتکاف؟

تا هنگامی که اعتکاف شوهر مستلزم ترک نفقه ی واجب زن نشود، اشکال ندارد. (۲)

آیا طلاب و دانشجویان در ایام تحصیل می توانند معتکف شوند؟ کدام افضل است؟

هرگاه اعتکاف به درس آنها لطمه نزند، اشکالی ندارد. (۳)

آیا در اعتکاف صحبت کردن و خندیدن اشکال دارد؟

صحبت کردن و خندیدن مانعی ندارد. (۴)

با توجه به اینکه مستحب است میهمان بدون جلب رضایت میزبان، روزه مستحبی نگیرد، آیا میهمان بدون اجازه میزبانش می

تواند معتکف شود؟ آری. (۵)

در بعضی از مساجد اعتکاف در بخش بالایی (طبقه بالا) مسجد برگزار می شود، لذا نماز جماعت آقایان در آن بخش که در

طبقه پایین آن خواهران اقامه نماز جماعت می کنند چه حکمی دارد؟ اشکال ندارد. (۶)

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۳).

۲- خامنه ای (سایت).

۳- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۷).

۴- صافی (جامع الاحکام، ج ۱، ص ۱۴۴/دفتر) / مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۵).

۵- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۵).

۶- خامنه ای. مکارم (استفتائات، ج ۳، ص ۹۲، س ۲۷۲): در صورتی که بین آنها حجابی باشد، مانعی ندارد.

۳) برخی احکام اعمال امّ داود

آیا اعمالی که معتکفین در سیزده تا پانزده رجب به جا می آورند (نظیر اعمال امّ داود) جزو اعمال اعتکاف است، چنانچه کسی در ماه رمضان هم معتکف شود باید آنها را به جا آورد یا از اعمال مخصوص ایام البیض محسوب می شود؟

اعمال امّ داود در اعتکاف شرط نیست بلکه مربوط به ایام البیض است. هر چند انجام آن در حال اعتکاف بهتر می باشد. (۱)

اعمال ام داود بعد از اذان ظهر شروع می شود لکن در مراسم اعتکاف در بعضی مساجد به جهت داشتن برنامه سخنرانی و نوحه خوانی اعمال را دو ساعت قبل از اذان ظهر شروع کردند و به این عنوان که کل اعمال مستحب است بنابر این فرقی نمی کند که قبل از اذان یا بعد از اذان باشد. آیا پاسخ فوق صحیح است و این کار شرعاً صحیح بوده است؟

اگر رجائاً به عنوان ثواب انجام شده باشد، مانع ندارد. (۲)

آیا می توان برای غسل امّ داود از مسجد خارج شد؟

به صفحه.... مراجعه شود.

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۷).

۲- صافی (دفتر).

فصل پنجم: زمان، اعمال، آداب و ادعیه اعتکاف

اشاره

فصل پنجم: زمان، اعمال، آداب و ادعیه اعتکاف (۱)

زمان اعتکاف

در هر زمانی که انسان بتواند، حداقل سه روز در مسجد بماند و روزه بگیرد، اعتکاف نیز صحیح است. چون اعتکاف بدون روزه محقق نمی‌شود، ایامی که روزه آن مستحب است، زمان مناسبی برای اعتکاف است و ثواب آن افزون تر خواهد بود.

با فضیلت ترین اوقات اعتکاف، ماه مبارک رمضان و بهترین اوقات ماه رمضان، دهه آخر آن است. (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه در ماه مبارک رمضان معتکف می‌شدند. دهه آخر ماه مبارک رمضان جهت اعتکاف، آن قدر مورد تاکید است که امیرالمومنین علیه السلام زمان دیگری را برای این عبادت سزاوار نمی‌داند. (۳)

فقهای اسلام، اعم از شیعه و اهل سنت اعتکاف در ماه مبارک رمضان را سفارش کرده اند. در بررسی از کتب فقهی از شیعه و اهل سنت که در دسترس بود، در خصوص فضیلت اعتکاف در ماه رجب، مطلبی یافت نشد.

دلیلی خاص بر استحباب اعتکاف در ماه رجب نیافتیم. (۴) اینکه مرسوم شده در ایام البیض ماه رجب، اعتکاف می‌کنند، ظاهراً به دلیل اعمال ام داود و فضیلت و سفارش زیاد روزه داشتن و دعا و برآورده شدن حاجات در این ایام است. لازم به ذکر است که معصومین علیهم السلام از اعتکاف در غیر ماه رمضان منعی نفرموده اند، هرچند که اعتکاف در ماه مبارک رمضان را ارج می‌نهییم و توصیه می‌شود که اگر مقدور بود، خوانندگان از این سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بی بهره نمانند.

۱- با توجه به فضیلت هایی که برای اعمال این ماه بیان شده، لازم به ذکر است که اهدای ثواب شرایطی دارد و بخشش خداوند به طور مثال شامل گناهای مانند کفر یا حق الناس نمی‌شود.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۴) / بهجت (استفتاءات، ج ۲، ص ۴۳۹) / خامنه ای / صافی (دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۱۸) نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج ۲، ص ۹۶، م ۲۷۱). مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۵۸) : در ماه مبارک رمضان و ماه رجب فضیلت بیشتری دارد. در برخی از احادیث اهل سنت، نسبت به اعتکاف در ماه شوال اشاره شده است.

۳- «لا اعتکاف الا فی العشر الاواخر من شهر رمضان» (الاستبصار، ج ۲، ص ۱۲۷). مشابه این روایت از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است (وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۷، ص ۳۹۸/کافی (ط-اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۷۶).

۴- خامنه ای.

فضیلت ماه رجب

این ماه از ماه های حرام است که جنگ در آن جایز نیست و حتی در زمان جاهلیت هم این مطلب شهرت داشته است. شب اول آن، از چهار شبی (شب اول رجب، شب نیمه شعبان، شب عید فطر و شب عید قربان) است که بر زنده نگه داشتن آن به عبادت و دعا تأکید شده است و نیمه این ماه، از محبوب ترین روزها نزد خداوند است. بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بیست و هفتم این ماه واقع شده است. سیر الی الله به راحتی امکان پذیر نیست و در حالت عادی بسیار مشکل است، ولی نزول باران رحمت الهی در ماه رجب، راه را هموار می کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «خداوند در آسمان هفتم، فرشته ای را قرار داده است که به او «داعی» گفته می شود. هنگامی که ماه رجب می آید، این فرشته در هر شب تا صبح می گوید: «خوشا به حال تسبیح کنندگان خدا! خوشا به حال فرمانبرداران خدا». خداوند می فرماید: «همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند. فرمانبردار کسی هستم که فرمانبردارم باشد. بخشنده خواهان بخشایش هستم. ماه، ماه من، بنده، بنده من و رحمت، رحمت من است. هر کس در این ماه مرا بخواند، او را اجابت کنم و هر کس از من بخواند، به او عطا کنم و هر کس از من هدایت خواهد، او را هدایت کنم. این ماه را رشته ای بین خود و بندگانم قرار دادم که هر کس آنرا بگیرد، به من می رسد».^(۱)

امیرالمومنین علیه السلام: «ماه رجب ماه من و ماه شعبان ماه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ماه رمضان ماه خداست».^(۲)

امام صادق علیه السلام: «هنگامی که قیامت فرا رسد، منادی از عرش ندا می کند: کجایند رجبیون [آنها که ماه رجب را گرامی داشتند]؟ پس عده ای از مردم

می ایستند، در حالی که صورتشان برای اهل محشر می درخشد و بر سرشان تاج پادشاهی گذاشته شده است. آنگاه امام صادق علیه السلام ثواب های زیادی نام بردند^(۳) و بعد فرمودند: این اجر و پاداش کسی است که مقداری از [ماه] رجب، هر چند یک روز از اول یا وسط و یا آخرش را روزه گرفته باشد».^(۴)

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۱۷۴/مستدرک، ج ۷، ص ۵۳۵.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۴۸۰.

۳- هر کدام از آنها را هزار مَلَمک از طرف راست و هزار ملک از طرف چپ همراهی می کنند. ملائکه به او می گویند: «ای بنده خدا! کرامت خداوند عزوجل گوارای تو باد» پس ندایی از جانب خداوند می رسد: «ای بندگان و کنیزان من، قسم به عزت و جلالم که امروز جایگاه شما را نیکو می دارم و پاداشی بس بزرگ به شما می دهم و غرفه هایی از بهشت به شما عطا می کنم که از زیر آن نهرها جاری است. شما برای همیشه در آن خواهید بود و این جزای خوبی برای عمل کنندگان است. شما با روزه خود این ماه را که من حرمتش را واجب دانسته بودم، بزرگ شمردید. ای ملائکه من، بندگان و کنیزان مرا وارد بهشت کنید.»

امام کاظم علیه السلام: «رجب، نام نهري در بهشت است که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است. هرکس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، از آن نهر

می آشامد».(۱)

امام کاظم علیه السلام: «ماه رجب، ماه عظیمی است که خداوند حسنات و نیکی ها را در آن دو چندان و گناهان را محو می کند».(۲)

امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «ماه رجب را اصب می گویند زیرا که رحمت خداوند در این ماه بر بندگان نازل می شود».(۳)

اعمال مشترک ماه رجب

اشاره

چون در کشور ما اعتکاف معمولاً در ایام البیض ماه رجب نیز برگزار می شود، در این فصل، اعمال این ماه بیان شده است.

اعمال ماه رجب بر دو قسم است: اعمالی که توصیه شده است در تمام ماه رجب انجام شود «اعمال مشترک» نامیده می شود و اعمالی که توصیه شده است در روز یا روزهای خاصی از ماه رجب مانند «ایام البیض» انجام شود، «اعمال اختصاصی» نامیده می شود.

۱- غسل

شستن بدن از کثافات، می تواند زمینه صفای روحانی را فراهم می آورد و بدن که همراه روح است، باید آلودگی نداشته باشد تا روح سبکبال تر به منزل

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۴۷۳/تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۳۰۶، روایت ۹۲۴/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۴۷۳.

۳- عیون اخبار الرضا (ع)، ترجمه آقا تجفی، ج ۲، ص ۳۰۶.

مقصود برسد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هر کس که در اوّل، وسط و آخر ماه رجب غسل کند، از گناهانش خارج می شود، مانند روزی که از مادرش متولد شده است».(۱)

۲- نماز

تمام نمازهای مستحبی به جز نافله شب که یک رکعت است، باید همانند نماز صبح، دو رکعتی خوانده شوند و پس از سلام نماز، دو رکعت بعدی آغاز می شود. (به صفحه ۲۵۷ مراجعه شود.)

در ماه رجب نمازهایی وارد شده است که در ذیل به برخی، اشاره می شود:

۱-۲- شصت رکعت نماز: هر شب دو رکعت و در هر رکعت یک مرتبه حمد، سه مرتبه کافرون و یک مرتبه توحید و بعد از سلام نماز، دست ها را بالا- ببرد و بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَ آلِهِ» سپس دست ها را به صورت بکشد.(۲)

۲-۲- ده رکعت نماز: در یک شب از ماه رجب، ده رکعت نماز گذارده

می شود، در هر رکعت حمد و کافرون یک مرتبه و توحید ۳ مرتبه.(۳)

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۲، ص ۶۲۸.

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هر کس در ماه رجب [این] شصت رکعت نماز را بخواند، خداوند دعایش را مستجاب و ثواب شصت حج و شصت عمره را به او عطا می فرماید». (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۱۷۹/وسائل الشیعه (ط-آل البيت)، ج ۸، ص ۹۵/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان).

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هر کس در شبی از شبهای ماه رجب، ده رکعت نماز بخواند و در هر رکعت حمد و کافرون و توحید را سه مرتبه تلاوت کند، خداوند تمام گناهان گذشته او را می آمرزد و برای هر رکعت، ثواب شصت سال عبادت می نویسد و در مقابل هر سوره ای که خوانده، قصری از لوء لوء در بهشت به او عطا می کند و ثواب کسی که در آن سال مشغول نماز، روزه، حج، عمره و جهاد در راه خدا بوده، برایش می نویسد و در هر روز از آن سال تا سال آینده یک حج و یک عمره برای او می نویسد و هنوز از نماز فارغ نشده است که خدا او را می آمرزد. هنگامی که از نماز فارغ شد، ملکی از زیر عرش ندا می دهد که ای ولی خدا! عملت را از سر بگیر. به تحقیق که خدا تو را از آتش جهنم آزاد کرد و او را از نماز گزاران آن سال می نویسد و اگر در آن سال بمیرد، شهید از دنیا رفته است و خدا دعای او را مستجاب می کند و حوائج او را برآورده می سازد و نامه اعمالش را به دست راست او می دهد و صورتش را نورانی می کند و خداوند بین او و آتش جهنم، هفت خندق فاصله می اندازد». (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۱۷۹/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

۳-۲- دو رکعت نماز: در هر دو رکعت نماز صد مرتبه سوره توحید. (۱)

۴-۲- نماز حضرت سلمان علیه السلام: (۲) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «سلمان! در روز اوّل ماه رجب، ده رکعت نماز به جا می آوری، در هر رکعت، حمد یک مرتبه، توحید سه

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هر کس در شبی از شبهای ماه رجب، صد مرتبه سوره توحید را در دو رکعت بخواند، مانند کسی است که صد سال در راه خدا روزه گرفته و خدا صد قصر در جوار یکی از پیامبران به او عطا می کند». (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۱۸۰/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

۲- سلمان فارسی علیه السلام می گوید: روز آخر ماه جمادی الثانی محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شدم. آن حضرت فرمودند: «سلمان! تو از ما اهل بیت هستی. آیا نمی خواهی تو را از چیزی آگاه کنم؟» عرض کردم: «بله، می خواهم یا رسول الله، پدر و مادرم به فدای شما باد». رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای سلمان! هیچ مرد و زن مومنی در ماه رجب سی رکعت نماز نگذارد که در هر رکعتش، حمد را یک بار و سوره توحید و کافرون را هر یک سه مرتبه بخواند، مگر اینکه خداوند هر گناهی را که در خردسالی یا بزرگسالی مرتکب شده، از او محو می کند و ثواب کسی که تمام ماه را روزه گرفته، به او می دهد و تا سال آینده نزد خدا از نماز گزاران محسوب می شود و هر روز عمل شهیدی از شهدای بدر برایش بالا می رود و به ازای هر روزه ای که می گیرد، عبادت یک سال برای او نوشته می شود و هزار درجه بالا می رود و اگر تمام ماه را روزه بگیرد، خداوند او را از آتش نجات می دهد و بهشت را برای او قرار می دهد. ای سلمان! اینها را جبرئیل علیه السلام به من خبر داد و گفت: ای محمد! این علامتی است برای جدایی شما از منافقان، چرا که آنان این نماز را نمی خوانند». سلمان می گوید: عرض کردم: «یا رسول الله! مرا از چگونگی خواندن آن و زمان آن آگاه کن». سلمان می گوید: «وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حدیث را تمام کرد، من به سجده افتادم و گریه کردم و برای شنیدن این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شکر خدا را به جا آوردم». (اقبال الاعمال (ط-قدیمه)، ج ۲، ص ۶۳۷/مصباح المتحجد، ج ۲، ص ۸۱۸).

مرتب، کافرون سه مرتبه و بعد از هر نماز، در حالی که دست ها را بلند می کنی، بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخَيْرُهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَ لَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ، وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». آن گاه دست ها را به صورت بکش. در روز نهمه رجب نیز، همان ده رکعت را بخوان و فقط بعد از «كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بگو: «إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا» سپس دست ها را به صورت بکش. در آخر ماه رجب همان ده رکعت را با همان کیفیت بخوان و فقط بعد از «كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بگو: «وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». پس دست ها را به صورت بکش و حاجت را از خداوند بخواه. (۱)

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: همانا خداوند دعایت را مستجاب می کند و بین تو و جهنم هفت خندق فاصله می اندازد که هر خندق، فاصله بین زمین و آسمان است و برای هر رکعت، ثواب یک میلیون رکعت می نویسد و همچنین دوری از آتش و عبور از صراط، برای تو نوشته می شود. (مصباح المتحجد، ج ۲، ص ۸۱۸)

۲-۵- چهار رکعت نماز: رکعت اول بعد از حمد، صد مرتبه آیه الکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد، دویست مرتبه توحید را بخواند. (۱)

۲-۶- سی رکعت نماز: در هر رکعت بعد از حمد، کافرون یک مرتبه و توحید سه مرتبه را بخواند. (۲)

۲-۷- نماز شب: کیفیت این نماز در صفحه ۲۵۷ آمده است.

۲-۸- نماز جعفر طیار: کیفیت این نماز در صفحه ۲۵۲ آمده است.

۳- روزه

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس که سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند آن قدر کرامت به او عطا می کند که روزه را می نویسد». (۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که دو روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند آن قدر کرامت به او عطا می کند که وصف کنندگان اهل آسمان و زمین نمی توانند آن کرامت را وصف کنند و به اندازه اجر و پاداشی که به ده نفر از راستگویان که در تمام عمر داده است به او عنایت می کند و به همان مقداری که صادقان و راستگویان در روز قیامت شفاعت می کنند، او نیز شفاعت می کند و با راستگویان، محشور و داخل بهشت می شود و از رفیقان آنها خواهد بود». (۴)

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس یک روز از ماه رجب روزه بگیرد و [این] چهار رکعت نماز را بخواند، نمیرد تا اینکه جایگاهش را در بهشت ببیند و یا دیگران جایگاهش را ببینند. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۰۰/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

۲- الاقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۱۷۷/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۳- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۱۹۲.

۴- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۱۹.

امیرالمومنین علیه السلام: «هرکس یک روز از ماه رجب را در اوّل یا وسط یا آخر آن، روزه بگیرد، گناهانش بخشیده می شود».^(۱)

امام باقر علیه السلام: «هرکس سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، به او گفته می شود، گناهان گذشته و آینده ات بخشیده شد».^(۲)

امام رضا علیه السلام: «کسی که روز اوّل ماه رجب را از روی رغبت و امید ثواب، روزه بگیرد، خداوند بهشت را بر او واجب می کند و کسی که روزی از اواسط ماه را روزه بگیرد، به تعداد قبایل «رَبِيعَه» و «مُضِر»^(۳)، حق شفاعت پیدا می کند و کسی که روزی از اواخر ماه را روزه بگیرد، خداوند او را از پادشاهان بهشت قرار می دهد و از پدر، مادر، پسر، دختر، عمو، عمه، دایی، خاله، آشنایان و همسایگانش شفاعت می کند، هر چند مستحق آتش شده باشند».^(۴)

امام کاظم علیه السلام: «هرکس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، آتش جهنّم یک سال راه، از او دور می شود و هرکس که سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، بهشت بر او واجب می شود».^(۵)

البته ثوابی که برای روزه بیان شد، فقط برای پرهیز از خوراکی ها نیست بلکه باید از خواهش های نفسانی نیز چشم پوشید و هم جوارح و هم جوانح روزه باشند. به صفحات ۲۴۳ و ۳۱۴ مراجعه شود.

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۴۷۸/فضائل الاشهرالثلاثه، ص ۳۸.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۰، ص ۴۷۳/بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۹۴، ص ۳۲.

۳- این دو قبیله شامل مجموعه ای از قبایل می شوند، مثلاً قریش از قبایل زیر مجموعه مضر است.

۴- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۱۹۱.

۵- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۱۹۱.

در ماه رجب دعاهایی از ائمه علیهم السلام نقل شده است. برخی در روزی خاص و برخی در همه روزها خوانده می شود. (به صفحه ۲۷۶ مراجعه شود).

در ذیل برخی از دعاهایی که هر روز خوانده می شود، ذکر شده است:

۱-۴-دعایی از امام سجّاد علیه السلام

«يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَ يَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمِعَ حَاضِرٌ وَ جَوَابَ مَعْتَبِدٍ. اللَّهُمَّ وَ مَوَاعِيدُكَ الصَّادِقَهُ وَ أَيَادِيكَ الْفَاضِلَةَ وَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةَ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^(۱).

۲-۴-دعاهایی از امام صادق علیه السلام

(۱) «بنویس بسم الله الرحمن الرحيم و بعد از نمازهای یومیّه بگو: «يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ آمَنْ سَيَحْطَهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً، أَعْطِنِي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ وَ اضْرِبْ عَنِّي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمٌ».

آنگاه حضرت دست چپش را بلند کرد و محاسن شریفشان را گرفت و این دعا را خواند. در حالی که با تضرع و التجا، انگشت سبابه دست راستش را به سمت چپ و راست حرکت می داد^(۲)، چنین فرمود: «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۱۵۸/ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، بلد الامین، ص ۱۷۸/ قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۲- در روایات به حکمت این حرکت اشاره شده است که «خدایا من نمی دانم جزو اصحاب یمین هستم یا جزو اصحاب یسار. من حیرانم که بهشتی هستم یا جهنمی»

ذَاللَّعْمَاءِ وَالْجُودِ يَا ذَاالْمَنِّ وَالطُّوْلِ، حَرِّمُ شَيْبَتِي عَلَي النَّارِ». در روایت دیگری آمده که حضرت دستش را بر محاسنش گذاشت و آن را بر نداشت تا پشت دستش پر از اشک شد. (۱)

۲) «خَابَ الْوَاقِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ وَضَاعَ الْمُؤَلِّمُونَ إِلَّا بِكَ وَاجْتَدَبَ الْمُتَنَجِّعُونَ إِلَّا مَنْ انْتَجَعَ فَضْلَكَ، بِأَيْكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ وَخَيْرُكَ مَبْدُولٌ لِلطَّلَبِينَ وَفَضْلُكَ مَبِيحٌ لِلسَّائِلِينَ وَنَيْلُكَ مَتِيحٌ لِلْمَلَمِلِينَ وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ وَحِلْمُكَ مُتَعَرِّضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ، عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَسَبِيلُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ فَاهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ وَارْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ وَاعْفُورِي يَوْمَ الدِّينِ». (۲)

۳) «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ وَعَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَيَقِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَ أَنَا عَيْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ وَ أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَ أَنَا الْعَبْدُ الدَّلِيلُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَآمِنْ بِغِنَاكَ عَلَى فَقْرِي وَ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَ بِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِي يَا قَوِي يَا عَزِيزُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، وَ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». (۳)

۱- محمد ذکوان، معروف به سجّاد (او را سجّاد گفته اند، زیرا در سجده هایش بسیار گریه میکرد، به گونه ای که بر اثر گریه زیاد نابینا شد) می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم ماه رجب است. دعایی را به من بیاموزید که خداوند به سبب آن، به من نفع رساند. ایشان این دعا را تعلیم فرمودند. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۱۱/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

۲- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۰۹/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۳- یونس بن ظبیان می گوید: در ماه رجب، نزد امام صادق علیه السلام بودم که معلی بن خنیس عرض کرد: ای مولا-یم! دعایی را به من تعلیم دهید که جامع تمام دعاهاى موجود در کتب شیعه باشد. ایشان این دعا را تعلیم فرمودند و فرمودند: ای معلی! به خدا قسم، این دعا آنچه را که از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام تا زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده، در بردارد. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۱۰)

٣-٤-دعاهایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(١) «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعٍ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَوَلَاةِ أَمْرِكَ، أَلْمِ أُمُوتُونَ عَلَى سِرِّكَ، الْمُسْتَسِرُّونَ بِأَمْرِكَ، الْوَاصِحُّونَ لِقُدْرَتِكَ، الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَسِيَّتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَارْكَاناً لِتَوْحِيدِكَ، وَآيَاتِكَ وَمَقَاماتِكَ، الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ، يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقَهَا وَرَتَقَهَا بِيَدِكَ بَدُوها مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ، أَعْضَادُ وَأَشْهَادُ وَمَنَاهُ وَأَذْوَادُ وَحَفَظَةٌ وَرُؤَادُ فِيهِمْ مَلَائِكَةُ مَائِكَ وَأَرْضُكَ حَتَّى ظَهَرَ [أَنْ] لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَبِذَلِكَ اسْتِثْلُكَ وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَبِمَقَاماتِكَ وَعَلَاماتِكَ أَنْ تُصِلَّنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْتَ زَيْدُنِي إِيمَاناً وَتَثِيئاً يَا بَاطِناً فِي ظُهُورِهِ وَيَا ظَاهِراً فِي بُطُونِهِ وَمَكُونِهِ، يَا مُفَرِّقَ بَيْنِ النُّورِ وَالدِّيَجُورِ يَا مَوْصُوفاً بِغَيْرِ كُنْهِ وَمَعْرُوفاً بِغَيْرِ شَبْهِهِ حَادُّ كُلِّ مَحْدُودٍ وَشَاهِدُ كُلِّ مَشْهُودٍ، وَمُوجِدُ كُلِّ مَوْجُودٍ، وَمُحْصِي كُلِّ مَعْدُودٍ وَفَاقِدُ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ، أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ. يَا مَنْ لَا يُكَيْفُ بِكَيْفٍ وَلَا يُؤَيِّنُ بِأَيْنٍ يَا مُحْتَجِباً عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يَا دَيْمُومُ يَا قَيُومُ وَعَالِمُ كُلِّ مَعْلُومٍ، صِلْ عَلَيَّ عِبَادِكَ الْمُتَّبِعِينَ بَيْنَ وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ وَالْبُهِمِ الصَّافِينَ الْحَافِينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْمُرَجَّبِ الْمُكْرَمِ وَ مَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ وَاجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ وَابْرِرْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَجْمَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ فَاضَاءً وَعَلَى اللَّيْلِ فَاظْلَمَ وَاعْفُ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا وَمَا لَا نَعْلَمُ وَاعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ وَ اكْفِنَاكَ

وَافِي قَدْرِكَ، وَآمِنُ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ، وَلا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكَ وَلا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ وَبَارِكْ لَنَا فِيما كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَاصْلِحْ لَنَا حَبِيئَةَ أَسْرَارِنَا وَاعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ وَبَلِّغْنَا شَهْرَ الصَّيَامِ وَما بَعْدَهُ مِنَ الْآيَامِ وَالْأَعْوَامِ يَا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرَامِ» (١)

(٢) «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُتَنَجِّبِ وَاتَّقَرَّبَ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ، يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طَلِبٌ، وَفِيما لَمَدِيهِ رُغْبٌ، أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُعْتَرِفٍ [مُقْتَرِفٍ] مُدْنِبٍ قَدْ أَوْبَقْتَهُ ذُنُوبُهُ وَ أَوْتَقْتَهُ عُيُوبُهُ وَطَالَ عَلَيَّ الْخَطَايا دُؤُوبُهُ وَ مِنَ الرِّزَايا حُطُوبُهُ، يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبِيهِ وَ التَّزْوَعَ مِنَ الْحُوبِيهِ وَ مِنَ النَّارِ فَكَاكَ رَقَبَتِيهِ وَ الْعُقُوقَ عَمَّا فِي رِقَبَتِيهِ فَانْتَ مَوْلَايَ اعْظُمِ اَمَلِيهِ وَثِقْتِهِ. اللَّهُمَّ وَ اَسْأَلُكَ بِمَسائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَ وَسائِلِكَ الْمُنيْفَةِ اَنْ تَتَعَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ وَ نِعْمَةٍ وَازِعَةٍ وَ نَفْسٍ بِما رَزَقْتَهَا قانِعَةٍ اِلَى نَزُولِ الْحافِرِهِ وَ مَحَلِّ الْاِخْرَةِ وَ ما هِيَ اِلَيْها صائِرَةٌ» (٢)

(٣) «اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغِ وَ الْاَلَاءِ الْوازِعِهِ وَ الرَّحْمَةِ الْواَسِعَةِ وَ الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَ النِّعَمِ الْجَسِيْمَةِ وَ الْمَواهِبِ الْعَظِيْمَةِ، وَ الْاِيادِي الْجَمِيْلَةِ وَ الْعَطَايا الْجَزِيْلَةَ يَا مَنْ لا يُنْعَتُ بِتَمَثِيْلِ وَ لا يُمَثَّلُ بِنَظِيْرِ، وَ لا يُغْلَبُ بِظَهِيْرِ، يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَ اَلْهَمَ فَاَنْطَقَ، وَ ابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَ عَلَا فَارْتَفَعَ، وَ قَدَّرَ فَاحْسَنَ، وَ صَوَّرَ فَاتَّقَنَ، وَ احْتَجَّ فَابْلَغَ، وَ اَنْعَمَ فَاسْبَغَ، وَ اَعْطَى فَاجْزَلَ، وَ مَنَحَ فَافْضَلَ. يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ خَواطِرَ الْاَبْصارِ، وَ دَنَا فِي

١- اين توقيع از ناحیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به محمّد بن عثمان بن سعید رحمه الله رسیده است. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ٣، ص ٢١٤/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان).

٢- شیخ طوسی رحمه الله به نقل از حسین بن روح نوبختی رحمه الله و ایشان از امام زمان علیه السلام این دعا روایت کرده است. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ٣، ص ٢١٥/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

الطُّفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَخَّذَ بِالْمُلْكِ فَلَا يَتَدَلُّ لَهْ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ وَتَفَرَّدَ بِالْكَبْرِيَاءِ وَالْآلَاءِ، وَفَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَانِهِ. يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ، وَأَنْحَسِرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ، خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ، يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ. أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَتَّبَعِي إِلَّا لَكَ وَبِمَا وَائْتِ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ لِدَعَايِكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ الْمُبْصِرِينَ وَ يَا أَنْظَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَدِّقْ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَ أَنْ تَقْسِمَ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ وَ أَنْ تَحْتِمَ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ وَ تَحْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ حَتَمْتَ وَ أَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا وَ أَمْتِنِي مَسْرُورًا وَ مَغْفُورًا وَ تَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مَسَائِلِهِ الْبُزْخِ، وَ اذْرَعْ عَنِّي مُنْكَرًا وَ نَكِيرًا، وَ أَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَ بَشِيرًا وَ اجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جَنَانِكَ مَصِيرًا وَ عَيْشًا قَرِيرًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا وَ صِلْ لِي اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (۱)

۵- استغفار

(۱) صد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» و بعد صدقه دهد. (۲)

- ۱- در کلمات این دعا اختلاف وجود دارد و در اینجا روایت از محمد بن ابی رواد روایتی نقل شده است. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳ ص ۲۱۲/ قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)
- ۲- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در ماه رجب صد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» و بعد از آن صدقه دهد، خداوند عاقبتش را به رحمت و آمرزش ختم می کند و کسی که چهار صد مرتبه این استغفار را بگوید، خداوند اجر صد شهید برایش می نویسد و هنگامیکه روز قیامت خدا را ملاقات کند، خداوند به او می فرماید: تو به پادشاهی من اقرار کردی و بر من منت نهادی. اینک هر چه می خواهی، به تو عطا می کنم، چرا که مقتدری غیر از من نیست.» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۱۶)

(۲) هر صبح و شب هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» و بعد دستها را بلند کند و بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ تُبَّ عَلَيَّ». (۱)

ثمره استغفار، مغفرت الهی و پاک شدن از آلودگی های روحی است. تا روح انسان از گناه تطهیر نشود، همنشینی با اولیاء الله و بهره بردن از عبادت ذات حق، میسر نمی شود. استغفار، قلب را صاف و آینه حق بین و آماده دریافت فیوضات الهی می کند. در روایات آثار زیادی چون دفع بلا، روزی فراوان و رفع غم و غصه برای استغفار بیان شده است. (۲) در ماه رجب، تأکید زیادی بر استغفار شده است. (به صفحه ۲۳۷ مراجعه شود.)

۶-تهلیل

ذکر «لا اله الا الله» همان کلمه توحید است و آن را تهلیل گویند. (۳)

گفتن هزار مرتبه ذکر «لا اله الا الله» در ماه رجب. (۴)

۱- «کسی که در ماه رجب استغفار و توبه کند و هر صبح و شب هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» و بعد دستهایش را بلند کند و بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ تُبَّ عَلَيَّ». اگر در ماه رجب از دنیا برود، در حالی مرده که خداوند از او راضی و خشنود است و آتش جهنم به برکت ماه رجب او را لمس نکند» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۱۷/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

۲- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۲۷۳.

۳- تهلیل سه مرحله دارد: تهلیل تکوینی، تهلیل اعتقادی و تهلیل لفظی. تهلیل تکوینی دلالت ذات موجودات بر وجود خداوند و شهادت آنها به وحدانیت اوست. تهلیل اعتقادی، ایمان و اعتقاد قلبی به وحدانیت خداوند است. تهلیل لفظی یعنی گفتن «لا اله الا الله» و یا هر لفظ دیگری که بر این معنا دلالت کند. (تجلیل ابوطالب، ارزشها و ضد ارزشها در قرآن، ص ۱۱۳)

۴- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در ماه رجب، هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید، خداوند صد هزار حسنه برای او می نویسد و صد شهر در بهشت برای او بنا می کند.» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۱۶/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

۷- خواندن سوره توحید

سوره اخلاص، سمبل توحید است.

(۱) خواندن ده هزار مرتبه سوره توحید در ماه رجب. (۱)

(۲) خواندن هزار مرتبه سوره توحید در ماه رجب. (۲)

(۳) خواندن صد مرتبه سوره توحید در ماه رجب. (۳)

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در عمرش در ماه رجب، ده هزار مرتبه سوره توحید را با نیت خالص بخواند، روز قیامت در حالی وارد محشر می شود که هیچ گناهی ندارد و همانند روزی است که از مادر متولد شده است. پس هفتاد مَلِک به استقبال او می آیند و او را به بهشت بشارت می دهند.» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۱۷)

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که هزار مرتبه سوره توحید را بخواند، روز قیامت با عمل هزار پیامبر و هزار مَلِک وارد می شود و هیچ کس از او نزدیک تر به خدا نیست، مگر کسی که این سوره را بیشتر خوانده باشد و اگر این عمل در ماه رجب انجام شود، ثواب آن مضاعف می شود.» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۱۷)

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که صد مرتبه سوره توحید را بخواند، خدا بر او، اولاد، اهل و همسایگان او برکت نازل می کند و کسی که این عمل را در ماه رجب انجام دهد، خدا دوازده قصر در بهشت برایش بنا می کند که به دُرّ و یاقوت مُزین است و یک میلیون حسنه برای او می نویسند. پس خدا می فرماید: «بنده ام را ببرید و آنچه را که برایش مهیا کرده ام، به او نشان دهید». پس ده هزار قهرمان که همه آنها مُوکلّ خانه های او در بهشت هستند، می آیند و درهای یک میلیون قصر از دُرّ و یک میلیون قصر از یاقوت سرخ را برای او باز می کنند که همه این قصرها به قدری مُزین به دُرّ و یاقوت و زیورآلات است که توصیف کنندگان از وصف آنها عاجزند و هیچکس غیر از خدا به آنها احاطه ندارد. پس هنگامی که بنده، این نعمت ها و پاداش ها را می بیند، مدهوش و متحیر می شود و می گوید: این نعمت ها برای کدامیک از انبیا است؟ گفته می شود: اینها برای توست، چون سوره توحید را خوانده ای.» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۱۷)

۸- خواندن زیارت امام حسین علیه السلام

فضیلت و اعمال اختصاصی ایام البیض ماه رجب

اشاره

امام صادق علیه السلام: «به این امت (مسلمانان) سه ماه، عطا شده که به هیچ یک از

امت ها عطا نشده و آنها، ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان است و نیز سه شب، به این امت عطا شده که به هیچ یک از امت ها عطا نشده و آنها، شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم از هر ماه است و همچنین به این امت سه سوره، عطا شده که به هیچ یک از امت ها عطا نشده و آنها عبارتند از: سوره های یس، ملک، توحید. پس کسی که این سه امر (سه ماه رجب، شعبان، رمضان و سه شب ایام البیض و سه سوره یس، ملک، توحید) را جمع کند، پس

با فضیلت ترین چیزهای اعطا شده به این امت را جمع کرده است». از امام سوال شد: چگونه بین آنها می توان جمع کرد؟ حضرت فرمود: «در هر یک از

شب های ایام البیض سه ماه (رجب، شعبان و رمضان) نمازی به جا آورد. به

این گونه که در شب سیزدهم دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد سه سوره یس، تبارک و توحید را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت نماز (به دو سلام) و در شب پانزدهم شش رکعت (به سه سلام) به همان کیفیت به جای آورد. هر که این نماز را در این سه شب بخواند، فضیلت این سه ماه را درک کرده است و همه گناهان او غیر از شرک به خدا آمرزیده می شود». (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد و شب های سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آن را به عبادت قیام کند، قسم به خداوندی که مرا به حق،

به پیغمبری مبعوث کرد، از دنیا خارج نمی‌شود، مگر با توبه نصوح و خداوند در برابر روزه هر روز او، هفتاد گناه از او را می‌بخشد و هفتاد حاجت او را روز قیامت، هفتاد حاجت او را هنگامی که وارد قبر می‌شود، هفتاد حاجت در هنگام خروج از قبر، هفتاد حاجت در زمان سنجش اعمال و هفتاد حاجت او را هنگام عبور از صراط برآورده می‌سازد. روزه هر روز او همانند آزادی هفتاد نفر از فرزندان حضرت اسماعیل علیه السلام، هفتاد هزار بار ختم قرآن و هفتاد سال حراست از مرزهای اسلام و بنای هفتاد پُل در راه خداست. همچنین از هفتاد نفر از اهل بیتش که مستوجب آتش جهنم باشند، شفاعت خواهد کرد و برای او در بهشت فردوس، هفتاد هزار شهر بنا می‌شود که در هر شهری، هزار قصر و در هر قصری، هزار حوریه و برای هر حوریه، هزار خدمتکار است» (۱).

امام صادق علیه السلام: «کسی که ایام البیض از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند متعال برای او در ازای هر روز، پاداش روزه داری و شب زنده داری یک سال را می‌نویسد و در روز قیامت در جایگاه ایمن شدگان از آتش می‌ایستد» (۲).

۱- اعمال اختصاصی شب سیزدهم

۱- اعمال اختصاصی شب سیزدهم (۳)

۱) دو رکعت نماز و در هر رکعت: حمد، یس، مُلک، توحید یک مرتبه (۴).

۲) دو رکعت نماز: رکعت اول حمد و عادیات، رکعت دوم حمد و تکاثر (۵).

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۳.

۲- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۳.

۳- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۰.

۴- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۰/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۵- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در شب سیزدهم ماه رجب ده رکعت نماز بخواند به صورتیکه در رکعت اول سوره حمد و عادیات و در رکعت دوم سوره حمد و تکاثر را بخواند و بقیه رکعت ها را نیز به همین شکل تمام کند، خدا گناهایش را می‌آمرزد و اگر عاق والدین هم باشد خداوند از او راضی می‌شود و (در قبر) نکیر و منکر به او نزدیک نمی‌شوند و او را نمی‌ترسانند و بر پل صراط همچون برق، سریع عبور می‌کند و نامه اعمالش را به دست راستش می‌دهند و میزان اعمالش سنگین می‌گردد و در بهشت، هزار شهر به او عطا می‌شود» (اقبال بالاعمال الحسنه ج ۳، ص ۲۲۹).

۲- اعمال اختصاصی روز سیزدهم

۲- اعمال اختصاصی روز سیزدهم (۱)

روزه: جهت عمل امّ داود باید روز سیزدهم و دو روز بعد از آن را روزه گرفت.

۳- اعمال اختصاصی شب چهاردهم

۳- اعمال اختصاصی شب چهاردهم (۲)

(۱) چهار رکعت نماز در هر رکعت حمد، یس، مُلک، توحید یک مرتبه. (۳)

(۲) سی رکعت نماز در هر رکعت حمد، توحید و آیه آخر سوره کهف یک مرتبه. (۴)

۴- فضیلت و اعمال اختصاصی شب پانزدهم

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «وقتی شب نیمه رجب فرا می‌رسد، خداوند به خزانه داران دیوان بندگان و نویسندگان اعمال انسان‌ها امر می‌کند: «در نامه‌های عمل بندگان من نظر کنید و هر گناه و بدی که یافتید، آن را محو و به نیکی تبدیل کنید»». (۵)

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۰.

۲- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۰.

۳- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۰/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۴- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در شب ۱۴ ماه رجب سی رکعت نماز در هر رکعت یک مرتبه حمد و توحید و آیه آخر سوره کهف را بخواند، قسم به خدایی که جانم در دست اوست، اگر گناهانش بیش از ستارگان آسمان باشد، از نماز فارغ نمی‌شود، مگر اینکه پاک شده باشد و مثل این است که همه کتب آسمانی را قرائت کرده باشد» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۱).

۵- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۲.

سید بن طاووس رحمه الله: «وقتی شب پانزدهم رجب فرا رسید، سزاوار است کسی که خدا و رسولش را تصدیق می‌کند، در طول این شب مراقبه کامل کند و توجه داشته باشد که خدا بر او منت نهاده و وی را به اصلاح نفس در این شب موفق ساخته و عبادت را نصیبش کرده است. همواره حضور قلب داشته باشد و خود را در برابر خداوندی بداند که مالک اولین و آخرین و در ظاهر و باطن، حاضر و همنشین است. به گونه ای مراقبت کند و حضور قلب داشته باشد که لذت انس حضور نزد او و گفتگو با او را بیابد و زمانی که طلوع فجر روز پانزدهم فرا رسید، اعمال نیک خود را خالصانه به خداوند عرضه بدارد و اعمالش را به امامی که در آن روز مهمان او و آنروز مختص به اوست، تسلیم کند و به واسطه او و مقام قربش، به خدا توسل جوید و نقصان های اعمال خود را برطرف کند که با توجه به آن بزرگوار، اعمالش کامل می‌شود و به آرزوهایش خواهد رسید» (۱).

برخی از اعمال این روز عبارتند از: (۲)

(۱) غسل

(۲) احیای آن به عبادت

(۳) زیارت امام حسین علیه السلام

(۴) خواندن ۶ رکعت نماز و در هر رکعت: حمد، یس، مُلک، توحید یکمرتبه.

(۵) خواندن ۳۰ رکعت نماز و در هر رکعت: حمدیک مرتبه، توحید ده مرتبه. (۳)

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۵.

۲- اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۲۳۵/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در شب پانزدهم رجب، سی رکعت نماز بخواند و در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید را ده مرتبه بخواند، از نماز خارج نمی‌شود، مگر آنکه خدا ثواب هفتاد شهید را به او عطا می‌کند و روز قیامت درحالی وارد محشر می‌شود که برای جمعیتی همانند جمعیت بین مکه و مدینه نورافشانی می‌کند و برائت و آزادی از آتش و نفاق به او عطا و عذاب قبر از او برداشته می‌شود». در روایتی ثواب های دیگری برای این نماز شمرده شده است که عبارتند از: رهایی از آتش، ثواب چهل شهید در عوض هر رکعت، اعطای دوازده نور در مقابل هر آیه، بنای دوازده شهر از مشک و عنبر برای قرائت سوره توحید در هر بار (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۴)

۶) خواندن ۱۲ رکعت نماز و در هر رکعت: حمد، توحید، فلق، ناس، آیه‌الکرسی و قدر هر کدام چهار مرتبه. بعد از سلام چهار مرتبه بگویند: «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَ لَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً». بعد هر چه می‌خواهی از خدا بنخواه. (۱)

۵- فضیلت و اعمال اختصاصی روز پانزدهم رجب

حضرت آدم علیه السلام به خداوند عرض کرد: «خدایا! چه روزهایی را بیشتر دوست داری؟» خداوند به او فرمود: «ای آدم! محبوب‌ترین اوقات پیش من روز نیمه رجب است. ای آدم! در این روز با قربانی و مهمانی کردن و روزه و دعا و استغفار و گفتن «لا اله الا الله» به من تقرب بجوی. ای آدم! مشیت من بر این تعلق گرفته که یکی از فرزندان را که مهربان، کریم، دانا، بردبار و بزرگ است و از رذایل اخلاقی و خشونت و تندخویی به دور، به پیامبری برانگیزم و روز نیمه رجب را به او و امتش اختصاص دهم. در این روز چیزی از من

۱- (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۲ به روایت از امام صادق علیه السلام / مفاتیح الجنان، اعمال شب نیمه رجب). همچنین این نماز به طریقه دیگر در مصباح المتحجد، ج ۲ ص ۸۰۶ نیز آمده است: خواندن دوازده رکعت نماز در هر رکعت: سوره حمد و توحید یک مرتبه، چون از نماز فارغ شدی، می‌خوانی: سوره های حمد، ناس، فلق، توحید، آیه الکرسی، هر کدام چهار مرتبه. بعد چهار مرتبه می‌گویی: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ (تسبیحات اربعه) سپس می‌گویی: «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». «آنگاه هر چه می‌خواهی از خدا بنخواه.

نمی‌خواهند، مگر آنکه به آنها عطا می‌کنم و از من بخشش گناهان را نمی‌خواهند، مگر آنکه می‌بخشم. روزی از من نمی‌خواهند، مگر آنکه به آنها روزی می‌دهم. از من نمی‌خواهند جلوی لغزش آنها را بگیرم، مگر آنکه این کار را انجام می‌دهم. از من طلب رحمت و مهربانی نمی‌کنند، مگر آنکه به آنها رحم می‌کنم. ای آدم، کسی که نیمه رجب را روزه بگیرد و به یاد من باشد و [قلب] او خاشع باشد و خود را از آلودگی نامشروع حفظ کند و از اموالش صدقه دهد، پاداشی جز بهشت ندارد. ای آدم! به فرزندان بگو خود را در ماه رجب از گناه حفظ کنند زیرا [جزای] گناه در این ماه، بزرگ است. (۱)

برخی از اعمال این روز، عبارتند از: (۲)

(۱) غسل

(۲) زیارت امام حسین علیه السلام (۳)

داخل صحن شریف شو و سه مرتبه بگو: «الله اکبر» و در نزد قبر منور بایست و بخوان:

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۵.

۲- قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۳- این زیارت را شیخ مفید در مزار نقل کرده که از زیارات مخصوصه نیمه رجب است که آن را به سبب غفلت عامه مردم از فضیلت آن، «غفيله» می‌گویند. در زیارت امام حسین علیه السلام اسراری نهفته است. در اکثر مناسبت‌ها بر زیارت این امام تأکید شده است. از امام رضا علیه السلام سوال شد در چه ماهی امام حسین علیه السلام زیارت شود؟ فرمودند: «در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان». سید بن طاووس می‌فرماید: امام رضا علیه السلام نیمه رجب را در کنار نیمه شعبان آورده، چون فضیلت‌هایی که برای زائر در نیمه شعبان در روایات آمده، زیاد است، می‌توان نتیجه گرفت زیارت نیمه رجب هم، شأن و مرتبه والایی دارد. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۶)

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ السَّادَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا لُيُوثَ الْغَابَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 يَا سَيْفَنَ النَّجَاحِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبِيدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
 إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ
 حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدِ الْمُضَيَّفِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ ابْنِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ ابْنِ الْقَتِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ
 وَلِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَرُزِنْتَ بِوَالِدَيْكَ وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتُرَدُّ الْجَوَابَ وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَخَلِيلُهُ وَنَجِيُّهُ وَ
 صَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيَّتِهِ يَا مَوْلَايَ زُرْتُكَ مُشْتَاقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ يَا سَيِّدِي وَأَسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِأَبِيكَ سَيِّدِ
 الْوَصِيِّينَ وَبِأُمَّكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَلَا لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَيْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ سَالِيكَ وَ مُبْغِضِيكَ مِنَ الْأَوْلِيَانِ
 وَ الْآخِرِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ».

آن گاه قبر مطهر را ببوس و متوجه شو به سوی علی بن الحسین علیه السلام و آن جناب را زیارت کن و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ ابْنَ مَوْلَايَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَيْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكَ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكَ وَ بِمَحَبَّتِكَ وَ أَبْرَأُ إِلَى
 اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

پس روبروی قبور شهدا بایست و بگو: «السَّلَامُ عَلَى الْمَرْوَاحِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ أَبِي عَبِيدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
 طَاهِرِينَ مِنَ الدَّنَسِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَهْدِيُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَبْرَارَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ

بِقُدُورِكُمْ أَجْمَعِينَ جَمَعْنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ فِي مُسَدِّ تَقَرَّرَ رَحْمَتِهِ وَ تَحْتِ عَرْشِهِ إِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» (۱).

(۳) خواندن نماز حضرت سلمان. (به صفحه ۱۶۲ مراجعه شود).

(۴) خواندن چهار رکعت نماز و بعد از سلام دست ها را باز کند و بگوید: (۲).

«اللَّهُمَّ يَا مُدَلِّ كُلِّ جَبَّارٍ؛ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ؛ وَأَنْتَ بَارِي خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَيِّبًا وَ لَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصِيرِ عَلَى أَعْدَائِي وَ لَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَ مُنْشِئِ الْجَبْرَكَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوحِ وَ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاءُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدَلِّ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِكَيْفِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَّقْتُهَا مِنْ كِبْرِيائِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِكِبْرِيائِكَ الَّتِي اشْتَقَّقْتُهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اشْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ، فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُدْعُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ».

(۵) خواندن پنجاه رکعت نماز: در هر رکعت حمد، توحید، فلق، ناس یک مرتبه. (۳).

۱- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۹۸، ص ۳۴۶.

۲- امام صادق علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام: «قسم به آنکه دانه را شکافت و کعبه را نصب و بنا کرد و بادها و نسیم ها را آفرید، این دعا نزد هیچ گرفتاری از اهل زمین خوانده نشود، مگر آنکه خداوند بلا و گرفتاری او را برطرف کند».
(اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۷)

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در نیمه رجب، هنگامی که خورشید بالا آمد، پنجاه رکعت نماز بخواند و در هر رکعت سوره حمد و سپس سوره توحید و فلق و ناس را یک مرتبه بخواند، از گناهانش بیرون می آید، مثل روزی که از مادر متولد شده است و هیچ گناهی ندارد. او با شهدا محشور و با انبیا داخل بهشت می شود، دچار عذاب قبر و تنگی و تاریکی آن نمی شود و از قبر بیرون می آید، در حالی که صورتش از نور می درخشد».
(اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۹)

۶- اعمال امّ داود (دعای افتتاح)**اشاره**

علامه مجلسی رحمه الله فرمود: عمده اعمال نیمه رجب، دعای امّ داود است که

ابن بابویه و شیخ طوسی و سید بن طاوس رحمه الله به سندهای معتبر آن را روایت کرده اند. امام صادق علیه السلام بعد از تعلیم آن به امّ داود، می فرماید: «آنچه را گفتم، حفظ کن و مواظب باش [به غیر اهلش تعلیم نده] که مبادا در امر باطلی به کار برده شود، چون در این دعا، اسم اعظم خدا است که اگر خدا به آن اسم خوانده شود، دعایش به اجابت می رسد و اگر از او به وسیله این اسم چیزی درخواست شود، عطا می شود [هر چند رسیدن به آن سخت باشد] و اگر جنّ و انس دشمنان تو باشند، خداوند شرّ آنها را از تو دور می کند و آنها در برابر [تو] تسلیم می شوند». (۱)

۱-۶- امّ داود کیست؟

امّ داود، فاطمه (حبیبیه)، دختر عبدالله بن ابراهیم بن الحسین، دایه و مادر رضاعی امام صادق علیه السلام است که آن حضرت را با شیر داود شیر داده بود و به

«ام خالد بربریه» شهرت داشت و جدّه صالحه سید بن طاووس است. داود، فرزند حسن و نوه امام حسن مجتبی علیه السلام و برادر رضاعی امام صادق علیه السلام است. (۲)

۲-۶- تعلیم دعا به امّ داود توسط امام صادق علیه السلام

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۴۹.

۲- مکاتیب الائمه، ج ۴، ص ۲۶۹.

منصور دوانیقی جمعی از آل ابیطالب از جمله داود و عبدالله بن الحسن را زندانی کرد. منصور دو فرزند عبدالله (محمّد و ابراهیم) که در مدینه خروج کرده بودند به شهادت رسانید و داود را زندانی کرد.

امّ داود می‌گوید: من از داود خبری نداشتم و او در عراق زندانی بود. پیوسته به درگاه الهی تضرّع می‌کردم و از برادران ایمانی می‌خواستم که برای برآورده شدن حاجتم، دعا کنند ولی با وجود اصرار در دعا، از اجابت آن خبری نبود. گاه خبر به من می‌رسید که داود را کشته اند و گاه می‌گفتند که او را با پسر عموهایش، در زیر عمارت، زنده گذاشته اند. روز به روز، مصیبت من زیادتیر و اندوهم بیشتر می‌شد تا جایی که از غم او گداختم و پیر شدم و از ملاقاتش ناامید گردیدم. روزی برای عیادت امام صادق علیه السلام که مریض بود، به محضرشان شرفیاب شدم. از احوالش پرسیدم و برای او دعا کردم. آن حضرت به من فرمود: «ای امّ داود! داود چه می‌کند؟» چون نام داود را شنیدم، گریستم و عرض کردم: ای آقای من! مدّت مدیدی است که از او خبری ندارم و او در عراق زندانی است و من از ملاقات او قطع امید کرده ام و از شما التماس دعا دارم. او برادر رضاعی شماست.

حضرت فرمودند: «چرا از دعای استفتاح غافل؟ دعای استفتاح دعایی است که با آن درهای آسمان باز می‌شود و دعای خواننده آن در همان ساعت به اجابت می‌رسد و برای کسی که آن را بخواند، پاداشی جز بهشت نیست».

امّ داود عرض کرد: ای فرزند راستگویان، چگونه باید این دعا را خواند؟

امّ داود می‌گوید: بعد از آنکه این دعا را همانطور که امام فرموده بود، خواندم، شب در عالم رویا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ملائکه و انبیا علیهم السلام را دیدم، در حالی که آن حضرت

می‌فرماید: ای امّ داود! بر تو و دوستانت بشارت باد، حاجتت برآورده می‌شود و خداوند فرزندت را حفظ می‌کند و او را به تو باز خواهد گرداند.

امّ داود می‌گوید: از خواب بیدار شدم. مقدار زمانی که یک مرکب سریع السیر فاصله بین عراق تا مدینه را طی کند، طول کشید که ناگهان دیدم داود وارد شد. از حالش پرسیدم.

او جواب داد: من در زندان بسیار تنگی محبوس بودم و غل و زنجیر بر بدنم سنگینی می‌کرد. این حال تا نیمه رجب ادامه داشت. شب خوابیدم و گویا زمین برایم تنگ شده بود، اما شما را دیدم که بر سجاده نماز نشسته‌ای و مردانی که سرهایشان در آسمان و پاهایشان در زمین است، اطراف تو به تسبیح خداوند مشغول هستند. یکی از آنان خوشرو و خوشبو و دارای لباس پاک و نظیفی بود که من گمان کردم، جدّم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. ایشان به من اشاره کرد و فرمود: «ای فرزند زن صالح! بشارت باد بر تو، خداوند دعای مادرت را در حق تو مستجاب کرد». من از خواب بیدار شدم و دیدم که فرستاده منصور در زندان ایستاده است. او مرا از زندان آزاد کرد و نزد منصور برد. منصور دستور داد غل و زنجیر را از بدنم جدا کنند و به من نیکی کرد. همچنین دستور داد تا ده هزار درهم به من بدهند. سپس مرا بر مرکب راهواری سوار کردند و من به سرعت خود را به مدینه رسانیدم.

امّ داود گفت: من داود را خدمت امام صادق علیه السلام بردم. حضرت فرمود: «سبب خلاص تو آن بود که منصور، امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب دید که به او فرمود: فرزند مرا رها کن و اگر نکنی، تو را در این آتش می‌اندازم؛ چون نظر

کرد، دریای آتشی در زیر پای خود دید. پس از آنکه از خواب بیدار شد، از کرده خود پشیمان گردید و تو را رها کرد» (۱).

۳-۶- مراحل اعمال امّ داود

۳-۶- مراحل اعمال امّ داود (۲)

(۱) ایّام البیض ماه رجب را روزه بگیر.

(۲) نزدیک ظهر روز پانزدهم، غسل کن و لباس نظیف بپوش.

(۳) نافله ظهر و نماز ظهر را بخوان. (قنوت، رکوع و سجده ها را نیکو انجام ده).

(۴) دو رکعت نماز بخوان و بعد صد مرتبه بگو: «یا قاضی حوائج السائلین» (۳).

۱- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۹۴، ص ۴۴/اعمال السنین و الشهور، باب ۲۶، باب عمل خصوص ليله النصف من رجب و یومها/اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۴۱.

۲- بعد از آنکه امّ داود از امام صادق علیه السلام خواست تا آداب این عمل را بیان کند، آن حضرت فرمود: «امّ داود، ماه رجب نزدیک است. این همان ماهی است که دعا در آن مستجاب می شود، ماه خداست. در این ماه سه روز ایّام البیض را روزه بگیر و روز پانزدهم هنگام زوال غسل کن و لباس تمیز بپوش و نافله ظهر و نماز ظهر را به جا آور، قنوت و رکوع و سجده های آن را نیکو انجام ده؛ سپس دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن صد مرتبه بگو: «یا قاضی حوائج السائلین». پس نافله عصر و نماز عصر را به جا آور. (در روایت دیگری آمده است که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد، سه مرتبه توحید و یک مرتبه سوره کوثر خوانده شود). سعی کن کسی بر تو وارد نشود و با تو سخن نگوید و تو را مشغول نسازد. پس رو به قبله بنشین و صد مرتبه حمد، صد مرتبه توحید و ده مرتبه آیه الکرسی را بخوان. بعد سوره های انعام، اسراء، کهف، لقمان، یس، الصافات، حم السجده، حم عسق و حم الدخان، فتح، واقعه، ملک، قلم و از سوره انشقاق تا آخر قرآن را بخوان و اگر برایت ممکن نیست، سوره توحید را هزار مرتبه بخوان. شیخ مفید فرمودند: اگر خواندن این سوره ها برای کسی ممکن نیست، حمد را صد مرتبه و آیه الکرسی را ده مرتبه و سوره توحید را هزار مرتبه بخواند. سید بن طاووس می فرماید: اگر برای کسی به دلیل عذری مثل مسافرت این هم ممکن نیست، صد مرتبه سوره توحید کافی است. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۴۲)

۳- این نکته در مصباح المتهدجد شیخ طوسی، ج ۲، ص ۸۰۷ و مفاتیح الجنان ذکر نشده است.

(۵) نافله عصر و نماز عصر را بجا آور.

(۶) رو به قبله، در مکان خلوت که با کسی صحبت نشود سوره های زیر را بخوان:

۱- حمد ۱۰۰ مرتبه؛ ۲- اخلاص ۱۰۰ مرتبه؛ ۳- آیه الکرسی ۱۰ مرتبه

نام سوره

شماره سوره

شماره صفحه

نام سوره

شماره سوره

شماره صفحه

انعام

۶

۱۲۸

شوری (حم عشق)

۴۲

۴۸۳

اسراء (بنی اسرائیل)

۱۷

۲۸۲

دخان

۴۴

۴۹۶

کھف

۱۸

۲۹۳

فتح

۴۸

۵۱۱

لقمان

۳۱

۴۱۱

واقعہ

۵۶

۵۳۴

یس

۳۶

۴۴۰

ملک (تبارک)

۶۷

۵۶۲

صافات

۳۷

۴۴۶

قلم (ن)

۶۸

۵۶۴

فصلت (حم سجده)

۴۱

۴۷۷

انشقاق تا آخر قرآن

۱۱۴ تا ۸۴

۶۰۴ تا ۵۸۹

بعد از خواندن این سوره ها، همانطور رو به قبله، دعای استفتاح را بخوان:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ،

بنام خدای بخشنده مهربان درست فرمود خدای بزرگی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده،

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

صاحب جلال و بزرگواری، بخشنده و مهربان، بردبار و کریم است آنکه مانندش چیزی نیست

وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ، شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَالْمَلَائِكَةُ

شنوا و دانا و بینا و آگاه است، گواهی میدهد خدا که معبودی جز او نیست و فرشتگان و دانشوران،

وَأُولُو الْعِلْمِ، قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَ بَلَغَتْ رُسُلُهُ الْكِرَامُ،

که برپادارنده عدالت است و خدایی جز او که عزیز و حکیم است، نیست، و رساندند پیامبران بزرگوارش آنرا به مردم

وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْمَجْدُ، وَ لَكَ الْعِزُّ

ومن براین مطلب گواهی دهم. خدایا از آن تو است ستایش و از آن تو است مجد و از آن تو است عزت و

وَلَكَ الْفَخْرُ، وَ لَكَ الْقَهْرُ، وَ لَكَ النُّعْمَةُ، وَ لَكَ الْعِظَمَةُ، وَ لَكَ الرَّحْمَةُ،

خاصّ تو است افتخار و شایسته تو است قهر و از آن تو است نعمت و از آن تو است عظمت و از آن تو است رحمت و

وَ لَكَ الْمَهَابَةُ، وَ لَكَ السُّلْطَانُ، وَ لَكَ بَهَاءٌ وَ لَكَ الْإِمْتِنَانُ، وَ لَكَ التَّسْبِيحُ،

از آن تو است هیبت و از آن تو است سلطنت و از آن تو است ابهت و از آن تو است نعمت بخشی و پاکی

وَلَكَ التَّقْدِيسُ، وَ لَكَ التَّهْلِيلُ، وَ لَكَ التَّكْبِيرُ، وَ لَكَ مَا يُرَى، وَ لَكَ مَا لَا

و از آن تو است پاکیزگی و از آن تو است یکتایی و از آن تو است بزرگی، و ملک تو است آنچه دیده شود و آنچه

يُرَى، وَ لَكَ مَا فَوْقَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، وَ لَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى، وَ لَكَ الْأَرْضُونَ

دیده نشود و از آن تو است آنچه بالای آسمانهای بلند است و از تو است آنچه زیر زمین است و از تو است زمینهای

السُّفْلَى، وَ لَكَ الْآخِرَةُ وَ الْاُولَى، وَ لَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَ الْحَمْدِ

زیرین و از آن تو است دنیا و آخرت، و مخصوص تو است آن حمد و ثنای ما را که تو بیسندی،

وَ الشُّكْرِ وَ النُّعْمَاءِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جِبْرِئِلَ اَمِيْنِكَ عَلٰى وَحِيْكَ، وَ الْقَوِيَّ

آنچه نعمت است نیز از تو است. خدایا درود فرست بر جبرئیل، امین بر وحی تو و نیرومند

عَلٰى اَمْرِكَ، وَ الْمُطَاعِ فِى سَمَاوَاتِكَ، وَ مَحَالِّ كِرَامَاتِكَ، اَلْمُتَّحِمِلِ

در کار تو و آن کس که در آسمانها و جایگاههای کرامت هایت فرمانش برند، آن کس که برساند

لِكَلِمَاتِكَ، اَلنَّاصِرِ لَانْبِيَائِكَ، اَلْمُدْمِرِ لِاَعْدَائِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مِيْكَائِيْلَ

سخنانت را، یاور پیامبرانت و سرنگون کننده دشمنانت. خدایا درود فرست بر میکائیل

مَلِكِ رَحْمَتِكَ وَ الْمَخْلُوْقِ لِرَأْفَتِكَ وَ الْمُسْتَعْفِرِ الْمُعِينِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ،

فرشته رحمتت و آفریده شده برای رحمتت و آمرزش خواه و کمک کار فرمانبرانت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ، وَصَاحِبِ الصُّورِ، الْمُتَنَبِّئِ لِأَمْرِكَ

خدایا درود فرست بر اسرافیل حمل کننده عرش و صاحب صور، آنکه چشم به راه دستور تو است،

الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَمَلِهِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى

بیمناک است از ترس تو، خدایا درود فرست بر حاملین پاکیزه عرش و بر

السَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِينَ، وَ عَلِي مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَ عَلِي

سفیران گرامی و آن نیکان پاک و بر فرشتگان بزرگوار نویسنده و بر

مَلَائِكَةِ الْجَنَانِ وَ خَزَنَةِ النَّيِّرَانِ وَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَ الْأَعْوَانِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ

فرشتگان بهشت و نگهبانان دوزخ و فرشته مرگ و یارانش، ای صاحب جلالت و

الْإِكْرَامِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَبِنَا اَدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ، الَّذِي كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ

بزرگواری، خدایا درود فرست بر پدر ما آدم، پدیده خلقت که گرامیش داشتی به سجده کردن توسط

مَلَائِكَتِكَ، وَ اَبَحْتَهُ جَنَّتَكَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى اُمْنَا حَوَاءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرَّجْسِ،

فرشتگان و مباح کردی بر او بهشتت را. خدایا درود فرست بر مادر ما حواء که از پلیدی پاک

الْمُصَفَّاتِ مِنَ الدَّنَسِ الْمُفْضَلَةِ مِنَ الْإِنْسِ الْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ الْقُدْسِ، اَللّهُمَّ

و از آلودگی مصفا گشت و بر آدمیان برتری داشت و رفت و آمد کرده در میان جایگاههای قدسیان. خدایا

صَلِّ عَلٰى هَابِلَ وَ شَيْثَ وَ اِدْرِيسَ وَ نُوحَ، وَ هُوْدَ وَ صَالِحَ، وَ اِبْرَاهِيْمَ وَ

درود فرست بر هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و

اِسْمَاعِيْلَ، وَ اِسْحَقَ وَ يَعْقُوبَ، وَ يُوْسُفَ وَ الْاَسْبَاطَ، وَ لُوْطَ وَ شُعَيْبَ وَ

اسماعیل و اسحاق و یعقوب و یوسف و اسباط و لوط و شعیب و

اَيُّوبَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ يُوْشَعَ، وَ مِيْشَا وَ الْخِضْرَ، وَ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَ يُونُسَ،

ایوب و موسی و هارون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین و یونس و

وَ الْيَاسَ وَ الْيَسَعَ، وَ ذِي الْكِفْلِ وَ طَالُوتَ وَ دَاوُدَ وَ سَلِيْمَانَ وَ زَكَرِيَّا وَ شَعِيَا،

الیاس و یسع و ذوالکفل و طالوت و داود و سلیمان و زکریا و شعیا و

وَيَحْيَىٰ وَتُورَخَ، وَ مَتَّىٰ وَ إِزْمِيَا وَ حَيْثُوقَ وَ دَانِيَالَ وَ عَزْرِيْرَ وَ عِيْسَىٰ وَ

يحيى و تورخ و متى و ارميا و حيقوق و دانيال و عزيز و عيسى و

شَمْعُونَ وَ جَرَجِيْسَ وَ الْحَوَارِيْيْنَ وَ الْاَتْبَاعِ وَ خَالِدِ وَ حَنْظَلَةَ وَ لُقْمَانَ، اَللّٰهُمَّ

شمعون و جرجیس و حواریون [عیسی] و پیروانش و خالد و حنظله و لقمان. خدایا

صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَي

دروود فرست بر محمد و آل محمد و رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برکت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ رَحِمْتَ وَ بَارَكْتَ عَلَي اِبْرَاهِيمَ وَ آلِ

محمد و آل محمد، چنانچه درود فرستادی و رحمت و برکت فرستادی بر ابراهیم و آل

ابراهيم، اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي الْاَوْصِيَاءِ وَ السُّعَدَاءِ وَ الشُّهَدَاءِ وَ

ابراهیم که براستی تویی ستوده و بزرگوار. خدایا درود فرست بر اوصیا و اهل سعادت و شهیدان و

اَيَّمَهُ الْهُدَى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي الْاَبْدَالِ وَ الْاَوْتَادِ وَ الشُّيَاحِ وَ الْعُبَادِ وَ الْمُخْلِصِينَ

امامان راهنما. خدایا درود فرست بر ابدال و اوتاد و سیاحتگران و پرستش کنندگان و مخلصان

وَ الزُّهَادِ وَ اَهْلِ الْجِدِّ وَ الْاِجْتِهَادِ وَ اَخْصَصْ مُحَمَّدًا وَ اَهْلَ بَيْتِهِ بِاَفْضَلِ

و پارسایان و اهل جدیت و کوشش و مخصوص گردان محمد و خاندانش را به بهترین

صَلَوَاتِكَ وَ اَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ، وَ بَلِّغْ رُوْحَهُ وَ جَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَ سَلَامًا وَ زِدْهُ

درودهایت و فراوانترین کرامتهایت و به روح و جسدش برسان از جانب من تحیت و سلامی،

فَضْلًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا، حَتَّى تُبَلِّغَهُ اَعْلَى دَرَجَاتِ اَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ

فضل و شرافت و بزرگواریش را فزون کن به حدی که او را به اعلی درجه اهل شرافت از پیامبران و

الْمُرْسَلِينَ وَ الْاَفْضَلِ الْمُقَرَّبِينَ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَي مَنْ سَمَّيْتُ وَ مَنْ لَمْ اُسَمِّ مِنْ

رسولان و فاضلان مقربت برسانی. خدایا درود فرست بر هر کس که من نام بردم و هر که را که من نام نبردم از

مَلَائِكَتِكَ، وَ اَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ اَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ اَوْصِلْ صَلَوَاتِي اِلَيْهِمْ وَ

فرشتگان و پیامبران و رسولان و فرمانبرداران و درودهای مرا برسان بر ایشان و

إِلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَاعْوَانِي عَلَى دُعَائِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي

بر ارواحشان و آنان را برادران من در دین و کمک کارانم در دعای به درگاہت قرار ده. خدایا من

أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ وَبِكَرَمِكَ إِلَى كَرَمِكَ، وَبِجُودِكَ إِلَى جُودِكَ، وَ

شفیع گردانم تو را پیش خودت، و کرمت را پیش کرمت، و جودت را پیش جودت، و رحمتت را

بِرَحْمَتِكَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَ بِأَهْلِ طَاعَتِكَ إِلَيْكَ وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا

پیش رحمتت و اهل طاعتت را پیش در گاهت، و از تو خواهم خدایا به هر چه

سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ، مِنْ مَسْئَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ، وَ بِمَا دَعَوْتُكَ بِهِ مِنْ

یکی از آنها به وسیله آن تو را خواسته از سؤالهای شریفی که برنگشته و به آنچه تو را خوانده اند از

دَعْوَةٍ مُجَابَهٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا عَظِيمُ

دعای پذیرفته شده ای که به نومیدی نکشیده ای. ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان، ای بردبار، ای کریم، ای بزرگ،

يَا جَلِيلُ، يَا مُنِيلُ يَا جَمِيلُ، يَا كَفِيلُ يَا وَكِيلُ يَا مَقِيلُ يَا مُجِيرُ، يَا خَبِيرُ يَا مُنِيرُ،

ای باجلالت، ای بخشنده، ای زیبا، ای سرپرست، ای وکیل، ای گذشت کننده، ای پناه ده، ای آگاه، ای روشنی ده،

يَا مُبِيرُ يَا مُنِيعُ، يَا مُدِيلُ يَا مُحِيلُ، يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ يَا بَصِيرُ يَا شَكُورُ يَا بَرُّ يَا

ای نابود کن، ای والا مقام، ای چرخاننده، ای جابجا کننده، ای بزرگ، ای توانا، ای بینا، ای شکرپذیر، ای نیکوکار، ای

طَهْرُ، يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ، يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ، يَا سَائِرُ يَا مُحِيطُ، يَا مُقْتَدِرُ يَا حَفِيطُ،

پاک، ای پاکیزه، ای قاهر، ای پیدا، ای پنهان، ای پرده پوش، ای احاطه دار، ای با اقتدار، ای نگهبان،

يَا مُتَجَبِّرُ يَا قَرِيبُ، يَا وَدُودُ يَا حَمِيدُ، يَا مُجِيدُ يَا مُبْدِيُ، يَا مُعِيدُ يَا شَهِيدُ يَا

ای دارای بزرگی، ای نزدیک، ای محبوب همه، ای ستوده، ای بزرگوار، ای پدیدآورنده، ای بازگرداننده، ای گواه، ای

مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعَمُ يَا مُفْضِلُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ، يَا هَادِيُ يَا مُرْسِلُ، يَا

احسانبخش، ای نیکوبخش، ای نعمت بخش، ای زیاده بخش، ای گیرنده، ای گشایش ده، ای راهنما، ای فرستنده، ای

مُرْشِدُ يَا مُسَدِّدُ، يَا مُعْطَى يَا مَانِعُ، يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ، يَا بَاقِي يَا وَاقِي، يَا خَلَّاقُ يَا

ارشادکننده، ای محکم کننده، ای دهنده، ای منع کننده، ای دفع کننده، ای بالابرنده، ای باقی، ای نگهدار، ای آفریننده، ای

وَهَابُ يَا تَوَّابُ يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَّاحُ، يَا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ، يَا نَفَّاعُ يَا

بسیار بخشنده، ای توبه پذیر، ای گشاینده، ای زیاده بخش ای رحمتبخش، ای که بدست اوست هر کلید، ای سود رسان

رَوْفُ يَا عَطُوفُ يَا كَافِي يَا شَافِي، يَا مُعَافِي يَا مُكَافِي، يَا وَفِيُّ يَا مُهَيِّمِنُ، يَا

ای مهربان، ای با عطوفت، ای کفایت کننده، ای درمانبخش، ای بهبودیبخش، ای پاداش دهنده، ای با وفا، ای نگهبان، ای

عَزِيزُ يَا جَبَّارُ، يَا مُتَكَبِّرُ، يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا نُوْرُ يَا مُدَبِّرُ يَا

با عَزَّتْ، ای جَبَّار، ای بزرگوار، ای سلامت بخش، ای ایمنی بخش، ای یکتا، ای بی نیاز، ای نور، ای مدبر، ای

فَوْدُ يَا وَتْرُ، يَا قُدُوْسُ يَا نَاصِرُ يَا مَوْنِسُ يَا بَاعِثُ، يَا وَاْرِثُ يَا عَالِمُ، يَا حَاكِمُ

یگانه، ای تنها، ای پاکیزه، ای یاور، ای همدم، ای برانگیزنده، ای ارث برنده، ای دانا، ای حکم کننده،

یا بادی، یا مُتَعَالَى یا مُصَوِّرُ یا مُسَلِّمُ یا مُتَجَبِّبُ یا قَائِمُ یا دَائِمُ یا عَلِيْمُ یا

ای آغاز کننده، ای برتر، ای صورتبخش، ای سلامتبخش، ای دوستی ورز، ای قائم بکار خلق، ای جاویدان، ای دانا، ای

حَكِيْمُ، يَا جَوَادُ يَا بَارِيُّ، يَا بَارُ يَا سَارُ، يَا عَدْلُ يَا فَاصِلُ، يَا دِيَانُ يَا حَنَّانُ، يَا

فرزانه، ای بخشنده، ای آفریننده، ای نیکوکار، ای شادی بخش، ای دادگستر، ای جدا کننده، ای جزا ده، ای احسانبخش

مَنَّانُ يَا سَمِيْعُ، يَا بَدِيْعُ يَا خَفِيْرُ، يَا مُعِيْنُ [مُغِيْرُ] يَا نَاشِرُ يَا غَافِرُ يَا قَدِيْمُ، يَا

ای نعمت بخش، ای شنوا، ای پدیدآورنده، ای پناه ده، ای یاور، ای نشر دهنده، ای آمرزنده، ای قدیم، ای

مُسَهِّلُ يَا مُيَسِّرُ يَا مُمِيْتُ يَا مُحِيْبِي يَا نَافِعُ يَا رَازِقُ، يَا مُقْتَدِرُ يَا مُسَبِّبُ يَا مُغِيْثُ

آسان کننده ای هموار کننده، ای میراننده، ای زنده کننده، ای سودده، ای روزی ده، ای مقتدر، ای سبب ساز، ای فریادرس

یا مُعْنَى یا مُفْنَى یا خَالِقُ یا رَاصِدُ یا وَاْحِدُ یا حَاضِرُ، یا جَابِرُ یا حَافِظُ یا

ای بی نیاز کننده، ای دارایی دهنده، ای آفریننده، ای نگهبان، ای یگانه، ای حاضر، ای جبران کننده، ای نگهدار، ای

شَدِيْدُ يَا غِيَاثُ، يَا عَائِدُ يَا قَابِضُ يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعَلَى، فَكَانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى،

استوار، ای فریاد رس، ای ثروت دهنده، ای گیرنده، ای کسی که والایی و برتری و به دیدگاه اعلایی،

يَا مَنْ قَرَّبَ فَدَنَا وَ بَعَدَ فَنَاى، وَ عَلِمَ السِّرَّ وَ أَخْفَى، يَا مَنْ إِلَيْهِ التَّدْبِيْرُ وَ لَهُ

ای که نزدیکی و بسیار نزدیک و دور است و بسیار دور، ای دانای سرّ و نهان، ای که تدبیر امور با او است و از او است

المَقَادِيرُ، وَ يَا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ، يَا

اندازه ها و ای که دشوار برای او سهل و آسان است، ای که بر هر چه بخواهد توانا است، ای

مُرْسِلَ الرِّيحِ، يَا فَالِقَ الإِصْبَاحِ يَا بَاعِثَ الأَرْوَاحِ، يَا ذَا الْجُودِ وَ السَّمِاحِ، يَا

فرستنده باده‌ها، ای شکافنده سپیده صبح، ای برانگیزاننده ارواح، ای صاحب جود و سخاوت، ای

رَأَدَّ مَا قَد فَاتَ، یا نَاشِرَ الْأَمْوَاتِ یا جَامِعَ الشُّتَاتِ، یا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ

برگرداننده آنچه از دست رفته، ای زنده کننده مردگان، ای گردآورنده پراکنده ها، ای روزی ده بیحساب به هر که خواهی

حِسَابٍ، و یا فَاعِلٍ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ، وَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، یا حَيُّ یا

و ای انجام دهنده هر چه خواهی به هر طور که خواهی، و ای صاحب جلالت و بزرگواری، ای زنده، ای پاینده،

قَيُّومٌ یا حَيًّا حِينَ لَا حَيٌّ، یا حَيُّ یا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، یا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بَدِيعُ

ای زنده در هنگامیکه زنده ای نبود، ای زنده، ای زنده کننده مردگان، ای زنده ای که معبودی جز تو نیست، پدید آورنده

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، یا إِلَهِي وَ سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ

آسمانها و زمین، ای معبود من و آقای من، درود فرست بر محمد و آل محمد و رحمت فرست بر

مُحَمَّدًا وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ

محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد، چنانچه درود فرستادی و برکت دادی و

وَ رَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ ارْحَمْ ذُلِّي وَ

رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم که براستی تویی ستوده و بزرگواری و رحم کن به خواری من و

فَاقْتِي وَ فَقْرِي، وَ أَنْفِرَادِي وَ وَحْدَتِي وَ خُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ اعْتِمَادِي

بیچارگیم و نداریم و تک و تنهاییم و فروتنیم در برابرت، و اعتمادی

عَلَيْكَ وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ، أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الدَّلِيلِ، الْخَاشِعِ الْخَائِفِ،

که بر تو دارم، و زاریم به در گاهت، تو را میخوانم، خواندن شخص فروتنِ خوار، خاشع ترسان

الْمُسْفِقِ الْبَائِسِ، الْمَهِينِ الْحَقِيرِ، الْجَائِعِ الْفَقِيرِ، الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ، الْمَقْرَّبِ بَدْنِهِ،

هراسان پریشان، بی مقدار کوچک، گرسنه فقیر، پناهنده پناه خواه، معترف به گناه،

الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ، الْمُسْتَكَينِ لِرَبِّهِ، دُعَاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ ثِقَّتُهُ، وَ رَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ، وَ

آمزش خواه از گناه، درمانده به درگاه خدایش، خواندن کسیکه یاران امینش او را واگذار ده و دوستانش رهایش کرده

عَظُمَتْ فُجِيعَتُهُ، دُعَاءَ حَرِقِ حَزِينٍ، ضَعِيفِ مَهِينٍ، بَائِسِ مُسْتَكَينِ بِكَ

و دردجانسوزش بزرگ گشته، خواندن دلسوخته غمگین ناتوان بی مقدار پریشان در مانده، ای که به تو

مُسْتَجِيرٍ، اَللّٰهُمَّ وَ اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِيْكٌ، وَ اَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُوْنُ وَ اَنَّكَ

پناه آورده، خدایا از تو خواهم چون تویی فرمانروا و تو چنانی که هر کاری را بخواهی میشود و تویی

عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيْرٌ وَ اَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ، وَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَ

که بر هر چه بخواهی توانایی و از تو خواهم به حرمت این ماه حرام و خانه حرام (کعبه) و

الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ الْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ، وَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ

شهر حرام (مکه) و رکن و مقام و مشعرهای بزرگ (جاهای مناسک حج) و به حق پیامبرت محمد علیه و

اِلٰهِ السَّلَامِ، يَا مَنْ وَهَبَ لِادَمَ شَيْئًا، وَ لِابْرَاهِيْمَ اِسْمَاعِيْلَ وَ اِسْحَاقَ، وَ يَا مَنْ رَدَّ

آله السلام، ای که شیث را به آدم بخشیدی و اسماعیل و اسحاق را به ابراهیم دادی و ای که

يُوسُفَ عَلٰى يَعْقُوبَ، وَ يَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ اَيُّوْبَ، يَا رَادَّ مُوسٰى

یوسف را به یعقوب برگرداندی و ای که پس از مبتلا شدن ایوب، ناراحتی اش را برطرف کردی، ای که موسی

عَلَى اُمِّهِ، وَ زَاوِدَ الْخِضْرِ فِي عِلْمِهِ، وَ يَا مَنْ وَهَبَ لِداوِدَ سُلَيْمَانَ، وَ لَزَكَرِيَّا

را به مادرش برگرداندی و افزون کردی دانش خضر را. ای که دادی به داود سلیمان را و به زکریا،

يَحْيٰى وَ لِمَرْيَمَ عِيسٰى، يَا حَافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ، وَ يَا كَافِلَ وُلْدِ اُمِّ مُوسٰى،

یحیی را و به مریم عیسی را. ای نگهدار دختر شعیب، ای سرپرستی کننده فرزند مادر موسی،

اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُغْفِرَ لِيْ ذُنُوْبِيْ كُلِّهَا،

و از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و گناهانم را بیامرزی و

تُجِيْرَنِيْ مِنْ عَذَابِكَ، وَ تُوجِبْ لِيْ رِضْوَانَكَ، وَ اَمَانَكَ وَ اِحْسَانَكَ، وَ

مرا در پناه گیری از عذاب خود و مرا مستوجب خوشنودی و ایمنی و احسان و

غُفْرَانِكَ وَجَنَانِكَ، وَاسْأَلْكَ أَنْ تُفَكَّ عَنِّي كُلَّ حَلْقَةٍ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ

آمزش و بهشت قرار دهی و از تو خواهم که باز کنی برایم هر حلقه ای که میان من و میان

يُؤْذِينِي، وَتَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ، وَتُلَيِّنَ لِي كُلَّ صَعْبٍ وَتُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ،

آزار کننده من است و بگشایی به رویم هر دری را و نرم کنی برایم هر دشواری را و آسان کنی برایم هر مشکلی را

و تُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ، وَ تَكْفِ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ وَ تَكْبِتْ عَنِّي كُلَّ عَدُوٍّ

و لال کنی از من زبان هر بدگو را و بازداری از من هر زورگو را و خوار کنی دشمنان

لی و حاسد، و تَمْنَعْ مِنِّي كُلَّ ظَالِمٍ، وَ تَكْفِينِي كُلَّ عَاتِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ

و حسودان مرا و باز داری از من هر ستمگری را و کفایت کنی از من هر مانعی را که میان من و

حاجتی وَ يُحَاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَ طَاعَتِكَ، وَ يُتَبَطَّنِي عَنْ عِبَادَتِكَ، يَا

حاجتم حائل شود و بخواهد که میان من و اطاعت تو را جدایی اندازد و از پرستش تو بازم دارد، ای

مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدِينَ، وَ قَهَرَ عَتَاةَ الشَّيَاطِينِ، وَ أَدَلَّ رِقَابَ الْمُتَجَبِّرِينَ،

که مهار کردی جنیان نافرمان را و مقهور ساختی، شیاطین سرکش، و گردن گردنکشان را به خواری کشاندی و

وَ رَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ وَ

باز گرداندی نقشه های شوم، مسلط شدگان را از ناتوانها. از تو خواهم به حق قدرتت بر هر چه خواهی و

تَسَهِّلْكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ أَنْ تَجْعَلَ فَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ» (۱)

آسان کردنت هر چه را به هر نحو که خواهی، که قرار دهی، بر آوردن حاجتم را در هر چه خواهی.

بعد از دعا، به سجده برو و گونه هایت را بر خاک بگذار و بگو:

«اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ أَمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَ فَاقْتِي، وَ اجْتِهَادِي وَ

خدایا برای تو سجده کردم و به تو ایمان آوردم. پس ترحم کن به ذلت و خواری و فقرم و جدیت و

تَضَرُّعِي، وَ مَشْكَنَتِي وَ فَقْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ».

تضرع و مسکنت و فقرم که به درگاه تو است ای پروردگار.

سعی کن از چشمانت اشک جاری شود، هر چند که به اندازه سر مگسی یا سرسوزنی باشد و این خود نشانه استجاب دعاست. سید بن طاووس می‌فرماید: «اگر با این همه احتیاطات و عبادات، باز هم اشکی از چشمت جاری نشد و قلبت خاشع نگردید، برای قساوت قلبت کاری کن و از خدا بخواه که گناهانت را ببخشد و مرضِ روح را درمان کند» (۱).

فضیلت ماه مبارک رمضان

اشاره

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم [در استقبال از ماه رمضان]: «ای مردم، ماه با برکت و رحمت و آمرزش خداوند، به سوی شما رو کرده، ماهی که نزد خدا بهترین ماه‌ها و روزهایش بهترین روزها و شب‌ها و لحظاته‌ش بهترین لحظه‌هاست. ماهی که در آن به مهمانی خدا دعوت شده‌اید و از شایستگان کرامت خدا گردیده‌اید، در آن نفَس‌هایتان تسبیح، خوابتان عبادت، عملتان مقبول و دعایتان مستجاب است» (۲).

۱- اعتکاف در ماه مبارک رمضان

اعتکاف، معجونی از نماز و قرائت قرآن و دعا است. اگر این معجون در ظرف سرشار از معنویت ریخته و تناول شود، داروی هر دردی خواهد بود. ماه مبارک رمضان بهترین ظرف برای این امر است. در سیره اولیای دین مخصوصاً پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، می‌بینیم که به اعتکاف در ماه رمضان اهمیت می‌دادند و اگر این سنت از ایشان به دلیلی فوت می‌شد، درصدد جبران آن در سال آینده برمی‌آمدند. اعتکاف در دهه اول و دوم ماه رمضان فضیلت دارد، اما پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دهه آخر ماه اهمیت بیشتری می‌داد و آن را به اعتکاف می‌گذراند. (جهت مشاهده روایاتی در این رابطه، به صفحه ۲۸ مراجعه شود).

۱- اقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۲۵۰.

۲- شیخ صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۷۷.

فصل ششم: مسجد و اعتکاف

۱- کلیات و تعریف مفاهیم مسجد

اشاره

برای انجام عبادت بزرگی چون اعتکاف، مکانی چون مسجد می‌باید که در عظمت شأن آن هیچ شبهه‌ای وجود ندارد و ظرفی لازم است تا گنجایش معنای مظروف را داشته باشد. تنها مسجد است که می‌تواند گنجایش و ظرف مکانی این عبادت بزرگ را دارا باشد در واقع مسجد، سکوی پرواز و اعتکاف،

بال‌های پرواز معتکف می‌باشند.

در اسلام، همه زمان‌ها و مکان‌ها از ارزش مساوی برخوردار نیستند. برخی از زمان‌ها نظیر ماه‌های رجب، شعبان، رمضان نسبت به سایر ماه‌ها از برتری خاصی برخوردارند. همچنین برخی از اماکن نیز، نسبت به سایر مکان‌ها، برتری دارند مانند: مسجد الحرام، مسجدالنبی، مساجد جامع و....

مسجد، جماعت و فعالیت‌های عبادی، سه ضلع تشکیل‌دهنده مثلث هدایت و کمال اهالی مسجد می‌باشد. اگر چه مساجد دارای کارکردهای مختلف و نقش‌های متعددی می‌باشند ولی اصلی‌ترین کارکرد مسجد، بُعد عبادی و معنوی آن است که این مکان را ارزش می‌بخشد.

۱-۱- تعریف لغوی مسجد

مسجد به معنی سجده‌گاه و مکان سجده است که بر محل عبادت و نماز اطلاق می‌شود (اسم مکان، مشتق از ریشه ثلاثی مجرّد سجد). اینکه چرا از ریشه سجد گرفته شده است ظاهراً به این دلیل است که سجده، شریف‌ترین و مهم‌ترین ارکان نماز است و به آن بیش از دیگر افعال نماز تاکید شده است.

۲-۱- تعریف اصطلاحی و عرفی مسجد

مسجد مکانی است که خاصّ عبادت مسلمانان است ولی در قرآن، به معابد اهل کتاب نیز، اطلاق شده است. (۱)

۳-۱- تعریف مصطلح شرعی مسجد

مسجد به مکانی معین و موقوف، برای نماز اطلاق شده است. سابقه کاربرد اصطلاح «جامع» و اطلاق آن بر مسجد اصلی شهر، به دوره خلفا باز می‌گردد و گویا کاربرد اصطلاح مسجد جماعت (جامع)، در فرمان خلیفه دوم به والیان خود، زمینه ساز رواج اصطلاح جامع بوده است. او دستور داد در مراکز حکومتی، پس از فتح سرزمین‌های جدید تنها یک مسجد جماعت برپا شود و از اقامه نماز جمعه در روستاهای اطراف جلوگیری شود تا سبب وحدت گردد و نماز جمعه در آنجا برگزار شود. (۲)

۲- تاریخچه ساخت مسجد

مسجد به معنای اصطلاحی آن، که خاصّ مسلمانان می‌باشد و اولین بار بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول همزمان با ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قبا (دو فرسخی مدینه) پایه گذاری گردید. آن حضرت در طول چند روزی که در انتظار رسیدن حضرت علی علیه السلام بودند. این مسجد را برای قبیله بنی عوف ساختند. (۳)

۱- سوره کهف آیه ۲۱؛ سوره اسری آیه ۱.

۲- مقریزی، احمد بن علی، السلوک لمعرفة دول الملوک، تصحیح زیاده، محمد مصطفی، ج ۲، ص ۲۴۶. WWW.wikifeqh.ir

۳- وقتی حضرت آدم علیه السلام از بهشت به زمین هبوط کرد، خداوند به او فرمود: «من به همراه تو خانه ای را فرستادم تا پیرامون آن طواف کنی، آن چنان که ملائکه پیرامون عرش طواف می‌کنند و کنارش نماز بخوانی، آنگونه که در کنار عرش خوانده می‌شود وقتی زمان طوفان نوح فرا رسید، این خانه به آسمان برده شد... تا زمانی که خدا آنجا را برای ابراهیم علیه السلام سکنی قرار داد و جایگاه خانه را به او نشان داد و ابراهیم علیه السلام آن خانه را تجدید بنا کرد. (. WWW.labbaik.ir) لذا اول خانه ای که برای مکان عبادت مردم بنا شده خانه مکه است و سپس هر یک از ادیان الهی معابد خاص خویش را به وجود آورده اند (کنیسه، کلیسا، آتشکده و...).

۳- آیات قرآن در خصوص مسجد

توبه ۱۸: «مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارد و زکات را پردازد و جز از خدا نترسد. امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند».

توبه ۱۰۸: «هرگز در آن [مسجد به عبادت] نایست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته تر است که در آن [به عبادت] بایستی، در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست می‌دارد».

۴- مسجد در کلام معصومین علیهم السلام

۴-۱- مسجد در کلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

۱- «بشارت باد به نور درخشان در روز قیامت، برای کسانی که در

شب های تاریک، قصد رفتن به مساجد کنند».^(۱)

۲- «کسی که کلامش قرآن باشد و مسجد خانه اش، خداوند خانه ای در بهشت برایش مهیا سازد».^(۲)

۳- «سیاحت و گردش امتم، در مسجد بودن و به انتظار فرا رسیدن وقت نماز، پس از نماز است».^(۳)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۴.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۵، ص ۱۹۸.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۳، ص ۳۸۹.

۴- «اگر دیدید شخصی مرتب به مسجد، رفت و آمد می‌کند، به ایمان وی شهادت دهید زیرا خدا می‌فرماید: تنها کسانی مساجد خدا را آباد می‌کنند که به خدا ایمان داشته باشند».(۱)

۵- «هرگاه گروهی در مسجد، جلسه‌ای برپا کنند تا قرآن تلاوت کنند و آن را به یکدیگر آموزش دهند، آرامش الهی بر آنان فرود می‌آید و رحمت پروردگار آنان را فرا می‌گیرد. خداوند نام چنین کسانی را در نزد فرشتگان و مقربان بارگاهش به بزرگی و عظمت یاد می‌کند».(۲)

۶- «خداوند می‌فرماید: خانه‌های من در زمین همان مساجد است که برای اهل آسمان می‌درخشند، آن گونه که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند. خوشا به حال آنان که مساجد را خانه خویش قرار داده‌اند. خوشا به حال بنده‌ای که خود را در خانه‌اش پاک و تمیز کند آن گاه در خانه‌اش زیارت نماید، آگاه باشید که بر زیارت شونده لازم است که زائر خویش را محترم شمرده و به وی احسان نماید. کسانی را که در دل تاریکی شب به سوی مساجد گام برمی‌دارند به نوری درخشان در روز قیامت، بشارت دهید».(۳)

۷- «خداوند می‌فرماید: محبوب‌ترین خانه‌ها نزد من مساجدند و محبوب‌ترین افراد اهل مسجد نزد من کسانی هستند که از همه زودتر وارد مسجد می‌شوند و از همه دیرتر از آن خارج می‌شوند».(۴)

۸- «خداوند در معراج به من فرمود: هر کس ادعا نمود من خدا را دوست

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل‌البیت)، ج ۱، ص ۳۸۱/مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۰.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۴.

می‌دارم، دوستدار من نیست مگر اینکه... مسجد را خانه خویش قرار دهد...» (۱).

۹- «مساجد خانه متقیان است. خدا رحمت و راحت در کارها و عبور بر صراط را برای آنان که مساجد را خانه خود قرار داده اند، ضمانت نموده است.» (۲).

۱۰- «ای ابوذر! خدا می‌فرماید: محبوب ترین بندگان نزد من کسانی هستند که به خاطر من به یکدیگر محبت و دوستی می‌کنند و دل هایشان با مساجد پیوند دارد و در سحرگاهان به استغفار می‌پردازند. آنان کسانی هستند که اگر به اهل زمین عقوبتی متوجه سازم به خاطر آنها عقوبت را از ایشان باز می‌دارم.» (۳).

۱۱- «هر شب فرشته مرگ ندا دهد: ای خفتگان در خاک! نسبت به چه کسی غبطه می‌خورید؟ مردگان گویند: ما به مؤمنانی غبطه می‌خوریم که در مساجد نماز می‌خوانند، در حالی که ما نماز نمی‌خوانیم و زکات می‌دهند، در حالی که ما زکات نمی‌دهیم.» (۴).

۱۲- «من در میان شما دو چیز گرانبه‌تر یعنی کتاب خدا و خاندانم را به جای گذاشته‌ام. هرکس که عترتم را دوست داشته باشد باید قرآن را نیز دوست بدارد و دوستدار قرآن باید دوستدار مسجد هم باشد زیرا مسجد محضر و خانه خدا است که خود، فرمان به برپایی آنها داده و آنرا مبارک گردانیده است. مساجد، فرخنده و اهلش نیز فرخنده اند. مساجد و اهل آن هر دو آراسته و

۱- ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۲۰۵/جواهر السنیه فی احادیث القدسیه، ص ۴۰۱.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲/کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۹.

۳- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۷۴، ص ۸۶.

۴- ارشادالقلوب، ج ۱ باب ۱۳ ص ۵۳.

محفوظند. اهل مسجد هنوز در حال نمازند که خدا حوائجشان را رفع می‌نماید. آنان در مسجدند و خدا پشتیبان و یاور آنهاست»^(۱).

۱۳- «هرکس به قصد نماز جماعت به مسجد برود، برای هر یک قدمش، به او هفتاد هزار حسنه و هفتاد هزار درجه دهند و اگر در این حالت بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بر او مأمور کند تا در قبر، مونس و همدم او باشند و برای او تا روزی که برانگیخته شود، استغفار کنند»^(۲).

۱۴- «کسی که به سوی مسجد حرکت کند تا در نماز جماعت شرکت کند، در مقابل هر گامی که [به سوی خانه خدا] برمی‌دارد هفتاد هزار حسنه [برایش نوشته می‌شود] و [مقام] او در جاتی بالا برده می‌شود و اگر در آن حال فوت نماید، خداوند برایش هفتاد هزار فرشته را وکیل می‌کند تا او را در قبر کمک کنند و بشارت دهند و در تنهایی مونس او باشند و برایش طلب آمرزش کنند تا برانگیخته شود»^(۳).

۱۵- «شش خصلت است که هرکس در آن حال بمیرد، خداوند ضمانت نموده که او را در بهشت داخل کند: یکی از آن موارد، شخصی است که وضو را نیکو به جا آورد و به سوی مسجد حرکت کند و در راه، مرگش فرا رسد»^(۴).

۱۶- «هفت طایفه هستند که خداوند آنان را در روزی که هیچ سایه رحمتی جز سایه او نیست، مورد لطف و عنایت خویش قرار می‌دهد... طایفه سوم کسانی

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۸، ص ۲۸۷.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷/وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۸، ص ۲۸۷/مکارم الاخلاق، ص ۴۳۲.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۴.

هستند که وقتی از مسجد خارج می‌شوند قلب‌های آنان همچنان دلبسته و علاقه‌مند به مسجد است تا آن‌گاه که مجدداً به مسجد برگردند»^(۱).

۱۷- «مساجد، مکان‌هایی مبارک و مسجدیان سعادت‌مند و خوشبخت هستند، مساجد و اهل آنها مزین به صفای معنوی هستند. اهل مسجد زمانی که در نماز هستند، از طرف خدا حفاظت می‌شوند و خدا نیازمندی‌های آنها را برآورده می‌سازد، آنان در مسجد هستند و خدا به دنبال مشکل‌گشایی از آنها است»^(۲).

۱۸- «ای ابوذر! خوشا به حال پرچمداران روز قیامت که پرچم‌ها را به دوش بر گرفته و پیش از دیگران به بهشت وارد می‌شوند. آنان همان کسانی هستند که در سحر و دیگر اوقات در رفتن به مساجد، بر دیگران پیشی می‌گیرند»^(۳).

۱۹- «در مساجد، انسان‌های ثابت قدمی وجود دارند که ملائکه با آنان همنشین و مأنوس هستند. هنگامی که از مسجد غایب می‌شوند، ملائکه سراغشان را می‌گیرند، در هنگام بیماری از آنان عیادت می‌کنند و چون در کارها به کمک احتیاج داشته باشند، آنان را یاری می‌دهند»^(۴).

۲۰- «مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است. از کسانی که به آن وارد می‌شوند، با مغفرت پذیرایی می‌شود و هدیه آنان بهشت است»^(۵).

۱- وسائل الشیعه (ط-آل‌البیت)، ج ۵، ص ۱۹۹/خصال، ج ۲، ص ۳۴۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۳/بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۷۴، ص ۷۸/مکارم‌الاخلاق، ج ۳، ص ۴۳۳.

۴- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۸۰، ص ۳۷۳.

۵- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱/بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۸۱، ص ۴/الامالی (الطوسی)، ص ۱۳۹.

۲۱- «خداوند به عدد هر نفسی که می‌کشی و در مسجد نشسته‌ای،

درجه‌ای در بهشت به تو پاداش می‌دهد» (۱).

۲۲- «کسی که یک شب چراغی را در مسجد برافروزد، خدا گناهان هفتاد سال او را می‌آمرزد و ثواب عبادت یکسال را برایش می‌نویسد و شهری [در بهشت] به او عطا کند و اگر از یک شب تجاوز کند، خدا در برابر هر شب، ثوابی را که به یکی از پیامبران خویش می‌دهد به او عطا فرماید و اگر چراغ افروختن مسجد به ده شب رسید، کسی نتواند پاداشی را که وی نزد خداوند دارد، بر شمارد و اگر این کار به یک ماه رسید، خداوند بدن او را بر آتش حرام می‌کند» (۲).

۲۳- «می‌خواهید شما را به کارهایی که خدا به سبب آن، گناهان را از بین برده و درجات انسان را افزون می‌کند، راهنمایی نمایم؟

(۱) وضو گرفتن در شدت سختی سرما؛ (۲) فراوان به مساجد رفتن؛ (۳) پس از خواندن نماز، در انتظار نماز بعدی بودن» (۳).

۲۴- «کسی که مسجدی را به این انگیزه که یاد خدا در آن شود، بنا نهد،

خانه‌ای در بهشت برای او ساخته می‌شود» (۴).

۲۵- «قدم برداشتن به سوی مسجد اطاعت از خداوند و پیامبر اوست و هر کس از خدا و رسولش اطاعت کند، خدا او را همراه صدیقین و شهدا داخل بهشت

۱- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۷۴، ص ۸۵/مکارم الاخلاق، ص ۴۶۷/وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۴، ص ۱۱۷.

۲- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۸۰، ص ۳۷۷.

۳- ارشادالقلوب ترجمه رضایی، ج ۱، ص ۴۳۲.

۴- روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۷.

خواهد کرد و همنشین [حضرت] داود علیه السلام است و مثل او پاداش می گیرد» (۱).

۲۶- «در قیامت سه کس [به خداوند] شکایت می کنند: قرآن، مسجد و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، قرآن شکایت می کند: خدایا! مرا تحریف (تفسیر نادرست) کردند و پاره پاره نمودند (به برخی از دستوراتم عمل کردند و برخی را رها نمودند)، مسجد می گوید: خداوند! مرا تعطیل و ضایع نمودند. عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گویند: خداوند! ما را کشتند و طرد نمودند و کنار زدند. آنگاه این سه، آماده مخاصمه با مرتکبین اعمال فوق می شوند. خداوند می فرماید: من خود با آنها مخاصمه می کنم [و جزایشان را خواهم داد]» (۲).

۲۷- «دعوت مؤذن را پذیرفتن، توفیق و رحمت الهی است و پاداش آن بهشت می باشد و کسی که این دعوت را پاسخ نگوید در روز قیامت با وی ستیز خواهم نمود. خوشا به حال آنان که ندای دعوت کننده به سوی خدا را پاسخ گفته و به سوی مسجد حرکت کنند؛ و تنها مومنینی در بهشت ساکن خواهند بود که به سوی مسجد گام برمی دارند» (۳).

۲۸- «به هنگام نزول بلا و آفت، اهل مساجد سالم و محفوظ می مانند» (۴).

۲۹- «محبوب ترین اماکن شهرها نزد خدا، مساجد آن شهر است» (۵).

۳۰- «مساجد، محل جلوس پیامبران است» (۶).

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۵.

۲- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۸۰، ص ۳۶۸/خصال، ج ۱، ص ۱۷۵.

۳- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۸۱، ص ۱۵۴.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶/نهج الفصاحه، حدیث ۶۸۲.

۵- نهج الفصاحه، ص ۱۶۷، حدیث ۷۱.

۶- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

۳۱- «همانا مجلس مومن، مسجد است». (۱)

۳۲- «مساجد، نورهای الهی هستند». (۲)

۳۳- «مسجد، خانه هر پرهیزگاری است». (۳)

۲-۴- مسجد در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام

۱- «کسی که حرمت مسجد را نگاه دارد، روز قیامت خدا او را با چهره ای شادمان ملاقات می کند و نامه [اعمالش] را به دست راستش می دهد». (۴)

۲- «نشستن در مسجد، برای من بهتر از نشستن در بهشت است؛ زیرا در بهشت خود را خوشنود می سازم و در مسجد پروردگارم را». (۵)

۳- «از طلوع فجر تا طلوع خورشید در مسجد نشستن، روزی را زیادتر از تلاش برای کسب آن، به تو می رساند». (۶)

۴- «مساجد، مجالس پیامبران است و انسان را از شیطان در امان نگه می دارد». (۷)

۵- «پیشرو کسی است که قبل از اذان داخل مسجد می شود، میانه رو کسی است که بعد از اذان داخل مسجد می شود و ستمکار کسی است که بعد از برپایی نماز، وارد مسجد می شود». (۸)

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۵، ص ۲۳۶/کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۸.

۳- کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۰، حدیث ۲۰۷۳۶/شرح فارسی شهاب الاخبار، ص ۲۳.

۴- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۸۰، ص ۳۸۱.

۵- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۵، ص ۱۹۹.

۶- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۶، ص ۴۶۱/خصال، ج ۲، ص ۶۱۱.

۷- کنز العمال، ج ۸، ص ۳۱۹، حدیث ۲۳۰۹۷.

۸- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۴، شماره ۳۹۴۰.

۶- «نماز در مسجد اعظم (ظاهراً مسجد جامع) برابر با ۱۰۰ نماز و در مسجد قبيله (ظاهراً مسجد محله) برابر با ۲۵ نماز و در مسجد بازار برابر با ۱۲ نماز و نماز در خانه [که به تنهایی انجام می‌دهد] معادل یک نماز است» (۱).

۳-۴- مسجد در کلام امام حسین علیه السلام

«کسی که پیوسته به مسجد برود یکی از منافع هشت گانه نصیبش خواهد شد: برادران مفید و با ارزشی پیدا می‌کند. با علم و دانش تازه، آشنا می‌شود. عقاید خود را با دلیل، محکم و استوار می‌سازد. کلمات و سخنانی که موجب هدایتش شود، می‌شنود. رحمت الهی شامل حالش می‌گردد. مواعظی که او را از فساد و گناه جلوگیری کند، می‌شنود. به خاطر حیا و آبروی خویش، ترک گناه می‌نماید. به خاطر ترس الهی، مرتکب عمل خلافی نمی‌شود» (۲).

۴-۴- مسجد در کلام امام باقر علیه السلام

«هر کس صدای اذان را بشنود و بدون عذر و علت، در نماز جماعت شرکت نکند، نماز او پذیرفته نخواهد شد» (۳).

۵-۴- مسجد در کلام امام صادق علیه السلام

۱- «یکی از توفیقات زیر نصیب [هر کدام از] اهل مسجد می‌شود: یا اینکه موفق به دعایی می‌شود که خداوند به برکت همان دعا او را به بهشت می‌برد یا اینکه دعایی می‌کند که خداوند به سبب آن، بلای دنیا را از وی دور می‌کند و یا اینکه دوست و برادری پیدا می‌کند که از او در مسیر خدا استفاده می‌کند» (۴).

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵۳.

۲- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۸۱، ص ۳.

۳- گزیده کافی، ج ۲، ص ۲۸۳.

۴- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۳، ص ۴۷۷.

۲- «هر کس به سوی مسجدی حرکت کند، در برابر هر گامی که بگذارد، زمین تا طبقات هفتگانه اش برایش تسبیح خداوند را خواهد گفت».(۱)

۳- «مردی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و پرسید: در میان اهل مسجد برترین آنها چه کسی است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آنان که بیش از دیگران به یاد خدا هستند».(۲)

۴- «کسی که سخن و گفتارش قرآن و مسجد خانه اش باشد، خداوند در بهشت خانه ای برای او بنا می کند».(۳)

۵- «خواندن نماز جماعت در خانه برابر با ۲۴ نماز فرادا است و خواندن نماز جماعت در مسجد برابر با ۴۸ نماز فرادا است یعنی ثواب نماز جماعت در مسجد دو برابر نماز جماعت در خانه است».(۴)

۶- «بر حضور در مسجد، مواظبت کنید، چرا که مساجد، خانه های خدا در زمین است. کسی که با حالت طهارت وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش تطهیر می نماید و نامش را در زمره زائرین خویش می نویسد».(۵)

۴-۶- مسجد در کلام امام موسی کاظم علیه السلام

۱- ایشان از پدر بزرگوارش نقل فرمود: «کسی که در منزلش وضو بگیرد و مویش را شانه کند و خود را معطر نماید سپس از خانه بدون عجله و با آرامش و وقار بیرون آید و به طرف مسجد برود در حالی که میل به جماعت مسلمین دارد، قدمی از زمین بر نمی دارد و نمی گذارد مگر آنکه یک حسنه برایش نوشته و

۱- تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۵.

۲- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۳، ص ۴۷۸.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۸/الجعفریات، ص ۳۱.

۴- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۵، ص ۲۴۰/الامالی (للطوسی)، ص ۶۹۶.

۵- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱، ص ۳۸۰/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۸۰، ص ۳۸۴.

یک گناه از او محو شود و یک درجه به خدا نزدیک شود تا زمانی که داخل مسجد شود. [آنگاه که] نماز را با امام جماعت شروع کند، از طرف خدا مغفرت و بهشت بر او واجب می‌شود، قبل از اینکه امام سلام نماز را بدهد». (۱)

۲- از امام کاظم علیه السلام سؤال شد: آیا جایز است، در سمت قبله مسجد، قرآن و یا چیزی مانند ذکر خداوند نوشته شود؟ امام علیه السلام فرمود: «اشکال ندارد». (۲)

۷-۴- مسجد در کلام امام رضا علیه السلام

«بهشت و حوریان بهشتی مشتاق کسی هستند که مسجد را تمیز نماید و یا آلودگی‌های آن را بگیرد». (۳)

۵- توصیه‌هایی در خصوص مسجد و اعتکاف

اشاره

ضروری است معتکف با آگاهی از آداب و شرایط حضور در مسجد و مراعات کامل آنها، بهره و حظی وافر از اعتکاف به دست آورد. مسجد، خانه خداست و کسی که قصد اقامت در مسجد دارد، باید بداند که میهمان خداست.

اینجا دیگر سخن از آداب خانه نیست، سخن از حضور صاحبخانه است، لذا معتکف باید اولاً به این افتخار، متوجه و مسرور باشد. ثانیاً وقتی خود را میهمان چنان میزبانی دید، ادب حضور را رعایت نماید.

۱-۵- رعایت آداب و اعمال حضور در مسجد در آیات و روایات

۱-۱-۵- آیات قرآن کریم

۱- اعراف ۳۱: «ای فرزندان آدم! زینت خود را در هنگام رفتن به هر مسجدی، با خود بردارید...».

۱- الاصول الستة العشر (ط-دارالشیعری)، ص ۴۶.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل‌البیت)، ج ۵، ص ۲۱۶.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۵.

۲- بقره ۱۱۴: «کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! چنین کسانی نمی‌توانند، جز با ترس و وحشت، وارد این [کانون های عبادت] شوند. بهره آنها در دنیا رسوایی است و در آخرت، عذاب عظیم [الهی]!».

۳- جن ۱۸: «مساجد مخصوص [پرستش ذات یکتای] خداست، پس نباید با خدا احدی غیر از او را پرستش کنید».

۲-۱-۵-روایاتی از معصومین

۱-۲-۱-۵-توصیه هایی مربوط به ورود و خروج به مسجد

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هنگامی که یکی از شما به مسجد وارد می‌شود، باید پای راست را مقدم داشته و بگوید: بسم الله و علی الله توکلت و لا حول و لا قوه الا بالله و هنگام خروج پای چپ را مقدم داشته و بگوید: بسم الله اعوذ بالله من الشیطان الرجیم سپس فرمودند: یا علی، کسی که اینگونه وارد مسجد شود، خدا نمازش را قبول می‌کند و در برابر هر رکعت نماز که به جا آورده است، فضیلت صد رکعت نماز را به وی عطا می‌کند و اگر بدین کیفیت خارج شود خدا گناهانش را می‌آمرزد و در مقابل هرگامی یک درجه و صد حسنه به وی عطا می‌نماید». (۱)

۲- امیرالمومنین علیه السلام: «هرکس می‌خواهد به مسجد داخل شود با آرامش و با طمأنینه وارد شود، چون مساجد خانه های خدا و محبوب ترین محل ها در نظر او است». (۲)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۲.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۰.

۳- امیرالمومنین علیه السلام: «دعای ورود به مسجد: بسم الله و بالله، السلام عليك ايها النبي و رحمه الله و برکاته».(۱)

۴- امیرالمومنین علیه السلام: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد مسجد می شدند، می فرمودند: اللهم افتح أبواب رحمتک و چون خارج می شدند، می فرمودند: اللهم افتح لی أبواب رزقک».(۲)

۵- فاطمه علیها السلام: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در وقت ورود به مسجد، صلوات فرستاده و دعا می کردند: خدایا! گناهانم را ببخش و درهای رحمت خویش را بر من بگشا. و هنگام خروج از مسجد نیز صلوات فرستاده و می فرمودند: خداوند! گناهانم را مورد آمرزش خویش قرار ده و درهای رزق و روزی خویش را بر من بگشا».(۳)

۶- امام باقر علیه السلام: «هنگامی که وارد مسجد شدی و می خواهی در آن بمانی، با طهارت داخل شو و چون به مسجد رسیدی رو به قبله کن و خداوند را بخوان و حاجتت را از او درخواست کن و در لحظه ورود به مسجد بسم الله الرحمن الرحيم بگو و خدا را ستایش کن و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود (صلوات) فرست».(۴)

۷- امام صادق علیه السلام: «هنگامی که به درب مسجد رسیدی این را بدان که قصد پادشاه بزرگی را کرده ای که جز پاکان به بارگاه او راه نمی یابد و جز راستگویان و درستکاران اجازه محضر او را نمی یابد.... بدان که او می تواند با شما با عدالت، یا با بخشش خویش رفتار کند. اگر با فضل و مهربانی اش، با شما رفتار کند نتیجه اش این می شود که طاعات شما را می پذیرد و ثواب فراوان می بخشد و اگر

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۹.

۳- وسائل الشیعه (ط- آل البیت)، ج ۵، ص ۲۴۷/بحار الانوار (ط- بیروت)، ج ۸۱، ص ۲۲.

۴- تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۶۳/وسائل الشیعه (ط- آل البیت)، ج ۵، ص ۲۴۵.

بخواهد با شما به عدالت رفتار کند و به اندازه ای که شایسته آن هستی به تو ببخشد، نتیجه اش این می شود که در هر صورت محرومی و عبادت هایت را هر چند بسیار باشند، نمی پذیرد بنابراین هنگامی که در برابر خداوند حاضر می گردی به ناتوانی و کوتاهی و نیازمندی خود نسبت به او، اعتراف کن زیرا شما قصد پرستش او را داری و می خواهی با او مانوس گردی. نهان خود را به او بگو و بدان که او خدایی است که بر همه نهان ها و آشکارها آگاه است و همچون نیازمندترین بندگان در نزدش باش. قلبت را از چیزهایی که تو را از یاد خدا باز می دارند و بین تو و خدایت حجاب ایجاد می کنند، پاک کن، زیرا خدا تنها خالص ترین و پاک ترین دل ها را قبول می کند. بنگر که نامت در کدامین دفتر ثبت می شود؟ اگر شیرینی و لذت راز و نیاز و هم صحبتی با او را حس کردی و از جام رحمت و کرامتش نوشیدی، بدان که خداوند به تو روی آورده و خواسته ات را اجابت کرده و شایسته خدمتش شده ای، پس وارد مسجد شو زیرا به تو اجازه و امان، داده شده است. در غیر این صورت همانند بیچاره ای بی پناه که کاری از دستش بر نمی آید، بایست و بدان که اگر خدا بداند که تو از صمیم قلب به او پناه آورده ای هیچگاه تو را از بارگاه خویش نمی راند و با نگاه محبت و مهربانی و لطف به شما می نگرد و توفیق انجام اعمالی را که مورد رضا و خشنودی اش است به تو می دهد. زیرا خداوند،

بخشنده ای بزرگوار است و دوست دارد با بندگان که مضطر شده اند و به او روی آورده اند و خوشنودی او را می طلبند، به کرامت رفتار کند؛ زیرا خود فرمود: أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ (۱)». (۲)

۱- آیا کسی هست که اگر مضطری او را بخواند اجابت کند. (نمل: ۶۲)

۲- مصباح الشریعه، ص ۱۳۰/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۸۰، ص ۳۷۳.

۸- امام عسکری علیه السلام: «دعای ورود به مسجد: به نام خدا و با خدا و از خدا و به سوی خدا؛ و برترین نام های نیکو از آن خدا است. من بر خدا توکل نمودم و هیچ مانعی از معصیت و توانی بر عبادت، جز به توفیق الهی نیست. خداوند! بر محمد و آتش درود فرست و درهای رحمت و توبه به سوی خودت را بر من بگشا و درهای عصیان و سرکشی را بر من ببند. مرا از زائرین و آبادکنندگان مساجد خویش و آنان که در شب و روز با تو به مناجات می پردازند و در نمازهایشان خشوع می ورزند قرار ده و شیطان و لشکریانش را از من دور نما».(۱)

۹- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هنگامی که داخل مسجد شدی... منشین تا دو رکعت نماز تحیت به جا آوری...».(۲)

۱۰- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «چون به بوستان های بهشت رسیدید، از نعمت های آن بهره جوید، پرسیدند: بوستان های بهشت چیست؟ گفتند: مساجد. پرسیدند:

نعمتهایش چیست؟ فرمودند: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر».(۳)

۱۱- امام صادق علیه السلام: «هنگام ورود و خروج به مسجد، بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود فرست».(۴)

۱۲- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هنگامی که کسی اراده خروج از مسجد می کند، سپاهیان شیطان پیرامونش گرد آیند، چون زنبورها که پیرامون ملکه گرد آیند؛ پس چون به

۱- «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ كُلُّهَا، لِلَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوَيْتِكَ وَ أَغْلِقْ عَنِّي أَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ زُورِكَ وَ عُمَارِ مَسَاجِدِكَ وَ مَمَّنْ يُنَاجِيكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنَ الَّذِينَ هُمْ فِي صِيَلاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ وَ جُنُودَ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ...» (مصباح المتحجد، ج ۱، ص ۳۲).

۲- مکارم الاخلاق، ص ۲۹۷/ به نقل از امیرالمومنین علیه السلام (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۵).

۳- کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۱، حدیث ۲۰۷۳۹.

۴- وسائل الشیعه (ط- آل البيت)، ج ۵، ص ۲۴۶.

در مسجد می‌رسید [و می‌خواهید خارج شوید] بگویید: خدایا از شیطان و سپاهیان‌ش به تو پناه می‌برم که در این صورت ضرری به شما نتوانند، رسانید». (۱)

۱۳- امام صادق علیه السلام: «هنگامی که یکی از شما نماز واجب را به جا آورد و قصد خروج از مسجد را دارد، کنار در مسجد بایستد و این دعا را بخواند: خداوندا! مرا دعوت نمودی و من نیز دعوت تو را اجابت کردم و نمازی را که بر من واجب نمودی به جا آوردم. اینک همانگونه که خود فرمان داده‌ای در زمین تو حرکت می‌کنم و از تو می‌خواهم از فضل خویش به من توفیق بندگی و دوری از آنچه که تو را به خشم می‌آورد، عطا فرمایی و از رحمت خویش، رزق کافی را به من ارزانی داری». (۲)

۲-۲-۱-۵- برخی اعمال توصیه شده در مسجد

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هنگامی که به در مسجد می‌رسید، کفش هایتان را بررسی کنید». (۳)

۲- امیرالمومنین علیه السلام: «مساجد را در هر روز هفته، خوشبو و معطر کنید». (۴)

۳- امیرالمومنین علیه السلام: «مستحب است کسی که در مسجد می‌نشیند، رو به قبله باشد». (۵)

۴- امام عسکری علیه السلام: «هنگام رو به قبله کردن بگو: خداوندا! من به تو روی آورده و رضایت و پاداش تو را می‌طلبم. به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم. خداوندا! به گوش‌های دلم توان شنیدن ذکر و یادت را عنایت کن و قلبم را بر

۱- کنز العمال، ج ۷، ص ۶۶۰.

۲- وسائل الشیعه (ط- آل‌البیت)، ج ۵، ص ۲۴۷.

۳- وسائل الشیعه (ط- آل‌البیت)، ج ۵، ص ۲۲۹.

۴- بحار الانوار (ط- بیروت)، ج ۸۰، ص ۳۸۱.

۵- بحار الانوار (ط- بیروت)، ج ۸۰، ص ۳۸۰.

دینت و دین پیامبر استوار بدار و بعد از هدایت، دچار گمراهی مگردان و از جانب خویش رحمتی بر من عطا فرمای، چرا که تو بسیار بخشنده ای». (۱)

۵- امام حسن علیه السلام هنگام نماز بهترین لباس های خود را می پوشیدند. به ایشان عرض شد: ای فرزند رسول خدا! چرا بهترین لباس هایتان را هنگام نماز می پوشید؟ فرمودند: «خدا زیباست و زیبایی را دوست میدارد. من هم برای پروردگارم خود را زیبا می کنم. خدا فرموده است: زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید. (۲) من هم دوست دارم بهترین لباسم را بپوشم». (۳)

۶- امام صادق علیه السلام: «آنگاه که در مشکلات، اندوه شما را فرا گیرد، چه چیز مانع از آن است که وضو گرفته و در مسجد، دو رکعت نماز به جا آورده و خدا را بخوانید. آیا سخن خدا را نشنیده اید که می فرماید: از صبر و نماز، یاری جوید (۴)». (۵)

۷- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هر نشستی در مسجد لغو و بیهوده است مگر برای سه چیز:

(۱) خواندن نماز و قرآن (۲) ذکر و یاد خدا (۳) پرداختن به مسایل علمی». (۶)

۸- از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: دو نفر به مسجد وارد می شوند و در یک زمان به نماز می ایستند. یکی بیشتر به تلاوت قرآن می پردازد و دیگری بیشتر دعا می کند

۱- «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ مَرْضَاتِكَ طَلَبْتُ وَ ثَوَابِكَ ابْتَغَيْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. اللَّهُمَّ افْتَحْ قَلْبِي لِتَذِكْرِكَ وَ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَ دِينَ نَبِيِّكَ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَعْنَتِكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۰).

۲- سوره اعراف آیه ۳۱: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ».

۳- وسائل الشیعه (ط- آل البيت)، ج ۴، ص ۴۵۵.

۴- سوره بقره آیه ۴۵: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ».

۵- وسائل الشیعه (ط- آل البيت)، ج ۸، ص ۱۳۹.

۶- وسائل الشیعه (ط- آل البيت)، ج ۴، ص ۱۱۸/مکارم الاخلاق، ص ۴۶۷.

و هر دو در وقت معینی از مسجد، خارج می‌شوند، کار کدامیک از این دو برتر است؟ امام علیه السلام فرمود: «عمل هر دو دارای فضیلت است». راوی می‌گوید: می‌دانم که هر دو عمل، نیکو و دارای فضیلت است [ولی می‌خواستم بدانم عمل کدامیک برتر است؟] امام علیه السلام فرمود: «دعا، برتر است. آیا نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم. به یقین کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند. (۱) آنگاه امام علیه السلام سه مرتبه فرمود: سوگند به خدا، دعا مهمتر است». (۲)

۹- از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «کدامیک افضل است: انسان در اوّل وقت نماز بخواند یا زمانی که مسجد امام جماعت دارد، نماز را تأخیر اندازد تا نماز جماعت بخواند؟ فرمودند: نماز را تأخیر بیندازد و با اهل مسجد نماز بخواند». (۳)

۱۰- امام صادق علیه السلام: «در جاهای مختلف مساجد، نماز به جا آورید، چون جای جای زمین، در قیامت برای کسی که بر آن نماز خوانده باشد، شهادت می‌دهد». (۴)

۱۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شانه‌های نماز گزاران را در نماز جماعت منظم می‌کرد و می‌فرمود: «مساوی و منظم باشید، نامنظم و جدا از هم نباشید که قلب‌های شما از همدیگر جدا می‌شود». (۵)

۱- سوره غافر، آیه ۶۰.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۲/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۹۰، ص ۲۹۲/دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۶.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۸، ص ۳۰۸.

۴- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۸۰، ص ۳۸۴/الامالی (للصدوق)، ص ۳۵۹.

۵- مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۵۰۷.

۱۲- امام صادق علیه السلام: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: [در نماز جماعت] صف های خود را منظم کنید و کتف ها را موازی هم قرار دهید؛ مبدا شیطان بر شما چیره شود». (۱)

۱۳- از امام صادق علیه السلام در مورد سخن خداوند که می فرماید: «زینت خود را در هر مسجد به همراه داشته باشید». سؤال شد. امام علیه السلام فرمودند: «از جمله آن

زینت ها، شانه کردن مو برای هر نمازی است». (۲)

۱۴- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هر کس چیزی را که موجب آزار و اذیت مردم است، از مسجد بیرون ببرد، خداوند در بهشت خانه ای برایش می سازد». (۳)

۱۵- امام صادق علیه السلام: «کسی که مسجد را جارو می کند، خدا، پاداش آزاد کردن بنده ای را برایش می نویسد و اگر از این مسجد به اندازه خاشاکی که در چشم می رود، غبار برگیرد، خدا دو بهره از رحمتش را به وی عطا می فرماید». (۴)

۱۶- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «ای ابوذر کسی که دعوت خداوند را اجابت کند و در آبادانی مساجد، نیکو تلاش کند ثواب آن از جانب پروردگار، بهشت است. ابوذر پرسید: مساجد را چگونه آباد کنیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در آنجا با صدای بلند سخن نگویند، حرف باطل و سخن نادرست نزنند و خرید و فروش نکنند. ای ابوذر! تا در مسجد هستی از لغو (بیهوده گویی) بپرهیز و اگر رعایت نکردی روز قیامت جز خویشتن را ملامت و سرزنش مکن». (۵)

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۸، ص ۴۲۳ / مستدرک، ج ۶، ص ۵۰۷.

۲- من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج ۱، ص ۱۷۴.

۳- کنز العمال، ج ۷، ص ۶۴۹، حدیث ۲۰۷۲۶.

۴- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۸۰، ص ۳۸۳.

۵- مکارم الاخلاق، ص ۴۶۷ / بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۸۰، ص ۳۷۰.

۱۷- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هنگامی که پانزده خصلت در بین امتّم رایج شود بلا بر آنان نازل خواهد شد... از جمله خصلت ها آن است که در مسجد صدا را بلند کنند» (۱).

۱۸- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «برای هر چیزی آفتی است و آفت مسجد قسم خوردن (گفتن لا والله و بلی والله) در آن است» (۲).

۱۹- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «بیست خصوصیت باعث به وجود آمدن فقر می شود... یکی عجله کردن در خروج از مسجد است» (۳).

۲۰- از مباحات و مفاخره مردم به یکدیگر در مساجد، نهی شده است (۴).

۲۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که از مسجد عبور می کند و در آن نماز نمی خواند، جفاکار است» (۵).

۲۲- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که صدای اذان را در مسجد بشنود و بی علت از مسجد خارج شود منافق است، جز اینکه قصد برگشت به مسجد را داشته باشد» (۶).

۲۳- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که بدون عذر در مسجد نماز جماعت نمی خواند نمازش کامل نیست... و کسی که نسبت به جماعت مسلمین بی توجه است، از عدالت ساقط و دوری کردن از او واجب است» (۷).

۲۴- امام باقر علیه السلام: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد فرمود: فلانی برخیز... تا اینکه پنج تن را به این صورت جدا نمود، آنگاه فرمود: از مسجد خارج شوید و تا هنگامی که زکات

۱- تحت العقول، ترجمه کمره ای، ص ۵۲/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۷۴، ص ۱۵۷.

۲- مستدرک، ج ۳، ص ۳۸۲/کنز العمال، ج ۷، ص ۶۶۹.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۶.

۴- کنز العمال، ج ۷، ص ۶۶۹، حدیث ۲۰۸۳۲.

۵- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۳.

۶- الامالی (للصدوق) ترجمه کمره ای، ص ۵۰۱.

۷- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۸، ص ۳۱۷.

نمی‌دهید در مسجد ما نماز به جا نیاورید». (۱)

۲۵- امیرالمومنین علیه السلام: «نوباوگان و دیوانگان را از ورود به مسجد، منع کنید». (۲)

۲۶- امیرالمومنین علیه السلام: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از اینکه حدود در مساجد اقامه شود و همچنین از اینکه سلاح در قبله گاه مساجد آویزان شود، نهی فرمودند». (۳)

۲۷- از امام کاظم علیه السلام سؤال شد: آیا جایز است شمشیر را در مسجد، آویزان نمود؟ فرمودند: «در قبله جایز نیست. اما در سمت راست یا چپ قبله، مانع ندارد». (۴)

۲۸- از امام صادق علیه السلام در مورد مساجدی که دارای نقاشی و تصویر است سؤال شد. امام علیه السلام فرمود: «این کار را خوش نمی‌دارم ولی این امر به شما ضرری

نمی‌زند، اگر عدل برپا بود می‌دیدید که در این زمینه چگونه عمل می‌شد». (۵)

۲۹- امام صادق علیه السلام: «کسی که غذاهایی که بوی بد ایجاد می‌کند (سیر، پیاز، تره)، را خورده است، به مسجد نزدیک نشود (داخل مسجد نشود)». (۶)

۳۰- امام کاظم علیه السلام: «در مسجد بر جنازه‌ها، نماز گزارده نمی‌شود». (۷)

۳۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «مساجد را از نجاسات، دور نگه دارید». (۸)

۱- وسائل الشیعه (ط- آل‌البیت)، ج ۹، ص ۲۴.

۲- دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۰.

۴- وسائل الشیعه (ط- آل‌البیت)، ج ۵، ص ۲۱۳.

۵- وسائل الشیعه (ط- آل‌البیت)، ج ۵، ص ۲۱۵.

۶- وسائل الشیعه (ط- آل‌البیت)، ج ۵، ص ۲۲۶/تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان)، شیخ مفید، ج ۹، ص ۹۶/مشابه این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با «سیر» نقل شده است. (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۷)

۷- الاستبصار، ج ۱، ص ۴۷۴.

۸- وسائل الشیعه (ط- آل‌البیت)، ج ۵، ص ۲۲۹.

۳۲- امام باقر علیه السلام: «حائض و جُنُب نمی‌توانند داخل مسجد شوند مگر حین عبور کردن. خدا می‌فرماید: در حال جنابت [داخل مسجد] نشوید مگر در حال عبور تا غسل کنید». (۱)

۳۳- از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آیا جُنُب و حائض می‌توانند چیزی را از مسجد بردارند؟ فرمودند: آری، ولی نمی‌توانند چیزی را در مسجد بگذارند». (۲)

۳۴- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هر کسی برای احترام مسجد، آب دهانش را فرو برد و در مسجد نیندازد، خداوند آن را در بدنش به قدرت و توانایی تبدیل می‌کند و به پاداش این کار، برای او حسنه ای می‌نویسد و گناهی را از او می‌آمرزد و این آب دهان بر هر دردی [که در بدن او است] برخورد کند، آن را شفا می‌بخشد». (۳)

۳۶- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «باید که مسجد از آب بینی و خلط سینه پاک شود، چنان که یک قطعه پوست در آتش پاک می‌شود». (۴)

۳۷- امیرالمومنین علیه السلام: «کسی که احترام مسجد را حفظ کند و از انداختن اخلاط در آن خودداری نماید، در روز قیامت، با شادمانی و در حالی که کتاب اعمالش را در دست راست دارد، خدا را ملاقات می‌کند. مسجد، هنگامی که کسی در آن خلط می‌اندازد، از شدت ناراحتی به خود می‌پیچد. همان گونه که اگر یکی از شما را با چوب خیزران بزنند، از شدت درد به خود می‌پیچد». (۵)

۱- وسائل الشیعه (ط- آل‌البیت)، ج ۲، ص ۲۰۷/مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۵۹.

۲- وسائل الشیعه (ط- آل‌البیت)، ج ۲، ص ۲۱۳/کافی (ط- اسلامیه)، ج ۳، ص ۵۱.

۳- وسائل الشیعه (ط- آل‌البیت)، ج ۵، ص ۲۲۳.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۶.

۵- بحارالانوار (ط- بیروت)، ج ۸۰، ص ۳۸۱/مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۶.

فصل هفتم: برخی مناسبت های ایام البیض ماه رجب

وقایع روز سیزدهم

۱- ولادت امیرالمومنین علیه السلام

اشاره

ولادت ایشان در روز جمعه ۱۳ رجب، دوازده (یا ده) سال قبل از بعثت (سی سال بعد از عام الفیل) می باشد.

۱-۱- تولد حضرت علی علیه السلام در کعبه معظمه

۱-۱- تولد حضرت علی علیه السلام در کعبه معظمه (۱)

۱- جمعه بر فاطمه بنت اسد علیها السلام درد عارض شد. او نزد خانه کعبه رفت و گفت: «پروردگارا! من به تو و پیامبران و کتاب هایی که از سوی تو آمده، ایمان دارم و گفتار جدّم، ابراهیم خلیل را که این خانه کعبه را بنا نهاد، تصدیق می کنم. پروردگارا! به حق همان کسی که این خانه را بنا کرد و به حق این نوزادی که در شکم من است، ولادت او را بر من آسان گردان». ناگهان خانه کعبه شکافت و فاطمه علیها السلام داخل شد. افرادی که در آنجا بودند، خواستند در را باز کنند اما نتوانستند. فهمیدند که سبّی در این کار است. فاطمه علیها السلام می گوید: «هنگامیکه وارد شدم، حوّا، مریم، ساره و آسیه با ملائکه و حوریان بهشتی را دیدم که با طشت، کوزه سفالین و حریر بهشتی آمده اند.» داستان ورود فاطمه علیها السلام به خانه کعبه، در شهر پیچید. روز چهارم، فاطمه علیها السلام بیرون آمد، در حالی که علی علیه السلام را روی دست داشت و به مردم می گفت: «خدا مرا بر زنان پیشین، برتری بخشید، زیرا آسیه دختر مزاحم، خدا را در مکانی می پرستید که جز هنگام ناچاری نمی بایست در آن مکان عبادت می کرد. مریم، دختر عمران نخل خشکی را حرکت داد تا از آن رطب تازه خورد و من داخل خانه خدا شدم و از میوه بهشتی خوردم و چون خواستم از آن بیرون آیم، هاتفی ندا کرد: فاطمه نام این مولود را «علی» بگذار که خدای علی اعلی می فرماید: «من نام او را از نام خود جدا کردم و به ادب خود، به او ادب آموختم و بر علوم پنهان خود وی را آگاه ساختم و برمشکلات علم خویش او را واقف ساختم. او اوّل کسی است که بر بالای خانه ام اذان خواهد گفت و بت ها را خواهد شکست و خواهد انداخت و مرا به عظمت و بزرگواری و یگانگی یاد خواهد کرد و به تقدیس من خواهد پرداخت و او امام و پیشوای بعد از حیب من محمّد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود. خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد. وای به حال کسی که با او دشمنی ورزد و نافرمانی اش را کند». (بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۷)

میسر نگردد به کس این سعادت

به کعبه ولادت به مسجد شهادت

۲-۱- برخی منزلت های امیرالمومنین علیه السلام در قرآن

اشاره

اگرچه به دلایلی نام اهل بیت علیهم السلام به صراحت در قرآن نیامده است ولی آیات بسیاری در مقام رفیع آن بزرگواران آمده است. در ذیل به سه آیه که اهل سنت هم معتقد هستند، در شأن علی علیه السلام است، به ترتیب نزول، اشاره می شود: (۱)

۱-۲-۱- آیه ليله المبيت (بقره: ۲۰۷)

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ»

«بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی علیه السلام در ليله المبيت به هنگام خفتن در جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان، مهربان است».

علما فراوانی از شیعه و سنی معتقدند این آیه مربوط به علی علیه السلام است و این مطلب در حد تواتر است. (۲)

ثعلبی، از مفسران معروف اهل سنت، روایت زیبایی نقل می کند: «در شبی که علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خوابید، خداوند خطاب به جبرئیل و میکائیل فرمود: شما دو نفر برادر هستید، اگر بخواهم عمر یکی از شما را بگیرم، آیا دیگری فداکاری می کند و از عمر خودش به او می دهد؟ هیچ کدام سخنی نگفتند و آمادگی خویش را برای این امر اعلان نکردند؟ خدا به آنها فرمود: به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ما در روی زمین نگاه کنید، ببینید، چگونه علی علیه السلام برای حفظ

۱- مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، ص ۲۷۱/سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، ص ۶۳.

۲- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۱۹، ص ۸۶.

جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، زندگی خویش را به خطر انداخته است. بروید و مراقب علی علیه السلام باشید. جبرئیل و میکائیل بالای سر و پایین پای آن حضرت ایستادند تا از جان علی علیه السلام محافظت کنند سپس آن دو خطاب به امیر مومنان علیه السلام گفتند: علی جان به تو تبریک می گوئیم چه کسی مثل توست؟ در حالی که خداوند به خاطر تو بر ملائکه آسمانها، مباحات و افتخار کرد». (۱)

۲-۲-۱- آیه ولایت (مأئده: ۵۵)

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

«سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند».

علامه امینی رحمه الله در کتاب الغدير از ۲۰ منبع معروف اهل سنت، روایاتی درباره این آیه شریفه نقل می کند.

«روزی علی علیه السلام در مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم مشغول نماز بود که نیازمندی وارد مسجد شد و تقاضای خویش را مطرح کرد. کسی چیزی به او نداد. علی علیه السلام که در آن هنگام در حال رکوع بود، با دست به آن نیازمند اشاره کرد، او آمد و انگشتر را از انگشت مبارک آن حضرت بیرون آورد و از مسجد بیرون رفت. در این هنگام این آیه شریفه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد». (۲)

۳-۲-۱- آیه تبلیغ (مأئده: ۶۷)

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»

۱- علامه امینی، الغدير، ج ۲، ص ۴۷.

۲- علامه امینی، الغدير، ج ۲، ص ۵۲.

«ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) ابلاغ کن؛ و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده ای. خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، حفظ می کند».

علامه امینی رحمه الله ۳۰ حدیث از احادیث اهل سنت را در این رابطه برشمرده است.

این آیه در روز هجدهم ذی الحجه سال حجه الوداع (۱۰ هـ)، زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مکان غدیر خم رسید، توسط جبرئیل بر حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد. ابتدای کاروان که صدها هزار نفر بودند، نزدیک مکانی به نام جحفه رسیدند که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمان داد آنان که پیش افتاده اند، برگردند و آنها که نرسیده اند، در آن مکان بمانند، و علی علیه السلام را پیشوا و رهبر قرار دهد و دستور الهی در این زمینه را به آنان ابلاغ کند و جبرئیل به او خبر داد که خداوند وی را از گزند مردم حفظ خواهد کرد. (۱)

۳-۱- برخی منزلت های حضرت امیرالمومنین علیه السلام در روایات

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «اگر درختان قلم شوند و دریاها مرکب گردند و جنیان حسابگر و آدمیان نویسنده شوند، نمی توانند فضایل علی علیه السلام را برشمرند». (۲)

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «خدا برای برادرم علی علیه السلام فضایی قرار داده است که جز خودش کسی نمی تواند آن را بشمارد. پس کسی که فضیلت او را بگوید در حالی که به آن معتقد است، خدا تمام گناهان گذشته و

۱- علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲- العسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، ج ۵، ص ۶۲.

آینده اش را می‌بخشد، اگرچه گناهانش بسیار باشد و کسی که فضیلتی از فضایل او را بشنود، خداوند گناهی را که به سبب شنیدن کسب کرده است، می‌بخشد و کسی که به فضیلتی از او که نوشته شده نگاه کند، خداوند گناهی را که به وسیله چشم کسب کرده، می‌آمرزد»^(۱).

۲- ولادت امام علی النقی علیه السلام

بنابر قولی در ۱۳ رجب سال ۲۱۴ ه.ق. امام علی النقی علیه السلام متولد شد. همچنین ولادت آن حضرت در نیمه ذیحجه سال ۲۱۲ ه.ق. نقل شده است.^(۲)

۳- شهادت شیخ فضل الله نوری (۱۲۵۹-۱۳۲۷ق)

۳- شهادت شیخ فضل الله نوری (۱۲۵۹-۱۳۲۷ق)^(۳)

وقایع روز پانزدهم

۱- وفات حضرت زینب علیها السلام

اشاره

برخی ۱۴ رجب و بعضی دهم ماه مبارک رمضان را سالروز وفات ایشان می‌دانند. برخی مدفن ایشان را در مصر و برخی هم در مدینه منوره می‌دانند، اما به احتمال زیاد سوریه (روستای راویه دمشق) مدفن آن بانوی بزرگوار باشد.^(۴)

۱- شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص ۱۵.

۲- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۵، ص ۱۹۷.

۳- شیخ فضل الله، خواهر زاده و داماد حاج میرزا حسین نوری (صاحب مستدرک الوسائل) و از شاگردان حاج میرزا محمد حسن شیرازی رحمه الله بود. وی سال‌ها در تهران ریاست مذهبی را به عهده داشت. ایشان دارای تألیفاتی از جمله تذکره الغافل و ارشاد الجاهل است که این اثر را یک سال قبل از شهادت، نوشت و در آن حوادثی که بعد از او اتفاق می‌افتد، را خبر داد. شیخ فضل الله در اوایل مشروطیت در ۱۳ رجب سال ۱۳۲۷ قمری در تهران به دار آویخته و در صحن بزرگ حضرت معصومه علیها السلام دفن گردید. (اکبر رضایی تبریزی، مجله گلبرگ، شهادت شیخ فضل الله نوری، شماره ۳۱ تیر ۱۳۸۱ ص ۱۴۱)

۴- توسل به حضرت زینب علیها السلام مورد توجه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و علمای ربّانی بوده است. بیرجندی از سید اسدالله اصفهانی (هم مباحثه اش) نقل می‌کند: امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خواب دیدم که فرمود: «فرشتگان در شب و روز رحلت عمّه ام زینب علیها السلام، در آسمان، مجلس برپا می‌دارند و خطبه آن بانو را که در بازار کوفه خواند، می‌خوانند و می‌گریند». (سید نورالدین جزایری، خصائص زینبیه، ص ۲۱۱/ملبوبی، محمّد باقر، الوقایع و

الحوادث، ج ۱، ص ۱۱۲ الی ۱۳۵) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم : «هر کس بر زینب علیها السلام و مصیبت‌هایش بگرید، ثواب گریستن او، مانند ثواب کسی است که بر دو برادرش، امام حسن و امام حسین علیهما السلام گریه کند». (سید نور الدین جزایری، خصائص زینبیه، ص ۵۳/ملا علی خیابانی، وقایع الایام فی تتمه محرم)

۱-۱- فضایل حضرت زینب علیها السلام**۱) علم**

عقیله (۱) بنی هاشم در مکتب درس مادر، شاگردی پر استعداد بود و حفظ خطبه های پرمعنا، گواه بر آن است. ایشان از سرچشمه علم پدر بهره ها برد و جلسات تفسیر در کوفه برگزار می نمود. هنگام جدایی از سیدالشهدا و بی تابی ایشان از این مفارقت، امام حسین علیه السلام او را امر به صبر کرد و سرپرستی اطفال یتیم و زنان بی سرپرست را به ایشان سپرد و مقام نیابت را به او وا گذاشت که این نشانه بهره مندی حضرت زینب علیها السلام از علوم الهی است.

امام سجّاد علیه السلام خطاب به عمّه خود فرمود: «تو به شکر خدا عالمه ای هستی که مکتب نرفته ای و فهیمه ای هستی که تعلیم از کسی نگرفتی» (۲).

۲) حلم و صبر و صف نشدنی

-
- ۱- اول باید عاقل (اسم فاعل) و بعد عقیل (صفت مشبّهه که دلالت بر ثبات دارد) و بعد عقیله (تای مبالغه است نه تانیث) شد.
 - ۲- «انت بحمدالله عالمه غیر معلّمه و فهیمه غیر مفهّمه». (بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۴۵، ص ۱۶۴)

امیرالمومنین علیه السلام: «بر شما باد صبر و استقامت؛ زیرا صبر نسبت به ایمان مانند سر به بدن است».^(۱) حضرت زینب علیها السلام سختی های بسیاری را در راه بقای اسلام تحمل کرد و مشکلات و مصائب او از آغاز کودکی آغاز شد و به حقّ امّ المصائب لقب گرفت. او نظاره گر مظلومیت مادر و پدر و رنج امام حسن علیه السلام بود. در کربلا، دو اسماعیلش را به قربانگاه فرستاد. پس از حادثه کربلا نیز با تحمل رنج اسارت و سرپرستی بازماندگان عاشورا، جلوه های دیگری از صبر خود را به نمایش گذاشت. صبر عقیده بنی هاشم علیه السلام همچون شهادت امام حسین علیه السلام اثرگذار است؛ زیرا لشکریان یزید با جنایات خود می کوشیدند تا کاروان اسیران و به ویژه حضرت زینب علیها السلام را وادار به عملی سازند که موجب وارونه شدن حقیقت شود اما صبر ایشان، همه آن نقشه ها را نقش بر آب کرد.

کاروان به بازار کوفه درآمد. حاکم کوفه می خواست با نمایش این صحنه، خواری دختر علی علیه السلام و خاندان بنی هاشم را به رخ مردم شهر بکشد تا قدرتش را به آنها بیشتر بنمایاند که اینان فرزندان و خویشان حاکم پیشین شهر شمایند، امروز به حکم من پیش چشم شما اسیر، و دست و گردن بسته در کوچه های شهر شما رانده می شوند و تازیانه می خورند. این خواست حاکم بود اما خدا چیز دیگری می خواست. مردم شهر در کوچه ها انبوه شدند. زنانی که در آن روز بیش از سی سال داشتند، حشمت او را در دیده مسلمانان و عزّت وی را در چشم پدر، دیده بودند. در آمدن زینب و اسیران به بازار کوفه و حالت رقت انگیز آنان، خاطرات گذشته را زنده کرد. زنان شیون سر دادند و مردان را به گریه افکندند. گریه زنان و مردان، کودکان را به نوحه درآورد و یکباره ناله و فغان، از هر سو برخاست. اکنون بایست دیده مردم شهر گشوده شود تا بدانند

چه کردند. در جمع اسیران چه کسی می‌توانست این وظیفه را تعهد کند. زینب بود که پس از حمد خدا گفت: «ای کوفیان، ای دغلبازان و ای خودداران از یاری، اشکتان خشک، و ناله و فریادتان خاموش مباد، داستان شما نیست جز به مانند آن زنی که رشته خود را پس از محکم بافتن می‌گشود. سوگندهایتان را سبب مکر و خیانت خودتان قرار داده‌اید. آیا در میان شما جز مردمی چاپلوس و ننگ آور و کینه توز که در میدان نبرد، بزدل و در برابر دشمنان، زبون و مردمی پیمان شکن و بی‌وفایند، پیدا می‌شود؟! چه پیشکش زشتی با داستان خود برای خویشتن، پیش فرستاده‌اید که آن خشم خدا بر شماست، و در عذاب دوزخ جاویدان خواهید بود.

آیا می‌گریید؟! آری به خدا سوگند بسیار بگریید و کم بخندید، همانا که شما به ننگ و رسوائی آن دست یافتید، و هرگز نتوانید پلیدی آن را از خویش بزدائید. آیا زاده ختم رسولان، و سرور جوانان بهشتی، و پناه خوبانتان، و پناهگاه گرفتاریتان، و نشانه راهتان، و راه پهناور دلیلتان را ترک یاری گفتید، و برای او به هم بافتید؟! هان چه بد بار سنگینی از گناه بر دوش کشیدید، پس هلاکت و سرنگونی بر شما، راستی که کوشش‌ها به نومیدی رسید، و دست‌ها به خاک نشست (کنایه از اینکه به هیچ‌خیر و برکتی، نرسید)، و به خشمی از جانب خدا باز گشتید، و مهر خواری و فقر و گرفتاری بر شما نهاده شد.

وای بر شما آیا می‌دانید چه جگری از رسول خدا بریدید؟! و چه خونی از او ریختید؟! و چه عضو مهم و محترمی را از آن حضرت بر گرفتید؟! راستی که کار زشت و ناپسندی مرتکب شدید که نزدیک است آسمانها از آن بشکافد و زمین دهان باز کند و کوهها پاره پاره به روی زمین ریزد (سوره مریم، آیات ۸۹ و ۹۰). همانا این عمل را به گونه‌ای احمقانه و زشت به جای آوردید که فضای

زمین و آسمان را از قبح آن پر ساختید. آیا شگفت دارید از اینکه آسمان خون بیارد؟! البتّه که عذاب آخرت خوارکننده تر است، پس این مهلت زودگذر، حلم شما را نرباید (تا به گناه ادامه دهید) که هیچگاه خشم و غضب، خدا را به شتاب نیندازد، و بیم از دست رفتن خونخواهی و انتقام بر او نرود، همانا پروردگار تو در کمینگاه است». (۱)

۳) شجاعت

حضرت زینب علیها السلام در محیطی پاک و در خانواده ای شجاع رشد کرد. پاک زیستن شجاعت را به دنبال دارد. امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «چه شجاع است انسان پاکدامن و چه ترسو است انسان مساله دار». (۲)

اسیران را به کاخ پسر زیاد بردند. وسیله قدرت نمایی هر چه بیشتر در این مجلس از پیش فراهم شده بود؛ قدرت نمایی برابر خاندان پیغمبر و به خاطر زهر چشم گرفتن از مردم کوفه.

پسر زیاد: این زن کیست؟ زینب دختر فاطمه.

پسر زیاد: خدا را شکر، دیدید خدا چگونه شما را رسوا کرد و دروغ هایتان را آشکار ساخت؟

زینب علیها السلام: «سپاس خدا را که ما را به محمّد صلی الله علیه و آله و سلم گرامی داشت و ما را به خوبی از پلیدی، پاکیزه گردانید. فاسقان دروغ می گویند و بدکاران رسوا می شوند و آنان ما نیستیم، دیگرانند، الحمدلله».

این جواب کوبنده از فردی که مصیبت زیادی را تحمّل کرده، به شخصی که از پیروزی خود سرمست بود، ناشی از شجاعت و صلابت آن حضرت است.

۱- (الامالی (للمفید)، ترجمه استاد ولی، ص ۳۶۷ (با تلخیص)).

۲- تصنیف غررالحکم، ص ۱۸۶، ح ۳۵۴۵.

جلوه ای از شجاعت زینب علیها السلام، در دربار یزید است. وقتی مرد شامی به یزید گفت: این کنیز (فاطمه دختر امام حسین علیه السلام) را به من ببخش، فاطمه در حالی که می لرزید، به عمه اش زینب پناه آورد. زینب علیهما السلام به مرد شامی فرمود: «به خدا قسم، نه تو و نه یزید هیچکدام توان به کنیزی بردن این دختر را ندارید».

یزید به زینب علیها السلام گفت: «به خدا سوگند که می توانم و اگر بخواهم چنین می کنم». زینب علیها السلام فرمود: «والله هرگز خداوند چنین قدرت و سلطه ای به تو نداده است، مگر اینکه از اسلام روی گردانی و به دین دیگری در آیی».^(۱)

۴) فصاحت و بلاغت

بعد از عاشورا، رسالت حضرت زینب علیها السلام رساندن پیام خون شهدای کربلا بود. ایشان با وجود شرایط نامساعد، خطبه ای پرفصاحت و بلاغت ایراد فرمود که تصور می شد بیان علی علیه السلام است.

هنگامی که ابن زیاد گفت: دیدی خدا با برادرت چه کرد؟ ایشان فرمود: «من چیزی جز زیبایی از جانب خدا ندیدم. اینان گروهی بودند که خداوند شهادت را بر ایشان مقدر کرده بود و آنان شهادت را برگزیدند و با افتخار به این نعمت رسیدند و امّا تو ستمکار به پاسخ آنچه کردی، گرفتار خواهی بود و خدا در روز قیامت میان تو و آنان داوری خواهد کرد و از تو خونخواهی می کند. در آن روز خواهی دید که پیروز چه کسی است. مادرت به سوگت بنشیند، ای پسر مرجانه». ابن زیاد با شنیدن این جملات خشمگین شد و تصمیم به قتل زینب علیها السلام گرفت. عمرو بن حرث مانع شد. ابن زیاد گفت: خداوند قلب مرا به کشتن حسین علیه السلام و خاندانت تسلّی داد. زینب علیها السلام صیحه ای زد و گریست و فرمود: «به جان خودم سوگند، که سرور ما را کشتی و از خویشانم کسی

۱- (شیخ مفید، ارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۱۲۵).

نهشتی، نهال عمر ما را شکستی و ریشه ما را از هم گسستی، پس اگر تسلی خاطر تو، در این بوده است، آرامش خود را باز یافته ای».

ابن زیاد گفت: این زن که سخنان موزون و آهنگین بر زبان آورد، پدرش نیز چنین بود و شاعر ماهری به شمار می‌رفت. زینب علیها السلام فرمود: «زن را کجا و سجع گویی؟ آنچه بر زبانم جاری شد، سوز سینه ام بود».^(۱)

سرنی در نینوا می ماند اگر زینب نبود

کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود

چهره سرخ حقیقت بعد از آن توفان رنگ

پشت ابری از ریا می ماند اگر زینب نبود

چشمه فریاد مظلومیت لب تشنگان

در کویر تفته جا می ماند اگر زینب نبود

زخمه زخمی ترین فریاد، در چنگ سکوت

از طراز نغمه وا می ماند اگر زینب نبود

در طلوع داغ اصغر، استخوان اشک سرخ

در گلوی چشم ها می ماند اگر زینب نبود

۲- شهادت حضرت امام صادق علیه السلام

برخی نقل کرده اند که امام صادق علیه السلام در نیمه ماه رجب به شهادت رسیدند.

۳- تغییر قبله

۳- تغییر قبله (۲)

۴- ازدواج حضرت علی با حضرت فاطمه علیهما السلام

در روز نیمه رجب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت فاطمه علیها السلام را به عقد علی علیه السلام درآورد که در آن

۱- شیخ مفید، ارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲- بنا بر قولی تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه، در این روز بود. تا پس از هجرت به مدینه، مسلمانان همچنان به سوی قبله یهودیان، نماز می خواندند. یهودیان جهت تضعیف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: محمد مدعی است که دینش، آیین های گذشته را نسخ کرده ولی هنوز قبله مستقلی ندارد. تا اینکه آیه تغییر قبله نازل شد (بقره: ۱۴۴). البته امتحان مسلمانان واقعی نیز از علل تغییر قبله در قرآن معرفی شده است (بقره ۱۴۳). لذا در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو رکعت نماز ظهر را خوانده بود، به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وحی شد که به سوی مسجد الحرام متوجه شود.

۳- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲.

فصل هشتم: توصیه هایی به معتکفین

مراقبت های قبل از اعتکاف

اشاره

معتکف باید قبل از ورود به اعتکاف، خود را هم از نظر ظاهری (رفتار، منش و تدارک ملزومات ورود به مسجد و...) و هم از نظر روحی و روانی (اخلاص در نیت و...) آماده نماید و آمادگی درونی و برونی لازم را در خود ایجاد نماید.

اگر فردی بخواهد به مسافرت چند روزه برود، روزها بلکه ماه ها قبل، نسبت به تهیه همه مقدمات آن فکر می کند، در صورتی که اعتکاف یک سفر سرنوشت ساز است. پس باید برای توشه راه، فکری اندیشید زیرا با لباس و تن آلوده و اموال شبهه ناک انسان به مقصد نمی رسد.

۱- گرفتن حلالیت از اطرافیان و رفع کدورت ها

۲- ادای حقوق مالی

ادای حقوق مالی : مانند بدهکاری به اشخاص، خمس و...

۳- داشتن حضور قلب

فارغ کردن خود، از مشغله های کار و زندگی و اندیشه هایی که فکر را مشغول کند. (به صفحه ۲۴۴ مراجعه شود).

۴- آگاهی کامل از احکام اعتکاف و مطالعه دقیق آن ها

گاهی عدم آگاهی کافی موجب می شود معتکف عملی را مرتکب شود که منجر به وارد آمدن اشکال به اصل اعتکاف و لزوم قضای آن شود.

۵- تنظیم برنامه روزانه

معتکف باید قبل از اعتکاف، برای فعالیت ها و انجام عبادات روزانه،

برنامه ای که سبب حصول یک اعتکاف موفق باشد، را تنظیم کند. زیرا از فعالیتی که بدون برنامه ریزی صورت گیرد، نمی توان نهایت استفاده را نمود.

۶- گذاشتن شرط رجوع

بهتر است انسان، پیش از اعتکاف شرط کند، اگر در بین اعتکاف مشکلی پیش آمد، بتواند از اعتکاف برگردد. با این شرط چنانچه در روز سوّم که اعتکاف واجب است، مشکلی پیش آمد، می تواند از اعتکاف خارج شود.

۷- آماده کردن وسایل مورد نیاز در اعتکاف

مانند قرآن، مفاتیح الجنان، پتو، بالش، کاغذ، خودکار، مسواک، بشقاب، قاشق، لیوان، کتب و...

۸- هدیه کردن ثواب اعتکاف

شایسته است جهت تعجیل در ظهور آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معتکف شویم. می توان این سه روز را وقف آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کرد و تمام عبادات مستحبی خودمان را اعم از تلاوت قرآن و غیره را به نیت ایشان به جا آوریم. آن وقت اعتکاف ما رنگ و بوی مهدوی پیدا می کند و برکات بیشتری نصیبمان می شود.

می توان ثواب اعتکاف را به روح معصومین علیهم السلام، علما، شهدا، اموات و ملتمسین دعا هدیه کرد. در این صورت، علاوه بر اینکه معتکف ثواب کامل را می برد، آنان هم از فیض آن بهره مند می شوند.

۹- گذراندن مرحله اول سیر عرفانی (سیر من الخلق الی الحق)**اشاره**

۹- گذراندن مرحله اول سیر عرفانی (سیر من الخلق الی الحق) (۱)

عدم اهمیت به حقیقت عبادات و صرفاً اهتمام به انجام صحیح صورت ظاهری عبادات، تنها موجب صحت عبادت است و چنین عبادتی اثرات سازنده لازم را ندارد.

ثواب اعمال، نزد سالکان الی الله، تقرّب محسوب نمی شود. آنچه اهمیت دارد پذیرش عمل عبادی از جانب پروردگار است. به طور مثال نماز مقبول، که

۱- مراحل سیر عرفانی، بر اساس بیانات آیت الله العظمی مظاهری، نوشته شده است.

طبق روایات، بهشت را بر انسان واجب می‌کند، علاوه بر صحت (مطابق رساله های عملیه)، باید دارای شرایطی باشد.

مرحله اول سیر عرفانی اعتکاف دارای ۶ منزل می‌باشد که در ذیل به طور مختصر ذکر شده است:

۱-۹- منزل بیداری (یقظه یا توجه)

معتکف باید بیندیشد که آیا او با دعوت خدا به میهمانی خانه او می‌رود و یا به دعوت خود و به اراده خود، میهمان خدا می‌شود؟

معتکف باید بداند کجا می‌خواهد برود؟ چرا می‌رود؟

می‌خواهد از اعتکاف چه برداشتی داشته باشد؟

چگونه می‌خواهد از این سیر سه روزه، باز گردد؟

متأسفانه گاهی، افراد صرفاً برای گذراندن وقت یا همراهی دوستان یا خوشگذرانی به اعتکاف می‌روند.

معتکف باید به توفیقی که خدا به او عنایت فرموده است، و اینکه به خانه خدا وارد می‌شود و مهمان اوست، توجه داشته باشد. معتکفی که چنین توجه و بیداری پیدا کرده است، می‌تواند بعد از اعتکاف که دل را از وجود اغیار پاک کرد، صاحب حقیقی دل خویش یعنی خدای متعال را به دل راه بدهد.

امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «خدا رحمت کند... کسی را که بداند از کجا آمده، برای چه آمده و به کجا خواهد رفت».^(۱)

۲-۹- منزل توبه

اشاره

اگر کسی آلوده به گناه باشد، هرچند عمل عبادی خویش را صحیح انجام دهد، شاید آن عبادت از او پذیرفته نشود و صرفاً عمل واجب یا مستحب انجام

داده است و از خود رفع تکلیف کرده است ولی اگر قبل از عبادت، توبه واقعی نماید، عبادت او پذیرفته می‌شود.

اگر شخصیت بزرگی، انسان را برای شرکت در یک مهمانی مهم در منزل خودش دعوت کرده باشد، هیچ انسان عاقلی با روی آلوده و لباس کثیف به آن مهمانی نخواهد رفت؛ بلکه ابتدا خود را پاک و آراسته کرده بعد به مهمانی می‌رود. خدا انسان‌ها را به حضور در منزل خود فرا خوانده و به پیامبر بزرگی همچون حضرت ابراهیم علیه السلام نیز دستور داده است که بیت الله را برای معتکفین و عبادت کنندگان پاکیزه نماید. کسی که می‌خواهد مهمان خدا شود و به خانه خدا برود باید ابتدا خود را از آلودگی‌ها، پاک کند و آنگاه به ملاقات او برود. جهت شرکت در این مهمانی بزرگ علاوه بر پاکی ظاهر، به پاکی درون، نیز نیاز هست. آب توبه می‌تواند درون و دل را شستشو دهد و پاک گرداند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم

کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است». (۱) در روایات آمده است که کسی که از گناه توبه نماید مانند کسی است که هیچ گناهی ندارد. (۲)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «اگر از خداوند طلب مغفرت کنی، خداوند تو را خواهد آمرزید». (۳)

پرونده پر از گناه بنده، با توبه نابود می‌شود و به جای آن، پرونده جدیدی برای توبه کننده گشوده می‌شود که صفحه اول آن با ثواب توبه می‌درخشد و

۱- سوره زمر، آیه ۵۳.

۲- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲ ص ۴۳۵ به نقل از امام صادق. علیه السلام

۳- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۱، ص ۵۲۱.

پرونده قبلی چنان نابود می‌شود که گویی این بنده اصلاً مرتکب گناهی نشده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، خداوند گناهان آنان را به حسنات، مبدل می‌کند» (۱).

بسیار مشاهده شده است که با یک توجه و بیداری، توفیق توبه به دست آمده است و آن توبه موجب شده است که راه صدساله سیر و سلوک، یک شبه توسط فرد پیموده شود؛ از جمله آنها می‌توان حرّ بن یزید ریاحی را نام برد.

امام خمینی رحمه الله می‌فرمایند: «بهار توبه، ایام جوانی است که بار گناهان کمتر و کدورت قلبی و ظلمت باطنی ناقص تر و شرایط توبه سهل تر و آسان تر است (۲)... پس از آن، از گناهان و مخالفات، توبه خالصی کند با شرایط خود... و چون قلب را از کثافات خالی کرد، مهیای برای ذکر خدا و قرائت کتاب خدا شود و تا قذارات و کثافات عالم طبیعت در آن است، استفاده از ذکر و قرآن شریف، میسر نشود» (۳).

نکته قابل توجه این است که کسی نباید خود را از توبه بی‌نیاز ببیند. تصوّر اینکه گناهکار نیستم و آدم خوبی هستم، بسیار خطرناک است؛ همه باید بدانند که گناهکارند و نیاز به توبه دارند.

۱-۲-۹- چگونه توبه

توبه در همه گناهان به یک صورت انجام نمی‌پذیرد:

(۱) ندامت در جایی که گناه در مورد حقوق الهی باشد و در کنار گناه چیزی مثل نماز و روزه ضایع نشده باشد.

۱- سوره فرقان، آیه ۷۰.

۲- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۲۷۳.

۳- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۰۶.

(۲) ندامت به همراه جبران آنچه ضایع شده است، در جایی که در کنار گناه، چیز دیگری مثل نماز ضایع شود.

(۳) ندامت به همراه جلب رضایت، در جایی که حقوق دیگران ضایع شده باشد.

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسیده شد توبه خالص چیست؟ فرمودند: «این است که بنده از گناهی که کرده پشیمان شود؛ پس از خدا عذرخواهی کند و سپس به آن گناه باز نگردد، همانطور که شیر [دوشیده شده] به پستان باز نمی گردد».(۱)

امیرالمومنین علیه السلام: «استغفار کلمه ای است که بر شش معنی اطلاق می شود:

۱- پشیمانی از گذشته ۲- تصمیم بر ترک [گناه] در آینده

۳- پرداخت حقوق مردم ۴- ادای حق خدا در هر کار واجب

۵- آب کردن گوشت هایی که از حرام روییده، به طوری که پوست به استخوان بچسبد و سپس گوشت تازه در آورد.

۶- چشاندن رنج طاعت به بدن، چنان که لذت معصیت را چشیده است».(۲)

۳-۹- منزل تقوا

پس از توبه، انسان باید تصمیم جدی بگیرد که از آن پس گناه نکند و به تصمیم خود عمل نماید و این عمل، تقوا است.

«کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، به سوی خدا بازگشت می کند».(۳)

بر اساس آیات قرآن، عبادت فقط از متقیان، پذیرفته می شود؛ «خدا، تنها از پرهیزگاران، می پذیرد».(۴)

۱- تفسیرالمیزان، ج ۱۹، ص ۳۵۷/مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۱۸/مکارم تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۶۱.

۲- تحف العقول، ترجمه جنتی، ص ۳۰۱.

۳- سوره فرقان، آیه ۷۱.

۴- سوره مائده، آیه ۲۷.

کسی که قصد عبادت دارد، باید قبل از انجام عمل عبادی، متقی شود.

۴-۹-منزل تخلیه

اساس منزل تخلیه، ریشه کن کردن صفات رذیله و لااقل کنترل آن صفات و خالی کردن دل از رذایل اخلاقی است که عملی واجب می‌باشد.

برخی از صفات رذیله عبارتند از: حسد، کبر، خودخواهی، عصبیت، عُجب، لجاجت، غرور، حبّ دنیا، جهل مرگب، سوء ظن، کینه توزی، غضب، بخل و..

معتکف باید قبل از اعتکاف، درون را از صفات رذیله تخلیه نماید.

۵-۹-منزل تحلیه

آراستن دل به خصایص زیبا و فضایل عالی اخلاقی، اساس منزل تحلیه می‌باشد که یک وظیفه واجب می‌باشد.

برخی از صفات حسنه عبارتند از: خیرخواهی برای دیگران، تواضع، انعطاف پذیری و قبول کردن حق، فریب نخوردن از نفس اماره، اعمال را در مقابل نعمت‌ها هیچ دانستن، حسن ظن به دیگران، حلم در مقابل ناملایمات، سخاوت، شجاعت، علوّ همت و مردانگی، عطوفت و مهربانی، به دل نگرفتن بدی‌ها

معتکف باید قبل از ورود و حین اعتکاف، تلاش وافری در راستای آراستن قلب و دل خویش به فضایل اخلاقی داشته باشد.

۶-۹-منزل تجلیه

انسان پس از گذراندن منازل گذشته، به مقامی دست پیدا می‌کند که نور خدای سبحان را در دل خویش متجلی می‌کند. در این حالت خداوند در دل او تجلی می‌کند و دل او جایگاه خدا می‌شود و این اساس منزل تجلیه است.

تصوّر نشود دستیابی به این مقامات در عبادت، وظیفه نیست و صرفاً همان عبادت ظاهری کافی است.

مراقبت های هنگام اعتکاف

۱-تنظیم برنامه روزانه

معتکف باید برای فعالیت ها و انجام عبادات روزانه، برنامه ریزی درستی را انجام دهد تا بتواند یک اعتکاف موفق داشته باشد و نهایت استفاده را از اعتکاف ببرد.

همچنین باید هر روز را با مراقبه لحظه به لحظه به پایان رساند. باید هر شب به محاسبه موارد قلبی پرداخته شود تا میزان توفیق و عدم آن و نیز علت آن دو معلوم شود و از سقوط تدریجی جلوگیری گردد.

۲-اخلاص در انجام عبادات

۲-اخلاص در انجام عبادات(۱)

۱- آیت الله میرزا جواد آقای ملکی تبریزی رحمه الله (م ۱۳۴۳ق): از اساتید ایشان آقای ملا حسینقلی همدانی بوده اند. ایشان در مقام عرفان مذهبی، مقامی بس والا دارد. امام خمینی رحمه الله در نماز ایشان حاضر و پای درس اخلاق که در منزل، برای خواص برگزار می شد، می نشستند. ایشان می فرمایند: «بنده، در این ماه رجب [مواظب قلبش باشد که زنده با ذکر خدا و با حضور در مقابل او به مراسم بندگی که موجب رضایت اوست مشغول باشد، زیرا مقصود از زنده داشتن شب ها، زنده نمودن قلب در آن است و زنده بودن قلب نیز فقط با ذکر و فکر است و قلب غافل مانند [انسان] مرده است و کسی که مشغول به مکروهاتی که مورد رضایت خدا نیست، باشد، پایین تر از مرده است... انسان باید تلاش کند که در حالی که خیال می کند شب زنده داری کرده و رستگار شده، از دسته ای که گفتیم نباشد... سالک باید قبل از فرا رسیدن این شب ها و اوقات شریف، مواظب خود بوده و بیش از سایر وقت ها حال خود را بررسی کند و بکوشد که گناهی در او نباشد تا در تجارت با پروردگار ضرر و زیانی ندیده، نور عبادت کنندگان را از دست نداده و مانند بنده ای نباشد که سلطان او را به مجلسش برای هدیه دادن و بزرگداشت او، بلکه برای مانوس نمودن و مناجات و حال های عالی به همراه اولیای بزرگوار خداوند، دعوت نموده و او در این مجلس حاضر شده و در حضور سلطان به مخالفت او پردازد و در خانه رحمان و آشکارا، به عبادت شیطان پردازد و با این اعمال، سزاوار خواری بزرگی شده و به جای به دست آوردن بزرگداشت خدا، ذلت و خواری به دست آورد. به هر صورت به حکم عقل واجب است در این شب و امثال آن، از هر چیز ممکن در به دست آوردن رضایت خداوند و سلامتی حال ها و عمل ها از آفت ها، کمک گرفت و با تمام توان باید به این مهم پرداخته تا عمل او خالص و خودش نیز مخلص برای خداوند متعال باشد و در این صورت است که عمل کم نیز کافی است، زیرا پاداش عمل خالص از بنده مخلص، بدون حساب است؛ و بنده ای که تبت درستی داشته باشد، در معامله با مولای خود فقط با خلوص صادق راضی می شود؛ و تمام سعی خود را در این جهت به کار انداخته و این مطلب برای او از هر چیزی مهمتر است، زیرا این مطلب با آرزو به دست نیامده و تنها با علاقه به آن، نمی رسند و کسی که تفاوت این حالت ها را نبیند در ازدیاد عبادت های ظاهری خیلی تلاش

می‌کند، در حالی که در باطن و قلب خود مخالف پروردگار و دارای حالت های پست و اخلاق فاسدی از قبیل ترک واجب و انجام حرام بوده و عمل خود را با ریا و کسب شهرت و نفاق و عُجب و نادانی و مخالفت با خدا انجام می‌دهد. همچنین باید سعی او بر لطیف کردن عمل، بیش از ازدیاد عمل بوده و دعا و مناجاتی را انتخاب کند که عبادت های آن مشتمل بر تملق و خضوع و اعتراف بیشتر به حق مَنّت خداوند، در مشرّف کردن بندگان به تکلیف باشد. حرکات و حالات او به گونه ای باشد که دل را نرم کرده و باعث تواضع و زهد بیشتری گردد، باید در تمام این ماه و ماه شعبان و رمضان و تمام عمر، اهمّیت زیادی به دعا جهت توفیق اخلاص داده، و توجه به خدای متعال با نام های او مانند «کریم العفو» و «مبدّل السیئات بالحسنات» و توسّل به او به وسیله محمّد و آل او علیهم السلام را زیاد کند، زیرا روی ما لیاقت توجّه به حضرت قدس خدا را نداشته و برای جبران این نقص باید به اولیای آبرومند او متوسّل شد. آنگاه شب خود را با توسّل به نگهبانان آن، که از معصومین علیهم السلام می‌باشند، برای اصلاح حال و اعمال خدایی اش به پایان برساند... از امام صادق علیه السلام روایت شده است: هنگامی که روزه گرفتی، گوش، چشم، مو و پوست تو نیز باید روزه بگیرند، امام علیه السلام غیر از این، اعضای دیگری را نیز شمردند ولی همین که پوست و مو را ذکر فرمودند، کافی است، بدانیم لازم است تمام اعضای بدن روزه بگیرند. خلاصه اینکه روزه خواصّ، تنها روزه شکم و فرج نیست، بلکه... روزه خواصّ، روزه تمام اعضای بدن به اضافه روزه قلب است و معنی روزه اعضای بدن خودداری اعضای بدن از مخالفت خواسته های الهی است؛ و روزه قلب عبارت از نگهداشتن آن از خواسته های پست و خطورات دنیوی و بازداشتن کامل آن از غیر خدا می‌باشد. روزه و همینطور هر عبادتی را عوام، تکلیفی بیش نمی‌دانند و لذا با زحمت آن را انجام می‌دهند؛ ولی خواصّ آن را بزرگداشت و لطفی از جانب خدا دانسته و قرار دادن عبادات و واجب نمودن آن را، مَنّت بزرگی برای خدا و نعمت بزرگی برای بندگان می‌بینند و به گونه ای که شایسته بزرگداشت آن است، با نشاط، خوشحالی و سُرور از آن استقبال می‌کنند، نه با حالتی که انسان با تکلیف روبرو می‌شود بلکه بالاتر، از خطاب تکلیف لذّت برده و شادمان می‌شوند. ملاک های تشخیص روزه خالص از روزه ریایی: (۱) اگر موقعی که روزه مستحبی گرفته و در حضور جمعی از نیکان روزه دار، قرار دارد، ببیند [که در موقع لزوم] از شکستن روزه خود شرم می‌کند، بدانند که در روزه او شبهه ای وجود دارد که همان نزدیک شدن به دل های مردم است (۲) اگر دوست داشته باشی غیر خدا نیز از روزه تو آگاه شود، کسانی که گمان می‌کنی اگر اطلاع پیدا کنند خیر دنیایی برای تو دارند؛ اگر چه این خیر، مدح و ستایش و احترام بیشتر آنان به تو باشد یا اینکه میل به اطلاع دیگران به اندازه ای نباشد که در رغبت به روزه تاثیر بگذارد ولی در عین حال دوست داری علاوه بر خدا مردم هم از روزه تو آگاه شوند در هر دو صورت، روزه تو بیمار، و بنده پستی خواهی بود. (۳) اگر هنگامی که با روزه داران زیادی روزه می‌گیری، به نشاط می‌آید و هنگامی که به تنهایی روزه می‌گیری، کسل می‌شود، معلوم می‌شود، زیادی روزه داران در قصد و عمل او تاثیر دارد. بنابراین به مقدار تاثیر آن در قلب، اخلاص تیره شده و روزه بیمار می‌گردد. (۴) قصدت از روزه، به دست آوردن ثواب است یا به خاطر اینکه خدا می‌خواهد؟ اگر به خاطر ثواب باشد، بدان که با این عمل می‌گویی خداوند سزاوار نیست که به خاطر فرمانبرداری اش روزه بگیریم و خداوند به خاطر بزرگی اش شایسته عبادت نیست و اگر رشوه (ثواب) او نبود او را عبادت نمی‌کردم، حقّ خوبی های گذشته او را رعایت نکرده و احترام مقام بزرگ او را نگه نمی‌داشتیم. (۵) اگر رنگین بودن افطار و زیادی غذا و لذّت آن، نشاط تو را در روزه افزون کرد، معلوم می‌شود به مقدار زیادی نشاط روزه، از اوّل تا آخر برای غیر خدا بوده است. تا اینجا ملاک های شروع روزه با اخلاص را گفتیم، اکنون چند ملاک نیز برای تشخیص به پایان رساندن روزه همراه با اخلاص می‌گوییم: ۱- اگر در اثنای روزه به غذای خوشمزه یا همسر زیبا یا سفری که در آن نفعی باشد، برخورد کردی و نشاط روزه، در تو کم و روزه برایت سنگین شده و

انتظار رهایی از روزه را کشیدی، باز هم خالص نیستی؛ زیرا تو نیز از بنده ات خدمتی را که بر خود سنگین بدانند، قبول نمی کنی بلکه به خاطر آن، او را طرد و ترک می کنی. ۲- اگر اتفاقی بیفتد که شکستن روزه ات، نزد خدا بر گرفتن آن برتری داشته باشد، ولی از شکستن روزه در نزد مردم خجالت کشیدی. بدان، که مخلص نیستی زیرا اگر در عمل و قصد خود مخلص برای خواسته خدا بودی ملاحظه هیچ کس را نمی کردی. ۳- اگر در اثنای روزه دیدی که روزه، تو را از انجام بعضی از واجبات یا اموری که نزد خدا اهمیت بیشتری دارد، ناتوان نموده است ولی با این حال روزه خود را نشکستی، وارد دسته ریاکاران در عبادت شده و عبادت تو جزو گناهان کبیره می شود. وظیفه تو در اینجا انجام عملی است که نزد خدا مهمتر است و نباید ملاحظه اینکه مردم عذر تو را نمی دانند، داشته باشی. زیرا این مطالب، روزه یا اخلاص تو را از بین می برد؛ گرچه در اول، روزه تو صحیح و مورد رضایت خداوند بود. در صورت پیش آمدن چنین مطلبی باید فوراً آنچه را که نزد خدا مهم است انجام داده و عدم آگاهی مردم به عذر را نباید ملاحظه کرد و اگر چنین مساله ای اخلاص را از بین برد، باید فوراً از آن توبه نمود. آنچه تو را از خدمت مولا و انجام اعمالی که موجب خشنودی پروردگارت است، باز می دارد، مانند دشمن، برای تو و مولایت می باشد و چگونه تو دشمن خود و او را، بر او مقدم می کنی در حالی که در حضورش بوده و تو را می بیند و هنگامی که غیر خدا را بر او مقدم داشتی چه کسی احتیاجات تو را در دنیا و آخرت برطرف می کند؟». (آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه ابراهیم محدث بندرویگی) امیرالمومنین علیه السلام: «بسا روزه داری که بهره ای جز گرسنگی و تشنگی، از روزه داری خود ندارد و بسا شب زنده داری که از شب زنده داری، چیزی جز رنج و بی خوابی به دست نیاورد. خوشا خواب زیرکان و افطارشان». (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۵) حضرت فاطمه علیها السلام: «روزه دار با روزه اش چه می کند، زمانی که زبان و گوش و چشم و جوارحش را حفظ نکند». (بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۹۳، ص ۲۹۵)

خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «ای رسول! بگو که من خود مأمورم که تنها خدا را بپرستم و دینم را برای او خالص گردانم».^(۱)

خداوند به ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «بگو تمام نماز و عبادات و زندگی و مرگم برای خداست».^(۲)

امام صادق علیه السلام: «مومن دایم در نماز است تا زمانی که در یاد خداست، ایستاده باشد یا نشسته یا خوابیده...».^(۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قصد اعتکاف داشت، وقتی دیدند که خیمه‌هایی در مسجد برافراشته شده است. پرسیدند: این خیمه‌ها متعلق به کیست؟ عرض کردند: خیمه‌های همسران شما (عایشه، حفصه و زینب)، رسول الله با حالتی انکارآمیز فرمود: آیا کار نیک این است (آیا گمان می‌کنید از این کار، در پی خیر

۱- سوره زمر، آیه ۱۱.

۲- «قُلْ اِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره انعام، آیه ۱۶۲).

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۷، ص ۱۵۰.

بوده اند؟! آنگاه بی آنکه اعتکاف کند، مراجعه فرمود و در ماه شوال ده روز معتکف شدند.^(۱)

به نظر می‌رسد سبب ناراحتی پیامبر این بود که مشاهده نمودند خیمه برافراشتن در اعتکاف که زمینه‌ای برای عبادت خالصانه است، به ابزاری برای ریا و خودنمایی تبدیل شده است.

امام خمینی رحمه الله می‌فرماید: «اخلاص در تحصیل توحید و تجرید، از مهمات سلوک است^(۲) کسانی که برای خدا کار می‌کنند هیچ وقت باخت در آن نیست آنهایی که برای دنیا کار می‌کنند باخت دارند، که اگر نرسیدند باختند و عمرشان را هم، هدر دادند».^(۳) «هر سالک که با قدم انانیت و خودبینی و در حجاب ایت و خودخواهی طی منزل سلوک کند، ریاضتش باطل و سلوکش الی الله نیست بلکه الی النفس است. مادر بت‌ها، بت نفس شماست».^(۴)

ریاکاری و تظاهر یکی از آسیب‌های جدی اعتکاف است. به طور نمونه معتکف بپندارد که برتری خاصی نسبت به کسی که معتکف نبوده است، دارد؛ مثلاً- تلفن همراه زنگ می‌خورد و با حالت خاصی بگوید «من معتکفم». (به صفحات ۲۴۴ و ۳۰۱ مراجعه شود.)

۳- حضور قلب در اعتکاف

انسان برای رسیدن به محبت خدا، باید راه عبادت حقیقی را در پیش بگیرد که لازمه آن حضور قلب و تمرکز در افکار است.

۱- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۵۷ باب اعتکاف زنان.

۲- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۰۷.

۳- صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۴۲.

۴- امام خمینی، آداب الصلاة، ص ۸.

صرف حضور جسمانی معتکف در مسجد، به معنی اقامت در جوار حضرت دوست نیست بلکه این قلب و دل است که با توجه و حضور خود، میهمان محفل انس می‌گردد.

روح و مغز همه عبادات، توجه کامل و یاد خداست، پس سزاوار است شخص معتکف در هر حال، چه عبادت به معنای خاص و چه نشست و برخاست و گفتگو و استراحت، همواره این نکته کلیدی را در ذهن و دل خود مرور کند. به محض توجه قلب به غیر خدا، سرِ اعتکاف، که روح و جوهره آن است، از دست می‌رود و از آن چیزی جز پیکر بی جان نمی‌ماند.

امام صادق علیه السلام: «در تورات آمده، ای فرزند آدم! برای انجام عبادت من فراغتی به وجود بیاور تا من دلت را از بی نیازی سرشار سازم و بدون اینکه تو طلب کنی، حاجتت را برآورده کنم و من خود را ملزم می‌دانم که حوائجت را برطرف نمایم».^(۱)

امام صادق علیه السلام: «بهره بنده از نمازش، تنها آن مقداری است که قلبش به خداوند رو کرده و حضور قلب داشته باشد. پس اگر در تمام نماز از یاد خدا غافل باشد، آن نماز پیچیده شده و به روی صاحبش زده می‌شود».^(۲)

امام خمینی رحمه الله: «همانطور که برای کسب مال و منال و برای مباحثه و مطالعه وقت موظف قرار می‌دهد، برای این عبادات نیز قرار دهد که در آن وقت فارغ از امور دیگر باشد تا حضور قلب، که مغز و لب عبادات است، برای او میسر باشد».^(۳)

۱- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۶۷، ص ۲۵۲/کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۸۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۷.

۳- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۴۲۷.

باید از عزلت اعتکاف به ذکر قلب و از ذکر قلب به محبت قلب و از محبت قلب به حضور قلب رسید.

البته برخی به اشتباه، مقدمات حضور قلب چون نفی خواطر را، حضور قلب می‌دانند. همین اشتباه ممکن است در اعتکاف رخ دهد. از روایات به دست

می‌آید که مقدمات محبت و حضور قلب، اکتسابی است؛ ولی نتایجی چون محبت و حضور قلب چنین نیست. (۱) (به صفحات ۲۴۳ و ۳۰۲ مراجعه شود.)

۴- نظارت و مراقبت

معتکف باید بداند در جایی قدم می‌گذارد که میزبان آن خداوند است؛ لذا باید همواره خداوند سبحان را ناظر بر اعمال و رفتار خود بداند.

۵- رعایت حرمت و احکام مسجد

معتکف باید از احکام، آداب و شرایط حضور در مسجد اطلاع پیدا نموده و آنها را رعایت نماید. (به صفحات ۱۹۶ تا ۲۲۲ مراجعه شود.)

۶- تلاش در دستیابی به هدف نهایی اعتکاف (وصول کمال)

هدف اصلی معتکف، عنایت قلبی و توجه کامل به تمام اعمالی است که زمینه ساز یک عمل عبادی خالصانه باشد؛ به طوری که این عبادت چند روزه بتواند ایشان را چند قدم در مسیر کسب معارف الهیه و کمال انسانی به جلو ببرد.

۷- به جا آوردن نماز در وقت فضیلت

امام خمینی رحمه الله: «در هر حال انسان متعبد باید اوقات عبادتش موظف باشد؛ البته اوقات نماز را که مهمترین عبادات است، باید حفظ کند و آنها را در اوقات فضیلت به جا آورد و در آن اوقات برای خود شغل دیگری قرار ندهد.» (۲)

۱- سر الاسراء، جلد ۲، ص ۱۹۵.

۲- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۴۲۷.

۸- محاسبه نفس

ضروری ترین وظیفه هر انسان، خودسازی و تهذیب نفس است. قرآن در آیه ۹ سوره شمس، رستگاری را از آن پرهیزگاران و کسانی دانسته که نفس خویش را تهذیب و پاک کرده اند.

بہتر است معتکف با قرار دادن وجدان و عقل به عنوان قاضی، کلیه اعمال گذشته اش را بررسی نماید و آنرا با ترازوی انصاف، مورد محاسبه قرار دهد. امام خمینی رحمه الله: «اگر [در دنیا] حساب خود را کشیدی، در موقف حساب، گرفتاری نداری و از آن باکی برای تو نیست».^(۱)

آیات آخر سوره حشر، شامل تذکر و محاسبه نفس است. در وقت فراغت نفس از واردات دنیایی، مثل آخر شب یا بین الطلوعین، با حضور قلب خوانده و در آنها تفکر نماید تا نتایج حسنه برده شود.

۹- تفکر و اندیشه**اشاره**

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «لحظه ای فکر کردن، از هفتاد سال عبادت برتری دارد».^(۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام: «برترین عبادت، تفکر است».^(۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام: «قلب را با فکر کردن بیدار کن».^(۴)

۱- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۳۶۰.

۲- «تفکر ساعه خیر من عبادہ سبعین سنہ»، مصباح الشریعہ، ترجمہ مصطفوی، ص ۴۲۳.

۳- «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْفِكْرُ»، غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۸۸.

۴- کافی (ط-اسلامیہ)، ج ۲، ص ۵۴.

امیرالمومنین علیه السلام: «تفکر، حیات قلب انسان بصیر است».(۱)

امام صادق علیه السلام: «عبادت به زیادی نماز و روزه نیست، عبادت تفکر پیرامون امر خداوند متعال است».(۲)

امام خمینی رحمه الله: «ای انسان دل سخت! تفکر کن، بین مرض قلبی تو چیست که دل تو را از سنگ خارا سخت تر کرده و قرآن خدا را که برای نجات تو از عذاب ها و ظلمت ها آمده، نمی پذیرد».(۳)

خلوت بهترین زمینه تفکر است و اگر خوراک درست جهت تفکر یافت نشود، نه تنها مفید نیست که گاهی مضر هم می باشد. اعتکاف از بهترین موقعیتها برای خلوت کردن و تفکر است. شایسته است معتکف روزانه دقایقی را به خلوت و تنهایی اختصاص بدهد و از گفتگوهای بی حاصل پرهیز نماید.

۱-۹- محورهای اصلی تفکر

۱. تفکر در آثار خداوند

۲. تفکر در خود (قوت ها، ضعف ها، روحیات، وظایف، اختیارات، رسالتها و...)

۳. تفکر در دین (قرآن و عترت، عمق و محتوی، برکات و دستورات دین...)

۴. تفکر در دنیا (پوچی، ظاهر و باطن، موقتی بودن، امانتی بودن، دو چهره بودن)

۵. تفکر در جهان آخرت (دایمی بودن، عمق و ظاهر و باطن آن، مراحل، احوال)

۶. تفکر در طبیعت (زیبایی ها، پیچیدگی ها، توانمندی ها، درس ها و...)

۷. تفکر در مردم (دسته بندی ها، تنوع و...)

۱- «التَّفَكُّرُ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ»، کافی (ط-اسلامیه)، ج ۱، ص ۲۸.

۲- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۵۵.

۳- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۰۹.

۸. تفکر در دشمن (درون و بیرون، حيله‌ها، راه‌های مقابله و...)

۹. تفکر در زمان (پيچيدگي‌ها، مقايسه با تاريخ، رسالت‌ها و...)

۲-۹- برخی از موارد تفکر و نتایج آن

۱. تفکر در صفات و اسمای الهی توکل، ایمان و اتکای به خدا

۲. تفکر در قیامت تقوی، توجه به زندگی اخروی، کمرنگ شدن دنیا

۳. تفکر در حسابرسی اعمال دقت در اعمال (افکار، نیات، گفتار، کردار)

۴. تفکر در بهشت و نعمت‌هایش انگیزه شدید در انجام عمل صالح و خیرات

۵. تفکر در پاداش‌های الهی اخلاص، سرعت و سبقت در انجام اعمال صالح

۶. تفکر در آفریده‌های الهی افزایش معرفت و تقویت ایمان و اعتقاد به خدا

۷. تفکر در امدادهای الهی تقویت روحیه توکل و استغاثه به درگاه الهی

۸. تفکر در عفو و بخشش الهی تقویت روحیه استغفار، امید به رحمت الهی

۹. تفکر در وسعت رحمت الهی تقویت روحیه امید به خداوند

۱۰. تفکر در عذاب الهی خوف و خشیت نسبت به خداوند

۱۱. تفکر در عظمت الهی خشیت و خضوع در برابر خداوند

۱۲. تفکر در ویژگی‌های معصومین علیهم السلام اقتدای کامل به ایشان و الگوگیری

۱۳. تفکر در عصمت معصومین علیهم السلام توسل همه جانبه به معصومین علیهم السلام

۱۴. تفکر در تاریخ معصومین علیهم السلام صبر و استقامت در مسیر حق

۱۵. تفکر در نظارت الهی حیا نسبت به اعمال خود در محضر خداوند

۱۶. تفکر در عمق گناهان پرهیز از معاصی

۱۷. تفکر در باطن عبادات افزایش خلوص و تداوم در انجام عبادات

۱۸. تفکر در بی وفایی دنیا زهد و عدم وابستگی نسبت به دنیا

۱۹. تفکر در حقیقت دنیا استفاده درست از دنیا برای آخرت بهتر

۲۰. تفکر در موقتی بودن دنیا برنامه ریزی دقیق برای ثمرات اخروی

۲۱. تفکر در آیات قرآن به کارگیری فرمول های الهی در زندگی

۲۲. تفکر در جامعیت قرآن و عترت تداوم اتصال به آنها در مراحل زندگی

۲۳. تفکر در طولانی بودن سفر آخرت جمع آوری آذوقه متناسب سفر (تقوا)
۲۴. تفکر در مرگ هوشیاری در ارتباط با دنیا (جدایی از وابستگی ها)
۲۵. تفکر در تنوع روحيات انسان ها برقراری ارتباط درست با روحيات مختلف
۲۶. تفکر در ظاهر و باطن عالم پرهیز از سطحی نگری
۲۷. تفکر در مکر و حيله شيطان اعتصام به حبل الله
۲۸. تفکر در شیوه های مکر شيطان مراقبت، احتیاط در کردار، گفتار و نیات
۲۹. تفکر در الطاف الهی شدت گرفتن وابستگی به خدا (اشدّ حباً لله)
۳۰. تفکر در عاقبت به خیرها و عاقبت به شرّها مواظبت، استعاذه و استغاثه دائمی
۳۱. تفکر در ابتلائات تقویت ایمان، صبر در برابر بلاها و استعاذه از آنها
۳۲. تفکر در نعمات الهی شکر متناسب با هر نعمت
۳۳. تفکر در برکات انفاق سرمایه گذاری معنوی
۳۴. تفکر در فلسفه دستورات الهی تسلیم در برابر اولیا و دستورات الهی
۳۵. تفکر در فطری بودن دین استحکام در عمل
۳۶. تفکر در فرصت ها استفاده دقیق از فرصتها و غنیمت شمردن آنها
۳۷. تفکر در کوتاهی عمر برنامه ریزی، اولویت بندی
۳۸. تفکر در برنده ها و بازنده های عالم حرکت در مسیر برنده های عالم
۳۹. تفکر در برکات سحرخیزی سحرخیزی و استفاده از برکات آن

۱۰- ترک گناه و توبه از آن

اعتکاف زمانی از ارزش واقعی برخوردار است که مقدمه ای برای ترک گناه باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود: «اگر معتكف از گناهان دورى كند، پاداش همه حسنات نصيب او خواهد شد».^(۱) اعتكاف فرصتى استثنائى براى احياى روح و

۱- كنز العمال، ج ۸، ص ۵۳۱، ح ۲۴۰۱۲.

روان است. اعتکاف از بهترین تمرین ها برای بازگشت به خویشتن و از نزدیکترین راه ها جهت بازگشت در مسیر الی الله و صراط مستقیم است.

امام هادی علیه السلام می فرمایند: «مؤمن، به توفیق الهی و واعظ درونی و حس نصیحت پذیری محتاج است».^(۱)

خوب است معتکف، بعد از نیت، از گناهان گذشته اش توبه کند و عهد نماید که در زمان اعتکاف و بعد از آن مرتکب معاصی کبیره و حتی صغیره نشود و عبدی صالح و پرهیزگار باشد. (به صفحه ۲۳۷ مراجعه شود).

۱۱- انجام عاشقانه عبادات مستحبی

اعتکاف از عباداتی است که بیشترین عبادات در آن جمع است.

بنده با خواندن پروردگارش، عنایت او را به سوی خود جلب و خود را در مقام عبودیت قرار می دهد.

از انجام عبادات مستحبی به «اندازه نشاط» نباید غفلت کرد. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «با فضیلت ترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد و با اشتیاق تمام، عبادت را به آغوش بکشد و با جسمش آن را دوست بدارد و برای آن فراغتی به وجود بیاورد».^(۲)

۱۲- اقامه نماز جماعت و نمازهای مستحبی

اشاره

امام صادق علیه السلام: «گاهی از نماز بنده ای، نصف یا ثلث یا ربع و یا خمس آن بالا می رود و آنچه حضور قلب داشته، قبول می شود و به نافلة ها به این علت امر شده تا نقص نمازهای واجب را جبران کند».^(۳)

۱- تحف العقول، احادیث امام هادی علیه السلام، ص ۴۵۷.

۲- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۸۳/وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱، ص ۸۳.

۳- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۳، ص ۳۶۳/شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۲۸.

نماز، مکالمه و معاشقه با خداوند است. نماز روح عبادت و مُهر قبولی تمام اعمال است. نماز، معراج مومن است. ثواب و پاداشی که در روایات برای نماز گزار بیان شده، فقط برای خواندن لفظی نماز نیست بلکه باید همراه با حضور قلب باشد. (به صفحه ۲۴۴ مراجعه شود).

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «هیچ چیز به مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی ساید پس نماز به جا آور و بینی شیطان را به خاک بمال».(۱)

با توجه به فضایل اقامه نماز جماعت، سعی شود در اعتکاف، نمازها به صورت جماعت برگزار شود.

خوب است در این ایام، نوافل که به صورت دو رکعتی خوانده می شوند، به جا آورده شود:

۱) دو رکعت قبل از نماز صبح

۲) هشت رکعت قبل از اذان ظهر

۳) هشت رکعت قبل از نماز عصر

۴) چهار رکعت پس از نماز مغرب

۵) دو رکعت نشسته پس از نماز عشا

۱-۱۲- نماز جعفر طیار

این نماز مورد تاکید می باشد. با فضیلت ترین وقت خواندن این نماز، روز جمعه، هنگام بالا آمدن آفتاب است. می توان این نماز را به عنوان نافله خواند که در این صورت، هم نماز جعفر طیار و هم نماز نافله محسوب می شود.(۲)

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰.

۲- امام صادق علیه السلام: «در روز فتح خیبر، خبر آمدن جعفر از حبشه، را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دادند. حضرت فرمود: به خدا قسم، نمی دانم از کدام خوشحال باشم، آمدن جعفر یا فتح خیبر؟ جعفر خدمت ایشان رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیشانی او را بوسید و فرمود: آیا جایزه و هدیه ای به تو ندهم؟ مردم گمان کردند که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به او طلا و نقره می دهد و منتظر بودند تا ببینند هدیه پیامبر چیست؟ آن حضرت فرمود: چیزی به تو عطا می کنم که اگر آن را هر روز انجام دهی، از دنیا و آنچه در آن است، برای تو بهتر خواهد بود و اگر بتوانی هر روز یک بار بدان عمل کنی، خداوند گناه بین آن دو روز را می آمرزد و گرنه در هر جمعه یا هر ماه یا هر سالی به آن عمل کنی، خداوند گناه این مدت را می بخشد. (تهذیب الاحکام، تحقیق خراسان، ج ۳، ص ۱۸۶/وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۸، ص ۵۰) کیفیت نماز جعفر طیار:

این نماز شامل دو نماز دو رکعتی است. در هر رکعت، حمد و سوره می‌خواند و سپس ۱۵ بار می‌گوید: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» و همین تسبیح را ۱۰ مرتبه در رکوع و سجده و ۱۰ مرتبه بعد از سر برداشتن از رکوع و سجده می‌گوید. در هر رکعت ۷۵ بار و جمعاً در تمام چهار رکعت، ۳۰۰ مرتبه این تسبیح خوانده می‌شود. بعد از حمد سوره خاصی تعیین نشده ولی افضل آن است که در رکعت اول سوره «زلزلت» و در رکعت دوم سوره «عادیات» و در رکعت سوم سوره «نصر» و در رکعت چهارم سوره «توحید» خوانده شود. در صورتی که نماز گزار عجله داشته باشد، جایز است که تسبیحات را بعد از نماز بگوید. همچنین اگر کار ضروری داشته باشد، می‌تواند ابتدا دو رکعت را بخواند و بعد از انجام کار ضروری، دو رکعت دیگر را به جا آورد. اگر از خواندن بعضی از تسبیحات در محل خودش غفلت کند، چنانچه در جای دیگری از نماز آن را به یاد آورد، علاوه بر تسبیحات آنجا، قضای تسبیحات فراموش شده را نیز بخواند مثلاً اگر تسبیحات رکوع را فراموش کند و بعد از سر برداشتن از رکوع یادش بیاید. بیست مرتبه تسبیح می‌گوید. (امام خمینی، ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۵) در کتاب مفاتیح الجنان اعمال مستحب دیگری پس از خواندن نماز، ذکر شده است.

اشاره

سوره مزمل، آیه ۲: «ای پیامبر! شب را، جز کمی، به پاخیز»

سوره سجده، آیه ۱۶: «[تنها کسانی به آیات ما ایمان می آورند که] پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می شود (و به پا می خیزند و رو به درگاه خدا می آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند».

فردی به علی علیه السلام عرض کرد یا امیرالمومنین من از خواندن نماز شب محروم شده ام؟ حضرت فرمودند: «گناهانت تو را در بر گرفته و دوره کرده اند». [اگر می خواهی از این محرومیت بیرون بیایی باید اولاً از گناهان گذشته توبه نمایی و ثانیاً گناه نکنی]. (۱)

امام صادق علیه السلام: «هر کس در نماز وتر که آخرین رکعت نماز شب است هفتاد بار در حال ایستاده بگوید استغفر الله و اتوب الیه و تا یک سال این عمل را ادامه دهد خداوند، او را در درگاه خود از مصادیق مستغفرین بالاسحار به حساب می آورد و آمرزش خدای تعالی برایش حتمی خواهد شد». (۲)

امام صادق علیه السلام: «کسی که نماز شب نمی خواند از [شیعیان] ما نیست». (۳)

۱- .علل الشرایع، ج ۲، باب ۸۳، ص ۵۱/ وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۸، ص ۱۶۱.

۲- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه غفاری، ص ۳۸۰.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۸، ص ۱۶۲، باب ۴۰ کراهه ترک صلاه اللیل، ح ۱۰. اهل بیت علیهم السلام با تفکیک میان دو عنوان «شیعه» (پیرو) و «محب» (دوستدار)، هر کسی را شایسته عنوان شیعه نمی دانند و فقط کسانی که دارای شباهت های اخلاقی و رفتاری با آن بزرگواران معرفی می باشند را شایسته برخورداری از عنوان «شیعه» معرفی می کنند. ائمه علیهم السلام در برابر کسی که ادعای شیعه بودن می کند، به این مضمون می فرمایند: ادعای شیعه بودن نکن، ... بلکه چون ادعای مقام و مرتبه ای را کرده ای که شایستگی آن را نداری، با همین ادعا بر گناهانت می افزایی» (تفسیر امام حسن عسگری، ص ۳۰۸ و ۳۰۹). در مورد شخص گرانفروشی که در بازار، آشکارا ادعای شیعه بودن می کرد، گفته شده است: «آیا این شخص، همانند سلمان، ابوذر، مقداد و عمار است؟ هرگز چنین نیست... [پس او نمی تواند خود را «شیعه» بنامد] اما مانعی نیست که بگوید من دوستدار محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم و دوستان آنان را دوست می دارم و دشمنانشان را دشمن می دارم». (بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۶)

امام صادق علیه السلام: «شرافت مومن، در نماز شب اوست».^(۱)

امام صادق علیه السلام: «هیچ کار خوبی نیست مگر آنکه در قرآن برای آن پاداش مشخصی بیان شده است، مگر نماز شب که خداوند پاداش آن را به خاطر عظمت منزلت آن روشن نکرده است».^(۲)

امام حسن عسکری علیه السلام: «همانا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام سفارش کردند که ای علی بر تو باد نماز شب و کسی که نماز شب را سبک بشمرد، از ما نیست. پس به سفارش من عمل کن و همه شیعیانم را سفارش کن تا به آن عمل کنند».^(۳)

علما و عرفا نیز شاگردانشان را به اقامه نماز شب، سفارش می کردند.

علّامه طباطبایی رحمه الله می فرماید: «چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم، به سبب قرابت و خویشاوندی، گاهی به محضر مرحوم قاضی شرفیاب می شدم. یک روز که در مدرسه ای ایستاده بودم، مرحوم قاضی از آنجا عبور می کردند که چون به من رسیدند، دست خود را روی شانه من گذاردند و گفتند: ای فرزند! دنیا می خواهی، نماز شب بخوان؛ آخرت می خواهی، نماز شب بخوان».

آیت الله العظمی بهجت رحمه الله می فرماید: «آقا سید جمال گلپایگانی به آقا زاده خود می فرمود: اگر نماز شب نخوانی عاقبت می کنم. پسر ایشان خیلی ناراحت

۱- ثواب الاعمال، ص ۴۱/وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۸، ص ۱۴۸.

۲- تفسیر قرآن، آیت الله مکارم، ذیل آیه ۱۶ سوره سجده/مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۳۱.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۳، باب ۲۱، ص ۶۴، ح ۳۰۳۳.

می‌شود و می‌گوید برای ترک مستحب، چرا عاقم می‌کنی؟ ایشان می‌فرماید منظورم این است که تا می‌توانی نماز شب را ترک نکنی».

برای ترک مستحب فرزندش را عاق می‌کند در حقیقت با این کار آتیه فرزندش را تامین می‌کرده است زیرا هر راهی جز آن، چه زمین و ملک و چه گوسفند و دام و... فناپذیر است»^(۱).

شهید مطهری می‌فرماید: «ما یک سلسله لذت‌های دنیوی داریم که ما را بالا می‌برد. برای کسی که اهل تهجد و نماز شب است و جزء صادقین و صابریین و مستغفرین بالاسحار باشد، نماز شب لذت و بهجت دارد؛ آن لذتی که یک نفر نماز شب خوان حقیقی و واقعی از نماز شب خودش می‌برد از آن «استغفرالله ربی و اتوب الیه» می‌برد؛ از آن «العفو» گفتن‌ها و یاد کردن و دعا کردن‌های حدّ اقلّ چهل مومن می‌برد و آن لذتی که از آن «یا ربّ یا ربّ» گفتن‌ها می‌برد، هیچ وقت یک آدم عیاش که در کاباره‌ها می‌گردد احساس نمی‌کند. لذت آن

نماز شب خوان خیلی عمیق تر، نیرومندتر و نشاط بخش تر است...

اگر انسان بخواهد لذت‌های معنوی و الهی را در این دنیا درک کند

چاره‌ای ندارد جز اینکه از لذت‌های مادی کسر کند»^(۲).

۱-۱۳- آثار نماز شب

اشاره

ذکر آثار عبادت، عاملی برای تشویق و ترغیب همگان به ویژه نسل جوان به انجام دادن آن است؛ لذا برخی از آثار مادی و معنوی نماز شب ذکر می‌شود:^(۳)

۱- رخشاد، محمّد حسین، در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت، کتاب دوم، ص ۱۶۹.

۲- شهید مطهری، حق و باطل به ضمیمه احیا تفکر اسلامی، ص ۱۷۱.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۸، ص ۱۴۵/قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۲، کلمه الصلاه/تویسرکانی، لثالی الاخبار، ج ۴، ص ۶۸/بحار الانوار، ج ۸۷ و ۸۴ (باب فضل صلاه اللیل) /ارشاد القلوب، ص ۳۱۶/امالی صدوق/خصال/دعائم الاسلام، ج ۱/علل الشرایع، ج ۲/ثواب الاعمال/امالی شیخ مفید.

(۱) برخی آثار دنیوی نماز شب

- ۱- شرافت و بزرگواری ۲- بهجت، مسرت و رفع غم و اندوه و افسردگی
- ۳- ادا شدن قرض و دین ۴- افزایش و برکت روزی ۵- پاکی روزی
- ۶- ضمانت روزی ۷- طول عمر و وسعت در زندگی ۸- ایمنی جامعه ۹- زیبایی ۱۰- سلامت جسم ۱۱- شادابی چهره ۱۲- نورانیت چهره ۱۳- خوشبویی
- ۱۴- آرامش جسم ۱۵- پیشگیری و درمان بیماری ۱۶- گشایش در زندگی

(۲) برخی آثار معنوی نماز شب

- ۱- نورانیت دل ۲- خوش خلقی ۳- قبولی اعمال ۴- پوشاندن گناهان
- ۵- آمرزش گناهان ۶- کفاره گناهان ۷- عامل بازدارنده از گناه ۸- رضایت و افتخار خداوند ۹- اسلحه مومن در برابر دشمن
- ۱۰- در معرض رحمت الهی قرار گرفتن ۱۱- اجابت دعا

(۳) برخی آثار پس از مرگ نماز شب

- ۱- شفاعت کننده نزد ملک الموت ۲- چراغ در قبر ۳- فرش در قبر
- ۴- جوابگویی به نکیر و منکر ۵- مونس و زایر نماز گزار در قبر
- ۶- زینت آخرت ۷- سایه بر سر نماز گزار در قیامت ۸- تاج بر سر او ۹- لباس او ۱۰- نور جلوی او ۱۱- مانع بین او و آتش
- ۱۲- سنگینی میزان اعمال ۱۳- جواز عبور از صراط ۱۴- کلید بهشت ۱۵- سبب داخل شدن به بهشت

۲-۱۳- کیفیت نماز شب

نماز شب آداب فراوانی دارد، ولی یک روش ساده آن چنین است که ۱۱ رکعت به ترتیب ذیل خوانده شود:

ابتدا ۴ نماز دو رکعتی که در مجموع ۸ رکعت می‌شود و نامش نافله شب است؛ سپس یک نماز دو رکعتی خوانده می‌شود که نافله «شفع» نامیده شده است. پس از آن یک نماز یک رکعتی است که نامش نافله «وتر» است. در نماز وتر ابتدا حمد و سوره و سپس قنوت خوانده می‌شود و آنگاه پس از رکوع و سجود، تشهد و سلام خوانده می‌شود. نماز وتر اذان و اقامه ندارد و قنوت آن هرچه طولانی تر باشد، بهتر است. در قنوت نماز وتر بعد از درخواست حاجات، برای ۴۰ مومن دعا و طلب مغفرت می‌شود سپس ۷۰ مرتبه «استغفرالله ربی واتوب الیه»، ۷ مرتبه «هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ» سپس ۳۰۰ مرتبه ذکر «الْعَفْوَ» را تکرار می‌کند و بعد از آن با گفتن «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»، قنوت نماز وتر تمام می‌شود. بهتر است این دعاها با حالت گریه و تضرع گفته شود.

۳-۱۳- وقت نماز شب

وقت نماز شب از نیمه شب تا قبل از طلوع فجر صادق است. هرچه به اذان صبح نزدیک تر باشد، فضیلت بیشتری دارد. کسی که می‌ترسد خواب بماند

می‌تواند نماز شب را پیش از نیمه شب بخواند. اگر نماز شب قضا شود، می‌توان آن را در روز به جا آورد. لازم نیست که یازده رکعت را یکجا خواند بلکه می‌توان آن را در دو یا سه نوبت، خواند. همچنین می‌توان تنها به نماز شفع و وتر اکتفا کرد و می‌توان هنگامی که وقت تنگ است، تنها نماز وتر را خواند. (۱)

۴-۱۳- برخی روش های بیدار شدن برای نماز شب

در صورت ناکارآمدی روش های معمول (استفاده از ساعت زنگدار، سفارش به دیگران جهت بیدار کردن)، توجه به موارد ذیل، پیشنهاد می‌شود:

۱- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلوه، ص ۱۵۲.

۱- خواندن آیه آخر سوره کهف ۲- کم خوردن شام ۳- زود خوابیدن

۴- خوردن غذای حلال و خمس و زکات داده شده ۵- با وضو خوابیدن

۶- اجتناب از غذای شبهه ناک ۶- اراده آهنین و تصمیم جدی برای بیدار شدن ۷- قایل شدن اهمیت فوق العاده برای نماز زیرا آنچه برای انسان مهم باشد به راحتی آن را از دست نمی دهد. ۸- در جای گرم و نرم نخوابیدن ۹- ترک گناه ۱۰- توفیق نماز شب خواستن، از خدا

۱۴- انجام تعقیبات بعد از نماز

حتی المقدور، سعی شود تعقیبات مستحب بعد از نماز به جا آورده شود، اعمالی چون تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام، دعای بعد از نماز، نماز مستحبی و...

۱۵- قرائت قرآن کریم

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «ای سلمان!... مومن هنگامی که قرآن می خواند خدا درهای رحمت را به سویش می گشاید». (۱)

تلاوت قرآن همراه با تدبیر، دارای فضیلت است، نه قرائت بی تدبیر و تعمق. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «وای به حال کسی که آن را بخواند و نیندیشد». (۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «قرآن عهدنامه ای است الهی به سوی خلقش، شایسته است که انسان به عهدنامه خدا نظر کند و روزی لااقل ۵۰ آیه بخواند». (۳)

فقها در اعتکاف، تعلیم و تعلم و تلاوت قرآن را مهمتر از نماز مستحبی شمرده اند. (۴) برخی معتقدند که بهتر از همه دعا، همراه با حضور قلب است؛ زیرا دعا مغز عبادات است. (به صفحه ۲۷۶ مراجعه شود).

۱- جامع الاخبار، تاج الدین شعیری، ص ۳۹.

۲- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۴۹ ذیل آیات ۱۹۰-۱۹۴ سوره آل عمران.

۳- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۶۰۹.

۴- الینابیع الفقیهه، ج ۲۹، قسمت دوم، ص ۱۹۴ و ۱۶۹.

معتکف سعی کند سوره های الرحمن و واقعه را بیشتر بخواند. از کارهای شایسته، اهدای ثواب خواندن قرآن، به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱۶-دایم الوضو بودن

این عمل باعث می شود که تمام اعمال انسان، رنگ معنویت به خود بگیرد. سفارش شده است که شب، قبل از خواب، با وضو به بستر بروید زیرا اگر با وضو بخوابید گویی تا صبح، مشغول به عبادت هستید. از دیگر حسنات آن، گشایش و فرج در مشکلات روزمره و مصایب زندگی می باشد.

۱۷-گنجاندن برنامه های آموزشی، مطالعه و جلسات علمی

در ایام اعتکاف، انجام برنامه های آموزشی از قبیل بیان احکام، کلاس اخلاق و... مناسب است. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد مسجدی شدند، در آنجا چند گروه، در چند جا نشسته بودند، گروه اول، مشغول یادگیری مسایل دینی و گروهی دیگر، مشغول عبادت و راز و نیاز. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هر دو گروه را مورد تشویق قرار دادند ولی برای گروه اول، مزیت خاصی نسبت به گروه دوم قایل شدند و فرمودند: «گروه دوم، خدای را می خوانند ولی گروه اول علم می آموزند و می خواهند دانش خود را به دیگران بیاموزند لذا این گروه افضل و برترند؛ من نیز به خاطر تعلیم، به رسالت برانگیخته شده ام». سپس آن حضرت در جمع گروهی که مشغول دانش اندوزی بودند، نشستند. (۱)

۱۸-رعایت حال دیگر معتکفین

۱- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۱، ص ۲۰۶.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حال اعتکاف متوجه شدند که برخی با صدای بلند به قرائت قرآن یا نماز پرداخته اند. لذا فرمودند: «بدانید همگی شما با خدای خود راز و نیاز می کنید، پس بعضی از شما بعضی دیگر را آزار ندهید و هنگام قرائت قرآن یا نماز، صدای خود را بلند نکنید».^(۱)

حَقَّ النَّاسِ مَقْدَمٌ بِرِحْقِ اللَّهِ اسْت. معتکفین از هر گونه سر و صدا و خواندن دعاهاى دسته جمعی که موجب ناراحتی دیگران می شود، پرهیز کنند و رعایت حال کسانی که خوابیده اند، را بنمایند. در اعتکاف حَقَّ با کسی است که خواب است مگر وقت نماز. خواندن دعا به تظاهرات، مبدل نشود و از شورآفرینی و هیجان های بی مورد، خودداری شود. با وقار و حضور قلب و توجه به خدا دعا کنید و به سایرین نیز تذکر دهید. «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ».^(۲)

۱۹- احسان، همکاری و کمک به عوامل اجرایی

لطف و شفقت به دیگر معتکفان، دل را رقیق و آماده حالات خوش رحمانی اعتکاف می کند.

چه زیباست برای رضای خداوند ما نیز یک بار، به طور ناشناس کفش های دیگر معتکفین را جفت کنیم که این عمل علاوه بر ثواب، محاسن اخلاقی فراوانی را برای خود ما به دنبال دارد.

۲۰- صرف افطار و سحری به صورت دسته جمعی

افطاری و سحری خوردن دسته جمعی، باعث ایجاد صفا و صمیمیت خاصی شده و همدلی و اخوت را افزایش می دهد.

۲۱- چگونگی اطلاع از اخبار جامعه

۱- کنز العمال، ج ۲، ص ۳۲۴.

۲- سوره ذاریات، آیه ۵۵.

جهت اطلاع از اخبار جامعه، از یک رادیوی کوچک یا روزنامه، به صورت محدود، استفاده شود تا برنامه های عبادی اعتکاف تحت الشعاع قرار نگیرد.

۲۲- سادگی در انتخاب نوع غذا

چون اعتکاف، تمرین تقوا و امساک از غذا و آب است و از طرفی، شاید برخی از معتکفین از وضع مادّی خوبی برخوردار نبوده و از غذای ساده استفاده نمایند، پس شایسته است کلیه معتکفین از غذای ساده استفاده نمایند و از پرخوری و صرف وقت زیاد برای تهیه غذا پرهیزند چرا که معمولاً پرخوری، دل را می میراند.

۲۳- انجام نرمش صبحگاهی

انجام چند دقیقه نرمش صبحگاهی برای آمادگی و نشاط بیشتر معتکف برای عبادت مطلوب، مناسب خواهد بود.

۲۴- تمرین حضور در مسجد

اعتکاف، زمان مناسبی برای انس با مسجد و حضور مداوم در آن است.

۲۵- رعایت پاکی

در اعتکاف باید پاکی روحی و روانی رعایت شود. وقتی خدا به حضرت ابراهیم و اسماعیل دستور می دهد که حرمش را پاکیزه کنند تا معتکفین به عبادت پردازند، (۱) پس جایی که پاکیزه شد مکان افراد آلوده (هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی و روانی) نیست.

۲۶- توصیه های بهداشتی ویژه معتکفین

- در اعتکاف باید طهارت و اصول بهداشتی رعایت شود (النظافه من الایمان).

- لازم است مقدمات لازم برای بهداشت فردی و جمعی و تمام مایحتاج مورد نیاز و مناسب شأن مسجد و اعتکاف، قبل از اعتکاف آماده شود.

- معتکف باید در تمام مدت اعتکاف، این اصل مهم را مد نظر قرار دهد که حال که به خانه خدای زیبایی ها و مکان مقدس می رود، نیکوست که خود نیز زیبا و تمیز باشد تا زیبایی خانه خدا را دو چندان کند.

- از بهترین و پاکیزه ترین لباس ها هنگام اعتکاف استفاده شود تا هم به زیبایی مسجد اضافه گردد و هم محیطی جذاب، شاداب و جوان پسند فراهم آید. طبق روایات، استحباب دارد که انسان در حال نماز نیکوترین لباس خود را بپوشد و با رعایت نظافت و طهارت کامل به نماز و راز و نیاز با خدای بزرگ پردازد. (به صفحه ۲۱۶ مراجعه شود).

- هنگام ورود به شبستان مسجد، همواره با پای شسته و جوراب تمیز باشید.

- دقت شود از بروز هر نوع بوی غیر طبیعی از بدن و یا لباس (خوردن سیر، بوی بد دهان، بوی لوازم بهداشتی، عرق بدن و...) خودداری گردد.

- هنگام بروز علایم ابتلا به امراض واگیردار، جهت جلوگیری از سرایت این بیماری به دیگر معتکفین، نسبت به درمان سریع آن اقدام ضروری به عمل آید.

- برای احترام و حفظ حقوق دیگر نمازگزاران و نیز حفظ شأن و جایگاه رفیع مسجد، از استعمال دخانیات، پرهیز گردد.

- از آوردن کفش به داخل مسجد خودداری گردد و در صورت لزوم از نایلون یا کیسه مخصوص استفاده شود.

- باید معتکفین در خصوص انجام غسل های واجب و مستحب، اهتمام لازم را داشته باشند زیرا باعث پاکیزه شدن آنها از بوی بد خواهد شد.

- حتماً در فواصل مناسب مسواک زده شود چون باعث رفع بوی نامطبوع دهان می شود.

- طبق احکام اسلامی، افرادی که جُنُب، حیض و نفاس می باشند نمی توانند در داخل مسجد توقف داشته باشند.

- از انداختن خلط، آب دهان و... در صحن و حریم مسجد خودداری شود.

- از پخش شدن محتویات دهان در هنگام سرفه و یا عطسه، از طریق گرفتن جلوی دهان با دست یا استفاده از ماسک های ویژه، جلوگیری به عمل آید.

- چه زیباست که معتکفین در پایان اعتکاف، نسبت به نظافت و جاروب نمودن مسجد اقدام نمایند.

۲۷- رعایت اصول تغذیه در اعتکاف

- به جای افطار با آب سرد، از چای کم رنگ یا شیر گرم استفاده شود و سپس با مصرف چند عدد خرما یا کشمش، اشتها کنترل شود.

- خرما، نان و پنیر و سبزی یا گردو، حلیم، سوپ و شیر از بهترین مواد غذایی برای افطار محسوب می شوند زیرا سیستم گوارش را آماده فعالیت می کنند.

- افطار و شام با حجم اندک و با فاصله مصرف شود.

- همزمان با افطار یا بلافاصله پس از آن، از نوشیدن آب زیاد پرهیز شود زیرا باعث بی حالی، ضعف، سوء هاضمه و درد معده می شود. مصرف کافی آب بین افطار و زمان خواب، باعث تامین آب بدن و جلوگیری از یبوست می شود.

- مصرف میوه و سبزیجات باعث جلوگیری از یبوست می شود.

- همراه شام از سبزیجات استفاده شود تا ضمن رفع عطش، از یبوست جلوگیری شود.

- بعد از شام از مصرف مواد غذایی چرب و تنقلات خودداری شود زیرا موجب سنگینی معده و عدم میل به سحری می شود.
- در سحر باید از غذاهایی که به کندی هضم می شوند، استفاده کرد مانند حبوبات و غلات (لوبیا، عدس، گندم، جو و...)
- در سحر حتما خرما میل شود زیرا باعث کاهش عطش، گرسنگی، بی حالی و بوی نامطبوع دهان می شود.
- در سحر از خوردن چای، قهوه و نوشابه زیاد خودداری شود زیرا باعث افزایش ادرار و دفع آب بدن می شوند.
- پرخوری در سحر فشار زیادی را به دستگاه گوارش وارد می کند و تاثیر چندانی جهت جلوگیری از احساس گرسنگی در انتهای روز ندارد.
- مواد غذایی نامناسب: شوری ها، چربی ها، نوشابه، شیرینی های صنعتی مانند زولبیا و بامیه، سرخ کردنی ها، آبمیوه های صنعتی، فست فودها، غذاهای معطر
- مواد غذایی مناسب: حلیم، عدسی، آش، سوپ، فرنی، شیربرنج، چای کمرنگ، آب جوش، برنج، گوشت های تازه، نان سبوس دار، پنیر، شیر گرم، عسل، خرما، سبزی

۲۸- پرهیز از امور دنیوی

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: «[معتکف] در رابطه با مسایل دنیوی و... صحبت

نمی کند» (۱).

تمام تلاش معتکف در این ایام، باید بهره مندی از امور معنوی باشد.

۲۹- پرهیز از زیاده روی در شوخی

۱- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۹۴، ص ۱۳۰/مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۷.

شوخی و خنده زیاد اگر از حد بگذرد باعث مردن دل و ایجاد رنجش دوستان می شود.

لذا از شوخی و مزاح بیهوده و غیر ضروری اجتناب گردد.

۳۰- عدم انجام کارهای لغو

کار لغو دل را غافل می کند و با انگیزه و هدف اعتکاف ناسازگار است. مانند کلام یا معاشرت های لغو، مشغول شدن با تلفن همراه از طریق بازی، تماس ها و پیامک های نامربوط. (به صفحات ۲۶۸ و ۲۷۰ مراجعه شود).

۳۱- پرهیز از زیاده روی در خواب

۳۲- حتی الامکان استفاده نکردن از تلفن همراه

۳۳- خاطره نویسی

از سوغات خوب، بیان خاطرات شیرین ایام اعتکاف است. در خاطره نویسی به نقل وقایع روزانه اکتفا نشود بلکه سعی شود فراتر از ظواهر، آن سوی صحنه ها نیز ترسیم شود تا به خواننده، اندیشه و شناخت دهد. زیبایی قلم، محتوای خوب، موشکافی های دقیق، تحلیل های برخاسته از چشم باز و دل روشن می تواند خاطرات را ماندگار کند.

۳۴- مطالعه شرح حال بزرگان معنوی

زیرا علاوه بر الگوگیری، سبب غبطه خوردن بر حال آنان می شود که دل را آماده حالات معنوی می کند.

۳۵- انس با خوبان و مشورت با علما در این فرصت مناسب

از آنجا که اعتکاف فرصت بسیار مناسبی برای دوست یابی است. اسامی دوستان به همراه آدرس و تلفن آنها یادداشت شود تا بتوان گاهی از احوال آنها جو یا شد. (به صفحه ۳۰۹ مراجعه شود).

۳۶-تصمیم گیری برای مسایل کلان زندگی**۳۷-شکر گذاری به درگاه خداوند**

«...اگر شکر گذاری کنید (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!» (سوره ابراهیم، آیه ۷).

انسان باید قدر این موقعیت را بداند؛ از اینکه این سعادت را یافت تا سه شبانه روز را به عبادت و بندگی خداوند پرداخته و در جمع معتکفین به سر برد. چه زیباست پس از اعتکاف سجده شکر یا دو رکعت نماز شکر به جا آورد.

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «ای بیچاره انسان محجوب، که عمری در

نعمت های بی منتهای حق غوطه خوردی و از رحمت های بیکرانش برخوردار گشتی، ولی نعمت خود را نشناخته، کورکورانه از دیگران ستایش کردی و به ناکسان گرنش نمودی (۱)...بدان که شکر نعمت های ظاهره و باطنه حق تعالی یکی از وظایف لازمه عبودیت و بندگی است که هر کس به قدر مقدور و میسر باید قیام به آن نماید، گرچه از عهده شکر حق تعالی، احدی از مخلوقات بر نمی آید» (۲).

۳۸-شناخت آسیب های وارده به اعتکاف

حتی اعمال عبادی در صورت عدم معرفت، ممکن است گرفتار

آسیب هایی شوند. آسیب هایی که ممکن است متوجه اعتکاف شود، در دو بُعد محتوا و قالب می باشند. آنچه در بعد محتوایی است، برمی گردد به عدم شناخت افراد از ارزش عبادتی که انجام می دهند. لذا باید سطح شناخت خود را نسبت به اعتکاف افزایش دهیم.

۱- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۸۸.

۲- امام خمینی، شرح جهل حدیث، ص ۳۴۵.

در ذیل به برخی از آسیب های وارده اشاره می شود:

(۱) بی توجهی به مواردی است که در این فصل ذکر می شود (مراقبت های قبل، هنگام و بعد از اعتکاف)

(۲) ندانستن هدف از معتکف شدن: از آسیب هایی که به صورت جدی مطرح است، این است که هدف و منظورمان را از اعتکاف ندانیم.

(۳) نداشتن نیت خالصانه: داشتن نیت خالصانه، اصل مهم اعتکاف است. ریاکاری و تظاهر، آسیب جدی اعتکاف است. (به صفحه ۲۴۳ مراجعه شود).

(۴) ظاهرگرایی

(۵) زیاده روی در عبادات

(۶) فردگرایی و عدم تمایل به عبادات دسته جمعی

(۷) کج فهمی و انحرافات مفهومی از عبادت

(۸) تجمعات بی هدف

(۹) صحبت های غیر مفید و خندیدن ها

(۱۰) تاثیرگیری از عرفان های نوپدید دروغین

(۱۱) پرورش مراد و مریدپروری (۱) که با ماهیت و شکل اعتکاف منافات دارد.

(۱۲) خود بزرگ بینی و غرور

(۱۳) تکلیف انگاری صرف

۳۹- رعایت آداب اعتکاف مهدوی و معتکفین منتظر

۱- اکنون بیش از ۲۰۰۰ نوع عرفان نوپدید که الهام گرفته از عرفان هندی-بودایی است، وجود دارد. باید تابع سخنان بعضی که مروج عرفان های دروغین هستند و معتقدند اعتکاف فرصت مناسبی جهت تبلیغ است، نشویم. بهترین اذکار و ادعیه، دعاهای ائمه علیهم السلام است و باید خود را تحت تعالیم اهل بیت علیهم السلام بدانیم.

ام داود برای رهایی فرزند عزیزش از زندان، این اعمال مستحبی سنگین را به جا آورد. آیا فکر می کنید ما به وظیفه خود در قبال عزیزمان یعنی آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، جهت رهایی از زندان غیبت عمل می کنیم؟ لازم نیست اعمال سنگینی مانند ام داود را به جا آوریم، حداقل از امروز خود را ملزم کنیم و تصمیم جدی بگیریم برای عمل به واجبات و ترک محرمات جهت تعجیل در فرج آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اقدام نماییم.

آیت الله بهجت فرمودند: «او (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زندان است. خوشی و راحتی ندارد و ما چه قدر از مطلب غافلیم و توجهی نداریم».(۱)

یاد حضرت ولی عصر علیه السلام بودن، توفیق می خواهد و این اجازه اگر به کسی داده شود، یکی از بزرگ ترین نعمت ها نصیبش شده است.

امام رضا علیه السلام: «خدایا! یاد او (امام مهدی) و انتظارش را از خاطر ما نبر».(۲)

اصل اعتکاف این است که انسان وصل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بشود.

اعتکاف منتظران، اعتکافی است که:

اولاً - با ولایت گره خورده باشد و با موّدت ایشان مرتبط باشد.

ثانیاً - با بحث انتظار گره خورده باشد، یعنی شخص معتکف به این معنا توجه داشته باشد...

مراعات هایی که دارد، اینها قدمی است برای اینکه ساخته بشود، روحش آماده بشود و در مسیر انتظار به وظایفش درست عمل کند...

۱- امیدیان، محمدتقی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام آیت الله بهجت.

۲- مصباح المتهدجد، ج ۱، ص ۴۰۹.

انسان که با این بینش و نگاه معتکف می‌شود، دیدش نسبت به اعتکاف این نیست که عملی است که فقط سه روز در مسجد بیتوته کند و روزه بگیرد و قرآن بخواند و نماز بخواند و دیگر هیچ، بلکه در همه اعمالش آنچه جهت به اعمال و رفتار و عبادات وی می‌دهد انتظار است و اینکه می‌خواهد خود را و جامعه را برای آن جامعه موعود آماده کند، لذا به اعتکافی می‌توان گفت که این اعتکاف رنگ و بوی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد، که این اعتکاف در مسیر انتظار و در مسیر آماده شدن فرد معتکف و جامعه برای آمدن حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. (۱)

اعتکاف فرصتی است برای تمرین یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. چه زیباست اگر با

برنامه ریزی درست بتوانیم این سه روز را وقف وجود آن نازنین نماییم و ثانیه ثانیه عمرمان را در اعتکاف با یاد عزیزش منور سازیم.

به چند راهکار جهت یاد کردن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در اعتکاف، اشاره می‌شود:

۱- موقع نیت، اهدای ثواب اعتکاف و همه کارهای خیر روزانه به حضرت حجت (عج) و یا به نیت تعجیل در ظهور معتکف شدن

۲- می‌توان این سه روز را وقف آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کرد و تمام عبادات مستحبی خودمان اعم از تلاوت قرآن و غیره را به نیت ایشان به جا آوریم.

۳- تفکر درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (درباره حقوقی که حضرت بر شیعیان دارد، مهربانی حضرت، چگونگی یاری حضرت، وظایف فردی و اجتماعی ما نسبت به ایشان و...)

۴- تشکیل مجالس یاد و ذکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حلقه های معرفت درباره ایشان (اندیشه موعود در ادیان ابراهیمی، مهدویت در قرآن، مهدویت در منابع روایی شیعه، مهدویت از نگاه اهل سنت، شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نسب ایشان، کتابشناسی

مهدویت، فلسفه و علل غیبت، غیبت صغری و کبری و نیابت خاص و عام، فرمایشات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، وظایف و فضایل منتظر)

۵- دعا کردن می تواند نور یاد حضرت را به قلب ما اهدا کند. شایسته است معتکفین منتظر برای فرج حضرتش زیاد دعا کنند چرا که خودشان فرمودند: برای شتاب در فرج (گشایش حقیقی) بسیار دعا کنید زیرا همانا فرج و گشایش (امور) شما، در آن است. (۱) آیت الله قاضی فرمودند: «از آن چیزها که بسیار لازم و با اهمیت است، دعا برای فرج حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در قنوت نماز وتر است. بلکه در هر روز و در همه دعاها». (۲)

۶- برنامه شخصی روزانه جهت انس بیشتر با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف:

۱) سلام کردن در ابتدای روز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ائمه علیهم السلام منتسب به هر روز

۲) خواندن دعای عهد جهت پیمان بستن با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳) خواندن دعای سلامتی (اللهم کن لولیک) و دعا جهت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در هر نماز یا پس از هر نماز

۴) فرستادن روزانه ۱۴ صلوات (با عَجَل فَرَجُهُمْ) جهت سلامتی و تعجیل در ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵) خواندن زیارت عاشورا (حداقل هفته ای یک بار) و دعاها منتسب به حضرت مانند ندبه، آل یاسین (حداقل دوشنبه و پنجشنبه)، اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ (عصر روز جمعه) و...

۶) صدقه دادن جهت سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هرچند اندک اما مداوم و روزانه

۴۰- گذراندن مرحله دوّم سیر عرفانی (سیر من الحق الی الحق)

اشاره

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲- مجله مبلغان، بهمن ۱۳۸۱، شماره ۳۷.

اعتکاف باید برای رضای خدا انجام شود و نتیجه آن، رسیدن به لقای الهی باشد. اگر کسی برای هدف کمتر و کوچکتی معتکف شود، قطعاً ضرر کرده است. معتکف باید در اعتکاف، به مقام «تبتل» یعنی از همه چیز بریدن و به خدا روی آوردن، دست یابد. معتکف باید شدیداً مراقب کردار و گفتار خویش باشد و اجازه ندهد سخن یا حرکت نسنجیده ای توفیق سیر و سلوک به سوی خدا را از وی سلب کند.

بزرگان قایلند که در تربیت، داشتن استاد، برنامه، عزم و اراده، تمرین و مداومت از اصول اولیه است اما یافتن استاد مناسب در این زمانه میسر همگان نیست، نسخه‌ای را برای تربیت در صورت فقدان استاد بیان نموده‌اند که عبارت است از:

اعمال ظاهری: خلوت، صمت، جوع، سحرخیزی

اعمال باطنی: توکل، صبر، همت، صدق

صمت و جوع و سحر و عزلت و ذکر به دوام

ناتمامان جهان را کند این پنج تمام

مرحله دوم سیر عرفانی اعتکاف، شامل ۶ منزل می‌باشد که به طور مختصر ذکر

می‌شود:

۱-۴۰- صمت و دوری از برگویی و کلام لغو

قرآن درباره صفات مومنین می‌فرماید: «آنها از لغو و بیهودگی

رویگردانند» (۱). گفتگوها و دیدنی‌ها و اعمال بیهوده، قساوت قلب می‌آورد و انسان قسّی القلب، از عبادت لذت نمی‌برد. پس گاهی انسان گناه نکرده است ولی اعمال لغو، موجب کدورت قلب وی می‌شود.

۱- سوره مومنون، آیه ۳.

معتکف باید از بحث های بی فایده و صحبت های دنیوی پرهیز نماید زیرا انسان، برای پرهیز از دنیا و امور دنیوی، در مسجد معتکف می شود تا بتواند به دل و روح صفایی معنوی ببخشد. پرگویی در وقت اعتکاف، چه رسد به لغو گویی، دل را می میراند. (به صفحات ۲۱۶ و ۲۷۰ مراجعه شود).

لذا معتکفین باید تنها در صورت ضرورت حرف بزنند و ضمن پرهیز از صحبت های بیهوده، حرفی بزنند که برای خود یا دیگران ثمره داشته باشد. معتکفین باید به جای حرف زدن با یکدیگر، با خداوند صحبت کنند. این مراقبت موجب می شود پس از اعتکاف نیز زبان آنان قفل داشته باشد و از صحبت های بیهوده و گناهان زبان، مانند دروغ، غیبت و تهمت اجتناب ورزند.

۲-۴۰-جوع

علم پزشکی اثبات کرده است که با کم خوری، از بروز بسیاری از

بیماری ها جلوگیری می شود. روزه در اعتکاف تمرین خوبی برای کم خوری است؛ ولی معتکفین باید پس از افطار، مراقب باشند با خوردن و آشامیدن افراطی، جبران روزه خود را نکنند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «ما قومی هستیم که تا گرسنه نشویم، غذا نمی خوریم و قبل از سیر شدن دست از غذا می کشیم».^(۱)

۳-۴۰-سرخیزی

خداوند در قرآن می فرماید: «شب را، جز کمی، پیاخیز، نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن، یا بر نصف آن بیفزا، و قرآن را با دقت و تأمل بخوان».^(۲)

امام حسن عسگری علیه السلام می فرماید: «رسیدن به خداوند، سفری است که جز با شب زنده داری درک نمی شود».^(۳)

۱- سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۲۲۶.

۲- سوره مزمل آیات ۲ الی ۴.

۳- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۷۵، ص ۳۸۰.

پایبندی معصومین و بزرگان دین به شب زنده داری حاکی از اهمیّت فوق العاده آن است. طبق روایات، خداوند هنگام سحر، درهای آسمان ها را می گشاید و مقربان، به درگاه او می آیند و تسبیح و تهلیل و تکبیرش می گویند و نعمات ذکر ایشان، عالم قدس را می گیرد. در این ساعت است که خدا، هر حاجتی که از او خواسته شود، اجابت می کند و وقت نزول برکات بر زمین است. لذا در سحر صالحان، از خواب بر می خاستند و به نماز و تلاوت قرآن و استغفار می پرداختند و حل مشکلات و قضای حوایج مادی و معنوی خود را در این ساعت از خدا می خواستند. شایسته است معتکف قبل از اذان صبح برخیزد و به عبادت پردازد و نماز شب بخواند. (به صفحه ۲۵۳ مراجعه شود).

هرکس قصد سیر و سلوک دارد، با اجرای دستورالعمل قرآنی فوق، در حدّ توان خویش، می تواند به مقاماتی دست یابد..

پس از نماز صبح که حتی المقدور به جماعت است، به تلاوت قرآن پردازد. (به صفحه ۳۱۰ مراجعه شود). بعد، توسّل روزانه به محضر چهارده معصوم داشته باشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت زهرا علیها السلام، را با زیارات مختصری که در کتاب مفاتیح الجنان آمده است، زیارت کند و زیارت جامعه کبیره را بخواند.

۴-۴۰-عُزْلَت

اگر تمام درهای دل را بر غیر بستی

از درون، آفتاب مهر را جُستی

عزالت به معنای تدبّر، تأمل و تعمق در افعال و افکار خویش و تعطیلی مجالس بیهوده و بدون نتیجه است. اکنون اکثر مجالس مردم، بیهوده و لغو است به طوری که نه نتیجه دنیوی دارد و نه اخروی.

آن کس که پلاس هر مجلس است، به میخانه مراقبه دوست و خلوت یار، راهی ندارد.

خداوند در قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «اعرض عن الجاهلین»^(۱) و «اعرض عن المشرکین»^(۲).

خداوند در حدیثی قدسی می‌فرماید: «هر معبّی، دوست دارد که با محبوب خویش خلوت کند»^(۳).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معراج از خداوند می‌پرسد: «پروردگارا چگونه داریم به یاد تو باشم؟ خداوند می‌فرماید: با خلوت از مردم»^(۴).

امیرالمومنین علیه السلام: «خلوت گزیدن، آسایش عبادت‌گران است»^(۵). در خلوت گزیدن برای عبادت خدا، گنج‌هایی گرانبها نهفته است^(۶). برترین عبادت تفکر است^(۷).

امیرالمومنین علیه السلام: «[سالک] کسی است که جامه‌های شهوات و

خواهش‌های نفس را از تن بیرون کرده و از همه منظورها خود را تهی نموده و منظوری ندارد مگر یکی [که تحصیل رضای خداست] پس [واجد علم و معرفت الهی شده] از کوری [جهل و نادانی] و از معاشرت با هواپرستان رهایی

۱- سوره اعراف، آیه ۱۹۹.

۲- سوره حجر، آیه ۹۴.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل‌البیت)، ج ۷، ص ۷۸.

۴- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۷۴، ص ۲۲.

۵- «الانفراد راحه المتعبدين»، غررالحکم، ص ۴۱ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۹۳.

۶- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۹۳.

۷- «افضل العباده الفكر». غررالحکم، ص ۱۸۸.

یابد و خود از کلیدهای درهای هدایت و رستگاری و قفل های درهای هلاکت شود (راهنمای دیگران شده و از گمراه کنندگان جلوگیری نماید). راه خود را دیده و آن را ببیند و نشانه [هدایت و رستگاری] خویش را شناخته و آنچه که در آن فرورفته (سختی ها و اندوه ها را) از خود دور کرده و به محکم ترین ریسمان ها (قرآن و عترت) چنگ زند. (۱)

امام کاظم علیه السلام: «صبر بر تنهایی، نشانه توانمندی عقل آدمی است». (۲)

امام غزالی در احیاء علوم الدین می نویسد: «عزت باعث نیکویی عبادت و اندیشه و انس گرفتن به مناجات با خدا می شود. عزت آدمی را از گناهی که از معاشرت ناشی می شود، باز می دارد. عزت آدمی را از فتنه ها و دشمنی ها باز می دارد. آدمی را از شرّ مردم نگاه می دارد. هم طمع آدمی به مردم را قطع می کند و هم طمع آنها را و آدمی را از مشاهده انسان های نادان، حفظ می کند».

البته قطع رفت و آمد با دیگران و کنج عزت گزیدن نیز دستور اسلام نیست. امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «مومن الفت می گیرد. کسی که نه الفت بگیرد و نه الفت پذیرد، از خیر به دور است». (۳)

اعتکاف سرمشق خوبی برای مقابله با مجالس باطل و بی نتیجه است معتکف باید مراقب باشد در تمام ایام، اوقات خود را صرف اموری کند که ثمره دنیوی یا اخروی داشته باشد و باید دلش را به خدا وصل کند و تنها با او مرتبط باشد و اگر هم نشست و برخاستی دارد، ارتباط او در راستای ارتباط با خدا باشد.

۵-۴۰- ذکر و تسبیح

اشاره

۵-۴۰- ذکر و تسبیح (۴)

۱- فیض الاسلام، نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۱۲.

۲- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۱، ص ۱۷.

۳- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۱۰۲.

۴- سبحان الله یعنی طهارت از همه عیوب و نقایص را به خدا نسبت می دهیم.

از اعمال مستحب، مداومت بر ذکر و یاد خداوند سبحان است که انسان در قلب خویش، ارتباطی با خالق برقرار می‌کند تا رضای خدا را جلب نماید. سیر و سلوک معنوی، بدون ذکر، امکان پذیر نیست. لذا تمام معصومین و اولیاء الله ذکری مخصوص به خود داشته اند. از اثرات ذکر و یاد خدا، رسیدن به تقوا و پس از آن، ایجاد ملکه تقوا در انسان می‌باشد.

خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گوید». (۱)

در قرآن فلسفه عباداتی نظیر نماز، جهت برپایی ذکر خدا عنوان شده است. «نماز را برای یاد من، پیادار». (۲)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هیچ عملی نیست مگر اینکه برای آن حدّی گذاشته شده است، به جز ذکر که برای آن حدّ و انتهایی نیست... و خداوند حدّی برای آن قرار نداده است». (۳)

ذکر خدا ذکر خدا، دارای مراتبی است که هر مرتبه، موانع و حجاب هایی دارد. معتکف باید تلاش کند تا اسیر این موانع نشود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «در

آخر الزمان، مردمانی از امت من در مسجد، حلقه نشست دارند؛ اما ذکر و وردشان دنیا و حبّ دنیا می‌باشد. با چنین کسانی همنشینی نکنید. خدا با اینان

۱- سوره احزاب آیات ۴۱ و ۴۲.

۲- سوره طه، آیه ۱۴.

۳- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۴۹۸.

کاری ندارد» (۱). آری؛ خدا با کسانی کار دارد که آنان با خدا کار داشته باشند؛ چرا که فرمود: «به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم» (۲).

در هر مرتبه ای از ذکر، که او را یاد کنید او هم شما را یاد کرده است؛ زیرا «هو معکم اینما کنتم» (۳) منتهی درک آن مراتب را باید پله پله به دست آورد.

اعتکاف باید شیرینی ذکر را در دل بکارد و نتیجه اعتکاف، دوام ذکر باشد. باید به گونه ای از اعتکاف بهره برد که در مسیر هدف آن به حرکت در آییم.

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «هر کس قلب خود را با ذکر دایمی، آباد سازد، کردار او در پنهان و آشکار نیکو و زیبا شود» (۴). لذا معتکف باید برای استمرار ذکر نیز حتماً برنامه داشته باشد.

امام خمینی رحمه الله می فرمایند: «آری با ذکر حقیقی، حجاب های بین عبد و حق، خرق شود و موانع حضور مرتفع گردد و قسوت و غفلت قلب برداشته شود و درهای ملکوت اعلی به روی سالک باز شود و ابواب لطف و رحمت حق به روی او گشوده گردد ولی عمده آن است که قلب در آن ذکر، زنده باشد و مرده نباشد» (۵). پس ای عزیز! در راه ذکر و یاد محبوب، تحویل مشاق هر چه بکنی، کم کردی. دل را عادت بده به یاد محبوب... برای زنده نمودن دل، ذکر خدا و به خصوص اسم مبارک او «یا حی یا قیوم» با حضور قلب مناسب است... در اذکار شریفه با حضور قلب، ذکر شریف «لا اله الا الله» که افضل و اجمع اذکار

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۱۵.

۲- سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۳۰.

۴- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۸۹.

۵- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۲۴.

است. این عمل را بکند، امید است خداوند از او دستگیری کند» (۱) (به صفحه ۳۱۰ مراجعه شود).

ذکر دارای سه مرتبه می باشد که در ذیل به صورت مختصر، بیان می شود:

(۱) مرتبه اول: ذکر لفظی

معنای ذکر لفظی این است که انسان همواره ذکر بر لب داشته باشد. انسان باید همواره چه در زمان کار، رانندگی یا قبل خواب ذکر بر زبان داشته باشد. از منظر سلوکی هر ذکر خاصیتی دارد مثلاً «لا اله الا الله» برای کسانی که

فی الجمله راه را پیموده اند. «لا- حول و لا قوه الا بالله» برای تقویت اراده. «اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم» برای توسل. ذکر یونسیه «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» برای جوانان و سالکان مبتدی.

اعتکاف فرصت مناسبی جهت انتخاب یک ذکر و مداومت بر آن، است.

(۲) مرتبه دوم: ذکر قلبی

هرچند ذکر لفظی اثرات سازنده ای در سلوک معنوی انسان دارد ولی اکتفا به آن، سالک را به مقصد نمی رساند و باید موقع ذکر، دل سالک، زبان او را همراهی کند. یعنی هنگامی که جمله لا اله الا الله را بر زبان جاری می کند، در دل نیز آن را تکرار نماید و او و زبان او همسویی و همراهی داشته باشند.

برخی تصور می کنند که ذکر قلبی یعنی اینکه قلب سالک، متوجه یاد خدا باشد و در درون دل، ذکر بگوید و آن را بر لب جاری نسازد؛ در حالی که ذکر قلبی، یعنی اقرار و اعتراف دل انسان به ذکر که بر لب جاری می سازد.

ذکر قلبی یعنی خشوع دل در برابر خداوند؛ و این خشوع با خواندن قرآن و مداومت بر اذکار دیگر و همراهی دل و زبان در ذکر، حاصل می شود.

۳) مرتبه سوم: ذکر عملی

معنای ذکر عملی این است که ذکر و یاد خداوند، در عمق جان انسان رسوخ کرده باشد، به گونه ای که عمل انسان، با ذکر که می گوید مطابقت داشته باشد. در حقیقت کسی که ذکر عملی دارد، بنده واقعی خداوند است و کاری انجام نمی دهد و سخنی نمی گوید، مگر آنکه مورد رضایت خدا باشد.

این همان ذکر است که معصومین علیهم السلام در رسیدن به آن پافشاری و اصرار دارند؛ یعنی انسان به گونه ای به یاد خدا باشد که اگر زمینه معصیتی برایش فراهم شد، یاد خدا مانع از انجام آن معصیت شود.

توصیه می شود معتکفین ذکر عملی را در وجود خود نهادینه کنند. در این صورت می توانند مسیر پرفراز و نشیب حرکت به سوی خدا را به سهولت طی کنند و ذکر عملی را به عنوان یک سوغات اعتکاف، به زندگی خود ببرند.

۶-۴۰-دعا**اشاره**

دعا امری فطری است که خداوند به آن امر فرموده است، حتی دانشمندان غیرمسلمان هم آن را عامل حرکت و از ضروری ترین نیازهای بشر می دانند و برخی از دردها را با دعا درمان پذیر می شمارند. خواندن دعا باعث تحصیل عبودیت خالصانه، تهذیب نفس و بهره گیری هرچه بیشتر از این ایام می شود.

خداوند در قرآن به دعا کردن امر فرموده و وعده پاسخ داده است:

«مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم» (۱).

«من نزدیکم؛ دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم» (۲).

«بگو: پروردگارم برای شما ارزشی قایل نیست، اگر دعای شما نباشد» (۳).

۱- سوره غافر، آیه ۶۰.

۲- سوره بقره، آیه ۱۸۶.

۳- سوره فرقان، آیه ۷۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «دعا مغز و جوهر عبادت است و با دعا کسی هلاک نمی شود».(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «دعا اسلحه مؤمن، ستون دین و نور آسمان ها و زمین است».(۲)

امیرالمومنین علیه السلام: «محبوبترین اعمال در پیشگاه خدا در روی زمین، دعاست».(۳)

امام صادق علیه السلام: «بالاترین عبادت، دعاست».(۴)

امام صادق علیه السلام: «هر کس از خدا نخواهد، فقیر گردد».(۵)

امام صادق علیه السلام: «بر شما باد دعا؛ زیرا چیزی همانند او، شما را به خدا نزدیک

نمی کند».(۶)

امام صادق علیه السلام: «بر تو باد دعا؛ زیرا دعا شفای هر دردی است».(۷)

امام صادق علیه السلام: «دعا، سپر مؤمن است».(۸)

امام سجّاد علیه السلام: «از بزرگترین نعمت ها، جریان ذکر توست بر زبان هایمان؛ و اجازه توست که تو را بخوانیم».(۹)

۱- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۹۰، ص ۳۰۲/وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۷، ص ۲۷.

۲- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۴۶۸.

۳- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۴۶۷.

۴- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۴۶۶.

۵- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۴۶۷.

۶- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۴۶۷.

۷- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۴۷۰.

۸- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۴۶۸.

۹- صحیفه سجّادیه، مناجات الذاکرین.

اهل بیت علیهم السلام همچین، آثاری همچون: گشایش کارها، رستگاری، رحمت، چراغ تاریکی ها، برگرداننده قضای حتمی، دفع بلا، دفع اندوه و غم و غصه، تقرب به خدا و... برای دعا ذکر کرده اند. (۱)

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «این ادعیه، در ماه مبارک رجب و خصوصاً در ماه مبارک شعبان اینها مقدمه و آرایشی است که انسان به حسب قلب خودش می کند، برای اینکه مهیا بشود برود مهمانی خدا. (۲) این ادعیه، انسان را از این ظلمت بیرون می برد، وقتی که از این ظلمت بیرون رفت، یک انسانی می شود که برای خدا کار می کند. کار می کند اما برای خدا، شمشیر می زند برای خدا، مقاتله می کند برای خدا، قیامش برای خداست، نه این است که ادعیه بازمی دارد انسان را از اینهایی که آن آقایان می گویند». (۳)

بهتر است دعا با خشوع و تضرع و پنهانی خوانده شود:

«خدای خود را به تضرع و زاری و به صدای آهسته، بخوانید». (۴)

«خدا را در دلت یاد کن، با تضرع و زاری و پنهانی و بی آنکه صدا بلند کنی». (۵)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «بهترین دعا و ذکر، دعایی است که در خفا و به طور پنهانی انجام شود و بهترین رزق و روزی آن است که به اندازه کفاف باشد». (۶)

امام رضا علیه السلام: «یک دعای مخفی نزد خدا از هفتاد دعای علنی، بافضیلت تر است» (۷)

۱- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۹۰، ص ۲۹۵.

۲- صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۳۳.

۳- امام خمینی، تفسیر سوره حمد، ص ۱۴۷.

۴- سوره اعراف آیه ۵۵.

۵- سوره اعراف آیه ۲۰۵.

۶- تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۲۴.

۷- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۴۷۶.

حتماً خطبه متّین حضرت علی علیه السلام، زیارت عاشورا، صحیفه سجادیه و در ایام ماه رجب دعای امّ داود و دعای یا من ارجوه قرائت شود. از خواندن دعاهای مهدوی مانند دعای عهد، دعای فرج و سلامتی امام زمان غفلت نشود. استجابت دعا نیاز به وسیله دارد (۱) که همان توسّل به معصومین علیهم السلام است.

۱-۶-۴۰- از خدا چه بخواهیم؟

متأسفانه برخی فقط به فکر دعاهای مادی و دنیوی هستند و لکن معتکفین باید فرصت برای دعاهای بزرگ و سرنوشت ساز را غنیمت شمارند و ابتدا برای فرج آقا امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا شود زیرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: «برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که همان فرج شماست». (۲) آیت الله بهجت می فرمودند: «دعای تعجیل فرج دواي دردهای ما است». (۳)

شایسته است معتکفین جهت سربلندی نظام، سربلندی مسلمانان جهان و نجات آنها از شرّ دشمنان اسلام دعا کنند. توفیق حرکت به سوی خدا و پیشرفت در سیر و سلوک، عافیت، حُسن عاقبت، تقرّب الی الله، رفع صفات رذیله، اجتناب از گناه، به دست آوردن ملکه تقوا، رفع مشکلات دیگران و خود، پرهیز از مکروهات و انجام مستحبات را از خدا بخواهند.

شادی ارواح طیبه امام امت، شهدا و مراجع گذشته، سلامتی مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید، شفای بیماران و جانبازان و آزادی اسرا و رفع گرفتاری از شیعیان جهان مورد عنایت قرار گیرد. (جهت اطلاع از نظرات مراجع به صفحات ۵۰ تا ۵۳ مراجعه شود).

۱- سوره مائده، آیه ۳۵.

۲- کمال الدین، ترجمه پهلوان، ج ۲، ص ۲۴۰.

۳- امیدیان، محمدتقی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام آیت الله بهجت، ص ۴۷.

مراقبت های بعد از اعتکاف

۱- ارزشیابی و جمع بندی

«فَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» (۱) همیشه انسان باید عملکرد خویش را مورد محاسبه قرار دهد. معتکف پس از اعتکاف باید به ارزشیابی اعمالش در این مدّت پردازد تا بفهمد اعتکاف، چه میزان توانسته در روحيّات و رفتار او تأثیرگذار باشد. ببیند که فیض لازم را از این ایّام برده یا صرفاً حضور فیزیکی در مسجد داشته است.

بهبتر است معتکف یافته هایش را از اعتکاف بنویسد تا بعداً بتواند آنها را مرور کند یا جهت استفاده به دیگران ارایه نماید. «من در اعتکاف یاد گرفتم...».

۲- آوردن یادگاری و سوغاتی

کم خوردن، کم خوابیدن، غذای ساده، دایم الوضو بودن، دایم الذکر بودن، نماز اول وقت، نماز شب، نماز مستحبی، دوستان جدید، قرارهای تازه بین خود و خدا، تغییر سبک زندگی بعد از اعتکاف، لذت انس با خدا و دوری از گناه و توبه از بدی ها و... از یادگاری ها و سوغات اعتکاف است. باید اینها را از مسجد به جامعه برد و از خود به دیگران منتقل کرد.

بالاترین سوغات معتکف حکومت خداوند بر دل اوست. اگر چنین موهبتی نصیب معتکف نشود، نشان می دهد که عبادت او کاملاً حقیقی نبوده است و به ظاهر و پوسته عبادت توجّه شده است.

۳- شکرگذاری

۱- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۸، ص ۱۴۳.

از صفات مومنین به جا آوردن شکر نعمت های الهی است. مومنین شاکر خداوند هستند و نعمت های خدا را در نظر می آورند و از او تشکر می کنند و خدا هم از آنها تشکر می کند. «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (۱). تشکر خدا این است که نعمت را اضافه می کند. «فان شکرتم لازیدنکم» (۲).

شکی نیست که باید خدا را شکرگزار باشیم که به ما توفیق شرکت در مراسم اعتکاف را عنایت فرمود ولی شکر کردن فقط محدود به ذکر لفظی

نمی شود بلکه شکر این است که با توجه به اینکه توبه کرده ایم دیگر خود را به گناه آلوده نکنیم و معنویت به دست آمده را حفظ نماییم.

۴- حفظ انس خود با مسجد

۵- حفظ دوستان

اعتکاف فرصت مناسبی برای یافتن دوستان نیک است و باید ارتباطمان را با آنها حفظ نماییم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «حواریون مسیح علیه السلام از او پرسیدند که ای روح الله با چه کسی بنشینیم؟ (مراد از نشستن رفاقت و مراد است) عیسی علیه السلام در جواب فرمود: با کسی که چون او را ببینید، شما را به یاد خدا اندازد و گفتارش به علم شما بیفزاید و کردارش عشق و رغبت شما را به آخرت بیفزاید» (۳). (به صفحه ۳۰۹ مراجعه شود).

۶- گذراندن مرحله سوم سیر عرفانی (سیر من الحق الی الخلق)

۱-۶- حفظ آثار و دستاوردهای معنوی

اشاره

۱- سوره شوری، آیه ۲۳.

۲- سوره ابراهیم، آیه ۷.

۳- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۱، ص ۳۹.

پس از اعتکاف، از مهمترین نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد، مراقبه و حفظ معنویات و دستاوردهای اعتکاف و حفظ روحیه ای که فرد در اعتکاف پیدا کرده است و درجاتی که در اعتکاف به او عطا شده است، با نظارت در اعمال است و این مطلب، مهمتر از خود اعتکاف است. اگرچه متقی شدن، سخت است ولی متقی ماندن بسیار سخت تر است و یک غفلت می تواند انسان را به سقوط بکشانند. گاه یک غیبت، می تواند همه اثرات اعتکاف را محو کند.

به طور مثال، شخص تصمیم بگیرد نماز اول وقت را در مسجد به جا آورد، روزی چند آیه قرآن بخواند و همیشه خدا را ناظر خود بداند. (۱)

۱- نامه عارف بزرگ میرزا جواد آقا ملکی تبریزی درباره سیره سلوک (با تلخیص و اضافات) بسم الله الرحمن الرحیم - چون نفس انسانی تا از عالم مثال خود نگشته، به عالم عقلی نخواهد رسید و تا به عالم عقلی نرسیده، حقیقت معرفت حاصل نبوده و به مطلوب نخواهد رسید. باید انسان یک مقدار زیاده بر معمول، تقلیل غذا و استراحت بکند تا جنبه حیوانیت کمتر و روحانیت قوت بگیرد و میزان آن چنین [است] که: اولاً- انسان روز و شب زیاده از دو مرتبه غذا نخورد، حتی بین دو وعده چیزی نخورد. ثانیاً- هر وقت غذا می خورد، باید مثلاً یک ساعت بعد از گرسنگی بخورد و آنقدر بخورد که تمام سیر نشود. این در میزان غذا و امیا کیفیتش غیر از آداب معروف: گوشت زیاد نخورد به این معنا که در یک شبانه روز دو بار گوشت نخورد و در هر هفته، دو سه دفعه هم شب و هم روز را ترک کند. اگر بتواند جهت لذت بردن نخورد و آجیل خور نباشد. اگر بتواند روزه های سه روز هر ماه را ترک نکند و اما تقلیل خواب، می فرمودند شبانه روز شش ساعت بخوابد. البته در حفظ زبان و دوری اهل غفلت، اهتمام زیاد نماید. اینها در تقلیل «حیوانیت» کفایت می کند. تقویت روحانیت: اولاً- دائماً باید همت و حزن قلبی به جهت عدم وصول به مطلوب داشته باشد. ثانیاً- تا می تواند ذکر و فکر را ترک نکند که این دو، بال سیر آسمان معرفت است. در ذکر، عمده سفارش اذکار صبح و شام و اهم تعقیبات، صلوات و عمده تر ذکر وقت خواب که در اخبار ماثور است. بخصوص پاک، در حال ذکر به خواب رود و [درباره] شب خیزی می فرمودند: زمستان ها ۳ ساعت، تابستان ها ۵/۱ ساعت. در سجده، «ذکریونسیه» (لا اله الا انت سُبْحانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ) و مداومت شبانه روزی آن ترک نشود، هرچه زیادتر توان کردن، اثرش زیادتر، اقل اقل آن ۴۰۰ مرتبه است، خیلی اثرها دیده ام خودم هم تجربه کرده ام. قرآن که خوانده می شود، به قصد هدیه حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم خوانده شود. اما فکر برای مبتدی: در مرگ فکر بکن تا آن وقتی که از حالش می فهمیدند که از مداومت این مراتب گیج شده، فی الجمله استعدادی پیدا کرده، آن وقت به عالم خیالش ملتفت می کردند یا آنکه خود، ملتفت می شد. چند روزی همه روز و شب، فکر در این می کند که بفهمد که هر چه خیال میکند و می بیند، خودش است و از خودش خارج نیست. اگر این را ملکه می کرد، خودش را در عالم مثال می دید یعنی حقیقت عالم مثالش را می فهمید و این معنی را ملکه می کرد. آن وقت باید فکر را تغییر داد و همه صورت ها و موهومات را محو کرد و فکر در عدم کرد و اگر انسان این ملکه را نماید، لا یتد تجلی سلطان معرفت خواهد شد یعنی تجلی حقیقت خود را به نورانیت و بی صورت و حد، با کمال بها، فائز آید و اگر در حال جذب ببیند، بهتر است. بعد از آنکه راه ترقیات عوالم عالیه را پیدا کرد، هر قدر سیر بکند، اثرش را حاضر خواهد یافت. به جهت ترتیب این عوالم که باید انسان از این

عوامل طبیعت، اول ترقی به عالم مثال نماید، بعد به عالم ارواح و انوار حقیقیه. تصریحی به این مراتب در سجده دعای شب نیمه شعبان، شده است که [پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم] می فرماید: «سجد لک سوادى و خیالی و بیاضی». [سواد اشاره به عالم مادی است. خیال هم اشاره به عالم مثال است و بیاض هم اشاره به عالم عقل است]. اصل معرفت آن وقت است که هر سه فانی بشود که حقیقت سجده عبارت است از فنا... (مخاطب نامه، شیخ کمپانی است. وی با اینکه فقیه و حکیمی متبحر و صاحب ملکات فاضله اخلاقی بود، با تواضعی بسیار، از همدرس خود، دستورالعمل اخلاقی درخواست می کند. نامه آیت الله ملکی تبریزی خلاصه سیره سلوکی استادش، آیت الله ملاحسینقلی همدانی است.) (مجله خُلق، آذر و دی ۸۶، شماره ۲)

۱-۱-۶- کنترل اعضا و جوارح

۱) حفظ زبان: پرهیز از غیبت، تهمت، تمسخر و دیگر گناهان زبان

۲) حفظ گوش: گوش نکردن به غیبت، تمسخر دیگران و اصوات شبهه ناک

۳) حفظ چشم: عدم نگاه به نامحرم و هر آنچه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی پسندد.

۲-۱-۶- برنامه اجتماعی

۱) احترام به دیگران: حسن خلق، ابتدای به سلام کردن، صله رحم و...

۲) کمک به دیگران: هر کمکی که گره ای از مشکل مسلمانی باز نماید.

۳) احترام به والدین، اساتید و بزرگان

۴) بخشش دیگران: آشتی با کسانی که کدورت داشته و پاک کردن کینه ها

۲-۶- خدمت به خلق

در اثر اعتکاف، ارتباط شخص با خدا محکم تر می شود. ارتباط با خدا، به مثابه یک بال برای پرنده است و بال دیگر، خدمت به مخلوقات است. اسلام ارتباط با خالق و مخلوق را به صورت توأمان می خواهد:

«پرهیزگاران [کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند؛ و از نعمت هایی که به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند». (۱)

«مومنان [همان کسانی هستند] که نماز را برپا می دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده ایم، انفاق می کنند». (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «پروردگارم همان گونه که مرا به انجام واجبات امر کرده، به مدارا کردن با مردم نیز امر فرموده است». (۳)

انبیا مردم را به «قانون مساوات» امر، و خود به آن عمل می کرده اند. قانون مساوات یعنی هرکس باید از آنچه دارد به دیگران انفاق کند. کسی که مال دارد باید به اندازه توان از دیگران دستگیری کند. آن که علم دارد، از ترویج علم

۱- سوره بقره، آیه ۳.

۲- سوره انفال، آیه ۳.

۳- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۱۱۷.

خود دریغ نکنند. آن که قلم توانا دارد، قلم خود را در راه سعادت جامعه به کار گیرد. آن که وجاهتی دارد، از آبرو و شخصیت خود، برای حل مشکلات مردم استفاده کند. آن که قدرتی دارد، از آن در جهت خدمت استفاده کند و آن کس که ظاهراً هیچ ندارد، لااقل برای دیگران دعا کند.

کلاً خودخوری، خودخواهی و خودمحوری از دیدگاه اسلام مردود است.

معتکف، پس از اعتکاف، باید هم و غم خود را خدمت به خلق قرار دهد و سعی در حل مشکلات مردم داشته باشد، تا اعتکافش مقبول خدا قرار گیرد.

۳-۶- تبلیغ عملی و گسترش فرهنگ اعتکاف

کسی که از اعتکاف بازگشته، در واقع از محضر خدا مرخص شده است. این فرد باید بیش از گذشته مراقب گفتار و کردار خویش باشد؛ زیرا عملکرد او نمودار عملکرد کسی است که مهمان خدا بوده است.

امام صادق علیه السلام: «با غیر زبان خویش، مردم را دعوت کنید، مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند، اینها خود دعوت کننده است».^(۱)

اگر کسی که بعد از اعتکاف رفتار مناسبی نداشته باشد، برای اعتکاف ضدّ تبلیغ خواهد بود.

امام صادق علیه السلام: «ای شیعیان! مایه زینت و آبروی ما باشید، و مایه ننگ و عار ما، نباشید».^(۲)

۴-۶- دیگرسازی، بعد از خودسازی

اعتکاف فرصتی برای خودسازی است. اگر کسی مراحل سیر عرفانی که ذکر شد، را طی کند در حقیقت خودسازی کرده است. این چنین فردی پس

۱- کافی، ج ۲، ص ۷۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۹۴.

از اعتکاف، وظیفه ای را به عهده دارد و آن دیگرسازی است. در واقع دیگر سازی از مصادیق خدمت به خلق و انفاق نعمت الهی است.

فصل نهم: توصیه هایی به متولیان اعتکاف

۱-آموزه های بهداشتی

۱-۱- لازم است مقدمات لازم برای بهداشت فردی و جمعی و تمام مایحتاج مورد نیاز و مناسب شرایط مسجد و اعتکاف، قبل از اعتکاف آماده شود.

۱-۲- با توجه به حضور شبانه روزی معتکفین و رفت و آمد افراد مختلف به داخل مسجد، حداقل روزی یک بار مساجد تمیز شود تا فرش، پرده ها، کف مسجد و حیاط و دستشویی عاری از گرد و غبار و آشغال و سایر آلودگی ها گردد.

۱-۳- فضایی مناسب جهت کفشداری، اختصاص یابد تا از بردن کفش به داخل مسجد جلوگیری شود. در صورت عدم اختصاص مکان فوق، کیسه و

نایلون های مناسب در اختیار نمازگزاران قرار گیرد.

۱-۴- جهت توزیع شربت، چای و آب، از لیوان های یکبار مصرف مناسب استفاده شود، در صورت استفاده از استکان و نعلبکی و لیوان، نسبت به ضد عفونی آنها اقدام شود.

۱-۵- نصب ظرف مایع دستشویی، جای صابون و سطل زباله در مکان های مناسب ضروری است.

۱-۶- خادمانی که در آبدارخانه مساجد خدمت می کنند، باید دارای کارت سلامت بهداشتی باشند و نکات بهداشتی را دقیقاً رعایت نمایند.

۱-۷- از استفاده مشترک از وسایلی مانند حوله، لیوان، البسه، چادر و مقنعه جلوگیری به عمل آید.

۸-۱-در صورت استفاده از وسایل و ظروف اجاره ای یا انباری جهت پذیرایی، قبلاً شستشوی کافی صورت گیرد، تا عاری از آلودگی گردند.

۹-۱-نصب جعبه کمک های اولیه در داخل مسجد با لوازم مورد نیاز، لازم است.

۱۰-۱-در کنار وضوخانه مسجد، جایگاهی جهت شستن پا در نظر گرفته شود تا افراد قبل از ورود به مسجد، بتوانند از آن استفاده نمایند.

۱۱-۱-از تجمع و ورود، افرادی که شغلشان تکدی گری است، در اطراف یا داخل مسجد جلوگیری شود.

۱۲-۱-با توجه به میزان استفاده از توالت مسجد، نسبت به ضد عفونی کردن آن اقدامات لازم صورت گیرد.

۱۳-۱-حداقل یکی از متولیان مسجد و یا معتکفین، قبل از شروع مراسم، آموزش لازم را در خصوص بهداشت، پیشگیری و راه های جلوگیری از بروز حوادث را دیده باشد تا در مواقع ضروری وارد عمل شود.

۱۴-۱-نصب دستگاه آبرسردکن و نیز آبگرمکن در مساجد برای رعایت بیشتر بهداشت فردی معتکفین، مناسب به نظر می رسد.

۱۵-۱-هماهنگی لازم با شبکه بهداشت به عمل آید تا مأموران بهداشت در ایام اعتکاف برای سرکشی در مسجد حضور یابند.

۲-آموزه های فرهنگی و مدیریتی

۱-۲-در هنگام ثبت نام تحویل برگه تذکرات به معتکفین(۱)

۱- نمونه ای از برگه تذکرات: تذکرات ضروری جهت حفظ نظم و آسایش، که زمینه ساز فضای دعا و انقطاع الی الله است، توجه به تذکرات زیر ضروری است: ۱- وسایل شخصی مورد نیاز هر معتکف: پتو، ملحفه، قاشق، چاقو، مسواک، فلاسک چای، لیوان، بشقاب، قاشق، دستمال کاغذی، قرآن، مفاتیح، مهر، تسبیح و ... ۲- اسکان در محل اعتکاف با ارایه کارت پذیرش و از ساعت ۲۰ الی ۲۴ روز دوازدهم ماه رجب صورت می پذیرد. و بعد از ساعت ۲۴ از پذیرش معذوریم (لازم است شام شب اول را به همراه خود بیاورید). ۳- با توجه به محدودیت مکان و جهت رفاه حال معتکفین از نصب پرده، آوردن افراد همراه، به ویژه کودکان خردسال، وسیله نقلیه، اشیای قیمتی، وسایل صوتی، وسایل طبخ و پذیرفتن میهمان جداً خودداری فرمایید. ۴- در طول مدت اعتکاف، تلفن همراه خود را خاموش و یا در وضعیت سکوت قرار دهید (یا آوردن تلفن همراه ممنوع است، لذا در صورت مشاهده، خادمین محترم موظف به جمع آوری می باشند). ۵- از خانواده، دوستان و اقوام خود تقاضا کنید برای ملاقات و گفتگو با شما کمترین مراجعه را داشته باشند، مگر بنا بر ضرورت. ۶- رضایت صاحب اجازه (شوهر، والدین یا کارفرما) برای حضور در اعتکاف واجب است. ۷- جهت حفظ فضای معنوی اعتکاف از آوردن بیش از حد

میوه، نوشیدنی یا تنقلات خودداری فرمایید. ۸- در صورتی که رژیم غذایی خاصی دارید، تغذیه مناسب را با خود همراه داشته باشید. ۹- لطفاً تا پایان مراسم اعتکاف از کارت پذیرش خود محافظت نمایید، زیرا ارایه تمامی خدمات از طریق آن خواهد بود. ۱۰- خادم المعتکفین که با کارت ویژه ای مشخص گردیده اند، راهنمای شما در رفع مشکلات احتمالی میباشند، ضمن نهایت همکاری با آنان، شرایط ارایه بهتر خدمات را فراهم آورید. ۱۱- جهت رفاه حال عزیزان معتکف، غذای سحر و افطار تامین گردیده است. همچنین نیازهای ضروری و مصرفی دیگر در حد امکان، فراهم خواهد بود. ۱۲- صرفه جویی در مصرف آب، مواد خوراکی، مواد بهداشتی، سایر امکانات و رعایت حقوق معتکفان دیگر مورد انتظار است. ۱۳- رعایت بهداشت و نظافت مسجد واجب است. لذا خود و دیگران را مقید به آن بدانید. ۱۴- نظافت شخصی و محیط بیرونی خود را رعایت فرمایید. ۱۵- در نظافت محیط مسجد و دستشویی ها با مجریان اعتکاف، همکاری فرمایید. ۱۶- از خوردن بی رویه غذا، آب و چای در هنگام افطار و سحر اجتناب نمایید. ۱۷- بعد از خوردن سحری حتما مسواک بزنید تا خدای نکرده بوی دهان، دیگران را آزار ندهد. ۱۸- باقی مانده غذا و زباله را جداگانه در سطل های مخصوص، قرار دهید. ۱۹- به تذکرات، اعلام برنامه ها و ساعات شرعی در تابلوی مخصوص توجه فرمایید. ۲۰- خاطرات خود از لحظات معنوی اعتکاف را، در صندوق مخصوص خاطرات بیندازید. ۲۱- اعتکاف نوعی همسایگی است. نظم و سکوت لازمه معنویت و بیشتر بهره بردن از اعتکاف است. ضمن رعایت حقوق دیگر معتکفان امید است با صدای بلند صحبت نکنید، از هرگونه سر و صدای بی مورد و غیر ضروری و مزاحمت برای دیگران به شدت اجتناب کنید. در این زمینه با قرائت آرام قرآن، دعا و ذکر، به حقوق دیگران احترام بگذارید. ۲۲- اشغال فضای اضافه موجب مزاحمت و مشکل برای دیگران است، لطفا رعایت کنید. ۲۳- مراقب باشید جمع های دوستانه مانع حالات معنوی شما و مزاحم دیگر معتکفین نباشد. ۲۴- رعایت شئون اسلامی و پوشش مناسب در طول مراسم اعتکاف ضروری است. ۲۵- در نگهداری و مراقب اشیای خود کوشا بوده و به هنگام ترک اعتکاف، اشیای همراه را بازبینی نموده و مراقب باشید وسایل شما جا نماند. ۲۶- هرگز قرآن و مفاتیح را روی زمین و در مسیر راه دیگران قرار ندهید. ۲۷- خواهران دقت نمایند بالا بردن صدا و خندیدن، در صورتی که صدای شما را نامحرم بشنود، حرام است و پوشیدن چادر نازک و لباسهای بدن نمای در معرض دید نامحرم، حرام است. ۲۸- در هنگام تشکیل جلسات عمومی، لطفا وسایل شخصی خود را مرتب کنید و در جلسات با شور و اشتیاق شرکت فرمایید. ۲۹- از برنامه های فردی و تفکر و ذکر خدا، غافل نباشید. ۳۰- با شرکت در برنامه های جمعی، به معنویت جمع کمک کنید. ۳۱- ختم قرآن کریم، بر صحبت نمودن ترجیح دارد. ۳۲- در صورت مشاهده افرادی که موارد فوق را رعایت نمی کنند، لطفاً به آنها مودبانه تذکر دهید. در ادعیه، ظهور و سلامتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، شادی ارواح طیبه امام امت، شهدا و مراجع گذشته، سلامتی و طول عمر مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید، شفای بیماران و جانبازان و آزادی اسرا و رفع گرفتاری از شیعیان جهان مورد عنایت قرار گیرد.

۲-۲- در هنگام ثبت نام، تحویل بروشور، یا در صورت امکان کتاب مناسب، حاوی مطالبی راجع به مراقبت های قبل، حین و بعد از اعتکاف (فصل ۸ و ۶)، احکام کلی اعتکاف (فصل ۴)، اعمال وارده در این ایام (فصل ۵)

۳-۲- در هنگام ثبت نام اعلام برنامه های فرهنگی اعتکاف، به معتکفین (۱).

۱- نمونه ای از ریز برنامه های فرهنگی: برنامه های فرهنگی اعتکاف ۱- شب اول (شب ۱۳ رجب): اقامه نماز مخصوص سه شب ایام البیض (نماز ۲ رکعتی) و اعمال مستحبی که در مفاتیح آمده است. ۲- قبل از سحر روز اول: بیان احکام و شرایط اعتکاف توسط روحانی و اعلام نیت اعتکاف به صورت عمومی، نماز شب و عبادت سحر ۳- نماز صبح به جماعت، تعقیبات، دعای عهد و یکی از مناجاتهای خمسه عشر یا زیارت های جامعه یا صباح یا عاشورا ۴- بعد از نماز صبح: افتتاحیه ۵- ۵ ساعت استراحت پس از اقامه نماز صبح (همه روزه) ۶- بیدارباش راس ساعت مقرر ۷- سخنرانی و مداحی به مناسبت روز ولادت امیرالمومنین علیه السلام، ختم قرآن یا ختم صلوات و هدیه آن به وجود ایشان، قرائت دسته جمعی دعای نادعلی ۸- پیش از اذان ظهر هر روز: بیان احکام ۹- بعد از تعقیبات نماز ظهر و عصر: استراحت به مدت ۲ ساعت ۱۰- ختم قرآن ۱۱- اقامه نماز مغرب و عشاء به جماعت ۱۲- خواندن دعای افطار و صرف افطاری به صورت دسته جمعی و بعد کمی استراحت ۱۳- شب دوم (شب ۱۴ رجب): سخنرانی، اقامه نماز ۴ رکعتی، تفکر و مطالعه، حلقه خاطره گویی دفاع مقدس، حلقه های معرفت ۱۴- قبل از سحر: نماز شب و عبادت سحر، مناجات امیرالمومنین در مسجد کوفه ۱۵- نماز صبح به جماعت، تعقیبات، دعای عهد و یکی از مناجاتهای خمسه عشر یا زیارت های جامعه یا صباح یا عاشورا ۱۶- شب سوم (شب ۱۵ رجب): مراسم عزاداری برای حضرت زینب علیها السلام و ذکر مصیبت عاشورا، اقامه نماز ۶ رکعتی، تفکر و مطالعه، حلقه های معرفت ۱۷- قبل سحر: نماز شب و عبادت سحر، مناجات خمس عشر ۱۸- نماز صبح به جماعت، تعقیبات و دعای عهد و بعد استراحت ۱۹- ۲ ساعت مانده به ظهر، سوره های اعمال ام داود در قرآن علامت گذاری شود تا در حین تلاوت دچار مشکل نشوید. ۲۰- پس از نماز ظهر و عصر باید بلافاصله اعمال ام داود شروع شود. ۲۱- اقامه نماز مغرب و عشاء به جماعت و خواستن حاجات از خدا. ۲۲- خواندن دعای افطار و صرف افطاری به صورت دسته جمعی ۲۳- برگزاری دسته جمعی دعای شکر که خدا توفیق شرکت در اعتکاف را عنایت فرمود. دعا برای اینکه باز هم خداوند در آینده نیز، توفیق حضور در اعتکاف را به ما عنایت فرماید.

۲-۴- حتی الامکان، گذاشتن جلسه توجیهی جهت افراد متقاضی اعتکاف

۲-۵- صدای بلندگوی مسجد طوری تنظیم گردد تا برای معتکفین و نیز

خانه های اطراف مسجد ایجاد مزاحمت و آلودگی صوتی ننماید.

۲-۶- آشنا کردن معتکفین به اصول تغذیه روزه و حتی الامکان تغذیه معتکفین با مواد غذایی مناسب روزه دار. (به صفحه ۲۶۳ مراجعه شود.)

۲-۷- آشنا کردن معتکفین با احکام مهم تر اعتکاف

۲-۸- برنامه ریزی جهت حضور اساتید مجرب در اعتکاف جهت تقویت مبانی دینی به صورت یک سیر مطالعاتی و آشنایی معتکفین با وظایف خود به عنوان یک منتظر و انس دادن ایشان با قرآن، صحیفه سجاده و...

۲-۹- شناخت آسیب های وارده بر عملکرد متولیان اعتکاف. (به صفحه ۲۹۵ مراجعه شود.)

۲-۱۰- آشنا کردن معتکفین به اعتکاف در سیره انبیا و اسلام و نظر بزرگان پیرامون آن، توصیه های اسلام راجع به مسجد، مناسبت های دینی ایام اعتکاف، فلسفه و آثار اعتکاف

۲-۱۱- تشکیل حلقه های معرفت. البته باید در نظر داشت که این حلقه ها برای دیگر معتکفین ایجاد مزاحمت نکند و نیز اساتید متناسب با معتکفین دعوت شوند. شایسته است اکنون که در زمان غیبت به سر می بریم، از عناوین مهدوی غافل نشویم. (به صفحه ۳۲۴ مراجعه شود.)

۱۲-۲- برگزاری مسابقه مختصر و متناسب. به طور مثال از معتکفین خواسته شود درباره یکی از موضوعات ذیل دلنوشته های خود را ارایه نمایند:

اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بینم...

اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید...

او خواهد آمد...

۱۳-۲- برنامه ریزی جهت به جا آوردن اعمال ام داود (غسل مستحبی، نوافل روز ۱۵ رجب)

۱۴-۲- توزیع و جمع آوری فرم های نظرسنجی و پیشنهادات و انتقادات و بررسی و تحلیل آن توسط افراد خبره، جهت بهبود مراسم سال های آینده. (۱)

۱- نمونه ای از فرم های نظرسنجی: فرم ارزیابی از معتکفین ذکر نام و نام خانوادگی اختیاری است نام و نام خانوادگی

سن: میزان تحصیلات: جنسیت: محل سکونت:

دفعات شرکت در اعتکاف: ۱- هدف از شرکت در مراسم اعتکاف: ارتقای معنوی و عبادت ۰ برآورده شدن

حاجات ۰ پر کردن ایام فراغت ۰ دور شدن از فضای خانه ۰

دیگر..... ۲- چگونه از زمان برگزاری مراسم اعتکاف مطلع شدید؟ شخصاً آگاهی

داشتید ۰ از طریق صداوسیما ۰ از طریق دوستان ۰ تبلیغات سطح شهر ۰ سایر ۳ ۰- آیا از نحوه ثبت نام رضایت داشتید؟

بله ۰ خیر ۴ ۰- برخورد ثبت نام کنندگان چگونه بود؟..... ۵- نظرتان در مورد

مبلغی که جهت ثبت نام اخذ گردید، چه می باشد؟ مناسب است ۰ زیاد است ۰ کم است ۰ حذف شود ۶ ۰- آیا

توانستید به موقع در محل اعتکاف حاضر شوید؟ بله ۰ خیر ۷ ۰- آیا محل اعتکاف از فضای روحانی برخوردار بود؟ اگر

نبود به چه دلیل؟ بله ۰ خیر ۸ ۰- برخورد و رفتار عوامل اجرایی را چگونه ارزیابی می کنید؟ اگر مورد خاصی را در نظر دارید،

توضیح دهید. بسیج: خوب ۰ متوسط ۰ ضعیف ۰ کارگزاران مسجد:

خوب ۰ متوسط ۰ ضعیف ۰ سازمان تبلیغات: خوب ۰

متوسط ۰ ضعیف ۹ ۰- آیا محل اعتکاف از ظرفیت مناسب برخوردار بود؟ بله ۰ خیر ۱۰ ۰- آیا

دستگاه های خنک کننده توانست جهت استفاده بهتر از فضای معنوی اعتکاف رضایت شما را جلب کند؟ بله ۰

خیر ۱۱ ۰- کیفیت پذیرایی و غذای ارایه شده در طول اعتکاف اعم از افطاری و سحری چگونه بود؟...

۱۲- آیا از تنوع غذایی برخوردار بود؟ بله ۰ خیر ۱۳ ۰- از نحوه توزیع آن رضایت داشتید؟ بله ۰

خیر ۱۴ ۰- وضعیت سرویسهای بهداشتی و حمام چگونه بود؟..... ۱۵- برنامه های اجرا شده

فرهنگی را چگونه ارزیابی می کنید؟ ادعیه و مناجات: خوب ۰ متوسط ۰ ضعیف ۰

سخنرانی : خوب 0 متوسط 0 ضعیف 0 مداحی : خوب 0 ضعیف 0
متوسط 0 ضعیف 0 حلقه های معرفت : خوب 0 متوسط 0 ضعیف 0
۱۶- به نظر شما چند درصد از شرکت کنندگان حقیقتاً جهت استفاده معنوی از اعتکاف حضور یافته اند؟ ۱۰۰٪ ۰٪
کمتر ۱۷ ۰- اعتکاف امسال را نسبت به مراسم اعتکاف سنوات قبل چگونه ارزیابی می کنید؟ ۵۰٪ ۰٪

۱۵-۲- جمع آوری برگه های خاطرات و دلنوشته های معتکفین و برداشت آنها از اعتکاف و انتقال آن به مراجع ذیصلاح.

۱۶-۲- تحویل هدایای مناسب فرهنگی به معتکفین مانند: کتاب نگین آفرینش (دوره مقدماتی مهدویت)

۳- گسترش فرهنگ اعتکاف

برخی از راهکارها برای گسترش فرهنگ آن عبارتند از:

۱-۳- تبلیغ اعتکاف و برشمردن آثار آن در رسانه های دیداری (مانند رسانه ملی، لوح فشرده، اینترنت)، شنیداری (مانند رادیو، لوح فشرده) و نوشتاری (مانند کتاب، روزنامه، مجلات، بولتن)

۳-۲- استفاده از مجامعی مانند دبیرستان ها، دانشگاه ها و مساجد جهت تبلیغ اعتکاف

۳-۳- تبیین سازندگی اعتکاف و در عین حال سادگی و عدم دشواری آن و بیان احکام اعتکاف: معمولاً عدم آگاهی نسبت به چیزی سبب می شود تا انسان آن را سخت و دشوار تلقی کند. گرچه اعتکاف با برخی محدودیت ها همراه است ولی عمل دشواری نیست.

۳-۴- هدایت افرادی جهت کارهای پژوهشی و تحقیقاتی در این زمینه

۳-۵- برگزاری همایش علمی در این زمینه

۳-۶- برگزاری مسابقات مقاله نویسی

۳-۷- بررسی موانع گسترش فرهنگ اعتکاف (جایگزینی فرهنگ ابتدال با

جاذبه های مادی و جنسی به جای فرهنگ فضیلت ها، سهل انگاری و غفلت و تکلیف گریزی، نقش ضعیف رسانه های عمومی و مطبوعات در این زمینه، عدم رواج فرهنگ نماز، دعا، توسل و توجه به قرآن)

۳-۸- پاسخ دادن به شبهات و ابهامات موجود درباره اعتکاف

۳-۹- پیش قدمی بزرگان: شرکت بزرگان و خواص جامعه می تواند در توسعه و همه گیر شدن اعتکاف نقش به سزایی داشته باشد. به عنوان نمونه در جشن عاطفه ها و... کمک شخصیت های کشور اعلام می شود و مردم هم از آنها تبعیت می کنند.

۳-۱۰- بیان همزمان ابعاد فردی و اجتماعی اعتکاف: زیرا با تاکید بر اثر تک بعدی مقوله های دینی همچون اعتکاف، اثر مثبت زیادی در ترویج اعتکاف نمی گذارد.

۱۱-۳- تبیین تاریخ اعتکاف و همراهان این راه: قرآن آنجا که می‌خواهد روزه ماه رمضان را بر مردم واجب کند در آیه ۱۸۳ سوره بقره می‌فرماید: «روزه بر شما مقرر شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند، مقرر شد» این نشان می‌دهد که اگر انسان بداند در این راه تنها نیست، راحت تر می‌پذیرد.

۱۲-۳- تبیین ثواب و آثار اعتکاف: اگر بپذیریم که اعتکاف دشواری‌هایی دارد، باید تبیین شود که تحمل این اندک سختی و ریاضت، نتایج گرانبهائی به ارمغان می‌آورد. (به فصل ۳ و فصل ۱۰ مراجعه شود)

۴- شناخت برخی آسیب‌های وارده بر عملکرد متولیان اعتکاف

۴-۱- تبدیل اعتکاف به مراسمی مشابه سمینار

تحریفی که در معنای اعتکاف که فلسفه آن دوری از گفتگوهای اجتماعی، سیاسی و... است، در حال رواج است تبدیل کردن آن به مراسمی چون

کنگره‌ها و همایش‌ها است. بعضی مسوولین گمان می‌برند باید تمام اوقات معتکفین را با برنامه‌های مختلف مانند سخنرانی‌های فشرده، دعا‌های طولانی، شبی با قرآن، تواشیح، ختم صلوات، قطعنامه، مذاحی و... پرکنند که به صورت عمومی از پشت میکروفن پخش می‌شود. انجام این برنامه‌ها به صورت محدود ممکن است ثمربخش باشد و لازم هم نیست که در تمام مراسم به صورت عمومی و با استفاده از بلندگو انجام شود. اگر عده‌ای دوست دارند دعایی را بخوانند، در گوشه‌ای از مسجد اجتماع نمایند. (به صفحه ۵۷ مراجعه شود.)

۴-۲- عدم حضور بزرگان و مسوولین در اعتکاف

هر چند بزرگان به اعتکاف توصیه می‌کنند و گاه خود زمینه‌ساز اعتکاف می‌شوند ولی شخصاً در اعتکاف حضور نمی‌یابند. گویا اعتکاف فقط مربوط به شاگردان و زبردستان است حال آنکه بیش از همه، حضور ایشان در اعتکاف

لازم است. چرا که هم از آثار فردی اعتکاف بهره مند می‌شوند و هم زمینه ساز و مشوق بیشتر دیگران برای حضور در این محفل نورانی می‌شوند. در طول تاریخ نیز، انبیا و اولیا در حضور در اعتکاف پیش قدم بودند. اهمیت این عبادت در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قدری بالا بوده است که در صورت عدم انجام آن بنا به علل خاص، قضای آن بجا آورده می‌شد. لذا باید اطلاع رسانی کافی به بزرگان و مسوولین، توسط متولیان اعتکاف در این باره صورت گیرد.

۵- آمار معتکفین

خوشبختانه علی رغم تبلیغات سوء غرب، شاهد گسترش معتکفین به خصوص در بین جوانان هستیم. با بررسی آمار و تحلیل آن از جنبه های مختلف مانند سن، تحصیلات، پراکنندگی جغرافیایی، دفعات شرکت، شغل و... می‌توان به گسترش اعتکاف کمک نمود. لذا متولیان اعتکاف باید نسبت به گرفتن آمار دقیق و بررسی تحلیلی آن، با کمک متخصصین مربوطه، اقدامات لازم را به عمل آورند.

در ذیل به آمار معتکفین، در سال های اخیر اشاره می‌شود:

آمار معتکفین در ایران در ایام ماه رجب (۱)

از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۷ به ترتیب آمار تقریبی معتکفین عبارتند از:

۰۰۰/۱۵۸-۰۰۰/۲۴۱- - ۰۰۰/۱۴۵ - ۰۰۰/۱۱۰ - ۰۰۰/۱۱۰ - ۳۰۰/۱۰ - ۵۰۰/۸۰ - ۹/۴۰-۵۰۰/۶۰ ۸۰۰/۲۱-۰۰ - ۵۰۰/۱۶

۰۰۰/۳۵۰ هزار نفر

مشارکت نوجوانان و جوانان

مشارکت خواهران

تعداد

مساجد

تعداد شهر

تعداد

معتکفین

سال

۴۰۵ هزار

۸۶

۴۵۰ هزار

۸۷

۷۰٪

۶۷٪

۳۲۴۰

۳۱۲

٥٠٠هزار

٨٨

٦٥٪

٣٧١٧

٤٠٥

٨٤٠هزار

٨٩

٨٠٪

٦٤٪

٦٠٠٠

٣٠١

١٤٠هزار

٩٠

فصل دهم: فلسفه و آثار اعتکاف

اشاره

مسلماً هر یک از احکام عبادی دارای فلسفه و آثار و نتایج سودمندی است. قرآن کریم رستگاری را به عنوان هدف ایمان، تزکیه نفس و عبادت ذکر می‌کند. (۱)

لذا همه عبادات در یک هدف کلی، مشترک هستند؛ اما برای هر یک از

آن‌ها هدف‌های جداگانه‌ای نیز وجود دارد و هر عبادتی، بخش معینی از نیازهای روحی را برآورده می‌کند.

به طور مثال، نماز، زنگار غفلت از خداوند را از آدمی می‌زداید و باعث آرامش انسان می‌شود زیرا قرآن می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (۲) روزه مانع زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن و طغیان شهوات می‌شود و نیروی عقلانی و قوای روحانی انسان را در مصاف با کشش‌های مادی و شهوانی تقویت می‌کند و انسان را صابر بار می‌آورد و نیز سبب اخلاص می‌شود.

اکنون پرسش این است که هدف تشریح اعتکاف، چیست؟

چون در اعتکاف، نماز، روزه، حضور در مسجد و الزام شخص به رعایت محرمات احرام (به صورت واجب یا مستحب) وجود دارد؛ لذا تمام فلسفه و آثار آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد.

در ذیل به بعضی از آثار اعتکاف اشاره می‌شود:

۱- آل عمران: ۱۳۰/شمس: ۹/مومنون: ۱/جمعه: ۱۰/اعلی: ۱۴/یونس: ۵۲.

۲- سوره رعد، آیه ۲۸.

۱- برخی از آثار فردی اعتکاف

اشاره

۱- برخی از آثار فردی اعتکاف (۱)

۱-۱- گریز از غفلت و روزمرگی

دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های گوناگون روزمره، گاه چنان انسان را به خود سرگرم می‌کند که از همه چیز حتی خودش غافل می‌شود. هر روز راس ساعت معینی با شتاب از خانه خارج می‌شود، مسیر مشخصی را می‌پیماید تا در مکانی تکراری، کار از پیش تعیین شده‌ای را انجام دهد؛ بی آنکه حتی لحظه‌ای با خود نجوا کند که من در کجای دنیا ایستاده‌ام؟ تا چه اندازه پیش رفته‌ام؟ از سرمایه‌عمرم چه بهره‌ای برده‌ام؟ آیا کاری که به آن پرداخته‌ام با آنچه از من خواسته شده است، هماهنگی دارد؟ و سرانجام همه این رفت و آمدها برای چیست؟ آیا برای مسیر طولانی و پرفراز و نشیبی که در پیش دارم، زاد و توشه‌ای ذخیره کرده‌ام؟

۱- «از قول خودم یعنی تجربه خودم و از قول تمام دوستانی که با ما در سال‌های طولانی خدمتگزاری، همکار بودند، عرض می‌کنم نه بین خود ما و نه بین معتکفین، کسی نیامده است بگوید من از اعتکاف، ناامید رفتم. این خیلی مهم است یعنی ما مرجع اطلاعات و اخبار اعتکاف هستیم، هم در قم و هم در شهرهای دیگر، هرکسی به هر منظوری توفیق انجام اعتکاف داشته، براساس اطلاعات ما دست پر برگشته و این می‌تواند برای همه آن‌هایی که یا از روی حبّ و عشق عبادت می‌کنند تا حلقه وصل به او رو، بیایند و هم کسانی که گم کرده‌ای دارند، گره‌ای دارند، غمی دارند، دردی دارند و احساس ناکامی می‌کنند در اینجا کامیاب می‌شوند. ادّعا نیست، بیایند و ببینند منتهی دیگر گفتنی نیست، تا این جایش را من گفتم، بقیه اش یافتنی است. به تعبیر زیبای «حلوای تترانی تا نخوری ندانی»، دعوت می‌کنم از همه آن‌هایی که مشکل دارند، بیایند ببینند و قضاوت کنند، بیایند بهره بگیرند، بعداً قضاوت کنند. حتی شخصیت‌های بلند مرتبه و دانشمندان علوم اسلامی در طول تاریخ، برای اعتکاف اهمّیت قایل بوده‌اند». (گزیده‌ای از مصاحبه با مسوول ستاد اعتکاف قم، خادم‌المعتکفین سید علیرضا تکیه‌ای)

این عادت و روزمره گئی، گاه حتّی بر اعمال عبادی حاکم می‌شود و نماز خواندن هم از روی عادت و نه از روی تأمل و تدبّر به جا آورده می‌شود.

برای بسیاری از ما این غفلت و روزمره گئی تنها با مرگ پایان می‌یابد و در آن زمان است که انسان فرصت پیدا می‌کند تا با درنگی کوتاه، برگشتی به عمر از دست رفته خود، داشته باشد و پرسش‌های یاد شده را با خود زمزمه کند. این درنگ در آن زمان هیچ سودی نخواهد داشت.

اعتکاف فرصتی برای گریز از غفلت و تدبّر در گذشته، حال و آینده است. چه بسا این فرصت سرنوشت انسان را به گونه‌ای دیگر رقم می‌زند

کسی که سه روز فارغ از دغدغه‌های زندگی همچون کار، همسر، فرزند، خویشان و... با دوری گزیدن از لذّات دنیوی، تنها برای رضای خدا، گوشه‌تنبهایی بر می‌گزیند و به عبادت می‌پردازد، با متوقّف کردنِ اختیاریِ روندِ جاریِ زندگی، این فرصت را پیدا می‌کند که به دور از غفلت‌ها و

روزمره گئی‌ها به خود و آینده خود بیندیشد و در صورت نیاز در مسیر عادی زندگی خود تجدید نظری کند. اگر مسیری را اشتباه رفته است بازگردد، اگر خطایی مرتکب شده است، درخواست بخشش کند و... اگر کسی این گونه به اعتکاف برود و حقّ اعتکاف را به جا آورد، می‌توان گفت که او همچون کسی است که تازه از مادر زاده شده و زندگی تازه‌ای را آغاز کرده است. (۱)

۲-۱- تمرین عمل گرای

معتکف آداب اعتکاف را فرا گرفته، تا در زندگی بتواند آنها را پاس دارد.

اعتکاف، تمرینی است برای وصول به عبادتی عمیق و گسترده؛ تمرین پرداختن به خویش، به جای بدگمانی به دیگران؛ تمرین اینکه تمام کارها باید

رنگ خدایی داشته باشد و بالاخره تمرین تنظیم فکر، با عمل منطبق با معیارهای الهی، است.

۳-۱- تمرین انقطاع از غیر

معتکفان تا آنجا پیش می روند که زمزمه «إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ»^(۱) را به گوش جان می شنوند، همان رستگاری واقعی را. اعتکاف گامی برای رسیدن به این مقصد بزرگ انسانی است.

از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کردند که شما از کجا به این مقام رسیدی؟ فرمودند: من یک دیواری دور قلب خودم کشیدم. یک دری هم برای آن گذاشتم. خودم کنار در ایستادم و نگذاشتم غیر از خدا وارد قلبم شود.

۴-۱- ایجاد آرامش روانی در معتکف

انسان به گونه ای آفریده شده است که در جستجوی معبود و کمال مطلق باشد، تا بتواند به عشق ورزی و عشق بازی با خدا، پرداخته، به آرامش برسد.

اعتکاف که همراه با دعا و نیایش و پرهیز از خواهش های نفسانی است؛

زمینه ای را برای آرامش روحی فراهم می آورد.

۵-۱- پیشگیری از بدی ها و دوری از آتش جهنم

وقتی که معتکف، لذت عبادت را احساس کرد، تمام سعی و همتش را به کار می بندد تا از بدی ها دوری جسته و از آن پیشگیری نماید.

۶-۱- زمینه ساز اخلاص و انس با خدا

ادیان الهی با آن که انسان را به حضور در جامعه و شرکت در فعالیت های اجتماعی فرا می خوانند، فرصت هایی را نیز برای خلوت کردن با خدا فراهم

۱- خدایا به من کمال بریده شدن به سوی خود را، هدیه کن (فرازی از مناجات شعبانیه).

می‌سازند. اعتکاف بهترین نمونه خلوت گزیدن و فرصتی ارزشمند برای عبادت و راز و نیاز و انس با خدا است.

آیت الله مجتهدی تهرانی می‌فرماید: «شب قدر بهترین ایام سال است. ملائکه به اذن خدا به روی زمین می‌آیند تا مقدرات ما را معلوم کنند. ملائکه می‌آیند و دور دل ما می‌گردند؛ اما جای خالی نمی‌بینند که وارد شوند. فرودگاه دل ما برای فرود ملائکه خالی نیست. گوشه ای از آن، جای محبت زن و بچه است؛ گوشه ای از آن جای محبت پول، ریاست و علاقه های گوناگون است و به همین دلیل ما فضای خالی در دل نداریم تا ملائکه در آن فرود بیایند».^(۱)

حضرت سلیمان علیه السلام گنجشکی را دید که به همسرش می‌گوید: چرا از من دوری می‌کنی و حال آنکه اگر بخواهم کاخ سلیمان را به نوکم گرفته و به دریا می‌افکنم! حضرت سلیمان خندید و او را نزد خود فرا خواند و فرمود: آیا تو را یاری این کار هست که می‌گویی؟ گنجشک گفت: مرد، گاهی نزد همسرش خود را بزرگ جلوه می‌دهد. (دوست و عاشق بر آنچه می‌گوید، سرزنش نمی‌شود). حضرت سلیمان به گنجشک ماده فرمود: چرا شوهرت را از خود می‌رانی؟ گنجشک ماده گفت: ای پیامبر خدا! او دوست من نیست و صرفاً ادعای دوستی می‌کند، زیرا غیر من دیگری را نیز دوست دارد. سخن گنجشک ماده حضرت سلیمان علیه السلام را متأثر نمود و سخت گریان گشت و چهل روز از مردم کناره گرفت و از خداوند خواست که دلش را پر از مهر خدا کند و مهر دیگران را از دل وی ببرد.^(۲) (به صفحات ۲۴۳ تا ۲۴۶ مراجعه شود)

۱- مجله افق حوزه، بهمن ۱۳۸۷، ش ۲۱۷.

۲- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۱۴، ص ۹۵.

ای یک دله ی صد دله، دل، یک دله کن

مهر دگران را ز دل خود، یله کن

یک لحظه به اخلاص بیا بر در ما

گر کام تو بر نیامد، آن گه، گله کن

(ابوسعید ابوالخیر)

۷-۱-زمینه ساز توجه قلبی به خدا

هدف از عبادت، رسیدن به حضور قلب است به گونه ای که فرد خود را در محضر خدا ببیند. انسان خلق نشده است که عبادتی بکند و به بهشت برود بلکه برای رسیدن به مقام قرب الهی خلق شده است و کمال او در این است.

امام صادق علیه السلام: «چه بسا فردی پنجاه سال نماز بخواند و یک نماز او مورد قبول خداوند واقع نشود. بدتر از این چیست؟»^(۱)

امام صادق علیه السلام: «قلب، حرم خداست پس در حرمش، غیر او را ساکن مکن»^(۲)

انسان باید جهت حضور قلب و تمرکز افکار بیشتر در هنگام عبادت، برای انس با پروردگار گاهی به گوشه ای خلوت پناه ببرد و دور از همه

وابستگی های دنیایی، مدتی در حال خود بیندیشد و با سوز دل و اشک چشم، زنگار را از چهره جان خود پاک کند.

هر چه انسان از هیاهوی زندگی روزمره و درگیری های اجتماعی دورتر باشد، تمرکز و حضور قلب، آسانتر حاصل می شود.

اعتکاف تمرینی است برای رسیدن به آن حضور قلب.

خداوند در حدیث قدسی می فرماید: «آسمان و زمین مرا فرا نگیرد ولی قلب بنده مومن، جایگاه من است»^(۳)

۱- الکافی (ط-اسلامیه)، ج ۳، ص ۲۶۹.

۲- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۶۷، ص ۲۵.

۳- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۵۵، ص ۳۹.

شخصی نزد آیت الله العظمی اراکی آمد و تقاضای موعظه کرد. آقا از ایشان پرسیدند: شغلت چیست؟ گفت: نجار. آقا به او فرمودند: یک در هم، برای خودت بساز و بگذار جلوی دلت. (۱)

انسان ها برای منازل خویش درب می سازند تا مبادا غریبه ای بدون اجازه وارد شود، ولی راه ورود به قلب و دل خویش را باز گذاشته اند و هر بیگانه ای می تواند وارد آن شود!

یکی از گناهان بزرگ این است که انسان غیر خدا را به دل خویش راه دهد. این نوعی غضب است و گناه بزرگی نزد اهل معرفت.

اعتکاف که برای رضایت خدا است، نتیجه اش اسکان محبت خدا در قلب و نتیجه پایانی آن، فراغ قلب از غیر خدا می باشد؛ یعنی انسان دل خویش را از غیر خدا خالی کند و کلید خانه را به صاحب خانه بسپرد و این، یعنی همان ارمغان حضور قلب.

۸-۱- زمینه ساز خودشناسی و دستیابی به توانایی و کمال

برای این که انسان بتواند، خود واقعی اش را از خودهای ساختگی و کاذب، تشخیص دهد و به توانایی ها، ناتوانی ها و شناخت درستی از خودش پی ببرد لازم است مدتی را در خلوت به سر ببرد. چون بسیاری از عواملی که باعث ظهور برخی از افعال و عکس العمل های ساختگی می شود در تنهایی تأثیر ندارد. از این طریق انسان می تواند گام هایی اساسی در جهت اصلاح و تکامل خود بردارد.

در تنهایی است که انسان می‌تواند زندگی حقیقی را تجربه کند و توانایی‌ها و کمالاتی را کسب نماید. به این دلیل است که اولیای الهی وقتی عزم کاری می‌کنند از عوامل بیرونی تأثیر نمی‌پذیرند زیرا خود به حقیقت پی برده‌اند؛ لذا در میان اولیای خدا، کسی را نمی‌توان یافت که مدّتی را در خلوت سپری نکرده باشد.

۹-۱-زمینه ساز پاکی و عاقبت نیکو

معتکف در نخستین قدم با غلبه بر وسوسه‌های شیطانی که او را از حضور در اعتکاف باز می‌دارد، زمینه عروج روحانی خود را آماده می‌کند.

معتکف، برای عروج الی الله، در خانه خدا و به میزبانی او ساکن می‌شود و در این مدّت، توجّه او تنها به خداست و غیر از او کسی را نمی‌بیند و رفتارش را مراقبت می‌کند. این مراقبت، زمینه ساز پاکی نفس بوده، مسیر صعود عرفانی را فراهم می‌آورد و انسان را، برای پذیرفتن رنگ خدایی آماده می‌کند.

«مَثَلِ مَعْتَكِفٍ، مَثَلِ شَخْصِيٍّ اسْتِ كِهْ خَوْذِ رَا دَر مَحْضَرِ خَدَاوَنْدِ قَرَار دَاوَدِه وَ مِي كَوِيْد تَا مَرَا نِيَا مَرْزِي اِيْنَجَا رَا تَرْك نَمِي كْنَم.» (۱)

(به صفحه ۲۸ مراجعه شود.)

۱۰-۱-زمینه ساز توبه و بخشش گناهان

اعتکاف، زمینه ساز توبه و بازگشت است؛ بازگشت به قرآن و معنویت، بازگشت به دعا و استمداد از خدا، بازگشت از خودمداری به خدامحوری.

اعتکاف فرصت بسیار مناسبی است تا انسان اندکی با خویش خلوت کند و با خلوص نیت به راز و نیاز با معبود پرداخته، از گناهان خویش درخواست آمرزش کرده، توبه نماید. توبه در حال اعتکاف موجب جلب رضا و غفران الهی و ورود در صف نیکان است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «ای بندگان من که بر خود

اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است» (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «اعتکاف از روی ایمان و حسابگری، باعث مغفرت معتکف می‌شود» (۲).

۱۱-۱- زمینه ساز استقامت در عبادت و تفکر

کسی که اراده اش ضعیف و قلبش با هر صدایی به سویی مایل است و رویگردان از ذکر، در خلوت برای استقامت در عبادت و تفکر آماده تر می‌شود.

۱۲-۱- فراهم نمودن زمینه برای تأمل و تفکر در درون

تفکر، مؤثرترین و مشکل‌ترین راه برای رسیدن به معرفت است. ذهن انسان به طور معمول در جامعه شلوغ و پر رفت و آمد افکار و وقایع، همیشه با

پرسش‌هایی روبرو می‌شود که به درنگ کردن و اندیشیدن نیاز دارد تا به پاسخ برسد؛ و تنهایی چند روزه، بهترین فرصت برای رویش نهال تفکر در انسان است. به همین دلیل عاقلان و عالمان با خلوت و تنهایی مأنوس هستند.

تفکر نیاز به علم، تمرکز و قوت نفس دارد و اعتکاف، زمینه تفکر و اندیشه را فراهم می‌کند و عبادت همراه با تفکر، دگرگونی انسان را به ارمغان می‌آورد. (به صفحه ۲۴۷ مراجعه شود).

۱۳-۱- رسیدن به آثار خلوت‌گزینی و پرهیز از اجتماع زدگی

همان‌گونه که دوری از اجتماع به بهانه عبادت و زهد، در دین اسلام، امری ناپسند است، غرق شدن در فعالیت‌های اجتماعی و دنیایی به بهانه اجتماعی بودن دین، و ارزشمند بودن خدمت به خلق، نیز پسندیده نیست.

۱- سوره زمر، آیه ۵۳.

۲- کنز العمال، ج ۸، ص ۵۳۰، ح ۲۴۰۰۷.

بیشتر انسان ها، شخصیتی که بین جمع تحصیل می کنند، ساختگی و غیر حقیقی می باشد. حتی اگر انسان از ایمانی قوی برخوردار باشد، احتیاج دارد که لحظاتی را با خدا خلوت کند؛ چون انسان با زندگی در میان مردم و برخورد با افراد مختلف و شنیدن یا دیدن گناه، سرگردان می ماند که ساکت بماند یا امر به معروف و نهی از منکر کند؟ زندگی در اجتماعی که نُقل مجالس نُقل عیوب دیگران است و مخالفت با آنان مشکلات دیگری به بار خواهد آورد و سکوت هم سرانجام انسان را شریک غیبت خواهد کرد، دشوار است و چه بسا اجتماع بر انسان اثر کند. اهل دل بر این باورند که گاه مجالست غافلان، چنان دل را از یاد خدا دور می کند و غبار غفلت بر آن می نشاند که مدت ها طول می کشد تا دوباره به آن پاکی دل دست یابد. در برخی از اجتماعات گناهای صورت می گیرد که چون باتلاق انسان را در خود فرو برده و توان اوج گیری را سلب می کند؛ زیرا بستر بعضی از گناهان مثل غیبت، ریا و... جمع و اجتماع است.

هر از چند گاه، عزلت از مردم و هیاهوهای زندگی و مظاهر فریبنده دنیوی، رمز سیر تعالی و طی مراحل روحانی است. (به صفحه ۲۷۰ مراجعه شود.)

اگر در سیره انبیا، به ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نظری افکنده شود، خلوت گزینی دیده می شود. ایشان در آستانه رسالت، خلوتی در کوه حرا داشتند و این خود مقدمه تاییدن نور نبوت بر قلب آن حضرت شد. (به صفحه ۲۳ مراجعه شود.)

اینجاست که انسان در می یابد که خلوت با خدا جهت پرهیز از اجتماع زدگی و تطهیر درون و نورانیت قلب چقدر لازم است.

۱۴-۱- تقویت اراده

تسلط انسان بر قوای خود را اراده می گویند. اراده و عزم، اولین شرط سلوک الی الله است. امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «اگر رهبری خود را در اختیار نفست

قرار دهی، آخرت خود را خراب کرده ای و نفست، تو را به بلایی بی انتها و بدبختی بی پایان وارد خواهد نمود»^(۱).

اعتکاف که مجموعه ای از محدودیت هاست و لازمه آن، دست شستن از لذات و آزادی ها می باشد، تمرین خوبی برای تقویت اراده می باشد.

کسی که نفس خود را مهار کرده و آن را وادار می کند که چند روز از محدوده ای خارج نشود و از لذات جنسی و مادی صرف نظر نماید، ریاضتی شرعی را متحمیل می شود که نتیجه آن تقویت اراده، اجتناب از بسیاری خواهش های نفسانی، ملکه شدن تقوا و پرهیز از محرّمات است.

امیرالمومنین علیه السلام: «هر کس به طور مداوم ریاضت بکشد، نفع می برد»^(۲).

۱۵-۱- تحوّل درونی معتکف و فرصتی برای خدایی شدن

معتکف با حضور داوطلبانه در مسجد در واقع، خواستار تغییر و تحوّل درونی خویش می باشد و خداوند هم او را به سمت نیکی ها هدایت می کند.

اعتکاف انسان را پرورش می دهد و روحش را تقویت می کند. هر کدام از اعمال انسان در اعتکاف، چنان تحوّل در وجودش ایجاد می نماید که گویی خدا را در قلبش می بیند.

اعتکاف، فرصت مناسبی برای انس با خدا و درک لذت بندگی اوست. اعتکاف، از بهترین میدان ها برای به زمین زدن وابستگی ها و زدودن عشق به دنیاست.

آری، اعتکاف انسان ساز است. نفس کشیدن در جمع معتکفان، غبار از آینه دل می زداید، تا جایی که جمال یار را در قلب معتکف می توان دید.

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۶۵.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۰۸.

۱۶-۱-رهایی از تعلقات مادی

بعضی چنان غرق در امور دنیوی شده اند که فراغ خاطر و آزادی ذهنی را درک نمی کنند. یکی از اثرات مهم اعتکاف، گسستن قید و بندهای ذهنی مربوط به امور دنیوی و رسیدن به آرامش روحی و درونی است که سبب می شود معتکف با قلبی آرام، برای ادامه این روند در طول سال، تشویق شود و این آرامش و چنگ زدن به ریسمان محکم الهی، زمینه ای را برای جدا شدن انسان از تعلقات مادی و نفسانی به وجود می آورد.

در نتیجه انسان رها شده از قید و بندها، وظایف بندگی را درک کرده با اشتیاق بیشتر به آنها عمل می کند و به کمال می رسد.

۱۷-۱-تنظیم کننده حقوق اجتماعی معتکف

اراده معتکف نسبت به قبل قوی تر می شود که این موضوع او را در مواجهه با آسیب های اجتماعی محکم تر و پایبندتر می کند. او حتی از دید اجتماع، فرد سابق نیست و نسبت به اجتماع دارای حس مسوولیت پذیری بیشتری می شود و معیارهای دینی در این رابطه بیشتر از گذشته توسط او رعایت می شود.

۱۸-۱-انسی با خوبان و یافتن دوستانی اهل معنا

امیرالمومنین علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمودند: «با نیکان بنشین تا از آنان به حساب آیی و از بدان دوری کن تا در شمار ایشان در نیایی» (۱).

اعتکاف زمینه مناسبی برای شناسایی و برقراری پیوند دوستی با خوبان است. افرادی که با ما معتکف هستند، هم نشینان صالحی می باشند که فضا را با عطر معنویت معطر می سازند. حضور مؤمنین شهر در چند مسجد، فرصتی است که

۱- نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، نامه ۳۱، ص ۳۰۵.

مؤمنان یکدیگر را بشناسند و ارتباط دوستانه پیدا نموده از آثار اخوت اسلامی برخوردار شوند. در سایه این اخوت اسلامی می‌توانند بسیاری از مشکلات را به آسانی حل کنند. این اثر را می‌توان از لابلای خاطرات منتشر شده معتکفان به دست آورد. (به صفحه ۲۸۱ مراجعه شود).

۱۹-۱- بهره‌گیری از اندیشه‌ها و تجربیات معنوی و اخلاقی بزرگان

قرار گرفتن در فضای اعتکاف، انسان را به اندیشه در گذشته و یافتن چراغی فرا راه آینده وادار می‌کند و فرصتی است جهت بهره‌گیری از تجربه آنان که راه یافته‌اند.

۲۰-۱- تضعیف مادی‌گرایی و تعلقات مادی

اسلام، دین انزوا و گوشه‌گیری نیست و حتی با آن به مخالفت پرداخته است؛ دست و پا زدن در مسایل مادی و مشاغل روزمره و معاشرت با غفلت زدگان جامعه، تمایل به دنیا و تجمل‌گرایی را در انسان افزایش می‌دهد و گاه آدمی را از یاد حق و توجه به امور معنوی باز می‌دارد و به خود مشغول می‌کند و اعتکاف موجب برطرف ساختن این آفات روحی می‌گردد.

در اعتکاف که از بهترین فرصت‌ها برای خودسازی است، می‌توان وابستگی‌ها را در راه محبوب حقیقی قربانی کرد و از کثرت روی گرداند و به سوی وحدت حرکت کرد.

۲۱-۱- دستیابی به گنجینه‌هایی از رحمت خاص خدا

از گرانبهاترین سرمایه‌های زندگی انسان، نماز، دعا، تفکر، شب زنده‌داری و گریستن و توجه به ائمه علیهم السلام، می‌باشد که اینها در اعتکاف به دست می‌آید و معتکف با این اعمال، در نزدیکی به خدا و قرار گرفتن در زیر سایه رحمت خاص او، گامی بزرگ برمی‌دارد.

۲۲-۱- توفیق تلاوت بیشتر قرآن و بهره مندی از برکات آن

معتکف در ایام اعتکاف با قرآن بیشتر از پیش مانوس می‌شود.

۲۳-۱- ذکر و یاد خدا و چشیدن شیرینی آن

از آثار ذکر، انس و محبت است. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: « ذکر خدا، قوت و غذای جان‌ها و [بالاتر از آن] عین مجالست با محبوب است». (۱) از اینجا شمه‌ای از اسرار «فاذکرونی اذکرکم» (۲) روشن می‌شود. معتکف، مرتبه‌ای از این محبت را با ذکر و یاد خدا می‌تواند، دریابد. (به صفحه ۲۷۳ مراجعه شود).

۲۴-۱- جلب محبت خدا و تحصیل بهشت الهی و تقرب به او

آنچه می‌تواند، موجب دل‌کنندگی از لذایذ زندگی مادی شود، خود باید لذتی برتر باشد، لذتی چون وصال محبوب و نزدیکی به خدا و قرار گرفتن در سایه سار محبت الهی. از جمله آثار عبادت، رسیدن به بهشت و بهره‌مندی از نعمت‌های آن است. «و آن‌ها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند؛ [آری]، آنها وارثانند. وارثانی که بهشت برین را به ارث می‌برند و جاودانه در آن خواهند ماند». (۳)

در حدیث معراج، خداوند از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال می‌کند: «ای احمد! آیا می‌دانی در چه هنگام بنده به خدا نزدیکتر می‌شود؟». بعد خداوند می‌فرماید: «زمانی که گرسنه یا در حال سجده باشد». در همین حدیث شریف خداوند می‌پرسد: «آیا

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۶۹.

۲- سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۳- سوره مؤنون، آیات ۹ الی ۱۱.

می‌دانی چشیدن شیرینی گرسنگی و سکوت و خلوت، چه اثری دارد؟» سپس خداوند می‌فرماید: «از آثار آن، حکمت و تقرب بنده به من است».^(۱)

چون در اعتکاف، گرسنگی، سجده، سکوت از غیر کلام خدا و خلوت، در کنار هم جمع می‌شود لذا اگر معتکف، کاملاً بر اعمال و رفتار خویش نظارت و دقت نماید و از انجام گناهان هم پرهیز نماید، سبب جلب رضایت خداوند متعال می‌گردد. همان طور که در آیه ۷۲ سوره توبه آمده است، علاوه بر بهشت و نعمات الهی، رضوان خدا که بالاترین نعمت هاست، نصیب مؤمن خواهد شد.

۲۵-۱- انس با معنویات

در پرتو اعمالی چون اعتکاف، کم ارتباط روانی خاصی بین انسان و مسجد، قرآن، نماز، نماز شب و ادعیه به وجود می‌آید. به نحوی که انسان، مشتاق ارتباط با این امور شده و دوری از آنها برایش سخت می‌گردد.

۲۶-۱- دوری از غفلت

غفلت از «خود» و «خدای خود»، بستر مرگ ارزش‌های انسانی و نقطه سقوط از پایگاه بلند خردورزی و عشق عرفانی و عامل پیوستن به زندگی پست و حیوانی است. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»^(۲)

اعتکاف تمرینی است تا انسان از گناه و غفلت دوری‌گزیند و غفلت در انسان به حداقل برسد و در هر زمان و مکان به یاد خدا باشد.

اعتکاف عبادتی چون نماز را در بردارد. «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^(۳) ذکر، سبب دوری از غفلت است. غفلت از خدا، بزرگترین عاملی است که موجب سقوط

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۱۹.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

۳- سوره طه، آیه ۱۴.

انسان می‌شود. «حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلتند و رویگردانند!» (۱).

۲۷-۱- افزایش تواضع و فروتنی

اگر انسان بتواند، بهره‌گیری خوبی از اعتکاف، بنماید و اندکی بر معرفت خویش به خداوند بیفزاید؛ بدون شک خود را در دایره بیکران هستی کوچک تر از قبل خواهد دید و غرور از او رخت بر خواهد بست و دیگر در مقابل هم نوع خود، تکبر نخواهد ورزید بلکه همواره فروتنی، پیشه او خواهد شد.

۲۸-۱- تجمیع ثواب اعمال عبادی و دریافت پاداش بسیار

اعتکاف، هم خود عبادت است و هم عبادات دیگر را در خود دارد. نماز دارد، آن هم چه نمازی؛ در اول وقت، به جماعت، با حضور قلب. روزه هم دارد و آن هم چه روزه‌ای، در بهترین ایام، در حالی که همه اعضای وجود انسان روزه دار است. دعا نیز دارد، آن هم چه دعایی، در خلوت، با وضو، در حال روزه، در بهترین ایام سال.

۲۹-۱- مهمان شدن بر خدا در خانه اش

ماندن در مسجد که خانه خداست؛ به منزله مهمان شدن بر صاحب خانه است. هنگامی که انسان در مسیر نزدیک شدن به خدا حرکت کند و به خدا روی آورد، خداوند جایگاهی والا برای او در نظر می‌گیرد. معتکف دعوت

می‌شود به خلوتی پاک و مقدس؛ تا نزدیک شدن به خدا را دور از هیاهوی جامعه حس کند و با معبود خود راز و نیاز نماید.

۳۰-۱- برآورده شدن حاجت‌ها و دریافت پاداش بی پایان

ایام اعتکاف، مکان اعتکاف و به ویژه شرایط معتکف، همه و همه، زمینه استجاب دعا را فراهم می‌نمایند و به همین دلیل است که بزرگان توصیه

نموده‌اند، معتکفین در این مواقع دعاهای کلی همچون ظهور آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بقای نظام اسلامی و... را از خدا مسالت نمایند.

۳۱-۱- بهره‌گیری از آثار نماز

سوره عنکبوت آیه ۴۵: «نماز، بازدارنده از زشتی و پلیدی است».

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «نماز، کلید بهشت است». (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «نماز، قلعه خداوند است». (۲)

امیرالمومنین علیه السلام: «نماز، رحمت خدا را نازل می‌کند». (۳)

فاطمه علیها السلام: «نماز، سبب پاکی از کبر می‌شود». (۴)

امام رضا علیه السلام: «نماز، سبب نزدیکی انسان باتقوا به خدا می‌شود». (۵)

در ایام اعتکاف، انسان فرصت بیشتری جهت اقامه نمازهای یومیه در اول وقت و به جماعت و نیز اقامه نمازهای مستحبی پیدا می‌کند و باعث بهره‌مندی بیشتر معتکف، از آثار نماز می‌شود.

۳۲-۱- بهره‌گیری از آثار روزه

معتکف در اعتکاف از آثار روزه نیز بهره‌مند می‌شود.

حدیث قدسی: «نتیجه روزه، کسب حکمت است». (۶)

۱- نهج الفصاحه، ص ۴۸۵.

۲- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۷۵.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ص ۸۱۷.

۴- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸.

۵- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۳، ص ۲۶۵.

۶- ارشادالقلوب، ترجمه سلگی، ج ۱، ص ۵۱۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: خداوند می‌فرماید «روزه برای من است و من جزا می‌دهم».(۱)

امام صادق علیه السلام: «روزه، سپری [در برابر آتش] است».(۲)

امام رضا علیه السلام: «روزه سَری بین خدا و بنده است».(۳)

روزه قلب را از وسواس حفظ می‌کند(۴) و نور و رحمت است(۵) و نیاز به مردم را کم می‌کند.(۶) روزه سبب نزدیکی به رحمت خداوند می‌شود(۷) و مانع تاثیر شیطان می‌شود.(۸)

روزه سه مرتبه دارد:

مرتبه اول: از خوردن، آشامیدن و... اجتناب می‌شود.

مرتبه دوم: علاوه بر پرهیز از خوردن و آشامیدن، از گناه نیز پرهیز می‌شود.

مرتبه سوم: علاوه بر دو مرتبه پیشین، دل هم روزه دارد. این جا مرحله بازداشتن دل از غیر خداست.

چون در ایام اعتکاف، معتکف روزه می‌گیرد آن هم در خانه خداوند، لذا از آثار فراوان روزه نیز بهره مند می‌شود. (به صفحه ۲۴۶ مراجعه شود.)

۲- برخی آثار اجتماعی اعتکاف

۱-۲-نوسازی معنوی جامعه و مقاوم سازی اندیشه فرهنگی

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۵/مصباح الشریعه، ص ۱۳۶/دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲- من لایحضره، ترجمه غفاری، ج ۲، ص ۴۰۱.

۳- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۹۳، ص ۳۸۱.

۴- تحف العقول، ترجمه جنتی، ص ۱۵۷.

۵- الامالی (للصدوق)، ترجمه کمره ای، ص ۲۴.

۶- تحف العقول، ترجمه جنتی، ص ۷۹۹.

۷- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۷.

۸- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۹.

اعتکاف، از بهترین برنامه های عبادی برای نوسازی معنوی جامعه به ویژه قشر نوجوان و جوان می باشد.

با توجه به این که اکثر شرکت کنندگان در اعتکاف را جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند و آنان در مرحله ای هستند که به شدت تحت تاثیر مسایل معنوی و رفتاری قرار می گیرند. لذا وقتی آنها طعم حضور در این مراسم را

می چشند و در آنجا با رفتارهای پسندیده آشنا می شوند و با انسان های وارسته همنشین می گردند و اندیشه های دینی شان تقویت می شود؛ دیگر حاضر نیستند آن را با لذت های شهوانی و مادی عوض کنند و خود را گرفتار اخلاق ناشایست نمایند. لذا در بعد اجتماعی، اعتکاف سبب مقاوم سازی جامعه در برابر تهاجم فرهنگی می شود.

به همین دلیل برگزاری این گونه مراسم، سلامت جامعه را تضمین می کند و دینداری را در جامعه رواج می دهد و ضمن حفظ سلامت جامعه و برآوردن برخی نیازهای معنوی آن، مردم را از تهاجم فرهنگهای مخرب، مصون می دارد.

۲-۲- کاهش جرم و فساد

گسترش مسایل معنوی و پراکندن عطر بندگی و خداپرستی در جامعه، عرصه را بر راهزنی نفس و ابلیس تنگ تر می کند و فضای نفس کشیدن را بر دوستان خدا می گشاید. در این زمینه، اعتکاف می تواند نقش مهمی ایفا کند؛ زیرا آثار معنوی ویژه ای حتی بر غیر معتکفین بر جای می گذارد.

۲-۳- درمان ناهنجاری ها و لغزش های فردی و اجتماعی

اعتکاف هجرتی درونی برای سیر در دنیای باطن و مروری بر نفسانیات خویش است تا انسان گام تهذیب بردارد و از درون متحول شود و از عالم هستی

به عالم معنا روی آورد و امراض درونی را که باعث به وجود آمدن لغزش های فردی، که گاه اجتماع هم درگیر عواقب آن می شود، از بین ببرد.

۴-۲- تأثیر اعتکاف در کاهش بلایای عمومی

گاهی خدا به دلیل تأدیب انسان ها یا عقوبت آنها به خاطر انجام گناه، عذاب و بلاهایی چون خشکسالی، زلزله و بیماری نازل می کند تا انسان ها از خواب غفلت بیدار شده و به راه راست هدایت گردند. طبق روایات، عمل شایسته جمعی از مردم می تواند باعث دفع بلا از جامعه ای گردد. خداوند در آیه ۳۳ سوره انفال می فرماید: «...تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند». لذا اعتکاف خالصانه جمعی از مردم جامعه، می تواند بلاهای عمومی را دفع کند.

۵-۲- مقابله با تهاجم فرهنگی و دفاع از ارزش ها

با تحقق انقلاب اسلامی، دست ابرقدرت ها قطع شده و سفره ای که کارگزاران سرسپرده برای آنان گسترده بودند، جمع گردید. دشمنان چنان عصبانی شدند که توطئه ها، کودتاها، جنگ و محاصره سیاسی اقتصادی را برای مقابله با ارزش های دینی طراحی کردند ولی به خواست خدا موفق نشدند.

در این راستا، در چند سال اخیر تهاجم فرهنگی یا به عبارت بهتر شیخون فرهنگی، یکی از ابزارهای دشمنان جهت تغییر فرهنگ دینی-ملّی و جایگزین کردن فرهنگ غرب است که مقابله با آن، خود جهادی فرهنگی را می طلبد. جهاد و کوششی برای تقویت باورهای دینی که با ایجاد محافل معنوی و مجالس انس با خداوند و شناخت بیشتر او می توان گامی در این راه برداشت.

اعتکاف می تواند برنامه سودمندی در مقابله با این تهاجم باشد؛ زیرا علاوه بر بی ارزش نشان دادن لذت های زودگذر دنیوی و دیگر تأثیرات فردی، به دلیل دعوت جامعه به خداپرستی و دین مداری، می تواند آثار سازنده ای را به

دنبال داشته باشد و نقش بسیار مهمی در رویارویی با نفوذ فرهنگ بیگانه ایفا کند؛ زیرا جوانی که در مراسم اعتکاف، طعم شیرین ایمان و انس با خداوند را می‌چشد، لذت‌های مادی و شهوانی در دیدگانش، حقیر و بی‌ارزش می‌شود و به آسانی در گرداب فساد و باورهای ضد دینی گرفتار نمی‌شود.

از طرفی، چنین مراسمی خود پیامی عملی و درسی عبرت آموز برای مردم است. حضور جمعی از مؤمنان در مسجد برای عبادت، در حقیقت نوعی دعوت به خداپرستی و دین‌مداری است و آثار سازنده‌ای در جامعه خواهد داشت.

شرکت جوانان دراعتکاف، این پیام را به جهانیان می‌دهد که اسلام چنان در وجودشان ریشه دوانده که به راحتی نمیشود آنان را ازاسلام و انقلاب جدا کرد.

۶-۲- دعوت به خوبی‌ها

امر به معروف و نهی از منکر، از فروع دین هستند و ترک این دو مهم، حرام بوده و صدمات جبران‌ناپذیری بر جوامع اسلامی وارد می‌سازد.

در جامعه کنونی که به هر عنوانی می‌شود انزوای معنویت را نه احساس، بلکه مشاهده نمود، عده‌ای در زمان خاصّی، در پاکیزه‌ترین مکان‌ها یعنی مساجد، گرد هم می‌آیند و خدا را می‌خوانند و از گناهان خویش توبه

می‌کنند. این، امر به معروف و نهی از منکر عملی است که به یقین از امر و نهی زبانی برنده‌تر و کارسازتر است. چه قلبهای ناپاکی که با اعتکاف پاک می‌شود و چه نفس‌های شیطانی که با معتکف شدن، به یاد خدا می‌افتد و با توبه، خدایی می‌شود و خداوند با اعتکاف، چه زیبا دست گناهکاران را می‌گیرد.

۷-۲- سنتی نیکو برای جامعه

از آن جا که تلاش در زمینه اعتکاف، احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، از برترین اعمال به شمار می آید. چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هرکس سنت نیکی را پایه ریزی کند، خداوند پاداش آن سنت و نیز اجر همه کسانی را که تا روز قیامت، به آن عمل کنند به او ارزانی می دارد، بدون آن که از ثواب عمل کنندگان به آن چیزی کاسته شود».^(۱)

فصل یازدهم: عبادات همسان اعتکاف از جنبه ثواب

اشاره

در روایات، ثواب انجام برخی اعمال عبادی، معادل اعتکاف شمرده شده است. لذا به افرادی که توفیق درک اعتکاف را ندارند، توصیه می شود، این اعمال را انجام دهند.

لازم به ذکر است که اعتکاف دارای جنبه های متعددی می باشد و هر چند که انجام اعمال مذکور، ثواب اعتکاف را دارد ولی از جنبه هایی مانند خودسازی و... شاید نتواند اثربخشی اعتکاف را داشته باشد.

در ذیل به برخی از این اعمال اشاره می شود:

۱- حل مشکلات و برآورده کردن حاجات دیگران

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «برآوردن حاجت مومن، بهتر از یک ماه روزه و اعتکاف است».^(۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کمک یک روزه فرد به برادرش، بهتر از اعتکاف یک ماهه است».^(۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کمک کردن به مسلمان، بهتر از یک ماه روزه گرفتن و بهتر از اعتکاف در مسجدالحرام است».^(۴)

امیرالمومنین علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «مردم عیال (روزی خور) خدا هستند و کسی که برادر مسلمانش را جهت حل مشکلش همراهی می کند، [عمل او] نزد خدا از دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام محبوب تر است».^(۵)

۱- کافی (ط-اسلامیه)، ج ۵، ص ۹.

۲- بحارالانوار (ط-بیروت)، جلد ۷۱، ص ۲۸۵ و ۳۸۲.

۳- نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۵۷۷.

۴- جهاد با نفس وسائل الشیعه، ترجمه صحت، ص ۳۳۳.

۵- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۱۰/بحارالانوار (ط-بیروت)، جلد ۷۱، ص ۳۱۶.

امام سجّاد علیه السلام: «به خدا قسم! بر آوردن حاجت مؤمن، از دو ماه روزه متوالی و دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام، محبوب تر است». (۱)

امام صادق علیه السلام: «هر که برای بر آوردن حاجت برادر مؤمنش قدمی بردارد و هدفش کسب رضای خدا باشد و تلاش کند تا حاجتش بر آورده شود، خداوند متعال، به خاطر این عملش ثواب یک حج و یک عمره مقبول و نیز ثواب روزه دو ماه از ماههای حرام و اعتکاف آنها در مسجد الحرام را برای او می نویسد». (۲)

امام صادق علیه السلام: «کسی که در بر آوردن حاجت مومنی قدم بردارد، ده حسنه برایش نوشته و ده گناه از او محو، و مقام او ده درجه بالا برده می شود. عمل او معادل آزاد کردن ده بنده است و فضیلت آن از یک ماه اعتکاف در مسجد الحرام بیشتر است». (۳)

امام صادق علیه السلام: «نیست مومنی که مومن یا مظلومی را یاری کند مگر اینکه برایش بیشتر از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام فضیلت داشته باشد». (۴)

صفوان جمال می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی بنام میمون به محضر حضرت شرفیاب شد و از مشکل پرداخت مال الاجاره شکایت کرد. حضرت به من فرمود: برخیز و به برادر دینی ات کمک کن تا مشکلت حل شود. همراه او رفتم و خداوند کمک کرد و مشکلت حل شد. به خدمت

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۶، ص ۳۴۳/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۷۱، ص ۳۰۴/ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۴۶.

۲- وسائل الشیعه (الإسلامیه)، ج ۱۰، ص ۵۵۵ و ج ۱۶، ص ۳۴۶/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۷۱، ص ۳۲۷ و ۳۳۴.

۳- وسائل الشیعه (الإسلامیه)، ج ۱۶، ص ۳۶۵/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۷۱، ص ۳۳۱/مشابه این روایت در مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۱۱، آمده است.

۴- الاختصاص، الشیخ المفید، ص ۲۷/بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۷۱، ص ۳۱۲ و ج ۷۲، ص ۲۰.

حضرت باز گشتم امام فرمود: برای حل مشکل برادر مسلمانان چه کردی؟ عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت! خداوند مشکل وی را حل کرد. امام علیه السلام فرمود: «آگاه باش اگر به برادر مسلمانان کمک کنی، این کار از یک هفته طواف بر گرد خانه خدا در نزد من بهتر است» و نیز از امام حسن علیه السلام نقل می‌فرمایند «اگر مشکل برادر مومنی را حل کنی، ثواب آن از یک ماه اعتکاف بیشتر است».^(۱)

امام کاظم علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «مردم عیال خدا هستند. بهترین خلق نزد خدا، کسی است که نفع [بیشتری] به مردم برساند و شادی اهل خانه ای را فراهم کند و برادر مسلمانانش را جهت رفع مشککش همراهی کند، [عمل او] نزد خدا بهتر از دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام است».^(۲)

به امام رضا علیه السلام عرض شد، شخصی برای حاجتی نزد جدّ شما (امام حسین علیه السلام) رفت و از او کمک خواست، به او گفتند ایشان معتکف است. او نزد امام حسن علیه السلام رفت و قضیه را به او گفت. آن حضرت فرمود: «برداشتن قدمی برای رفع حاجت برادر مؤمن بهتر است از اعتکاف و دو ماه روزه متوالی در مسجد الحرام. سپس امام رضا علیه السلام فرمود: و حتی بهتر است از اعتکاف دهر».^(۳)

امام رضا علیه السلام: «بر آورده شدن حاجت مومن، برتر از روزه و اعتکاف در مسجد الحرام است».^(۴)

۱- اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص ۲۸۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۸/ النوادر، فضل الله الراوندی، ص ۱۱.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۱۲/ بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۷۱، ص ۲۳۵.

۴- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۷۱، ص ۲۳۳.

۲- همنشینی با علما

امیرالمومنین علیه السلام: «یک ساعت همنشینی با دانشمندان از هزار سال عبادت، و نگاه [همراه با اندیشه] به چهره عالم از یک سال اعتکاف در مسجد الحرام در نزد پروردگار محبوبتر است».^(۱)

امیرالمومنین علیه السلام: «زیارت علمای الهی از هفتاد طواف خانه خدا محبوب تر و از هفتاد حج و عمره قبول شده با فضیلت تر است و انسان را هفتاد درجه بالا می برد. رحمت را بر انسان نازل می نماید و فرشتگان شهادت می دهند که بهشت برای او واجب است».^(۲)

البته نه هر عالمی، بلکه دانشمندانی که در هر نشستی کفه رذایل اخلاقی انسان را سبک تر و بر وزن فضایل اخلاقی بیفزایند. لذا امام باقر علیه السلام سفارش می کند که با علمایی همنشین باشیم که ما را از شک به یقین و از کبر به تواضع و از ریا به اخلاص و از دشمنی به خیرخواهی و از دنیا طلبی و دنیا پرستی به زهد و عدم وابستگی به دنیا راهنمایی کنند.^(۳)

۳- زیارت سید الشهداء

امام صادق علیه السلام: «زیارت سیدالشهدا معادل یک حج و یک عمره و دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام به همراه دو ماه روزه اش ثواب دارد».^(۴)

۱- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۱، ص ۲۰۵ ح ۳۳ / مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۵۳.

۲- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۱، ص ۲۰۵.

۳- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۲۸.

۴- بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۹۸، ص ۷۱ / وسائل الشیعه (ط-آل البیت)، ج ۱۴، ص ۴۳۶ / مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۹.

فصل دوازدهم: اعتکاف پرتوی از حج و ماه مبارک رمضان

اشاره

حج و روزه مانند اعتکاف تقرب به حریم یار و دور شدن از زینت ها و زخارف دنیاست. حج و روزه نوعی رهبانیت مشروع است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «آیا می دانی رهبانیت امت من چیست؟» و سپس فرمودند: «هجرت، جهاد، نماز، روزه، حج و عمره»^(۱)

۱- مقایسه اعتکاف با حج و ماه مبارک رمضان

۱-۱- از جنبه محرمات

محرمات اعتکاف انسان را به یاد محرمات حج و عمره می اندازد^(۲) چرا که معتکف نیز مانند مُحرم بعضی از اموری که قبلاً بر او حلال بوده، بر خود حرام می نماید تا رنگ الهی و حالت فرشتگی به خود گیرد و وارد حرم الهی شود و بوسه بر کعبه مقصود زند.

در اعتکاف، جدال، استعمال بوی خوش و مباشرت با همسر که از محرمات احرام می باشند، بر معتکف حرام می شود همان طوری که زائرین و مهمانان خانه خدا وقتی که می خواهند وارد مسجد الحرام بشوند باید تعلقات مادی را کنار بگذارند و از لذایذ دنیا چشم پوشی نموده تا تمرینی برای تزکیه و کسب تقوی داشته باشند و با احرام، بیست و چهار چیزی که قبلاً حلال بود حرام می شود تا با یک قداست وارد خانه خدا بشوند و مهمان او گردند.

۱- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۱۴، ص ۲۷۷.

۲- ۴ مورد از محرمات احرام از مبطلات اعتکاف بوده و مستحب است که معتکف از بقیه محرمات (۲۰ مورد دیگر) اجتناب کند.

در ماه مبارک رمضان نیز تعدادی از چیزهایی که قبلاً حرام بود بر مهمانان و روزه داران حرام می شود که امام سجّاد علیه السلام این را یک نوع احترام کردن به ماه مبارک رمضان و مهمانی خدا برشمرده اند. خداوند متعال، ماه مبارک رمضان را با احترام های فراوان و فضایل مشهوری که برای او قرارداد، بر سایر ماه ها برتری داد پس یک سلسله چیزهایی که در ماه دیگر حلال بود در این ماه به خاطر بزرگداشت و احترام ممنوع کرده و به خاطر اکرام ماه رمضان، خوردنی و آشامیدنی را نیز در این ماه منع کرد. همچنان که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای احترام ماه شعبان برخی از روزهایش روزه و شبهایش را تا صبح بیدار بود.

۲-۱- مهمان خدا بودن

ماه رمضان مهمانسرای الهی است و ماه، ماه خداست و ضیافت الله است.

اعتکاف هم نوعی مهمانی خداست و معتکف باید حداقل سه روز در خانه خدا حضور دایم داشته و مهمان خدا شود.

در حجّ و عمره هم حاجی و معتمر، مهمان خانه خدا هستند.

۳-۱- از جنبه هدف

قرآن در آیه ۱۸۷ سوره بقره غرض از اعتکاف را دستیابی به تقوی معرفی می کند «لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»؛ همچنان که در آیات مربوط به ماه رمضان و حجّ، علت را کسب تقوی بیان نموده است.

۴-۱- از جنبه ثواب

روایات متعددی راجع به معادل بودن ثواب اعتکاف با حج و روزه ذکر شده است (به فصل سوم مراجعه شود).

از آیه ۱۲۵ سوره بقره نیز برداشت می شود که اعتکاف در ردیف حج و نماز می باشد.

۵-۱- از جنبه خودسازی

حج مانند اعتکاف فرصت مناسبی جهت خودسازی است و ائمه بر آن تاکید کرده اند و نویسندگان کتب حج به این مطلب اذعان داشته اند.

۶-۱- از جنبه جامعیت

اعتکاف مانند حج خود جامع عبادات دیگر است لذا حاجی یا معتکف توفیق چندین عمل صالح را هم زمان پیدا می کند.

۲- جملات ادبی

اعتکاف پرتویی از حج است که ایمان و اندیشه، عشق و محبت، معرفت و بصیرت را در خلوتخانه دل سکنا می دهد و زیباترین صحنه های بندگی به شکل ذکر و دعا، راز و نیاز تبلور می یابد.

اعتکاف چون حج، میدان سیر و سلوک، تطهیر و تهذیب، زدودن زنگار دل و ورود به عرصه جهاد اکبر و مبارزه با شیطان است.

اعتکاف و حج، سرآغاز دو فصل بارش باران رحمت الهی و شستشوی

آلودگی های زمین دل و نورانی ساختن صحیفه اعمال است.

اعتکاف بسان حج، کتاب نفس را خواندن، طلسم دل را گشودن، بر اسرار ملکوت آگاه شدن، به محاسبه و مراقبه نفس پرداختن است.

اعتکاف و حج، بستری بی نظیر برای کشیک نفس، دل از ما سوی الله بریدن و خانه دل را برای تجلی محبوب آماده کردن است.

اعتکاف بسان حج، سلسله اعمال عبادی است که چندین عبادت را کنار هم قرار داده و مجمع عباداتی همچون نماز، روزه، تلاوت قرآن، ذکر، توسل و دعا می باشد.

اعمال اعتکاف و حجّ، تعبد است و روح آن دلبری و دلدادگی؛ معتکف و حاجی از همه دام‌ها می‌رهند و دل را به دلبر می‌سپارند و آسمانی می‌گردند.

معتکف در اعتکاف، همسان حاجیان با خضوع و خشوع صدق و صفا و ادب حضور در خانه دوست، محضر محبوب را پاس می‌دارد و خود را مُحرّم نموده تا مُحرّم ملکوت و آشنای درگاه عرشیان گردد.

در اعتکاف همانند حجّ، معتکف دل را مُحرّم ساخته، بر گرد وجود حق طواف نموده، پشت مقام ولایت نماز خوانده، بین صفا و مروه دل، سعی می‌کند و برای یافتن معرفت در عرفات جان، ذکر «مَنْ لِي غَيْرُكَ» سر داده و خود را در زمزم معرفت شستشو می‌دهد. بر سجاده نیاز، سفره دل گشوده و برای ازدیاد شعور در مشعر وجود، شب زنده داری می‌کند و در محراب جان با شیطان درون

می‌ستیزد و در مسلخ عشق مئیّت خویش را قربانی می‌نماید. (۱)

غروب شب آخر اعتکاف همچون غروب روز عرفه است. وقتی چادرها را در عرفات جمع می‌کنند تازه آدم یادش می‌آید که هنوز آقا عجل الله تعالی فرجه الشریف را ندیده است.

۱- برگرفته از سخنان حجت الاسلام نجفی روحانی، نماینده بعثه مقام معظم رهبری در مدینه.

فصل سیزدهم: اعتکاف در آینه شعر و نثر

۱- اعتکاف در آینه شعر

مفهوم اعتکاف، با توجه به اینکه تنها یک عمل عبادی معمولی نیست؛ بلکه یک مرحله از مراحل سیر و سلوک عرفانی است. جایگاه ویژه ای در شعر عرفانی به خود اختصاص داده، هر چند شعرا از واژه اعتکاف، معتکف و عاکف کمتر استفاده کرده و به جای آن واژه «خلوت» را به خدمت گرفته اند.

آن که در کعبه، اعتکاف گرفت

سنگ چون بر کبوتر اندازد

خاقانی

همه روز روزه رفتن، همه شب نماز کردن

همه ساله حج نمودن، سفر حجاز کردن

ز مدینه تا به مکه، به برهنه پای رفتن

دو لب از برای لیبک، به وظیفه باز کردن

به معابد و مساجد، همه اعتکاف جستن

ز مناهی و ملاحی، همه احتراز کردن

شب جمعه ها نخفتن، به خدای راز گفتن

ز وجود بی نیازش، طلب نیاز کردن

به خدا قسم که آنرا، ثمر آن قدر نباشد

که به روی ناامیدی در بسته باز کردن

شیخ بهایی

ز آتشکده و کعبه، غرض سوز و نیازست

وآنجا که نیاز است چه حاجت به نماز است

بی عشق، مسخر نشود ملک حقیقت

کآن چیز که جز عشق بود، عین مجاز است

چون مرغ دلخسته من صید نگردد

هر گاه که بینم که در میکده باز است

آنکس که بُود معتکف کعبه غربت

در مذهب عشاق، چه محتاج حجاز است

هر چند که از بندگی ما چه بر آید

ما بنده آنیم که او بنده نواز است

خواجوی کرمانی

خدایا خانه ات گشته مطافم

به دور کعبه دل در طوافم

مگر پرونده من را ندیدی

که دادی باز، اذن اعتکافم

خدایا بر دل سوزان زینب

به حق قاری قرآن زینب

تو لطفی کن که با امضای زهرا

شوم در کربلا مهمان زینب

در این سه شب اعتکاف، شیدا بودیم

شیدای محبت تو مولا بودیم

انگار چنان یتیم و مسکین و اسیر

افطار، سر سفره زهرا بودیم

سه شب تا صبح استغفار کردیم

به جرم خویشتن اقرار کردیم

کنار سفره مولا نشستیم

سه شب با کوثرش، افطار کردیم

یعقوبی

خلعت اعتکاف

به تن نما، برادرم، خلعت اعتکاف را

رسان به کام خویشتن، لذت اعتکاف را

سه پنج روز زندگی، به راه و رسم بندگی

به پا نما، برادرم، همت اعتکاف را

اگر که مفت می‌خرند؛ در این زمانه عمر را

بیا بخر برای خود، عزّت اعتکاف را
اگر ضعیف گشته ای به زیر بارزندگی
رسان به جان خویشتن، قدرت اعتکاف را
زدود و داد در گذر، بحال خود، نما نظر
گزین در این میانه تو خلوت اعتکاف را
تشرّف است بی گمان، اجازه ای است در میان
اگر دهند دست من قسمت اعتکاف را
احمد درویش گفتار

حلقه عشاق

عقده دل وانما، ماه رجب می رسد
هلهله کن عاکفا! ماه طرب می رسد
حلقه عشاق را کعبه دل آمده
کعبه عشاق را عاشق رب می رسد
حیدر کزار بین، صاحب شمشیر دین
روح زمان و زمین، شاه عرب می رسد
معتکفا هو بگو، زین همه نیکو بگو
حید کزار روز، زاهد شب می رسد
چهره زغم بر کنید، لب به سخن وا کنید
از دل این قبله گه، مرد ادب می رسد
رو سوی بطحا نما، چشم دلت را گشا

منبر و محراب را، مرد خُطَب می رسد

احمد درویش گفتار

فرصت دیدار

هوای شهر مکه گرم و صاف است

میان سینه، دل در اعتکاف است

بنا گه می کشد پَر، مرغک دل

نگاهش می کنم مست طواف است!

سید احمد زرهانی

سه شب او مدم تو خونه ات، روی فرش تو نشستم

دلشکسته دست خالی، دل به الطاف تو بستم

سه شبه با چشم گریون توی خونت در طوافم

با همه بدی که داشتم، دادی اذن اعتکافم

صاب خونه دارم یه خواهش، من به عنوان یه مهمون

بیا و به جان زینب، دیگه رو تو بر نگردون

صاب خونه، بذر امید رو تو دلم، دوباره کاشتی

چگونه شکر تو گویم که تو کردی با من، آشتی

مهمونی چه زود تموم شد، دل من داره می گیره

مهمونت داره یه خواهش، رو پای مهدی بمیره

کارگر

۲-اعتکاف در آئینه نثر

۲-۱-نجوای اعتکاف

مهربانا آمده ام تا معتكف كوی تو شوم، لانه شیطان را در ذهن و جانم ویران سازم و بال پرواز از تو بگیرم. آقایم! فرمودی به خانه من درآی تا پناهت دهم و من نیز دل از همه گسسته و بر تو بسته ام و چشم انتظار نوازش های بنده پرورت می باشم.

معبودم به مسجد، سجده گاه عاشقان و سر بر آستان نهادگان و خانه امن و آرامش تو آمده ام؛ مکانی که پروازها از آن سرگرفته و محل نزول فرشتگان و مجمع عاشقان و محفل کزویبان است. بدان امید آمده ام که در کنار دوستان و مقربان در گاهت قرار گیرم تا شاید گوشه چشمت بر من گنه کار رو سیاه افتد.

۲-۲-جملات ادبی

اعتکاف احیای سنت پسندیده نبوی صلی الله علیه و آله و سلم است.

اعتکاف از لذایذ مادی، دوری گزیدن و از زندان نفس آزاد شدن و با غسل، جان را تطهیر کردن و با عمل ام داود، دستور العمل از کاملان گرفتن است. خود را یافتن و دل بدان کامل سپردن و در نهایت، قرآنی شدن است؛ که «لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ جز پاکان نباید آن را مس کنند.

اعتکاف استمرار راز و نیاز بسیجی، در سنگرهای شلمچه، فکه، دو کوهه، مهران، مجنون، هویزه و... است.

اعتکاف التماس در طلب یاری خدا، برای یاری رساندن به بندگان خداست.

اعتکاف انس با معشوق است که زمینه گسستن از سرگرمی های پوچ را فراهم می کند.

اعتکاف انسان را از آفت خدا فراموشی و از خود بیگانگی، نکه می دارد.

اعتکاف انسان را از حاکمیت غرایز، عادت ها و اشتغالات معمول آزاد می سازد.

اعتکاف اهتزاز دستان نیاز و معراج دل، است.

اعتکاف آب حیات بخش، در کویر غفلت هاست.

اعتکاف آمادگی و مهیا شدن، برای سربازی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

اعتکاف آماده شدن، برای درک فصل زیبای خدا، ماه مبارک رمضان، است.

اعتکاف آینه ای است برای اینکه خود را بشناسی و گودال های عمیق نفسانیت و حیوانیت را در عمق جان خود از نزدیک ببینی و باطن خود را تماشا کنی.

اعتکاف آینه ای است برای پیراستن جان و صفا بخشیدن به روح و تطهیر صحیفه اعمال.

اعتکاف بازگشت از قبله دنیا گرایان به سمت و سوی قلب و قبله هستی است.

اعتکاف برداشتن دیوارهای بلند فاصله، بین بنده و خداست.

اعتکاف برکندن خس و خاشاک هرزگی و برآوردن برگ و بار بندگی است.

اعتکاف بریدن از خلق و پیوستن به خالق است.

اعتکاف بستر مناسب اندیشه، تفکر و خردورزی است.

اعتکاف به حساب خود رسیدن است قبل از آنکه به حسابش برسند. «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»

اعتکاف به حساب خویش رسیدگی کردن پیش از حلول یوم تُبلی السرائر است.

اعتکاف به مهمانی خدا، در خانه خدا در آمدن است.

اعتکاف بهاری برای از نو رستن و شکفتن شکوفه های فطرت است.

اعتکاف بیرون رفتن از خانه خویش و مصمم شدن بر حضور در خانه حضرت حق است.

اعتکاف پاک شدن و آمادگی برای همه روزهای سال است.

اعتکاف پرواز دسته جمعی مرغان مهاجر، در زلال آبی عشق است.

اعتکاف پرورش جسم و جان است.

اعتکاف پشت پا زدن به تعلقات نفس است.

اعتکاف پیمانی دوباره با خدا و فرصتی برای آنان است که پس از روزگار فصل، هوای وصلی دوباره به سر دارند.

اعتکاف پیوستن قطره با دریا و پروازی عاشقانه به عالم بالاست.

اعتکاف تجربه ارزنده ای است برای دست افشاندن از متاع دنیا.

اعتکاف تلاش برای پاک کردن زنگار از روح و روان است.

اعتکاف تلاشی است برای اینکه انسان های فرو رفته در غرقاب روزمرگی ها از فضای پر التهاب روزانه به سوی «خویش» و

«خدای خویش» باز گردند.

اعتکاف تمرین بندگی و پیمانی دوباره با معبود است و یادآور روز الست.

اعتکاف تمرین خوب زیستن است.

اعتکاف تمرین ساده زیستن است.

اعتکاف تمرین نگه داشتن زبان است.

اعتکاف تمرینی است برای رسیدن به آن حضور قلبی که انسان را از

بیت الاحزان پراکندگی و تشویش و دلمردگی، به جمال کعبه حضور و سرور زنده دلی هدایت می کند.

اعتکاف تمرین انقطاع از غیر بسوی خداست؛ اَلْهَى هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ

اعتکاف توفیقی است برای نشستن بر سر خوان لطف و مائده خداوند و لذت بردن از راز و نیاز و مناجات با او.

اعتکاف توفیقی ناآگاهانه در مسجد، بدون عشق به عبادت و قصد قربت نیست، بلکه مُعتکف آگاهانه عزم حضور در خانه حضرت حق می کند؛ حضوری آگاهانه، عاشقانه و خالصانه بر درگاه پروردگار یکتا

اعتکاف جشن عارفان است در آغوش خدا.

اعتکاف جنگیدن، برای شکست دادن میت هاست.

اعتکاف چونان آب گوارایی است برای تشنگان قرب خدا.

اعتکاف حضور نیازمندان و خاشعانه بر آستان معبود است، بی غرور و تکبر، جدا از تشخص ها و امتیازها.

اعتکاف خلوت از بیگانگان و پیوستن به محبوب ازلی و ابدی است.

اعتکاف خلوت چند روزه با خداست.

اعتکاف خلوت گزینی برای خدمت بیشتر به بشریت است.

اعتکاف خلوتی است در جمع، عزلتی است در ازدحام و حضوری است در غیبت از صحنه زندگی روزمره و روزمرگی زندگی.

اعتکاف خواهش، برای درک لذت نیایش است.

اعتکاف خودسازی برای جامعه سازی است.

اعتکاف در پیشگاه حق را زمان خاص و وقت خاص نیست؛ زیرا که عارف را حضور دایم یابد که حضور دایمش، اعتکاف اوست و انقطاع الی الله به طور

مداوم، زبان حال و قال اوست. این اعتکاف چند روزه در مسجد، آیت و علامتی از برای آن اعتکاف حقیقی انسان است؛ تا کدامین صاحب‌دلی بدین بارگاه قدس الهی بار یابد.

اعتکاف در نهان خانه دل، با حق سخن گفتن و از غیر، لب فرو بستن و به خدا پیوستن است.

اعتکاف در کوی ولایت، وقوف پیدا کردن است.

اعتکاف در ماه رجب، استقبال از ماه مهمانی خداست.

اعتکاف درمان فساد و فحشا است.

اعتکاف درمانگاه دلهای زخمی است.

اعتکاف درنگی است زمینه ساز جهش و پرش برای رسیدن به اوج بندگی.

اعتکاف دفتر دل را گشودن و از اسرار غیبی آن آگاه شدن است.

اعتکاف دل بریدن از همه چیز و دل بستن به همه چیز است.

اعتکاف دوره فشرده خودسازی و خودشناسی است.

اعتکاف راز و نیاز با خالق و فارغ از خویشستن شدن و توجهی خاص به مبدأ آفرینش و مرکز قدرت، و عزت و سعادت یافتن است.

اعتکاف راه نو، برای دستیابی به حیات طیبه است.

اعتکاف راهی برای رفع غفلت و فرصتی برای مرور دفتر عمر است.

اعتکاف رویش بهاری سبز، درشوره زار زندگی و دعوتی تازه به بازگشت است.

اعتکاف ریاضتی شرعی است برای ارتقای روح و روان.

اعتکاف زاری، در طلب یک عمر بیداری است.

اعتکاف سبب تهی شدن خانه دل از اغیار و جایگزینی نور محبت خدا می شود.

اعتکاف سبب می شود تا انسان با توشه معنوی و اعتقادی راسخ و ایمان و امید بیشتری، به زندگی ادامه داده و خود را برای صحنه های خطر و جهاد در راه خدا آماده سازد؛ همیشه با یاد خدا تلاش کند؛ خود را در محضر پروردگار ببیند و از نافرمانی او بپرهیزد.

اعتکاف سپری در برابر تهاجم فرهنگی است.

اعتکاف سکوی پرش انسان جهت پرواز و اوج گرفتن است.

اعتکاف سنت اسلام است، سنت اسلام ناب محمدی.

اعتکاف سنت نیکوی دیرپایی است که از پیامبران به یادگار مانده است. عبادتی که در خلوت انسان با پروردگار مهربان، شکل می گیرد و دل های شیفتگان حضرتش را جلا می بخشد.

اعتکاف سوختگیری معنوی برای روزها و هفته ها و ماههای بعدی است.

اعتکاف سه روز به یاد ماندنی است.

اعتکاف سیره دیرینه انبیا و اولیای الهی است.

اعتکاف شستشوی ارتباطات پست برای دستیابی به ارتباطات برتر و طی مقامات معنوی و عرفانی است.

اعتکاف شعبه ای از جهاد اکبر است.

اعتکاف شوریدن بر تنگنای روزمرگی برای دستیابی به مقام بندگی است.

اعتکاف صاحبدل، رحل اقامت افکندن و وصف دل را تا قیامت جان شنیدن است و در دل شب نیز از نوای سینه و نای گلو، های و هوی برآوردن است.

- اعتکاف عاشقان را به طواف حرم الهی یعنی دل می‌برد (۱) و نفس را با اسم حافظ حق، نگهبان دل قرار می‌دهد. (۲)
- اعتکاف عبادتی است که در خلوت انسان با پروردگار مهربان، شکل می‌گیرد و دل‌های شیفتگان حضرتش را جلا می‌بخشد.
- اعتکاف عشق‌بازی با خدا برای یک عمر عشق ورزیدن به بندگان خداست.
- اعتکاف عصیانی آگاهانه در برابر همه بت‌های کوچک و بزرگ و اعلام بندگی است در برابر یگانه آفریدگار سترگ.
- اعتکاف عهد موّدت و میثاق مجدد با پروردگار است.
- اعتکاف غوغای درون و سکوت برون است.
- اعتکاف فرصت سبزی است تا هر صاحب‌دلی بتواند طعم زندگی را بچشد.
- اعتکاف فرصتی است برای باران اشک بر مزرعه دل، بهاری است برای رویدن گل توبه و انابت در باغچه زندگی.
- اعتکاف فرصتی است برای خودسازی.
- اعتکاف فرصتی است برای گردش در کوچه پس‌کوچه‌های روح، برای مرور در صفحات کارنامه زندگی.
- اعتکاف فرصتی است که دیده را در فراق شمع ایستای محرم، گلگون‌سازی و محیط‌گونه را در سوگ یاس کبود علی‌السلام، نیلی کنی.
- اعتکاف فرصتی برای پیرایش دل از زنگار گناه است.
- اعتکاف فرصتی برای فکر و ذکر خداست.

۱- امام صادق علیه السلام: القلب حرم الله (بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۶۷، ص ۲۵).

۲- امام صادق علیه السلام: وَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ (بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۶۷، ص ۲۵).

اعتکاف فرصتی برای وقف روح، در خدمت خدا است. یک عمر برای خودمان کار کردیم، سه روز را مال خدا باشیم.
اعتکاف فرصتی جهت بررسی اعمال سال است.

اعتکاف فرصتی طلایی است برای آشتی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و عهد و پیمانهای که با او دادیم.

اعتکاف فرصتی است برای بازگشت به خویش و خدای خویش تا کسانی که از هیاهو و جنجالهای زندگی مادی خسته می‌شوند، بتوانند چند صبحی با خدای خود خلوت کنند و جان و روح خود را با خالق هستی ارتباط دهند.

اعتکاف فصلی برای تطهیر صحیفه اعمال، برای نورانی ساختن دل و صفا بخشیدن به روح است.

اعتکاف فصلی برای گریستن و موسمی برای بارش رحمت و زدودن

آلودگی‌های گناه است.

اعتکاف کادر سازی برای انقلاب اسلامی است.

اعتکاف کلاس پرواز روح است.

اعتکاف کناره گیری از عادت‌های زشت برای رسیدن به عادت‌های خوب است.

اعتکاف کوشش برای بیرون کردن کینه‌ها از دل است.

اعتکاف گام برداشتن برای دستیابی به نفس زکیه و پاک است.

اعتکاف گره زدن زندگی با بندگی است.

اعتکاف گریز از لذت‌گرایی و مهار حس خود محوری و برتری جویی است.

اعتکاف گسترش افق دید بشر از تکنولوژی مادی به روش‌های جدید است.

اعتکاف گسستن از آفریده و پیوستن به آفریدگار است.

اعتکاف گشت و گذاری است در کوچه پس کوچه های درون و گشتن در دنیای تو در توی دل و شناختن خود و مجاهده با نفس.

اعتکاف گلگشتی است در عالم کزوبیان.

اعتکاف گوشه ای از بهشت لطف خداوند است.

اعتکاف مجالی برای انس با خداست و مقدمه شهود ربّ و وصول به محضر لاهوتی اوست.

اعتکاف محو خودخواهی در امواج بلند خداگرایی است.

اعتکاف مراجعه به پزشک روح است و چکاپ جان تا ویروس ها و

آلودگی هایش را بشناسیم و مداوا کنیم.

اعتکاف مقدمه ای است برای آنان که می خواهند معتکفان دایمی ملکوت بارگاه قدس الهی باشند.

اعتکاف نفس گیری جدید، برای ادامه زندگی پاک و زیباست.

اعتکاف وقف نمودن عقل و دل و جوارح، در بارگاه خدا است.

اعتکاف، هجرتی درونی برای سیر در دنیای باطن و مروری بر نفسانیات خویش است تا گام تهذیب برداریم و کام بندگی برگیریم.

اعتکاف همنشینی با قدسیان و فرشته خویان است.

اعتکاف یعنی خداحافظ دنیا!

اعتکاف یعنی خود را به خدا گره زدن. هر چقدر این گره، کورتر باشد بهتر.

اعتکاف یعنی درمان بحران هویت بشر.

اعتکاف بستر مناسب اندیشه و تفکر و خردورزی است.

اعتکاف رهایی از هیاهوها، تعلقات و آزادگی است.

اعتکاف محو خودخواهی در امواج خداگرایی و خدمت به امت اسلامی است.

اعتكاف بیرون رفتن از خانه خویش و حضور در خانه خدا است.

اعتكاف نه گفتن به هوس ها و آز و طمع هاست، و آری گفتن به همه فضیلت ها و زیبایی ها.

اعتکاف ورود به عرصه جهاد اکبر و مبارزه با نفس است.

برای نیل به هدف بزرگ تزکیه و تهذیب نفس و سیر و سلوک، آدمی را اعتکاف باید؛ اعتکاف در محیطی خلوت و ملکوتی، به دور از هیاهوی زندگی.

بعضی سفرها، خاطرات خوشی دارند که فراموش نمی‌شوند. به یاد ماندنی‌ترین سفرتان را در اعتکاف تجربه کنید، سفری از خاک به افلاک، سفری که به دیدار خود خدا می‌روید.

پیام اعتکاف، به یاد خدا زیستن است.

در اعتکاف خانه دل از اغیار تهی شده، نور محبت خدا جایگزین می‌شود.

در روزگاری که دنیا و زرق و برق هایش، حرف اول را می‌زنند، خودمان را در دریای انس با خدا و اعتکاف بیازماییم.

روزهای اعتکاف، روزهای انس با پروردگار و بریدن از غیر و پیوستن به یار است. ایام اعتکاف، اهل عبادت را عید حضور است و اهل غفلت را روزنه‌ای به سوی نور.

متن اعتکاف را سکوت، صوم، بیداری، خلوت، ذکر و راز و نیاز مداوم، تشکیل می‌دهد.

معتکف احیاگر سنت نبوی است، او از هوای نفس، گریزان و برای رهایی از آن اشک ریزان است.

معتکف با پیوندی محکم و ناگسستنی با مبدأ هستی، در پی قرابت با محبوب، با چشیدن طعم شیرین وصل، چشمه سار جان را از زلال حضور، لبریز می‌سازد و با خطاب «ارجعی الی رَبِّكَ» به منزلگاه دوست می‌شتابد و با او خلوتی معنوی را می‌آزماید.

معتکف با خود و خدای خود قرارگاه کجایی بودن را روشن کرده، قرار به کجا رفتن را در می‌یابد.

معتکف در حالی از اعتکاف خارج می‌شود که به حساب اعمالش، به طور کامل رسیدگی کرده و حسابش را با خودش تسویه کرده است.

معتکف روزه اش، نمازش، حضورش در مسجد و دیگر اعمالش مایه تقرب است.

معتکف شدن در مسجد برای چند روزی برای همگان میسر است؛ ولی معتکف در خانه حق شدن و دل را به صاحب دل دادن و استقامت در طی مسیر داشتن کاری است بس دشوار.

راه دشوار است و تن از کار، ترسان است یاران

دل خریدار است کاین ره، راه جانان است، یاران

معتکف مرغ جان را در حریم امن دوست به پرواز آورده و با دلی لبریز از ذکر و دعا، به ضیافت رب الارباب بار یافته و سر بر آن آستان بی نیاز می‌سایند، تا یار که را خواهد و توفیق که را باشد.

معتکف می‌تواند آینده خود را بیمه کند و خود را از آتش جهنم برهاند.

معتکف می‌کوشد تا از فرش زمین نفس، به عرش آسمان دل، پرواز کند و در آشیانه دوست، منزل گزیند.

معتکفان دایمی را که زبان «هو، هو» دارند، از آن عالم، خبری است و آن را که خبر شد، خبری باز نیامد. چه اینکه حقایق ملکوتی خوش نشین اند و تا قلب را آرام و دل را خالی از غیر نبینند فرو نمی‌آیند و از عالم بالا تنزل نمی‌کنند.

۳-۲-قطعه های ادبی

۱-۳-۲-مهمانی

«تو همیشه با منی، اما چشم من گرفتار رنگ و وارنگ دنیا و دلم در بند نیاز و خواهش نفس است. درونم دلتنگ است از دوری تو. دلم سخت بهانه تو را می‌گیرد. چند روزی می‌خواهم تنها با تو باشم، تنها تو را حس کنم و تنها تو را بیابم؛ تو را که سرچشمه وجود منی، روزی ده من، حافظ من، یار و یاور من، برطرف کننده نیازهایم و برآورنده حاجاتم، تویی که همه امید منی.

کدام اندوه، کدام سختی و کدام گره کور دلم را خواهد آزد، وقتی من در این چند روزه اعتکاف تو را بیابم و دریابم که تو خدای بزرگ و مهربان من، همیشه با منی؟...

می‌خواهم امروز حصارى بسازم، بین خودم و هر چه غیر توست. بین خودم و همه باده‌ها، توفان‌ها و آفت‌ها... ای مهربان پاک من! سه روز مرا به سوی خود بخوان و در خانه ات مهمان کن، تا آبشار رحمتت، همان اندک گرد و غبار دنیایی را هم که بر دل جوان من نشسته است، پاک کند و از بین ببرد. نمی‌خواهم با گذر جوانی، رنگ آبی دلم، خاکستری شود. پس سه روز مرا به سوی خود بخوان و پاک تر و تازه تر از پیشم کن....

گفتی مهمان را عزیز بدارید که مهمان، حبیب خداست. امروز من به مهمانی تو آمده‌ام. ای عزیز! مهمانت را دریاب و سبب احتیاج مرا از لطف و مهربانی پر کن.

دل نشین تر از مهمانی تو چیست که در هر مهمانی، صاحب خانه خود مهمان سفره توست. این یگانه سفره ای است که در آن صاحبخانه، به راستی صاحبخانه است و دستش در عطا و بخشش گشوده است. ای مهربان! بر تهی دستی ام راضی مشو که به هزاران امید به مهمانی تو آمده‌ام». (منیره زارعان)

۲-۳-۲- راهی برای انس با خدا

«اعتکاف، فرصت بسیار مناسبی است تا انسانی که در پیچ و خم‌های زندگی مادّی غرق شده، خود را بازیابد و به قصد بهره بردن از ارزش‌های معنوی، از خواسته‌های مادّی دست بکشد و خود را در اختیار پروردگار بگذارد و تقاضا کند او را در راه راست ثابت نگاه دارد، تا بتواند به دریای بیکران انس و مهر خداوند پیوندد که یکسره مغفرت و بخشش است. در اعتکاف می‌توان دل را از غبار تهی کرد و نور محبت خدا را در آن جلوه گر ساخت. می‌توان خود را وقف عبادت نمود و لذت میهمان شدن بر سر سفره احسان و لطف الهی را چشید. می‌توان زمام دل و جان را به دست خدا سپرد و همه اعضا و جوارح را در حصار اراده حق به بند کشید.

می توان به خویشتن پرداخت و کاستی های خود را شناخت و در جست وجوی درمان برآمد. می توان نامه عمل را مرور کرد و به فکر تدارک و جبران فرصت های از دست رفته بود. می توان به حرکت اندیشید و خود را برای حضور در پیشگاه خداوند مهربان آماده کرد.

آری، اعتکاف، فصلی است برای گریستن، برای ریزش باران رحمت، برای شستن آلودگی های گناه، برای پاک نمودن نامه اعمال، برای نورانی ساختن دل....

اعتکاف، بازگشت به اصل خویشتن است. در این دشت بی انتهای بخشش خداوند. سرت را بر زمین بگذار و آرام آرام نجوا را آغاز کن؛ آن گاه می بینی چگونه باران الطاف خداوند بر سر و رویت می بارد.

اسب سرکش نفس را مهار کن و دل و جان را به خداوند بسپار. از اینکه قطره های اشک بر گونه هایت جاری می شود، شاد باش. این قطرات ریز و درشت، چشمه ساری است برای پاک کردن گناهان تو.»

(شیرین احمدی)

۳-۳-۲- پایان اعتکاف

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس از روی ایمان و و اخلاص و به خاطر خدا اعتکاف کند، گناهان گذشته او آمرزیده می شود».(۱)

عمل «ام داود» که تمام می شود صف های فشرده نماز سریع تر از هر روز شکل می گیرند. نماز جماعت هم باشکوه تر از همیشه برگزار می شود. احساس سبکی می کنیم. احساس خلاء، شاید هم احساس آرامش. اما هرچه که هست مطمئنی که با سه روز قبلت فرق دارد. نماز هم تمام می شود. امروز کسی برای میل کردن افطاری، عجله ای ندارد. برخی دارند هر چه زودتر ساک و پتویشان را جمع می کنند برای رفتن. برخی در حال خداحافظی با دوستانشان هستند. برخی هم آخرین بلوتوث های تازه رسیده را دارند برای یکدیگر می فرستند. اما تو در

این میان، گوشه ای تکیه زده ای فارغ از دیگران. به در و دیوار مسجد نگاهی می اندازی. اما هرچه به خودت فشار می آوری، پاهایت یاری نمی کنند که تو را از اینجا ببرند. مگر می شود، سه روز در بهترین اماکن مقدّس زمین، در بهترین روزهای خوب خداوند، مهمان باشی و به همین راحتی بگذاری و بروی؟ مگر می شود، این تنهایی را رها کرد؟ این خود بودی که فارغ از هر مکان و زمان در خلایی سه روزه بدون هیچ مزاحمتی فرو رفته بودی. ولی چاره ای نیست، گویا قرار است تمام قطرات بارانی که با رسیده تر شدنشان به دریای متلاطم فرو می ریزند، به بستر این جامعه هزار تو و هزار رنگ بازگردد. نگرانی، نگران از آنکه نکند مثل قطره ای بی تأثیر در این دریای عمیق فرو بروی و محو بشوی و تا به خودت بیایی، ببینی که دیگر دیر شده است تو هم قسمتی از این دریا شده ای. حالا دیگر به همه این آب های روی هم می گویند: جامعه. این چیزی است که تو از آن بیم داری. باز نگاهی به اطراف مسجد می اندازی، خلوت تر شده است. معدودی از معتکفین هنوز دارند آخرین مناجاتشان را با خدا ادامه می دهند و برخی همچنان در حال رفتن. این بار احساس می کنی چیزی سنگین راه گلویت را بسته است. احساس می کنی چشمانت داغ شده اند، احساس می کنی گونه هایت هم سرخ شده است. حالا دیگر طعم تلخی بر لبانت نشسته است. این را می گویند اشک فراق. اصلاً دلت می خواهد مثل زمان کودکی که وقتی مصرّانه چیزی را از مادرت می خواستی، گریه می کردی و داد می زدی که: من می خواهم بمانم؟ می خواهم در این حال خوش باقی بمانم. نمی خواهم دوباره لگه ای بر وجودم بنشیند و ذره ذره وجودم را سیاهی بگیرد. تا اینکه دستی گرم بر شانه ات می نشیند و قبل از اینکه تو ببینی چه کسی تو را خطاب می کند، می گوید: مگر قرار نبود برای پیوستن به همین جامعه خودت را پاک و آماده

من گم شده ام یا خدا؟! من فرار می کنم یا دنیا؟! من ریزترین ماهی و تو آبی ترین دریا. من ستاره ای در کورسوی کهکشانم و تو آسمان بی کرانی. گریه، ناله، اشک... و ناگهان امید در دلم جوانه زد.

خاک های لبا سم را می تکانم، غمهایم را پشت در مسجد چال می کنم.

من معتکف می شوم. مثل یونس در دل نهنگ. من در دل دنیا معتکف شده ام.

خدایی جز تو نیست و من بنده ستمکار تو هستم.

روز اول سخت و آسان؛ امروز سیزدهم رجب است. امروز روز آشنایی است، مرا به یاد می آوری خدا؟! نماز می خوانم، توبه می کنم. از فکرهای بد، از کارهای ناشایست. از فراموشی مبهم زندگی. من تو را فراموش نکرده ام، ای دوست.

روز دوم فرا رسید؛ نه گرسنه ام، نه تشنه. نه بیدارم، نه خواب. می دانم امروز چهاردهم رجب است. خورشید زیباست، آسمان آبی پیدا است؛ اما من اینها را بر سقف آبی مسجد می بینم. هنوز هم معتکفم. از بیرون بی خبرم، اما درونم را می بینم، خودم را تماشا می کنم. در صورت مردم، در آیات قرآن، و آفتاب غروب می کند در روز دوم.

سجاده ام را باز کرده ام، امروز روز سوم است. ظهر روز سوم، لقمان، یاسین، انعام، بنی اسرائیل و کهف؛ همه را به شهادت می گیرم.

شما آیات قرآن می دانید که من عاشقانه خدا را دوست دارم. توبه کرده ام، پشیمانم. شاید بدون یاد خدا زنده باشم، ولی زندگی نمی کنم. از نعمت های خدا بهره نمی برم. من آلودگی ها را پاک کرده ام. حالا دیگر پاک پاکم. دیگر می توانم به شادی سرم را بالا ببرم، من خودم و تو را تصویر می کنم.

و دریایی اشک که گناهانم را پاک کرد.

دعایم برآورده شد، دوستی ام پذیرفته شد، من قبول شده ام».

(جلیل وند)

۳-۴-۲- غریبه آشن

«به تیپ و قیافه اش نمی آمد اهل اینجور کارها باشد. بر عکس بقیه، نه رحل قرآن جلویش گذاشته بود و نه جا نمازی مقابلش پهن بود. زانوانش را بغل گرفته بود. خیره خیره چراغ سبز بالای محراب را تماشا می کرد.»

پرسیدم: چطوری اخوی؟ بالا بالا سیر می کنی...!

به خودش آمد. کمی خودش را جمع و جور کرد و گفت: آره واقعاً.... بعد ادامه داد: وقتی دلم می گرفت یا بلد بودم به دور و بریهایم غرغر کنم یا بروم توی اتاق و موسیقی را تا درجه آخر، بلندکنم و خودم را بزخم به بی خیالی. گاهی هم با بیچه ها می رفتیم پارک و خیابان گردی و اینجور حرف ها... ولی راستش هیچ کدام، آرامم نمی کرد. بدتر انگار گره کور مرا، کورتر می کرد. اما اینجا.... کنار این همه آدمی که از خود بی خود شدنشان هم یک جورهایی

آخر هوشیاری است، احساس می کنم سبک شده ام.

احساس می کنم مقدس شده ام. احساس می کنم تازه آن کسی را که بهش

می گفتند «خدا»، دارم می شناسم. دارم می بینم. بعد سرش را انداخت پایین.

لحظه ای توی فکر رفت و گفت: «به هیچ کس نگفتم این سه روز کجا می روم. اصلاً نمی دانستم باید با خودم چی بیاورم. همین طوری دست خالی آمدم».

گفتم: «همین دست خالی بودنت به همه چی می ارزه».

داختم خلوتش را خراب می کردم. تسبیح تربتم را توی دستانش جا گذاختم و رفتم...».

۴-۴-۲- اعتکاف در غربت

در ماه مبارک رجب در مطب مشغول ویزیت بیماران بودم که شخصی از درب مطب وارد شد و پیشنهاد شرکت در اعتکاف را داد. این شخص قبلاً از

بیماران من بود. بعد از اظهار دعوت، آدرس محل اعتکاف را که مسجدی در شهر شارجه در امارات متحده عربی بود، داده و زمان شروع آن را یادآوری کرد... به جمع معتکفین پیوستم. افراد حاضر از نظر نژادی سفید، سیاه و دورگه بودند. سیاهان از آفریقا، افرادی با رنگ پوست قهوه ای از کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش و جنوب ایران و سفیدپوستان از سایر کشورهای جهان و از جمله ایران بودند. از نظر مذهبی، اکثر مذاهب اسلامی شامل تشیع و تسنن در جمع شرکت داشتند. کسی به مذهب دیگری کاری نداشت. نگاه ها به سوی وحدانیت خدا متمرکز بود. برای هر کاری برنامه ریزی شده بود، از جمله غذای افراد معتکف. البته افراد معتکف خود هزینه غذا را می پرداختند و آن را درست می کردند. برای تغذیه افراد معتکف، هر کس نسبت به دیگری سبقت می گرفت. گویی تغذیه معتکفین برای افراد داخل مسجد نوعی عبادت بود... موضوع قابل توجه دیگر اینکه اثری از دخالت حکومت و حاکمان محل و کشور در آنجا مشاهده نمی شد... برای به جا آوردن اذان و نماز جمع با همدیگر قرار گذاشتند که هر مذهبی بنام تشیع و تسنن اذان خود را جدا، ادا کند و در مورد بعضی حرکات در حین ادای نماز که با همدیگر اختلاف داشتند قرار گذاشتند که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به هر شکل که بوده، انجام دهند... پایان اعتکاف در مسجد، پایان کلی اعتکاف نبود. مطابق قرار قبلی، پس از اذان مغرب معتکفین از مسجد واقع در شارجه... به سمت مسجدی در دبی که عده ای دیگر در آن حال اعتکاف بودند، حرکت کردند... وقتی دو جمعیت به همدیگر رسیدند با

چهره ای خندان و گریان همدیگر را در آغوش کشیدند، البته آرام آرام صحنه گریه در افرادی که به آنها می پیوستند، بیشتر ظاهر می شد... پذیرایی ساده و محبت آمیزی در مسجد انجام گرفت... افراد به دسته های چند نفره تقسیم شدند

و برای هر دسته یک مسوول مشخص شد. به هر گروه آدرسی دادند... زنگ اولین خانه را زدم... بعد از نشستی مختصر، من به عنوان مسوول گروه، به عربی سوال کردم که چطور هستید؟ بقیه اعضای خانواده کجا هستند؟ احوالشان چطور است؟ آیا مشکلی هم دارند؟ منظورم از مشکل هم مشکلات مادی بود هم اخلاقی و... جالب بود که ما به عنوان معتکف، مهمان خانه ها می شدیم اما پس از خداحافظی، اعضای خانه در پی ما حرکت می کردند و وقتی به خانه دیگری می رفتیم، آنها پشت درب می ایستادند و منتظر می ماندند تا ما از منزل بیرون بیاییم... گویی اعتکاف منحصر به دو مسجد در دو شهر نبود. روح اعتکاف به همه افراد در آن محله ها تسری و حاکمیت پیدا کرده بود...

(دکتر امرالله احمدی)

۵-۴-۲- چرا اعتکاف؟

وقتی شنید می خوام برای ثبت نام اعتکاف برم رو ترش کرد و گفت: این اعتکاف از کجا در اومده؟ اصلاً کی گفته باید رفت اعتکاف؟ و سه روز زندگی رو تعطیل کرد؟ با تعجب نگاهش کردم و گفتم: این حرفها رو جدی می گی سعید؟ لبخندی زد و گفت: بله شما اگه می تونی دلیل بیار که من هم قبول کنم و پیام؟

دستش را گرفتم و گفتم: بین داداش من! اولاً- که در قرآن آیه ای آمده که خداوند به دو نفر از پیامبران بزرگش حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام دستور می ده که خانه مرا برای معتکفین پاکیزه کنید. دوماً بسیاری از پیامبران و به خصوص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به بحث اعتکاف خیلی اهمیت می دادند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دهه آخر ماه رمضان را در مسجد معتکف می شدند. سوماً اعتکاف

تعطیلی زندگی نیست، سکونی است برای حرکت سریع تر، تجدید قوای معنوی است برای جنگ با شیطان...

۶-۴-۲- دنیایی از نور و صفا

«وقتی وارد مسجد شدم، فکر کردم دنیایی نور و صفا به صورتم تابیده شد. آن وقت اشک از چشمانم جاری گردید. دست خودم نبود. خود اشک ها بی تاب تر از من بودند. بسم الله گفتم و انگشت اشاره ام را بردم به طرف چشمم، قطره ای اشک برداشتم. انگشتم خیس شد، بوسیدمش. خیلی دلم برای خدا تنگ شده بود. امسال دوست دارم از ثانیه ثانیه هایش استفاده کنم. دوست دارم آن قدر خوب باشم تا خدا، سال دیگر برایم کارت دعوت عشق بفرستد.

خدایا! می دانم اگر از تو بخواهم، حتما دعوت می کنی. مگر می شود کسی را که یک سال انتظار کشیده، دعوت نکنی. مگر می شود بنده حقیری را که برای عشق سر به سجده ساییده و اشک ریخته، تنها بگذاری. خدایا! مثل آفتابگردان، روی مرا به طرف خودت بگیر و نگذار غیر از تو را دوست داشته باشم. خدایا! مرا از معتکفان واقعی ات قرار ده. آمین!»

(سمیه عزیزی)

لغت نامه

لغت نامه (۱)

ابتهال: دعا و زاری*

ابدال: دسته ای از صلحاء و خاصان خدا که گویند هیچ گاه زمین از آنان خالی نباشد.*

اجیر: شخصی که انجام عملی را در برابر مزدی متعهد میشود.*

استیجاری: عمل واجبی که شخص مکلف به جا نیاورده و [پس از مرگ او] با پرداخت وجهی شخصی را اجیر کنند تا آن را به جا آورد.* مانند اعتکاف استیجاری که اعتکافی است که فرد برای دیگری با دریافت مزد انجام می دهد.

اسرائیل: در زبان عبری به معنای بنده خدا است. (اسرا: بنده / ایل: خدا)

اعتصام: چنگ زدن*

اقتصار: اکتفا کردن به چیزی*

اقرب طرق: نزدیکترین راه

اماره: نشانه، علامت

اماله: تنقیه کردن که از مبطلات روزه است. امروزه به جای تنقیه از شیاف استفاده می شود.

انائیت: خودخواهی، غرور*

ائیت: خودبینی

اوتاد: چهار تن از اولیاء هستند که اگر یکی بمیرد دیگری به جایش آید.*

ایام البیض: روزهای سفید، روزهایی که شبهای آنها مهتابی و روشن است یعنی شبهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ هر ماه قمری

ایقاع: عمل قضایی یکطرفه ای که دارای دو شرط است: (۱) عمل یکطرفه باشد. (۲) قابل فسخ نباشد. برای تحقق ایقاع رضایت منشا اثر کافی است. مانند طلاق، نذر و عهد.

بنابر اقوی: نظر اقوی بر این است. فتوای صریح است و باید طبق آن عمل شود.

بیتوته: شب در جائی ماندن*

تبّرعی: داوطلبانه و بدون دریافت مزد

تجریّد: ترک اغراض دنیوی ظاهراً و نفی اغراض دنیوی و اخروی باطناً و فقط تقرب به خدا منظور باشد.

تضرّع: زاری نمودن به سوی خدا و عجز و خواری کردن و حاجت خواستن از وی*

۱-*: لغت نامه دهخدا

تعبدی: واجبات به دو قسم تعبدی و توصلی تقسیم می‌شوند. واجب تعبدی یعنی آنکه جهت صحت آن قصد قربت و نداشتن هیچ غرض دنیوی شرط است و گرنه صحیح نیست مانند نماز و روزه اما واجب توصلی یعنی اگر به قصد قربت هم انجام نیابد تکلیف ساقط می‌شود مانند دفن میت، اطاعت پدر و مادر، وفای به عهد.

تهجد: بیدار شدن برای نماز یا جز آن*، شب زنده داری جهت عبادت و نماز شب

تهلیل: لا اله الا الله گفتن

جوع: گرسنگی*، کم خوری

حرج: سختی و مشقت

خرق: پاره کردن*

راجحه: دارای رجحان و برتری

رجائاً: به قصد رجاء، به امید اینکه مطلوب باشد و به امید ثواب، نه به عنوان عمل به یک دستور مستحب دینی

زوال خورشید: اول ظهر که خورشید از میانه آسمان به طرف مغرب متمایل شود. نزدیک ظهر

الست: روزی که خداوند در عالم ذر خطاب به مردم الست بر بکم فرمود. لفظ الست اشاره است به آیه ۱۷۲ سوره اعراف «الست بر بکم؟ قالوا بلی». یعنی خداوند قبل از خلق اجساد به ارواح فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بلی. *

سرداب: زیرزمین

شَم طیب: بوئیدن چیز خوشبو

صمت: سکوت، خاموش بودن*، پرهیز از سخن بیهوده و لغو.

طوبی لهم: خوشا به حال آنان

ظهار: اینکه مرد به همسرش بگوید «انت علیّ کَظْهرِ اُمّی» (تو برای من همچون مادرم هستی). این نوعی از طلاق در زمان جاهلیت بود. طلاقى که نه بازگشت پذیر بود و نه زن آزاد می‌شد که بتواند همسری برای خود برگزیند. ظهار از گناهان کبیره است و هرگاه کسی نسبت به همسرش ظهار کند، همسرش می‌تواند با مراجعه به حاکم شرع او را موظف کند که یا رسماً از طریق طلاق از او جدا شود و یا چنانچه بخواهد به زندگی زناشویی ادامه دهد، باید پیش از بازگشت کفاره بدهد. کفاره ظهار این است که در صورت توانائی یک برده آزاد کند و اگر نتوانست دو ماه پی در پی روزه بگیرد و اگر آن هم مقدور نبود

شصت مسکین را اطعام کند. (تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۴۰۳)

عالم حس (شهادت یا ماده یا مُلک): همان عالم طبیعت است که جسم دارای ماده و صورت است.

عالم عقل (جبروت یا ارواح یا خلقت نوری یا تجرد تام): عالمی است که حقیقت و نفس در آن عالم، نه ماده دارد و نه صورت. موجودات آن مجرد تام (مثل ملائکه) هستند و فاقد ابعاد مکانی و زمانی هستند و تعلقی هم به موجود مادی ندارند. عالم عقل بالاترین مرتبه درعالم مخلوق بوده و در مرحله نازلتر، عالم مثال و پائینتر از آن عالم ماده و جهان مادی قرار دارد. [باطن باطن عالم مادی است].

عالم مثال (برزخ): عالمی است میان عالم ارواح و عالم اجسام که شبیه به عالم اجسام است مثل تصویر در آئینه که جسم به نظر می آید اما جسم نیست. خواب از صور عالم مثال است. روح بعد از جدا شدن از بدن تا قیامت درعالم مثال می ماند. [باطن اول عالم مادی است].

عُدول: برگشتن، رجوع کردن از رای و عقیده، اعراض از کاری که باید انجام دهند.

غریوان: فریاد کنان، بانگ زنان

قاصر: کوتاه آمده در وظیفه و کاری، نه به عمد*

قدرات: جمع قدر (پلیدی)

قی کردن: استفراغ کردن، که اگر به صورت عمدی انجام شود از مبطلات روزه است.

لاسیما: به خصوص

لتکیف: برای لذت

لوث: آلودگی*

مبدل السیئات بالحسنات: تبدیل کننده گناهان به حسنات

متردد: مردد، دو دل* (جاهل متردد: فردی که مساله را دقیق نمی داند)

محرّم: کسی که احرام می بندد و لباس احرام می پوشد.

مستحاضه: به طور کلی تمام خونهایی که غیر از حیض و نفاس و زخم و دمل است و از رحم خارج می شود خون استحاضه است که بر سه قسم است: کثیره، متوسطه و قلیله. زن را در موقع دیدن خون استحاضه، مستحاضه می گویند.

مشاق: سختی ها*

مقصر: کوتاه آمده در وظیفه به عمد*

موائد: جمع مائده (خوان پرطعام) *

موفور السرور: زیاد کننده سرور و شادی

منابع

- ١- ابن ابى جمهور الاحسائى (م ٨٨٠ق)، عوالى اللئالى، تحقيق السيّد شهاب الدين النجفى المرعشى، الغارات، قم، ١٤٠٣ هـ.ق.
- ٢- ابن حيون، نعمان بن محمّد مغربى (م ٣٦٣ق)، دائم الاسلام، تحقيق و تصحيح: فيضى آصف، ناشر موسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ دوّم، ١٣٨٥ هـ.ق.
- ٣- ابن شعبه حرانى، حسن بن على (قرن ٤)، تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله و سلم، تحقيق و تصحيح: غفارى على اكبر، ناشر جامعه مدرسين قم، چاپ دوم، ١٣٦٣ هـ.ش.
- ٤- ابن شعبه حرانى، حسن بن على (قرن ٤)، تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله و سلم، ترجمه جنتى، موسسه امير كبير، تهران، ١٣٨٢ هـ.ش.
- ٥- ابن شهر آشوب (م ٥٨٨ق)، مناقب آل ابى طالب، تحقيق و تصحيح و شرح: لجنه من اساتذه النجف الاشرف، المكتبه الحيدريه، النجف الاشرف، ١٣٧٦ هـ.ق.
- ٦- ابن فارس، احمد بن فارس (م ٣٩٥ق)، معجم المقاييس اللغه (٦جلد)، تصحيح هارون، عبدالسلام محمد، مكتب الاعلام الاسلامى، قم، ١٤٠٤ هـ.ق.
- ٧- ابن فهد الحلّى، جمال الدين احمد بن محمد (٧٥٧-٨٤١ق)، التحصين فى صفات العارفين من الغزله و الخمول بالاسانيه المتلتاه عن آل رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، تحقيق و نشر: مدرسه امام المهدي عليه السلام، سيد محمد باقر الموحد الابطحي (اصفهانى)، موسسه تحقيقات و نشر معارف اهل بيت عليهم السلام، ١٤٠٦ هـ.ق.
- ٨- ابن منظور، محمّد بن كرم (٦٣٠-٧١١ق)، لسان العرب (١٥جلد)، مصحح: عبدالوهاب، امين محمد و عبيدى، محمد صادق، دارالفكر للطباعه و النشر و التوزيع، بيروت، ١٤١٤ هـ.ق.
- ٩- ابوالحسن الشريف الرضى محمّد بن الحسين بن موسى الموسوى (م ٤٠٦ق)، نهج البلاغه (كلام اميرالمومنين عليه السلام)، تحقيق: السيّد كاظم المحمّدى و محمّد الدشتى، دار نشر الامام على عليه السلام، قم، چاپ دوم، ١٣٦٩ هـ.ش.
- ١٠- ابوبكر الكاشانى (م ٥٨٧)، بدايع الصنایع، المكتبه الحبيبيه باكستان، ١٤٠٩ هـ.ق.
- ١١- احمدى ميانجى، على، مكاتيب الائمة، تحقيق: فرجى، مجتبى، سازمان چاپ و نشر دارالحديث

- ۱۲- احمدی، دکتر امرالله، اعتکاف در غربت، سرود اندیشه، اصفهان، ۱۳۸۹ ه.ش.
- ۱۳- استاد ولی، حسین، آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۴- اصفهانی نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (م ۱۲۶۶ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (۴۳جلد)، تحقیق و تعلیق: شیخ عباس قوچانی-علی آخوندی، دارالکتب الاسلامیه، چاپخانه خورشید، تهران، چاپ ۱۳۶۷ ه.ش.
- ۱۵- امین الشرع خوئی، میرزا ابوالقاسم، تذکره المعاصرین، به کوشش: صدرائی خوئی، علی
- ۱۶- الامین، حسن (م ۱۳۶۸ق)، مستدرکات اعیان الشیعه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ه.ق.
- ۱۷- الامینی النجفی، عبدالحسین احمد (۱۳۹۲ق)، الغدیر، ترجمه: فارسی، جلال الدین، کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳
- ۱۸- الامینی النجفی، عبدالحسین احمد (۱۳۹۲ق)، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۹۷ ه.ق.
- ۱۹- انجم شعاع، محمّد، احکام اعتکاف، نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ه.ش.
- ۲۰- البخاری الجعفی، ابی عبدالله محمّد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره بن بردزیه (م ۲۵۶ق)، صحیح البخاری، تحقیق: دیب البغا مصطفی، دار ابن کثیر، بیروت، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۲۱- البستانی، فواد افرام، مهیار، رضا (م ۱۹۰۶م)، فرهنگ ابجدی (ترجمه کامل المنجد الابدی)، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۲۲- بهجت فومنی، محمّد تقی، استفتائات (بهجت) (۴جلد)، دفتر معظم له، قم، اول، ۱۴۲۸ ه.ق.
- ۲۳- بهجت فومنی، محمّد تقی، جامع المسائل (بهجت) (۵جلد)، دفتر معظم له، قم، دوم، ۱۴۲۶ ه.ق.
- ۲۴- بهجت فومنی، محمّد تقی، وسیله النجاه (للبيهجه) (یک جلد)، انتشارات شفق، قم، دوم، ۱۴۲۳ ه.ق.

- ۲۵- البیهقی، احمد بن الحسین (م ۴۵۸ق)، السنن الکبری، تحقیق: عطا، محمد عبد القادر، دارالکتب العلمیه، بیروت، اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۲۶- پاینده، ابوالقاسم (م ۱۳۶۳ش)، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲
- ۲۷- تبریزی، میرزا جواد بن علی (م ۱۴۲۷ق)، رساله احکام بانوان، قم
- ۲۸- تبریزی، محمد زمان بن کلبعلی (قرن ۱۲ق)، فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد، به کوشش: جعفریان رسول، ناشر: دفتر نشر میراث مکتوب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی احياء کتاب، تهران، ۱۳۷۳ ه.ش.
- ۲۹- تجلیل تبریزی، آیت الله ابوطالب، ارزشها و ضد ارزشها در قرآن، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم ۱۳۸۲ ه.ش.
- ۳۰- الترمذی (ابوعیسی)، محمد بن عیسی (م ۲۷۹ق)، سنن الترمذی (الجامع الصحیح)، تحقیق: محمد شاکر، احمد، دار احياء التراث، بیروت
- ۳۱- تقدسی نیا، خسرو، مسجد در آینه قرآن و روایات، انتشارات ائمه، قم، ۱۳۷۷ ه.ش.
- ۳۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (م ۵۵۰ق)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: درایتی مصطفی، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ ه.ش.
- ۳۳- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (م ۵۵۰ق)، غررالحکم و درر الکلم، تحقیق: رجائی سید مهدی، دارالکتاب الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۳۴- تمیمی، ابن حنیفه نعمان بن محمد (م ۳۶۳ق)، دعائم الاسلام، دارالمعارف، مصر، چاپ سوم
- ۳۵- جزائری، سید نعمت الله (م ۱۱۱۲ق)، النور المبین فی قصص الانبیاء والمرسلین، انتشارات شریف رضی، قم
- ۳۶- جزائری، سید نورالدین، محقق باقری بیدهندی، ناصر، خصائص زینبیه (ویژگی های حضرت زینب)، انتشارات مسجد مقدس جمکران
- ۳۷- جمالی، نصرت الله، اعتکاف، انتشارات لوح محفوظ، قم، اول، ۱۳۷۸ ه.ش.
- ۳۸- الجناحی (کاشف الغطاء)، جعفر (م ۱۲۲۸)، کاشف الغطاء، انتشارات مهدوی اصفهان

- ۳۹- الحر العاملي محمّد بن حسن (م ۱۱۰۴ق)، الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)، انتشارات دهقان، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ه.ش.
- ۴۰- الحر العاملي، محمّد بن الحسن (م ۱۱۰۴ق)، ترجمه صحت، علی، جهاد با نفس وسائل الشیعه، انتشارات ناس، تهران، ۱۳۶۴ ه.ش.
- ۴۱- الحر العاملي، محمّد بن الحسن (م ۱۱۰۴ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، تحقیق و تصحیح و تزییل: الرازی، الشیخ محمّد، تعلیق: الشعرانی، الشیخ أبی الحسن، دار إحياء التراث العربی، بیروت
- ۴۲- الحر العاملي، محمّد بن الحسن (م ۱۱۰۴ق)، وسائل الشیعه (۳۰ جلد)، تحقیق و تصحیح موسسه آل البيت علیهم السلام، ناشر موسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.
- ۴۳- الحر العاملي، محمّد بن الحسن (م ۱۱۰۴ق)، وسائل الشیعه (۳۰ جلد)، تحقیق و تصحیح: عبدالرحیم ریّانی شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۴۴- الحرّانی، الحسن بن علی (م ۳۸۱ق)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، تحقیق: علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۴۰۲ ه.ق.
- ۴۵- حسینی خامنه ای، سید علی، رساله اجوبه الاستفتائات، للطباعه و النشر دارالحق، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۶ م.
- ۴۶- حسینی خامنه ای، سید علی، مترجم: احمد رضا حسینی، رساله اجوبه الاستفتائات، الهدی، تهران، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۸ ه.ش.
- ۴۷- الحلیّ (سیّد بن طاووس)، السیّد رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ق)، الاقبال بالاعمال الحسنه (۳ جلد)، تحقیق: قیومی اصفهانی جواد، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه.ش.
- ۴۸- الحلیّ (سیّد بن طاووس)، السیّد رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ق)، الاقبال بالاعمال (۲ جلد)، محقق ندارد، دارالکتب اسلامیه، تهران، چاپ دوّم، ۱۴۰۹ ه.ق.

۴۹- حلی، مقداد بن عبدالله سیوری، ترجمه فارسی کنز العرفان فی فقه القرآن (۲جلد)، ترجمه و تصحیح بخشایشی، عبدالرحیم عقیقی (م ۸۲۶ق)، ناشر پاساژ قدس پلاک ۱۱۱، قم

۵۰- حیدری، معصومه، اثرات و برکات اعتکاف، تهران، اول، ۱۳۷۸ ه.ش.

۵۱- خراسانی واعظ زاده، محمّد، ترجمه الجمل و العقود فی العبادات، طوسی ابوجعفر محمد بن حسن (۴۶۰ ه.ق.)، موسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۷ق، چاپ اول، مشهد

۵۲- خراسانی، محمّد جواد (۱۲۹۱)، تحقیق ناصر باقری بیدهندی، اعتکاف در اسلام، بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نورالاصفیاء، ۱۳۸۱ ه.ش.

۵۳- خمینی، السید روح الله الموسوی، تحریر الوسیله (۲ جلد)، دارالکتب العلمیه، نجف اشرف، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ه.ش.

۵۴- خمینی، السید روح الله الموسوی، نجاه العباد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله

۵۵- خمینی، سید روح الله الموسوی، تحریر الوسیله (۴ جلد)، مترجم: اسلامی، علی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ ه.ق.

۵۶- خمینی، سید روح الله الموسوی، توضیح المسائل فارسی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم

۵۷- خمینی، سید روح الله الموسوی، توضیح المسائل (محتشی امام خمینی) (۲ جلد)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ ه.ق.

۵۸- خمینی، سید روح الله الموسوی، آداب الصلاه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ه.ش.

۵۹- خمینی، سید روح الله الموسوی، استفتائات (۲ جلد)، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، جلد اول ۱۳۶۶ و جلد دوم ۱۳۷۲ ه.ش.

۶۰- خمینی، سید روح الله الموسوی، شرح چهل حدیث

۶۱- خمینی، سید روح الله الموسوی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، موسسه چاپ و نشر

۶۲- خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۱ ه.ش.

۶۳- خوئی (م ۱۴۱۳ق)، توضیح المسائل (فارسی)، چاپ التاسع والعشرون، چاپخانه مهر قم، ۱۴۱۲ ه.ق.

۶۴- خوئی (م ۱۴۱۳ق)، منهاج الصالحین، چاپ الثامن و العشرون، چاپخانه مهر قم، ۱۴۱۰ ه.ق.

۶۵- الدارقطنی (م ۳۸۵)، سنن دارقطنی، تحقیق: مجدی بن منصور سیدالشوری، دارالکتب العلمیه بیروت، ۱۴۱۷ ه.ق.

۶۶- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، نشر مشرقین، قم، چاپ هفتم

۶۷- دکتر جواد علی، کتاب المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، دارالساقی، چاپ چهارم، ۱۴۲۲ ه.ق.

۶۸- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا

۶۹- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد (م ۴۲۵ق)، مفردات الفاظ القرآن الکریم، تحقیق: داودی، صفوان عدنان، دارالقلم، بیروت، اول، ۱۴۱۲ ه.ق.

۷۰- الراوندی، فضل الله (م ۵۷۱)، النوادر، تحقیق: سعید رضا علی عسکری، مؤسسه دار الحدیث الثقافیه، قم، چاپ اول

۷۱- رضایی تیریزی، اکبر، مجله گلبرگ، شهادت شیخ فضل الله نوری، شماره ۳۱، تیر ۱۳۸۱ ه.ق.

۷۲- رواه (قرن ۳)، الاصول الستة عشر من الاصول الاولية (مجموعه من كتب الروایه الاولية فی عصر الائمة المعصومین علیهم السلام)، تصحیح: محمودی ضیاء الدین، جلیلی نعمت الله، غلامعلی مهدی، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (دارالحدیث، ۱۳۸۱)

۷۳- زاهری، احسان، اعتکاف نجوای عاشقانه، نشر الطیبار، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه.ش.

۷۴- زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام المساجد باحكام المساجد، تحقیق المراغی، ابوالوفاء مصطفی، قاهره، ۱۳۸۴ ه.ق.

۷۵- سازمان تبلیغات اسلامی اصفهان، اعتکاف خلوت چند روزه با خدا، اصفهان، ۱۳۷۵ ه.ش.

۷۶- سازمان تبلیغات اسلامی خراسان جنوبی، ویژه نامه اعتکاف، بیرجند، ۱۳۸۵ ه.ش.

۷۷- سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت فرهنگی، حیات طیبه (مجموعه مقالات پیرامون اعتکاف)، نشر نوای قلم، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه.ش.

۷۸- السجستانی الازدی، ابی داود سلیمان بن اشعث (م ۲۷۵ق)، سنن ابی داود، تحقیق: عبدالحمید، محمّد محیی الدین، دار احیاء السنّه النبویه، بیروت

۷۹- سعادت پرور الشیخ علی، سر الاسراء فی شرح حدیث المعراج، مکتبه التشیع، ۱۴۱۶ ه.ق.

۸۰- سمهودی، علی بن احمد وفاء، الوفاء باخبار المصطفی، تصحیح: محفوظ خالد عبدالغنی، دارالکتب العلم

۸۱- سیاح، احمد، ترجمه المنجد، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۸۷ ه.ش.

۸۲- السید الطباطبائی (م ۱۴۱۲)، سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم، تحقیق: الشیخ محمّد هادی الفقهی، موسسه النشر الاسلامی، رمضان ۱۴۱۹ ه.ق.

۸۳- السید محمّد العاملی (م ۱۰۰۹)، مدارک الاحکام، تحقیق و نشر موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیا التراث، قم المشرفه، ۱۴۱۰ ه.ق.

۸۴- سیستانی، حاج سید علی، تعلیقه علی العروه الوثقی (۳ جلد)، چاپ اول، ستاره قم، ۱۴۱۵ ه.ق.

۸۵- سیستانی، حاج سید علی، منهاج الصالحین، مکتب آیت الله العظمی السید سیستانی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.

۸۶- سیوطی، جلال الدین (م ۹۱۱ق)، درر المنتور، ناشر دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت

۸۷- شریف رضی محمّد بن حسین (م ۴۰۶ق)، فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الاسلام)، موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ ه.ق.

۸۸- شعیری، محمّد بن محمّد (قرن ۶)، جامع الاخبار، مطبعه الحیدریه، نجف، چاپ اول

۸۹- الشوکانی (م ۱۲۵۵م)، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، ۱۹۷۳ میلادی

٩٠- الشيخ المفيد (م ٤١٣)، الاختصاص، تحقيق: علي اكبر الغفاري، السيد محمود الزرندی، دارالمفيد للطباعة والنشر و التوزيع، بيروت، ١٤١٤ ه.ق.

٩١- صافي گلپايگانی، شيخ لطف الله، جامع الاحكام (٢جلد)، انتشارات حضرت معصومه عليها السلام، ١٤١٧ ه.ق.

٩٢- صافي گلپايگانی، شيخ لطف الله، منهاج الصالحين

٩٣- صافي گلپايگانی، شيخ لطف الله، هدايه العباد، دارالقرآن الکریم، چاپ اول، ١٤١٦ ه.ق.

٩٤- الصدوق (محمّد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي) (م ٣٨١ق)، امالي (لصدوق)، تحقيق: الغفاري، علي اكبر، كتابچي، تهران، ١٣٧٦ ه.ش.

٩٥- الصدوق (محمّد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي) (م ٣٨١ق)، الخصال، تحقيق، تصحيح و تعليق: علي اكبر الغفاري، منشوراه جماعه المدرسين في الحوزه العلميه في قم المقدسه، ١٤٠٣ ه.ق.

٩٦- الصدوق (محمّد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي) (م ٣٨١ق)، آقا نجفي اصفهاني، محمدتقي (٣٨١ق)، ترجمه عيون اخبار الرضا (ع)، انتشارات علميه اسلاميه، تهران، چاپ اول

٩٧- الصدوق (محمّد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي) (م ٣٨١ق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تحقيق: الغفاري، علي اكبر، كتابفروشي صداقت، تهران

٩٨- الصدوق (محمّد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي) (م ٣٨١ق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تحقيق: السيد محمد مهدي الخراسان، منشوراه الشريف الرضي، قم، چاپ دوم، ١٣٦٨ ه.ش.

٩٩- الصدوق (محمّد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي) (م ٣٨١ق)، علل الشرائع (٢جلد)، كتابفروشي داوري، قم، ١٣٨٥ ه.ش.

١٠٠- الصدوق (محمّد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي) (م ٣٨١ق)، فضائل الاشهر الثلاثة (شهر رجب، شهر شعبان، شهر رمضان)، تحقيق: عرفانيان يزدي، ميرزا غلامرضا، ناشر كتابفروشي داوري، قم، ١٣٨٥ ه.ش.

- ۱۰۱- الصدوق (محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی) (م ۳۸۱ق)، کمال الدین (۲جلد)، ترجمه پهلوان، منصور تصحیح غفاری، علی اکبر، دارالحديث، قم، ۱۳۸۰ه.ش.
- ۱۰۲- الصدوق (محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی) (م ۳۸۱ق)، من لایحضره الفقیه، تحقیق: الغفاری، علی اکبر، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۱۰۳- الطباطبائی الیزدی، سید محمد کاظم (م ۱۳۳۷ق)، العروه الوثقی (دو جلد)، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ه.ق.
- ۱۰۴- طباطبائی بروجردی، سید حسین (م ۱۳۸۳)، جامع احادیث الشیعہ، مطبعه مهر، قم، ۱۴۰۱ ه.ق.
- ۱۰۵- الطباطبائی، السید محمد حسین (م ۱۴۱۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۴ ه.ق.
- ۱۰۶- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ ه.ش.
- ۱۰۷- طبرسی، فضل بن حسن (م ۵۴۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (۱۰جلد)، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲
- ۱۰۸- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین (۶ جلد)، کتابفروشی مرتضوی تهران، سوم، ۱۴۱۶ ه.ق.
- ۱۰۹- الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن (۳۸۵-۴۶۰ق)، تحقیق موسسه البعثه، امالی، مرکز چاپ و نشر در موسسه بعثه، قم، اول، ۱۴۱۷ ه.ق.
- ۱۱۰- الطوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)، الاستبصار فیما اختلف من اخبار، تحقیق: السید حسن الموسوی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ه.ش.
- ۱۱۱- الطوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۰ ه.ق.
- ۱۱۲- الطوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید رضوان الله علیه (۱۰جلد)، تحقیق و تعلیق: موسوی، السید حسن، دارالکتب الاسلامیه تهران، ۱۳۶۴ ه.ش.

- ۱۱۳- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی (م ۹۰۵ق)، بلد الامین و الدرع الحصین، چاپ سنگی
- ۱۱۴- العاملی، بهاء الدین محمّد بن الحسین و الساوجی، نظام بن حسین (م ۱۰۳۱ق)، جامع عباسی و تکمیل آن (محمشی ط- جدید)، تصحیح و انتشار: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۴۲۹ ه.ق.
- ۱۱۵- عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پوری شیرازی، منتهی الارب فی لغه العرب، ترجمه و تصحیح: دکتر محمدحسن فوادیان، دکتر علیرضا حاجیان نژاد، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰
- ۱۱۶- عثمانی، محمّد تقی، مترجم امراء، یار محمّد، مسائل و احکام اعتکاف، احمد جام، تربت جام، ۱۳۷۹ ه.ش.
- ۱۱۷- العروسی الحویزی، عبد علی بن جحد (۱۱۱۲ق)، تفسیر نورالثقلین (۵جلد)، تحقیق: رسولی محلاتی، هاشم، ناشر اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.
- ۱۱۸- العسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۷۷۳-۸۵۲ق)، لسان المیزان، محقق: شیخ علامه ابی غده عبدالفتاح، مکتب المطبوعات الاسلامیه، ۱۴۲۳ ه.ق.
- ۱۱۹- علامه حلّی (۷۲۶ق)، تذکره الفقها (۲جلد)، منشوراه المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چاپ سنگی
- ۱۲۰- علیان نژادی، ابوالقاسم، اعتکاف عبادتی کامل، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۱۲۱- فاضل لنکرانی، محمّد، جامع المسائل (فارسی) (دو جلد)، انتشارات امیرقلم، قم، چاپ یازدهم
- ۱۲۲- فاضل لنکرانی، محمّد، اعتکاف و احکام آن (یک جلد)، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۲۷ ه.ق.
- ۱۲۳- فاضل لنکرانی، محمّد، آیت الله حاج شیخ محمّد، الحواشی علی العروه الوثقی، مهر قم، ۱۴۱۵ ه.ق.
- ۱۲۴- فاضل لنکرانی، محمّد، رساله توضیح المسائل، انتشارات مطبوعاتی امیر، قم، ۱۳۷۸ ه.ش.

- ۱۲۵- الفثال النيسابورى، محمد بن احمد (م ۵۰۸ق)، روضه الواعظين، تحقيق: السيد محمد مهدى السيد حسن الخرسان، منشوراه الشريف الرضى، قم
- ۱۲۶- فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين (۹جلد)، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۰۹ ه.ق.
- ۱۲۷- فلاح زاده، محمد حسين، احكام اعتكاف، انتشارات دليل ما، قم، ۱۳۸۳ ه.ق. (انتشارات نورالسجاد، قم، ۱۳۷۸ ه.ش.)
- ۱۲۸- فيض كاشانى، محمد محسن بن شاه مرتضى (م ۱۰۹۱ق)، الوافى (۲جلد)، ناشر كتابخانه امام اميرالمومنين عليه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ ه.ق.
- ۱۲۹- الفيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير (۲جلد)، دارالهجره، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۱۳۰- قرشى بنايى، سيد على اكبر، قاموس قرآن (۷جلد)، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ه.ق.
- ۱۳۱- قزوينى، ابن ماجه ابى عبدا... محمّد بن يزيد بن ماجه (م ۲۷۵ق)، سنن ابن ماجه، تحقيق: عبدالباقي، محمّد فواد، دارالاحياء التراث، بيروت، ۱۳۹۵ ه.ق.
- ۱۳۲- قمى، شيخ عباس (م ۱۳۵۹)، الغايه القصوى فى ترجمه العروه الوثقى (ترجمه فارسى العروه الوثقى)، انتشارات مكتب المرتضويه لاحياء الآثار الجعفرية، تهران
- ۱۳۳- قمى، شيخ عباس (م ۱۳۵۹ق)، فوائد الرضويه فى احوال علماء المذهب الجعفرية (سرگذشت عالمان شيعه) (۲جلد)، دفتر تبليغات اسلامى، قم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۱۳۴- قمى، شيخ عباس (م ۱۳۵۹ق)، مفاتيح الجنان
- ۱۳۵- القيشيرى النيشابورى، ابى حسين مسلم بن الحجاج (م ۲۶۱ق)، صحيح مسلم، تحقيق: عبدالباقي، محمّد فواد، دارالحدیث، قاهره، ۱۴۱۲ ه.ق.
- ۱۳۶- كلينى، محمّد بن يعقوب بن اسحاق (م ۳۲۹ق)، الكافى (ط-اسلاميه) (۸جلد)، تصحيح غفارى على اكبر، آخوندى محمد، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ۱۴۰۷ ه.ق.
- ۱۳۷- كلينى، محمّد بن يعقوب بن اسحاق (م ۳۲۹ق)، بهبودى، محمد باقر، گزیده كافي (۳جلد)، مركز انتشارات علمى و فرهنگى، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش.

۱۳۸- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۳۲۹ق)- کمره ای، محمد باقر، اصول کافی (ترجمه کمره ای) (۶جلد)، اسوه، قم، ۱۳۷۵ ه.ش.

۱۳۹- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۳۲۹ق)، مصطفوی، سید جواد، اصول کافی (ترجمه مصطفوی) (۴جلد)، کتابفروشی علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۶۹ ه.ش.

۱۴۰- الکوفی (الراوی)، محمد بن الأشعث (ق ۴ق)، الجعفریات (الاشعثیات)، مکتبه نینوی، چاپ سنگی، تهران، ۱۲۷۱

۱۴۱- گرشاسبی، خدیجه، فرهنگ اعتکاف، موعود اسلام، قم، ۱۳۸۸ ه.ش.

۱۴۲- گروهی از پژوهشگران، اعتکاف ابرار، خُلق، قم، ۱۳۸۸ ه.ش.

۱۴۳- گلپایگانی (م ۱۴۱۴ق)، مجمع المسائل، چاپ چهارم، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۲ ه.ش.

۱۴۴- گلپایگانی (م ۱۴۱۴ق)، هدایه العباد، چاپ اول، سپهر، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.

۱۴۵- مجلسی اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی (م ۱۱۱۰ق)، بیست و پنج رساله فارسی، تصحیح رجائی، سید مهدی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۲ ه.ق.

۱۴۶- المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (م ۱۱۱۱ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، موسسه دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق.

۱۴۷- مجموعه استفتائات ستاد مرکزی اعتکاف قم و معاونت فرهنگی مسجد مقدس جمکران

۱۴۸- محقق اردبیلی (م ۹۹۳)، مجمع الفائده، تحقیق: العراقی، مجتبی، پناه الاشتهاردی، الشیخ علی، الیزدی الاصفهانی، حسین، ناشر موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه، قم، ۱۴۰۶ ه.ق.

۱۴۹- المحقق النراقی (م ۱۲۴۴ق)، مستند الشیعه، تحقیق و نشر موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.

۱۵۰- محمد بن سعد بن منیع الزهری (م ۲۳۰ق)، الطبقات الکبری، محقق: عمر، علی محمد، دار صادر، بیروت

۱۵۱- محمدی ری شهری محمد، میزان الحکمه (۴جلد)، تحقیق: دارالحديث، ناشر دارالحديث

۱۵۲- محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم

- ۱۵۳- محمدی، محمدرضا، مناسک حج (محمشی) (یک جلد)، نشر مشعر، تهران، ۱۴۲۹ ه.ق.
- ۱۵۴- محمودزاده حسینی، سید حمید، اعتکاف در خلوت انس، انتشارات قدس، قم، اول، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۱۵۵- مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ ه.ش.
- ۱۵۶- مرکز آموزش و پژوهش سازمان تبلیغات اسلامی، اعتکاف مقدمه عرفان، دفتر بررسیهای اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش.
- ۱۵۷- مروارید علی اصغر، الینایع الفقیهه (۴۵ جلد)، موسسه فقه شیعه، بیروت، ۱۴۱۳ ه.ق.
- ۱۵۸- مصطفوی، حسن (۱۴۲۶ق)، التحقيق فی کلمات قرآن الکریم (۱۴ جلد)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ه.ش.
- ۱۵۹- مظاهری، حسین، اعتکاف سلوک منتظران، موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء، اصفهان، ۱۳۹۰ ه.ش.
- ۱۶۰- مفید، محمد بن حسن (م ۴۱۳ق)، الامالی (للمفید)، ترجمه استاد ولی، حسین، آستانقدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۴ ه.ش.
- ۱۶۱- مقدادی اصفهانی، علی، نشان از بی نشانها، انتشارات جمهوری (اسدی)، تهران، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۱۶۲- مقدسی امیری، حسین، اعتکاف سنت حسنه، پیام مقدس، قم، ۱۳۸۸ ه.ش.
- ۱۶۳- مقریزی، احمد بن علی (م ۸۴۵ق)، السلوک لمعرفة دول الملوک (۷ جلد)، تصحیح زیاده، محمد مصطفی، قاهره، ۱۳۳۷ ه.ق.
- ۱۶۴- مکارم شیرازی، ترجمه قرآن حکیم به همراه شرح آیات منتخب، محقق فقیهی رضایی محمّد، مرعشی حسین و ... مرکز طبع و نشر قرآن ج ۱۱، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۱۶۵- مکارم شیرازی، ناصر، احکام بانوان، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، قم، یازدهم، ۱۴۲۸ ه.ق.

- ۱۶۶- مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید (مکارم) (۳ جلد)، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، قم، دوم، ۱۴۲۷ ه.ق.
- ۱۶۷- مکارم شیرازی، ناصر، تعلیقات علی العروه الوثقی، مدرسه امیرالمومنین، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
- ۱۶۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ه.ش.
- ۱۶۹- ملکی تبریزی، میرزا جواد بن شفیع، مترجم: محدث بندرویگی، ابراهیم، المراقبات فی اعمال السنه، نشر اخلاق، قم، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۱۷۰- المنسوب الی الامام علی بن الحسین علیه السلام، الصحیفه السجادیه، تصحیح: انصاریان، علی، المستشاریه الثقافیه للجمهوریه الاسلامیه ایرانیه، دمشق، ۱۴۰۵ ه.ق.
- ۱۷۱- المنسوب للامام الصادق علیه السلام (م ۱۴۸ق)، مصباح الشریعه، موسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت، ۱۴۰۰ ه.ق.
- ۱۷۲- موظف رستمی، محمد علی، آیین مسجد، انتشارات گویه تهران، ۱۳۸۲ ه.ش.
- ۱۷۳- موظف رستمی، محمد علی، بایسته های اعتکاف، انتشارات گویه، چاپ اول
- ۱۷۴- موظف رستمی، محمد علی، مسجد و اعتکاف (آنچه را که یک معتکف باید بداند)، انتشارات پرهیب، کرج، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۱۷۵- موظف رستمی، محمد علی، روشهای جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و نماز جماعت، انتشارات پرهیب، کرج، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۱۷۶- مولوی، غیاث الدین محمد بن جلال الدین مصطفی آبادی رامپوری، غیاث اللغات، چاپ سنگی
- ۱۷۷- نفیسی، دکتر علی اکبرخان (۱۲۶۴-۱۳۴۲ ه.ق)، فرهنگ ناظم الاطباء
- ۱۷۸- نوبهار، رحیم، اعتکاف سنت محمدی، موسسه عمران مساجد، تهران، ۱۳۷۶
- ۱۷۹- النوری الطبرسی، الحاج میرزا حسین بن محمد تقی (م ۱۳۲۰ ه.ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (۲۸ جلد)، تحقیق و تصحیح موسسه آل البيت لاحیاء التراث، نشر موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۱۸۰- نوری همدانی، حسین، هزار و یک مساله فقهی (مجموعه استفتائات)، ناشر: موسسه مهدی موعود (عج)، قم

۱۸۱- هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام (۳ جلد)، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۲۶ ه.ق.

۱۸۲- الهندی، علامه علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین (م ۹۷۵)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق و تفسیر حیانی، تصحیح: السقا، الشیخ صفوه، الشیخ بکری، مکتبه الرساله، بیروت، ۱۳۹۹ ه.ق.

۱۸۳- وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل (للوحد)، مدرسه باقرالعلوم علیه السلام، قم، نهم، ۱۴۲۸ ه.ق.

۱۸۴- وحید خراسانی، منهاج الصالحین (للوحد) (۳ جلد)، مدرسه امام باقر علیه السلام، قم، پنجم، ۱۴۲۸ ه.ق.

۱۸۵- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (م ۶۰۵ق)، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزهه النواظر)، مکتبه فقیه، قم، ۱۴۱۰ ه.ق.

۱۸۶- یحیی بن شرف النووی (م ۶۷۶)، ریاض الصالحین، دارالفکر المعاصر بیروت لبنان، ۱۴۱۱ ه.ق.

۱۸۷- یوسفی صراف، احمد، سلوک (ویژه نامه اعتکاف)، آستان قدس رضوی، تیرماه ۱۳۸۸ ه.ش.

www.mtb.ir/fa

۱۸۸- آیت الله العظمی بهجت

www.farsi.khamenei.ir

۱۸۹- آیت الله العظمی خامنه ای

www.sistani.org

۱۹۰- آیت الله العظمی سیستانی

www.lankarani.org/far

۱۹۱- آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

www.makaremshirazi.org

۱۹۲- آیت الله العظمی مکارم

www.noorihamedani.com

۱۹۳- آیت الله العظمی نوری همدانی

www.vahid-khorasani.ir

۱۹۴- آیت الله العظمی وحید خراسانی

۱۹۵- آیت الله فاضل، استفتا www.lankarani.ir/common/php/contactus

۱۹۶- آیت الله مکارم، استفتا www.persian.makarem.ir/forms/efor_ph

www.hawzah.net

۱۹۷-

www.labbaik.ir

۱۹۸-

چکیده

تعریف اعتکاف: عبارت است از ماندن در مسجد و درنگ در آن به قصد اینکه بندگی خدا نماید. (امام خمینی)

سیره پیامبران و معصومین و نتایج حاصل از مطالعه آیات و روایات:

۱- خداوند در آیه ۱۲۵ بقره دستور داد تا بهترین مکان (کعبه) را بهترین انسانها یعنی حضرت ابراهیم و اسماعیل برای اعتکاف آماده سازند. مشخص میشود که اعتکاف سنت پیامبران قبل از اسلام بوده که در ردیف طواف کعبه و رکوع و سجود آمده است و از این آیه (خانه مرا پاک و آماده سازید) معلوم میشود معتکفین میهمان خدا و مورد الطاف خاص خدا میباشند.

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیه السلام نسبت به اعتکاف در ماه رمضان اهتمام داشتند.

۳- بهترین اماکن یعنی مساجد جامع، جایگاه معتکف میباشد.

۴- اعتکاف جهاد اکبر و سبب سازندگی انسان و آمرزش گناهان است

۵- فضای اعتکاف، شبیه فضای روحانی احرام در حج و عمره است.

زمان اعتکاف: بهترین زمان اعتکاف دهه آخر ماه رمضان است و در ماه رجب به دلایلی مانند فضیلت ماه رجب و روزه آن و اعمال ام داود، رواج یافته است.

شرائط اعتکاف:

۱- عقل: بیهوشی، مستی و جنون باعث بطلان اعتکاف میشود.

۲- نیت: اعتکاف باید به قصد تقرب و اخلاص باشد. (ریا سبب بطلان میشود)

۳- روزه: هر چیزی که روزه را باطل کند موجب ابطال اعتکاف میشود.

۴- مدت اعتکاف: حداقل مدت اعتکاف سه روز از طلوع فجر روز اول تا غروب آفتاب روز سوم است.

۵- مکان اعتکاف: اعتکاف در مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد بصره مستحب و در مساجد جامع، جائز است.

۶- اجازه از کسی که اجازه اش معتبر است مانند اجازه زن از همسرش، فرزند از والدین، کارگر از کارفرما

۷- استمرار حضور: معتکف حق خروج از مسجد را جز در موارد خاص، ندارد.

اعمال باطل کننده اعتکاف:

۱- امور جنسی شامل هرگونه بهره برداری جنسی

۲- انواع معامله و تجارت

۳- جدال و مناقشه به قصد اظهار فضل

۴- هر عاملی که یکی از شرائط اعتکاف را از بین ببرد.

جایگاه مسجد در آیات و روایات:

مساجد خانه های خدا در روی زمین و بهترین اماکن بوده و محل جلوس پیامبران و خانه متقین و مؤمنین و پارسایان و باغهای بهشت و از بازارهای آخرت و انوار الهی در زمین هستند. اهل مسجد زائران خدا هستند و حضور در مسجد و عبادت در آن موجب ثواب فراوان خواهد شد.

مختصری از اعمال ایام الیض ماه رجب:

اعمال مشترک ماه رجب:

خواندن دعای «یا من ارجوه لکل خیر... بعد از هر نماز

اعمال شب سیزدهم:

خواندن یک نماز دو رکعتی، در هر رکعت حمد، یس، ملک و توحید یکمرتبه

اعمال شب چهاردهم:

خواندن دو نماز دو رکعتی، در هر رکعت حمد، یس، ملک و توحید یکمرتبه

اعمال شب پانزدهم:

۱- غسل

۲- شب زنده داری به عبادت

۳- خواندن زیارت امام حسین علیه السلام

۴- خواندن سه نماز دو رکعتی، در هر رکعت حمد، یس، ملک و توحید یکمرتبه

۵- خواندن ۱۵ نماز دو رکعتی، در هر رکعت حمد یکمرتبه و توحید ۱۰ مرتبه

۶- خواندن ۶ نماز دو رکعتی، در هر رکعت حمد، توحید، فلق، ناس، آیه الکرسی و قدر هر کدام چهار مرتبه

اعمال روز پانزدهم:

۱- غسل

۲- زیارت امام حسین علیه السلام

۳- خواندن نماز سلمان (صفحه ۱۶۱)

۴- خواندن چهار رکعت نماز (صفحه ۱۷۷)

۵- اعمال امّ داود (صفحه ۱۸۱)

توصیه هائی به معتکفین:

۱- قبل از اعتکاف، معتکف باید خود را از نظر ظاهری و درونی و روحی آماده نماید و نسبت به اعتکاف مطالعه کافی داشته باشد.

۲- در حین اعتکاف، معتکف باید جهت بهره وری بیشتر نسبت به انجام اموری اهتمام لازم را بنماید.

۳- پس از اعتکاف، معتکف باید نسبت به ارزشیابی خود و حفظ آثار اعتکاف جدیت لازم را بنماید.

آثار اعتکاف: اعتکاف دارای آثار فراوان فردی، اجتماعی میباشد.

سیر مطالعاتی کتاب براساس فرصت زمانی مطالعه

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

پیشنهاد میشود چنانچه فرصت ندارید کل کتاب را یکجا مطالعه نمائید، بر اساس زمانی که در اختیار دارید، به ترتیب ذیل کتاب را مطالعه نمائید:

الف- ۱۵ دقیقه:

۱- چکیده: (صفحه ۳۷۴ تا ۳۷۶)

ب- یک ساعت:

۱- چکیده: (صفحه ۳۷۴ تا ۳۷۶)

۲- فقط فهرست فصل ۸ (توصیه هائی به معتکفین)

ج- چندین ساعت:

۱- چکیده: (صفحه ۳۷۴ تا ۳۷۶)

۲- فقط فهرست فصل ۸ (توصیه هائی به معتکفین)

۳- سیر عرفانی اعتکاف (قبل یا هنگام یا بعد از اعتکاف) (صفحه ۲۳۴ تا ۲۴۰ - ۲۶۶ تا ۲۷۴ - ۲۷۹ تا ۲۸۳)

د- یک روز

علاوه بر مطالب فوق

۱- قسمت مناسب فصل ۸ (توصیه هائی به معتکفین، قبل یا هنگام یا بعد از اعتکاف) (صفحه ۲۳۳ تا ۲۴۰ - ۲۴۰ تا ۲۷۷ - ۲۷۸ تا ۲۸۳)

۲- توصیه هائی در خصوص مسجد و اعتکاف (صفحه ۱۹۴ تا ۲۲۰)

۳- فهرست فصل ۵ (زمان، اعمال، آداب و ادعیه)

۴- فصل ۳ (اعتکاف در اسلام)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹